

چکیده مقاله‌های هشتمین همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان



Abstracts of the 8th International Conference of Young Archaeologists February 2022
Prepared By: Majid Montazer Zohouri

چکیده مقاله‌های هشتمین همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان
Abstracts of the 8th International Conference of Young Archaeologists



به کوشش: مجید منتظر ظهوری
اسفند ۱۴۰۰



icyaconf.ut.ac.ir
[archaeological_association](https://www.instagram.com/archaeological_association)

طراح: مجید منتظر ظهوری
@montazerzohouri



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



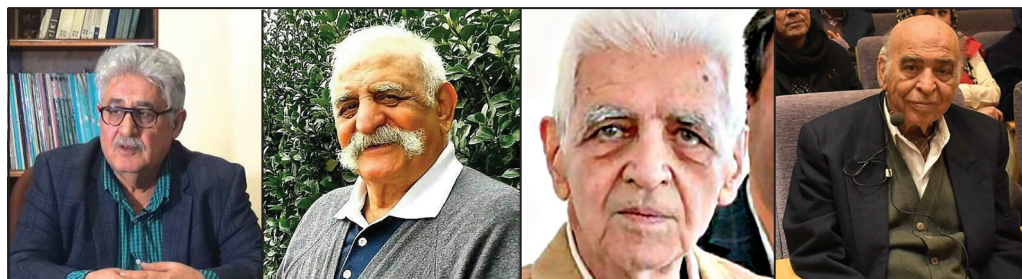
مجموعه چکیده‌های

هشتمین همایش بین المللی باستان شناسان جوان

به کوشش

مجید منظر طهوری

سال‌ها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب
لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن



هشتمین دوره همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان، یاد و خاطره اساتید پیشکسوت باستان‌شناسی دانشگاه تهران شادروانان دکتر حسن طلایی، صادق ملک‌شهمیرزادی و مسعود گلزاری، رضا مستوفی‌فر که به تازگی از میان ما پرگشودند، را گرامی می‌دارد.

فهرست

- پیشگفتار..... ۱۷
- سخن دبیر علمی همایش..... ۱۹
- هموندان همایش ۲۰

فهرست عناوین

پیش از تاریخ

- مطالعه فرایند گذار از دوره مس‌سنگی جدید به عصر مفرغ در جنوب شرق ایران بر اساس کاوش‌های محوطه ورامین جیرفت و تپه دهنو شهداد..... ۲۶
- افغانستان در دوران پیش از تاریخ متاخر و آغاز تاریخی ۲۷
- بررسی و تحلیل فرم ظاهری بناهای جنوب غرب ایران در هزاره چهارم ق.م ۲۸
- تحلیل لایه‌نگاری مجموعه شوش در دوره آغاز ایلامی ۲۹
- بررسی تطبیقی فرم معماری جوامع بین‌النهرین با جنوب غرب فلات ایران (خوزستان) در نیمه دوم هزاره چهارم پیش از میلاد..... ۳۰
- بررسی نشانه‌های آوایی خط آغاز ایلامی ۳۱
- گویزله، شواهدی از دوره پارینه‌سنگی میانی در منطقه هورامان (شهرستان پاوه، استان کرمانشاه) ۳۲
- فصل سوم کاوش باستان‌شناختی غار کلدِر: اهداف و دستاوردها ۳۳
- شواهدی از دوره نوسنگی در تل قلعه مرو دشت..... ۳۴
- تطبیق نقش‌مایه بز روی سفالینه‌های تل باکون الف و مهرهای فرهنگ عبید از منظر نمادشناسانه ۳۵
- بررسی باستان‌شناختی استقرارهای پیش از تاریخی بزنگان، بغغو و فیروزه در امتداد شرقی هزار مسجد دشت سرخس ۳۶
- محوطه‌های دالمایی و محوطه‌های در ارتباط با دالما ۳۷
- باستان‌شناسی دین و آیین، مروری بر گورستان‌های منطقه مرکزی ایران ۳۸
- سومین گونه آجرهای منقوش عصر آهن فلات ایران: بررسی و مطالعه آجرهای منقوش محوطه باباجان موجود در موزه ملی ایران ۳۹

- ۴۰..... گزارش بررسی باستان‌شناسی شهرستان اهر
- ۴۱..... محوطه‌ها و مواد فرهنگی دوره مس‌وسنگ شهرستان چگنی، استان لرستان
مقایسه نقوش اشیای سنگ‌صابونی ایران و بین‌النهرین
- ۴۲..... در راستای بررسی نظریه اشاعه‌گری فرهنگی
شرق زاگرس مرکزی در هزاره چهارم پ.م، بررسی گونه شناختی
و طبقه‌بندی سفال دوره گودین VI3 در محوطه پیش از تاریخی تاق بستان کرمانشاه..... ۴۳
- ۴۴..... فرهنگ بلخی-مروی در بلوچستان
- ۴۵..... تحلیل ساختاری نقوش سفال‌های دوره مس‌سنگی محوطه جم محلات.....
- ۴۶..... نگاهی به حوزه پراکنش و منشأ سفال سبک «جارمو/سراب» در غرب ایران و بین‌النهرین.....
برهمکنش‌های فرهنگی سرزمین‌های مرزی هندوایرانی:
- ۴۸..... بررسی گستره پراکنش سفال خاکستری منقوش مکران.....
- ۴۹..... مروری بر نظریات آنتونیو ساگونا در باب فرهنگ کورارس.....
گاهنگاری مطلق تپه سیلک جنوبی و سکوی خشتی آن،
با استفاده از روش OSL لومینسانس برانگیخته نوری..... ۵۰
- تحلیلی بر معماری محوطه‌های دوره آغاز ایلامی در نیمه دوم هزاره چهارم ق.م
در حوزه جنوب غرب و فلات مرکزی ایران..... ۵۱
- ۵۲..... تجارت لاجورد در هزاره چهارم پیش از میلاد و نقش آن در توسعه شهرنشینی در ایران
- ۵۳..... دشت سیستان در عصر مفرغ، نگاهی به محوطه‌های اقماری شهر سوخته.....
- ۵۴..... تپه قلا سومار، طولانی‌ترین توالی استقرار در حاشیه غربی کوهستان زاگرس.....
- ۵۵..... طبقه‌بندی پیکرک‌های عصر آهن کرانه‌های جنوبی دریای کاسپی.....
شناسایی و مطالعه محوطه‌های باستانی عصر مفرغ
حوزه رودخانه چهل‌چای مینودشت گلستان..... ۵۶
- مدیریت منابع انسانی و نیروی کار در پایان هزاره چهارم پیش از میلاد
بر اساس گل‌نشته‌های آغاز ایلامی..... ۵۷

دوره تاریخی

- ۶۰..... بررسی و توصیف غار دستکند چشمه سهراب، شهرستان هرسین در استان کرمانشاه
- ۶۱..... سیستم آب‌رسانی ساسانی قصر شیرین.....

- مطالعه تطبیقی نقش نیزه سه سر روی سکه‌های الیمایی
- با «پارته» سلاح صید ماهی در منطقه رودخانه مارون و جراحی ۶۲
- سنگ‌نگاره مرد سوار بر اسب حاجی‌آباد، نویافته‌ای از دوران تاریخی (پس‌هخامنشی) در حسین‌کوه... ۶۳
- نقش شاهنشاهی ماد در آثار معماری دوره هخامنشی ۶۵
- معماری دستکند در کرانه شمالی خلیج فارس
- (مطالعه موردی: ساختارهای مسکونی قلعه لشتان بندرلنگه) ۶۶
- پُشت گُشتاسبان ۶۷
- بررسی سیر تغییر و تحول آتشدان در دوران تاریخی با تکیه به نتایج حاصل از مطالعات
- سکه‌شناسی، نقوش برجسته و یافته‌های حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی ۶۸
- شیر گاوشکن، صورتی فلکی یا نقشی سکایی؟ ۶۹
- بررسی جغرافیای تاریخی ایالت کرمان در دوران هخامنشی
- با تکیه بر متون تاریخی و داده‌های باستان‌شناسانه ۷۰
- معرفی اولین برج خاموشان شناسایی شده در استان خراسان جنوبی ۷۱
- بررسی و مطالعه باستان‌شناختی راه‌های سنگفرش نویافته
- بخش شمالی کوره آرجان (رستاق بلادشاپور) ۷۲
- ارزیابی شیوه‌ها و سنت‌های تدفینی ساسانی بر اساس متون پهلوی و شاهنامه فردوسی ۷۴
- هلنیستی یا هخامنشی؟
- (شناسایی و بحث درباره چند شی شاخص یافت شده از گورستان درونی یونان) ۷۵
- بازخوانش معماری دفاعی در تبیین الگوی طراحی مجتمع زیستی ماندگار ۷۶
- بررسی جنبش‌های اجتماعی عصر ساسانی با تأکید بر سیاست‌های کثیر ۷۷
- مقایسه‌ای بر عناصر طاق و گنبد در امپراتوری پارتی و روم باستان ۷۸
- بازخوانی و بازشناسی سکه‌های خراسان به‌دست‌آمده از کاوش‌های فرانسویان
- در محوطه سرمسجد خوزستان با تکیه بر جلد ۴۴ مجموعه P.D.M. ۷۹
- بازتاب آیین بودیسم و اوشو/ شیوایی روی سکه‌های کانیشکا، مقتدرترین شاه کوشانی ۸۰
- تل پرگو پارسیان، استقرار از دوران اشکانی و ساسانی ۸۱
- دخمه‌ها و بناهای وابسته به آن (مطالعه موردی: دخمه گلستان و مانکجی یزد و اله‌آباد زارچ) ۸۳
- راه باستانی سرتنگه، شهرستان سوادکوه، استان مازندران، ایران ۸۴
- معاهدات و مناسبات سیاسی اشکانیان و رومیان ۸۵

- ۸۶..... بررسی خوراک باستانی به‌جامانده از فرهنگ کهن ایرانی
- ۸۷..... بررسی ویژگی‌های شهرهای یونان در دوره کلاسیک با استناد بر یافته‌های باستان‌شناسی
- بررسی قلعه‌های استان گیلان
- ۸۸..... با نگاهی بر قلعه کوتی روستای شفیع‌آباد منطقه اشکور شهرستان رودسر
- ۸۹..... معرفی و مطالعه گل‌مهرهای ساسانی موزه رضا عباسی تهران
- ۹۰..... بررسی و مطالعه کم و کیف حضور اوراتوها در غرب و جنوب کوه سهند در شرق دریاچه اورمیه
- ۹۱..... گونه‌شناسی و معرفی سفالینه‌های دوران تاریخی محوطه بی بی دوست سیستان
- ۹۲..... بررسی و ارزیابی محوطه دشت حلقه مینودشت بر پایه بررسی میدانی باستان‌شناختی
- ۹۳..... معرفی تدفین‌های سنگچین در ارتفاعات دره بوانات استان فارس
- بازسازی چهره «وهبرز»، شاه پارس در اواخر سده سوم پیش از میلاد،
- ۹۴..... بر اساس ویژگی‌های هنری واقع‌گرا و مطالعات سکه‌شناسی

دوره اسلامی

- ۹۶..... بررسی سبک معماری ساسانی رومی در آثار باستانی امویان شام
- منظر تاریخی ضلع جنوبی میدان کهنه اصفهان،
- ۹۷..... پژوهشی بر فعالیت‌های ساختمانی مقبره هارون ولایت و مسجد امام حسن
- ۹۸..... بررسی نقش مسیر تجاری در شکوفایی مدرسه غیاثیه خرگرد، خراسان رضوی
- مطالعه نقش‌مایه‌های پوشاک اقوام شمال شرق ایران،
- ۹۹..... نمونه موردی قوم کرمانج خراسان شمالی
- ۱۰۰..... پراکندگی و تولید انواع سفال قالبی در دشت جیرفت در دوران اسلامی
- بررسی و پژوهش پرچم و بیرق‌های دوره ایلخانی
- ۱۰۲..... با تکیه بر پرچم‌های مسجد گنبد آزادان اصفهان
- ۱۰۳..... بناب در حریم بناهای آیینی، شناسایی و مستندنگاری چهل و یک مسجد ستوندار بناب
- ۱۰۴..... خوانش شمایل‌نگاری نقش‌مایه خورشید بر سکه‌های ایلخانی از دیدگاه اروین پانوفسکی
- ۱۰۵..... مطالعه پیشینه تاریخی قنات و قنات‌سازی در شهرستان نجف‌آباد
- ۱۰۴..... پیشینه تاریخی شهر نجف‌آباد به استناد متون و مکتوبات تاریخی
- ۱۰۷..... تاثیر تفکرات شهرسازی ایران بر امپراتوری عثمانی در قرن دهم هجری قمری

- مطالعه قلعه‌های روستایی خان‌های دوره قاجاری
 در منطقه دینور و مقایسه آن‌ها با قلاع قاجاری منطقه غرب کشور..... ۱۰۸
- بررسی و تحلیل دگرذیسی‌های مذهبی و فرهنگی ایلخانان
 بر اساس داده‌های باستان‌شناختی..... ۱۰۹
- مطالعه، حفاظت و مرمت کاروانسرای تی تی سیاهکل..... ۱۱۰
- مطالعه و بررسی باستان‌شناختی محوطه آبادر نیر استان اردبیل..... ۱۱۱
- بررسی تسخیر نیشابور به دست لیلی بن نعمان (۳۰۸-۳۰۹ ه.ق)
 بر اساس مکتوبات و مسکوکات..... ۱۱۲
- بازشناسی ساختار معماری و عناصر تزئینی کاخ خورنق
 بر اساس نگاره‌های بهزاد و ترکمانان..... ۱۱۳
- واکاوی پیشینه و معماری کاروانسرای زعفرانیه..... ۱۱۴
- حمام‌های روستایی دشت سلطانیه، استان زنجان، ایران..... ۱۱۵
- کاوش باستان‌شناسی در قلعه سانسیز طارم..... ۱۱۶
- تحلیل و تاملی باستان‌شناختی درباره سنت آرامگاه سازی سلاجقه در شمال غرب ایران..... ۱۱۸
- نظام آب‌رسانی رودخانه زاینده‌رود
 و مناسبات اقتصادی و اجتماعی آن در اصفهان عصر صفوی..... ۱۱۹
- تصویرگری نقوش انسانی سفال‌های کوباچه با تاکید بر تصویرسازی زنان..... ۱۲۰
- جایگاه نظنز در راه‌های ارتباطی و تجارت در دوران اسلامی..... ۱۲۱
- بررسی روشمند محوطه دوران اسلامی جیزد شهرستان رشتخوار..... ۱۲۲
- معماری بادگیرهای محله بستکبه دبی در کرانه جنوبی خلیج فارس..... ۱۲۳
- خروج از آفریقا در قرآن..... ۱۲۴
- کاوش باستان‌شناختی مجموعه دستکند زیرزمینی باقپان کاشان..... ۱۲۵
- معرفی، توصیف و پژوهشی در گورستان‌های سنگ‌شیر (شیرسنگی)
 منطقه پیش کوه و پشت کوه موگویی شهرستان فریدونشهر..... ۱۲۷
- پژوهشی در جامعه مسیحی شهرستان بوبین و میاندشت
 بر اساس قبور آرامنه (مطالعه موردی: گورستان تاریخی آرامنه روستای هادان)..... ۱۲۸
- مطالعات باستان‌شناختی مسجد جامع ارومیه: دست‌آوردها و چشم‌انداز..... ۱۲۹

مطالعه و بررسی ویژگی‌های کالبدی و عناصر تزئینی مدرسه سپهداری اراک ۱۳۰

علوم باستان‌شناسی

- ۱۳۲..... کودکان و نادیده انگاشتن آن‌ها در مطالعات باستان‌شناختی ایران
اهمیت و ضرورت رسوب‌زدایی اصولی بقایای انسانی و جانوری،
- ۱۳۳..... بررسی موردی گورستان شهنه پشته مازندران
استخوان‌های بلند در بقایای انسانی و روش‌های تخمین قد
- ۱۳۴..... مواد پژوهش: بقایای انسانی عصر آهن گورستان شرقی قره تپه سگزآباد.....
اهمیت استفاده از نقشه‌های لندفرم در مطالعات الگوی استقراری.....
- ۱۳۵..... نقش باستان‌شناسی مردمی و ارتقای سطح آگاهی و فرهنگ کودکان روستا
در حفاظت از محوطه‌های باستانی مطالعه موردی: روستای کفرود استان اصفهان ۱۳۶.....
- ۱۳۷..... در ضرورت ترجمه، نظریه و آموزش در باستان‌شناسی.....
فرایند ایجاد موزه‌های فضای باز در محوطه‌های باستان‌شناسی، اهداف، روش‌ها و تجربیات ملی
(مطالعه موردی: موزه فضای باز باستان‌شناسی عصر آهن تبریز)..... ۱۳۸.....
- ۱۴۰..... مقدمه ای بر رویکرد پدیدارشناسی در باستان‌شناسی چشم‌انداز.....
ضرورت به‌کارگیری و شناخت علم باستان‌گیاه‌شناسی در ایران ۱۴۱.....
باستان‌شناسی چشم‌انداز و اهمیت آن در پژوهش‌های باستان‌شناختی ۱۴۲.....
مروری بر ویژگی‌های کلیدی مقایسه‌ای آناتومی اسکلت اندام حرکتی خلفی نشخوارکننده‌ها،
تکسمیان و گوشتخواران برای انجام تفکیک اولیه نمونه‌ها در باستان‌جانورشناسی ۱۴۳.....
مطالعه و بررسی شواهد معماری نویافته در سفیدکوه مکران بر پایه مطالعات قوم باستان‌شناختی
و مقایسه تطبیقی آن‌ها با محوطه‌های پیش‌ازتاریخی مناطق هم‌جوار ۱۴۵.....
باستان‌شناسی ناظر بر جهان‌شناسی کهن (حوزه باستان‌شناسی ایران)..... ۱۴۷.....
باستان‌شناسی تجربی: مبانی نظری باستان‌گیاه‌شناسی و زغالی کردن غلات..... ۱۴۸.....
باستان‌شناسان جوان و باستان‌شناسی ایران (مقاله‌ای تحلیلی انتقادی در بابت وضعیت و مشکلات
باستان‌شناسان جوان در ایران و ارائه راه‌حل)..... ۱۴۹.....
مفهوم منظر در باستان‌شناسی؛ نمونه مورد مطالعه: بنای چغازنبیل در استان خوزستان ۱۵۰.....
بررسی، آنالیز و گونه‌شناسی بقایای جانوری از محوطه تپه آشنا، اصفهان ۱۵۱.....

- نقش رسانه‌های مجازی در حفاظت از میراث فرهنگی..... ۱۵۲
- بررسی نقش مطالعات تطبیقی در پیشبرد تفسیرهای مرتبط با انتشار گرای
 (مطالعه موردی: اسپیرال‌های یونان، ایران و بین‌النهرین)..... ۱۵۳
- امکان‌سنجی توسعه گردشگری بر اساس پتانسیل غار باستانی سجیران
 در منطقه اشکور شهرستان رودسر..... ۱۵۴
- گردشگری، زبان باستان‌شناسان در جلوگیری از وندالیسم..... ۱۵۵
- اهمیت و جایگاه مَهرها و اثر مَهرها در باستان‌شناسی..... ۱۵۶
- بقایای استخوانی لاک لاک پشت مهمیزدار در گورستان عصر آهن ۲ و ۳ قره تپه سگزآباد..... ۱۵۷
- اقتصاد معیشتی، میراث باستانی، چالش‌ها و فرصت‌ها..... ۱۵۸
- باستان‌شناسی و نقش آن در توسعه گردشگری؛ مطالعه موردی: سایت موزه آتشگاه باکو..... ۱۵۹
- تجربه زیسته انسان در سایه‌سار باستان‌شناسی:
 دیدگاه باستان‌شناختی در منازعات زیست‌محیطی..... ۱۶۰
- مطالعات قوم‌باستان‌شناختی جوامع هورنشین،
 شناخت و بررسی دلایل تداوم استقراری آنان با تغییرات اقلیمی و زیست محیطی..... ۱۶۲
- معرفی اجمالی نتایج فصل اول و دوم بررسی باستان‌شناختی با محوریت
 مطالعات قوم‌باستان‌شناسی در منطقه سفیدکوه مکران (استان سیستان و بلوچستان)..... ۱۶۴
- مرزدار کردن باستان‌شناسی با خط‌کش کودکانه..... ۱۶۶
- نقش باستان‌شناسی در خوانش شهر..... ۱۶۷
- آسیب‌شناسی قوانین داخلی ایران در خصوص مقابله با تخریب آثار باستانی و فرهنگی..... ۱۶۸
- نگاهی بر پدیدارشناسی و جایگاه آن در معرفت‌شناسی باستان‌شناسانه..... ۱۶۹

Prehistoric period

| | |
|--|-----|
| A Study of the Common Ritual Sanctity in the Rock Paintings of Lashkar Goyeh Meymand in Kerman and the Tekeh Area in North Khorasan..... | 172 |
| The Younger Dryas, a Push or a Force: Fertile Crescent..... | 173 |
| Semantic Analysis of Plant Motifs of Neolithic to Bronze Age Seals | 174 |
| A Survey on Two-spiral and Four-spiral Pendants; In terms of Efficiency and Dating..... | 175 |
| Survey of the Tholos, Tholoi, Tumulus and Tumuli; in terms of architectural features and efficiency..... | 176 |
| What has been done and what has to be done: Statistical assessment of Iranian Paleolithic Research..... | 177 |
| Study and Analysis of the Chalcolithic Period of Moghan Plain Based on New Archaeological Findings..... | 178 |
| Comparative Survey and Morphology of Iranian Vessels based on Archaeological Sources | 180 |
| The Origin of Clay, Known as Fabric-Pattern Clay in the North East of Iran and Central Asia | 181 |
| Painted Pottery Networks during the 5th Millennium BCE in Southern Iran | 182 |
| Paleolithic Survey in the Ferdows Plain: Preliminary Results | 183 |
| Raw Material Source Tracing of Lithic Artefact Collection of Pleistocene Sites in Neyshabur Plain | 184 |
| A Stylistic Study of Gray Pottery in Shahr-I -Sokhta Cemetery | 185 |
| Study of Inter and Cross-Regional Cultural Interactions in Southeastern Iran during the Third Millennium BC: Production, Distribution and Iconography of Chlorite Vessels..... | 186 |
| An Introduction to the Study of Cognitive Behaviors in Prehistoric Archeology Based on New Interdisciplinary Studies..... | 187 |

A Study of Neolithic period and transition Phase to Chalcolithic Age of Yarim Tape Dargaz..... 188

A Reflection on the Subject of Perception in Archaeology and Investigating the Position of Prehistoric Motifs with a Perceptual/Cognitive Approach..... 189

Historical period

A New Reflection on the Meaning of Patterns on Coins and Embossments of the Semi-Independent Elymais Government..... 192

Winds of Change-Socio-political Inferences through Ceramic Chronologies in Western India (3rd to 10th centuries C.E.) 194

Introducing the Cairn Burials Located in the Heights of Bavanat Valley; Fars Province..... 195

Study of Hunting Motifs and Position in Achaemenid Period Based on the Study of Seals and Motifs..... 196

Political and Cultural Interactions of the Parthian kingdom and the scythian Communities relying on written sources..... 197

The Role of Architecture, Decorations and Green Space in the Historical Gardens of Birjand in attracting Tourists to this Region (Case study: Akbarieh Garden, Rahimabad Garden and Amirabad Garden in Birjand) 198

Greek Silenoi in a Persian Setting: Louteria from Denavar with Figural Decoration 200

Analysis of the Most Important Religious Fluctuations of the Achaemenid Period Based on the Study of Inscriptions and Tablets (Case Study of Cyrus the Great, Darius and Ardashir II)..... 201

The Re-reading of Defense Architecture in Explaining the Design Model of a Sustainable Biological Complex..... 203

Study and Classification of Uart Religious Architecture and Its Impression on Median and Achaemenid Religious Buildings 205

| | |
|--|-----|
| Explore and Study of Ketuka Lachcchi..... | 207 |
| Classification and Typological Analysis of the Ceramics from Golchehreh Palace in Torbat-e Jam plain..... | 208 |
| An Analysis of the Location Process of Elamite Reliefs from a Landscape Perspective | 210 |

Islamic period

| | |
|---|-----|
| Methodical and Comprehensive Study of Archeology and Documentation of Atashgah site, Isfahan | 214 |
| A Re-examination of the Stucco Mihrab from the Pir Husayn Khanqah (13-14th centuries, Hajiqabul, Qubalibalaoğlan, Azerbaijan) | 216 |
| A Study in the Christian Community of Buin and Miandasht Based on Armenian Tombs: A Case Study of the Armenian Historical Cemetery in Hadan Village..... | 218 |
| Introduction, Description and Research in Sangshir (Shirsangi) Cemeteries of Pishkuh and Poshtkuh Mogoei Areas of Fereydunshahr | 220 |
| Imamzadeh Ali Ibn Jafar Luster Ware Tiles built by Abu Taher Kashani Family (Case Study of Samples in the National Museum) | 222 |

Archaeological Sciences

| | |
|---|-----|
| Child Education and Social Misbehave (Case study: Children and Conservation of Natural and Cultural Heritage)..... | 224 |
| Effective Factors on Pastoralism Routes in Hamadan Region in Prehistory According to the Ethno Archaeological Approaches | 226 |
| Between the Mountain and the Plain. A Case study of Remote-Sensing Analysis from the Area of Izeh (Khuzistan, Iran) | 227 |
| An Overview on Pottery Classification: Necessities, Lacks, features..... | 229 |
| Investigation and recognition of applied geometry in historical houses of Khoosf city | 231 |
| Preservation, Restoration and Structural Importance of Historical Pottery..... | 232 |

| | |
|---|-----|
| Some Remarks on the Using of Historical Texts in Paleoethnobotany | 234 |
| valuating the Effects of Archeology and Tourism on Culture-Based Development and Interaction (Case Study of East Hormozgan City) | 235 |
| Study and Analysis of Visual Semantic-Semiotic School in Semanalysis and Reading of Ancient Motifs | 237 |
| Study and Analysis of Visual Semantic-Semiotic School in Semanalysis and Reading of Ancient Motifs | 239 |

پیشگفتار

دیباچه‌ای کوتاه بر قامت بلند باستان‌شناسان جوان میهن

دو دهه پیش جمعی از دانشجویان خوشفکر و خلاق گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران که شمارشان از انگشتان یک دست بیش نبود، حرکتی را آغاز کردند و طرحی را در انداختند و ایده‌ای را عملی کردند و آرمانی را تحقق بخشیدند که اینک در ترازوی فراتر و فراختر از مرزهای میهن ما در قامت یک میراث و سنت حسنه در جامعه دانشگاهی و باستان‌شناسی و میراثیان مُلک و ملت ما خوش می‌درخشد.

کارنامه میراث و سنت حسنه باستان‌شناسان جوان میهن، نیز هر بار، و در هر دوره که علی‌القاعده زیر سقف بلند دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران برگزار می‌شود، بیش از پیش درخشان بوده است و بیش از پیش دست و دامنش پربارتر و پربرکت‌تر.

همایش باستان‌شناسان جوان هم، در میان جامعه دانشگاهی، هم در میان جامعه باستان‌شناسان و میراثیان و دانش و فرهنگ دوستان میهن ما و باستان‌شناسان دیگر کشورهایی که در آن مشارکت جسته و داشته‌اند، در قامت بلند یک میراث نیکو و فکر و فرهنگ نهادینه و پذیرفته‌شده خوش درخشیده است و همچنان خوش می‌درخشد.

مجموعه مقالات به چاپ رسیده و منتشر شده همایش‌های باستان‌شناسان جوان، میراث علمی گرانبها و گنجینه عظیمی از دستاوردهای عملی و نظری باستان‌شناسان جوان میهن ما و باستان‌شناسان جوان کشورهای مشارکت‌کننده در همایش را برای نسلهای پرشماری که در راهند، به ودیعت می‌نهد.

مقالات ارائه شده در همایش‌ها همه از صافی و غربال داوری‌های استادان بنام گذشته و برای ارائه در همایش پذیرفته شده‌اند. آن طراحان و برنامه‌ریزان آغازین و پیشگامان و پیش‌کسوتان همایش، اینک بسیارشان یا استادان به‌نام باستان‌شناسی و یا باستان‌شناسان نامدار میهن با کارنامه علمی درخشان هستند.

خیزش و ریزش دانش و دانایی، هنر و آفرینندگی در میان گروه‌های سنی جوانان و نوجوانان میهن ما رخدادی بوده است بسیار نیکو و بسیار امیدوارکننده و پرتومر و فرخنده که طی دهه‌های اخیر در کشور ما شاهد بوده‌ایم.

حرکت و جنبش و خیزش مبارکی که همچنان می‌باید بی‌وقفه و پیوسته ادامه یابد.

درس بزرگ و نیکویی که باستان‌شناسان جوان میهن ما به همه ما دادند و آموختیم این بوده است

که وقتی فکری، طرحی، ایده ای، آرمانی، حرکتی و مجاهدتی به منفعت و به مصلحت همه است و همگان می‌توانند از آن سود ببرند و از خوان ضیافت آن تغذیه کنند و قوت و قوت بستانند، در تحقق آن دمی تردید و درنگ جایز نیست. از برگرفتن موانع پیش رو می‌باید، همت کرد و گامی به عقب برنگرفت و به عقب برنکشید. از کاستی امکانات نمی‌باید شکوه و شکایت کرد. نمی‌باید مایوس شد و آوردگاه مجاهدت را ترک کرد. در میانه میدان می‌باید ایستاد و پایمردی کرد و بر دشواریها فراز آمد. به تعبیر حضرت حافظ:

در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر اوست

در صراط المستقیم ای دل کسی گمراه نیست

سلام صدق و دعای خیر ما بدرقه راه جمیع طراحان و برنامه ریزان همایش باستان‌شناسان جوان از صدر تا ذیل باد.

عمر با عزت و صحت و پربار و پربرکتان بیش از پیش افزون.
آمین.

حکمت‌اله ملا صالحی

سخن دبیر علمی همایش

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

هرچند دنیای معاصر، دنیای پیشرفت علوم و تکنولوژی در تمامی عرصه‌های تجربه انسان محسوب می‌گردد و گاه ما را بیش از همیشه مجذوب افق‌های آینده می‌کند؛ اما همین پیشرفت‌ها گاهی ما را در شناخت گذشتگان و بازسازی جوامع کهن یاری می‌دهد و زوایایی از زندگی ناشناخته انسان را روشن و درک از آینده را نیز ارتقا می‌بخشد؛ باستان‌شناسی علمی است که گذشته و آینده را پیوند می‌دهد و به راستی می‌توان گفت باستان‌شناسی دانشی کاملاً پویاست.

حال در این راستا، مفتخریم، «هشتمین همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان» را به همت انجمن علمی دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه تهران در آبان ۱۴۰۰ به یاری جمعی از اساتید و دانشجویان ایرانی و خارجی و با پشتیبانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی و معاونت پژوهشی و فرهنگی دانشگاه تهران، برگزار نماییم. با توجه به اهداف و محوریت اصلی همایش در دوره‌های پیشین، تلاش بر ارائه فعالیت‌های علمی باستان‌شناسان جوان است و بنا داریم این رسالت فرخنده و مبارک را گرامی داشته تا موجب ارتقا سطح کیفی و کمی دانش باستان‌شناسی در مجامع علمی و فرهنگی گردد. بی‌شک آگاهی عموم مردم به‌ویژه جوانان از پیشینه و هویت تاریخی خویش، در تقویت اعتماد به نفس، تصحیح رفتارها و هنجارهای جاری جامعه، تقویت اتحاد و انسجام ملی تأثیر و شگرفی خواهد گذاشت.

امید است با تکیه بر تجربه پیشین، همایش باستان‌شناسان جوان همواره محملی مناسب برای تعامل و ارائه آخرین تحقیقات پژوهشگران جوان باستان‌شناس باشد. در پایان دست تمام دوستان و همکاران ایرانی و غیر ایرانی که ما را در برگزاری این همایش یاری رسانند را، صمیمانه می‌فشارم.

مجید منتظرظهوری

دبیر علمی هشتمین همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان

هموندان همایش

رئیس و دبیر علمی:
مجید منتظرظهوری (دانشگاه تهران)

شورای سیاست گذاری (به ترتیب حروف الفبا):

| | |
|----------------------------|--|
| دکتر عبدالرضا سیف | (رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی) |
| دکتر غلامحسین کریمی دوستان | (رئیس سابق دانشکده ادبیات و علوم انسانی) |
| دکتر حسن حضرتی | (معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی) |
| دکتر هادی بهرامی احسان | (معاون فرهنگی دانشگاه تهران) |
| دکتر حسن کریمیان | (مدیر گروه آموزشی باستان شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی) |
| دکتر مجید منتظرظهوری | (عضو هیات علمی گروه باستان شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی) |
| دکتر مصطفی ده پهلوان | (رئیس موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران) |
| دکتر محرم باستانی | (رئیس اداره خدمات پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی) |
| سرکار خانم خرمی | (مدیر باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران) |

کمیته اجرایی دانشجویی:

علی ساکی (دبیر اجرایی دانشجویی)
پیمان بهرامی (مسئول کمیته ی همایش)
محمد مهدی غفوری
نیلوفر احتشامی

کارگروه علمی (به ترتیب حروف الفبا):

| | | | |
|--------------------------------|----------------------------|-----------------------------|--|
| (دانشگاه هنر اصفهان) | دکتر امید عودباشی | (دانشگاه تهران) | دکتر محمد اسماعیل اسماعیلی چلودار |
| (دانشگاه رازی کرمانشاه) | دکتر سجاد علی بیگی | (دانشگاه شیکاگو) | دکتر گیل اشتاین (موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو) |
| (دانشگاه هنر تبریز) | دکتر اکبر عابدی | (دانشگاه هنر اصفهان) | دکتر محمد امین امامی |
| (دانشگاه تهران) | دکتر حسن فاضلی نشلی | (دانشگاه تهران) | دکتر نصیر اسکندری |
| (دانشگاه تهران) | دکتر مژگان جایز | (پژوهشگاه علوم انسانی) | دکتر شاهین آریامنش |
| (دانشگاه اردبیل) | دکتر اردشیر جوانمردزاده | (دانشگاه آزاد برلین) | دکتر راینهارد برنیک |
| (دانشگاه تهران) | دکتر مژگان خانمرادی | (بنیاد ایران شناسی) | دکتر بهرام زاده |
| (دانشگاه تهران) | دکتر حسن کریمیان | (دانشگاه نیشابور) | دکتر حسن باصفا |
| (دانشگاه بامبرگ آلمان) | دکتر لورنز کرن | (موزه ملی) | دکتر فریدون بیگلری |
| (دانشگاه تهران) | دکتر هایده لاله | (دانشگاه آزاد برلین) | دکتر سوزان پولاک |
| (دانشگاه تهران) | دکتر میثم لباف خانیکی | (دانشگاه پنسیلوانیا آمریکا) | دکتر هالی پیتمن |
| (دانشگاه ردینگ) | دکتر روجر متیوس | (دانشگاه کاشان) | دکتر محسن جاوری |
| (دانشگاه بوعلی همدان) | دکتر یعقوب محمدی فر | (دانشگاه هنر اصفهان) | دکتر مرتضی حصاری |
| (پژوهشکده باستان شناسی) | دکتر عباس مقدم | (دانشگاه اردبیل) | دکتر کریم حاجی زاده |
| (دانشگاه تهران) | دکتر حکمت الله ملاصالحی | (دانشگاه کاشان) | دکتر جواد حسین زاده |
| (دانشگاه تهران) | دکتر مجید منتظرظهوری | (دانشگاه تربیت مدرس) | دکتر سعید حاجیلو |
| (پژوهشکده باستان شناسی) | دکتر مهرداد ملکزاده | (دانشگاه شهرکرد) | دکتر علیرضا خسروزاده |
| (دانشگاه همدان) | دکتر عباس مترجم | (دانشگاه بوستون) | دکتر مایکل دانتی |
| (دانشگاه همدان) | دکتر کاظم ملازاده | (دانشگاه تهران) | دکتر مصطفی ده پهلوان |
| (دانشگاه کالیفرنیا، لوس آنجلس) | دکتر علی موسوی | (میراث فرهنگی) | استاد مهدی رهبر |
| (دانشگاه تربیت مدرس) | دکتر سید مهدی موسوی کوهپیر | (دانشگاه بوعلی همدان) | دکتر محمد ابراهیم زارعی |
| (دانشگاه مازندران) | دکتر موسوی حاجی | (دانشگاه بیرجند) | دکتر علی زارعی |
| (دانشگاه شهید بهشتی) | دکتر کورش محمدخانی | (دانشگاه اردبیل) | دکتر رضا رضالو |
| (موزه ملی) | دکتر جبرئیل نوکنده | (دانشگاه هنر تبریز) | دکتر رازانی |
| (دانشگاه تهران) | دکتر کمال الدین نیکنامی | (پژوهشکده باستان شناسی) | دکتر سیامک سرلک |
| (دانشگاه زابل) | دکتر رضا ناصری | (پژوهشکده باستان شناسی) | دکتر علی سرداری |
| (دانشگاه ایتالیا) | ماسیمو ویداله | (دانشگاه ورشو لهستان) | دکتر آرکادیوش سولتیشیاک |
| (دانشگاه تربیت مدرس) | دکتر حامد وحدتی نسب | (دانشگاه زاهدان) | دکتر روح الله شیرازی |
| (دانشگاه تهران) | دکتر رحیم ولایتی | (دانشگاه استانبول) | شوکت |
| (دانشگاه شهید بهشتی) | دکتر حمیدرضا ولی پور | (دانشگاه لرستان) | دکتر حسین صدیقیان |
| (دانشگاه بیل) | دکتر فرانک هول | (دانشگاه شهید بهشتی) | دکتر کامیار عبدی |
| (دانشگاه مازندران) | دکتر حسن هاشمی | (پژوهشکده) | دکتر محمدحسین عزیزی خرانقی |
| (دانشگاه همدان) | دکتر اسماعیل همتی | (باستان شناسی) | |
| (دانشگاه نیشابور) | مهدی موسوی نیا | (موسسه شرق شناسی) | دکتر عباس علیزاده |
| | | (دانشگاه شیکاگو) | |

ویراستاران:
دکتر حسین صدیقیان
دکتر علی مولودی
نیلوفر احتشامی
شهره هاشمی قوچانی
مهشاد صادقی
شیما مولوی
ثمین سوری
متینا علی اکبر

صفحه آرا و گرافیکست:
مرضیه سعیدی
محمد مهدی غفوری کفاش

عکاس
آلین استپانس
شیرین آبشناس

طرح جلد:
محمد مهدی غفوری کفاش

تدارکات:
هیمن خزیده (مسئول تدارکات)
زهرا برمکی
غزاله لرستانی
ریحانه جلینی

کارگروه اجرایی:

دکتر مصطفی ده پهلوان (مشاور اجرایی همایش)

دکتر محرم باستانی (نماینده معاونت پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی)

علی ساکی (دبیر اجرایی)

پیمان بهرامی (مسئول کمیته ی همایش)

مهدی زمانی (امور اجرایی)

ژینا پاکدل (مسئول کارگاه ها)

سعیده خدایی (دبیر انجمن علمی)

پشتیبانی فنی

عاطفه حسینی مقدم

الهام فکری

ملینا محمدابراهیمی

محمد صالح اسفندفر

مترجمین

دینا معمار مشرفی

نیلوفر احتشامی

امور بین الملل

امیر حسین دانیالی

نیلوفر احتشامی

دوره پیش از تاریخ

مطالعه فرایند گذار از دوره مس سنگی جدید به عصر مفرغ در جنوب شرق ایران
براساس کاوش های محوطه ورامین جیرفت و تپه دهنو شهداد

فرشته احمدیوسفی

دانشگاه هنر اصفهان دانشکده حفاظت و مرمت

fereshte.ahmadusefi@gmail.com

چکیده

دوره مس سنگی جدید جنوب شرق ایران (۴۰۰۰-۳۲۰۰ پ.م) با فرهنگ غالب علی آباد شناخته شده که به دلیل ورود این منطقه به شهرنشینی در عصر مفرغ قدیم اهمیت مضاعف یافته است. بعد از فرهنگ علی آباد در منطقه فرهنگ بومی ناشناخته بود و با فرهنگ نفوذی آغاز ایلامی شناخته می شد. مرحله بعدی از توالی گاه‌نگاری جنوب شرق، فرهنگ شهرنشینی I در کنارصندل (از اواسط تا پایان هزاره سوم پ.م)، محوطه شهداد و شهرسوخته III است. مابین این دو فرهنگ بومی یک خلا بزرگ در گاه‌نگاری منطقه وجود داشت تا کاوش سال‌های اخیر در تپه دهنو شهداد و محوطه ورامین جیرفت که منجر به شناسایی فرهنگی بومی در منطقه شد. روش پژوهش حاضر تلفیقی از روش‌های میدانی، توصیفی و تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای است. مهم‌ترین پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از: فرایند گذار از دوره مس سنگی جدید به دوره مفرغ در جنوب شرقی ایران به چه صورت بوده است؟ با چه فرهنگ‌هایی در طول گذار، پیش و پس از آن رو به رو بوده‌ایم؟ این فرهنگ‌ها شامل چه شاخصه‌هایی می‌شدند؟ این پژوهش با فرض این که فرایند گذار از دوره مس سنگی جدید به دوره مفرغ در جنوب شرق ایران تا کنون در محوطه‌های ورامین جیرفت و تپه دهنو شناخته شده، انجام شده است.

واژه‌های کلیدی: گذار، جنوب شرق ایران، مس سنگی جدید، مفرغ قدیم، تپه دهنو، محوطه ورامین



افغانستان در دوران پیش از تاریخ متأخر و آغاز تاریخی

نصیر اسکندری

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

Nasir.eskandari@ut.ac.ir

چکیده

گستره فرهنگ‌های گذشته منطبق با مرزهای سیاسی امروزی کشورها نیست. این گزاره در منطقه خاورمیانه جایی که قدرت‌های دنیا با اهداف سیاسی مشخص مرزهای امروزی آن را تعیین نموده‌اند، مصداق بیشتری پیدا می‌کند. به عنوان مثال می‌توان از افغانستان یاد کرد که در حدود یک سده پیش به عنوان یک کشور شناخته‌شد. با نگاهی به تاریخ افغانستان در می‌یابیم که در طول هزاره‌ها این منطقه به عنوان بخش شرقی سرزمین ایران‌شهر به شمار می‌رفته است. از لحاظ باستان‌شناسی، افغانستان از یک موقعیت راهبردی در جنوب غرب آسیا برخوردار است و منابع معدنی فراوانی نظیر سنگ لاجورد، مس و قلع دارد. مسائل سیاسی چند دهه گذشته مانع از این شد تا پژوهش‌های میدانی باستان‌شناسی جدیدی در افغانستان صورت پذیرد و در نتیجه اطلاعات ما از فرهنگ‌های پیش از تاریخی آن مربوط به پژوهش‌های قدیمی مربوط به اواسط قرن بیستم است. از لحاظ جغرافیایی، رشته کوه‌های هندوکش سه منظر طبیعی متفاوت شمالی، مرکزی و جنوبی را در افغانستان ایجاد کرده‌اند. از محوطه‌های کاوش شده اواخر پیش از تاریخ و آغاز تاریخی در شمال افغانستان می‌توان شورتقای و محوطه‌های داشلی را نام برد و مهم‌ترین محوطه‌های کاوش شده در جنوب افغانستان عبارتند از تپه موندیگاک، تپه سعید قلعه و تپه ده موراسی. در این پژوهش سعی شده است بر اساس اطلاعات حاصل از کاوش‌های نیمه دوم قرن بیستم در افغانستان و همچنین پژوهش‌های صورت گرفته در مناطق همجوار نظیر جنوب شرق و شمال شرق ایران، آسیای مرکزی، بلوچستان و دره سند، به وضعیت فرهنگ‌های افغانستان در دوران پیش از تاریخ و آغاز تاریخی به ویژه دوره مس سنگی و عصر مفرغ پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: افغانستان، دوره مس و سنگ، عصر مفرغ، برهمکنش فرهنگی



بررسی و تحلیل فرم ظاهری بناهای جنوب غرب ایران در هزاره چهارم ق.م

رقیه احمدی پور (۱) حسن افشاری (۲)

(۱) دانشجوی کارشناسی باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

roqayeahmadipour@gmail.com

(۲) دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

چکیده:

مهر و نقش مهر یکی از مهم ترین اسناد تاریخی است که جدا از فن مدیریت، اطلاعات قابل توجهی از وضعیت فرهنگی یا اجتماعی دوران زمان ساخت خود را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. در ناحیه خوزستان و بین‌النهرین تعداد زیادی نقش مهر متعلق به نیمه دوم هزاره چهارم ق.م به دست آمده است که بر روی چند ده‌تای آن‌ها نقوشی حک شده که نشان از سازه‌های معماری آن زمان داشته است. عموماً در کاوش‌های باستان‌شناسی تنها پی بنا قابل رویت بوده و برای جبران این مهم باید از تصاویر برجای مانده بر روی نقش مهرها استفاده نمود.

نوشتار فوق با روش توصیفی-تحلیلی بوده است و همچنین روش گردآوری اطلاعات به شیوه اسنادی و میدانی می‌باشد، براین اساس به منظور شناخت ساختار معماری هزاره چهارم و در جنوب غرب ایران و پی‌بردن به میزان تأثیر و تأثر آن با ناحیه بین‌النهرین، نگارندگان به بررسی و طبقه‌بندی نقوش بناهای رسم شده بر نقش مهرها پرداخته‌اند و پس از بررسی، نقاط اشتراک و اختلاف هر یک از قبیل: نوع مصالح، طرح پلان و نمای بنا در جنوب غرب ایران مشخص گردیده است که از شاخصه آن می‌توان به بناهایی با سقف گنبدی اشاره نمود که قدیمی ترین نمونه به دست آمده تاکنون می‌باشد و این ویژگی منحصر به فرد فلات ایران است و با وجود اقلیم مشترک و ارتباط نزدیک میان جنوب غرب ایران و سرزمین بین‌النهرین اما معماری کاملاً متفاوتی در بین‌النهرین به دست آمده‌است.

واژه‌های کلیدی: نقش مهر، معماری، هزاره چهارم ق.م، بین‌النهرین، جنوب غرب ایران.



تحلیل لایه‌نگاری مجموعه شوش در دوره آغاز ایلامی

حسن افشاری (۱) پریسا نکویی (۲) معصومه آوخ‌لویه (۳)

(۱) دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

Hassanafshari@ut.ac.ir

(۲) دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

(۳) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

مجموعه تپه‌های شوش یکی از مهم‌ترین تپه‌های تاریخی سرزمین ایران است که در طول تاریخ توسط مورخان گوناگون یهودی، یونانی، رومی، عربی و ... توصیف شده است و کاوش‌های باستان‌شناسی در این سرزمین با شوش آغاز گردید. با وجود اهمیت فراوان این محوطه متأسفانه در چند دهه اخیر رو به فراموشی سپرده شده و کاوش علمی و چشمگیری در آن صورت نگرفته است. یکی از مهمترین تپه‌های این مجموعه، تپه آکروپل است که توسط فرانسویان در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی مورد کاوش گسترده و کلاسیک قرار گرفت و با پیشرفت تدریجی علم باستان‌شناسی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی پروژه‌های گوناگونی تحت عنوان آکروپل I و آکروپل II و آکروپل III صورت گرفت که تنها آکروپل I دوره آغاز ایلامی را در برمی‌گرفت؛ اما متأسفانه این کاوش فاقد سالیابی مطلق، همچنین دخیل کردن تمایلات شخصی کاوشگر بوده است و امروزه سوالات گوناگونی برای پژوهشگران ایجاد شده است که نیازمند بازنگری است. در این نوشتار با رویکرد میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای سعی بر توصیف و طبقه‌بندی لایه‌نگاری شوش در دوره آغاز ایلامی دارد و پس از طبقه‌بندی داده‌های به دست آمده از این دوره، به شفاف‌سازی می‌پردازد و در نتیجه چنین استنباط می‌گردد که برخی یافته‌های باستان‌شناسی دوره آغاز ایلامی مانند گل‌نبشته‌ها برحسب تمایلات کاوشگران مورد طبقه‌بندی قرار گرفته تا این که در توصیف دقیق از لایه‌های موجود بپردازند.

واژه‌های کلیدی: شوش، آکروپل، آغاز ایلامی، لایه‌نگاری.



بررسی تطبیقی فرم معماری جوامع بین‌النهرین با جنوب غرب فلات ایران (خوزستان)
در نیمه دوم هزاره چهارم پیش از میلاد

حسن افشاری (۱) حدیث محبوب‌زاده (۲)

(۱) کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران،

hassanafshari@ut.ac.ir

(۲) دانشجوی کارشناسی ارشد، باستان‌شناسی، دانشگاه نیشابور

چکیده

مهر و نقش‌مهر یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی است که جدا از فن‌مدیریت، اطلاعات قابل توجهی از وضعیت فرهنگی یا اجتماعی زمانه ساخت خود را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. در ناحیه خوزستان و بین‌النهرین تعداد زیادی نقش‌مهر متعلق به نیمه دوم هزاره چهارم پ.م به دست آمده که روی چند ده نمونه از آن‌ها نقوشی حک شده که نشان از سازه‌های معماری آن زمان داشته است. عموماً در کاوش‌های باستان‌شناسی تنها پی بنا قابل رویت است و برای جبران این مهم می‌توان از تصاویر برجای مانده روی نقش‌مهرها استفاده نمود. نوشتار فوق با روش توصیفی تحلیلی بوده و همچنین روش گردآوری اطلاعات به شیوه اسنادی و میدانی است. بر این اساس به منظور شناخت ساختار معماری هزاره چهارم پ.م و پی‌بردن به میزان تأثیر و تأثر آن میان جنوب غرب فلات ایران و بین‌النهرین، نگارندگان به بررسی و طبقه‌بندی نقوش بناهای رسم‌شده بر نقش‌مهرها پرداخته‌اند و پس از بررسی، نقاط اشتراک و اختلاف هر یک از قبیل نوع مصالح، طرح پلان و نمای بنا درمیان سرزمین خوزستان و بین‌النهرین مشخص گردیده است. در نتیجه نوشتار بیانگر آن است که معماری بناهای متفاوتی در هر دو سرزمین قابل رویت است و ساختمان‌هایی با طاق‌گنبدی و تزیینات خاص معماری دشت خوزستان دیده می‌شود که با وجود اقلیم مشترک و ارتباط نزدیک میان این دو سرزمین، معماری کاملاً متفاوتی وجود داشته و به عقیده نگارندگان وجود دو سبک معماری متفاوت در یک اقلیم مشترک، شاید به دلیل داشتن تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی بوده است.

واژه‌های کلیدی: نقش‌مهر، معماری، هزاره چهارم پ.م، بین‌النهرین، خوزستان.



بررسی نشانه‌های آوایی خط آغاز ایلامی

حسن افشاری (۱) معصومه آوخ لویه (۲)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران،

hassanafshari@ut.ac.ir

(۲) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس،

masoomeh.avakh@yahoo.com

چکیده

پی بردن به شناخت صحیح ساختار نگارش هر خط عامل مهمی برای کشف و رمزگشایی آن است. خط آغاز ایلامی یکی از خط‌های پیچیده است که بیش از یکصد سال از شناسایی آن می‌گذرد و تاکنون پژوهشگران زیادی آن را مورد بررسی و پژوهش قرار داده‌اند. با وجود این، هنوز بخش کوچکی از ساختار آن رمزگشایی و خوانش شده است. این خط به دلیل ساختار تلفیقی میان نشانه‌های اندیشه‌نگار و آوایی تاکنون پیشرفت کاملی در بازخوانی نداشته و با مقایسه نمونه بین‌النهرینی (آغازمیخی) تنها برخی نشانه‌های پرکاربرد اندیشه‌نگاری آن رمزگشایی شده است. هدف از پژوهش حاضر شناسایی ساختار تلفیقی نشانه‌های اندیشه‌نگاری و آوایی این خط با مطالعه ۱۴۵۰ زنجیره نشانه پی دی پی در ۵۲۰ گل نبشته آغاز ایلامی است و به منظور بررسی آماری با بهره‌گیری از مباحث آمار توصیفی به تلخیص و طبقه‌بندی داده‌ها (نشانه‌ها) و ارائه آنان در قالب جداول و نمودارهای آماری از نرم‌افزار آماری SPSS پرداخته شده و در نتیجه با بررسی درصدهای فراوانی مشابه میان اسم‌های نگاشته شده به خط میخی با نمونه آغاز ایلامی چنین استنباط می‌شود که احتمالاً زنجیره نشانه‌های پی‌درپی در خط آغاز ایلامی اسم‌هایی است که با ساختار آوایی نگارش شده‌اند و در صورت درست بودن با توجه به این که قدیمی‌ترین متون آوایی در بین‌النهرین در اوایل هزاره سوم پ.م به دست آمده، می‌توان گفت خط آغاز ایلامی قدیمی‌ترین خط آوایی در هزاره چهارم پ.م است.

واژه‌های کلیدی: خط آغاز ایلامی، آوانگاری، نشانه‌های آوایی، اندیشه‌نگار، گل نبشته‌های شوش.



گویزیه، شواهدی از دوره پارینه‌سنگی میانی در منطقه هورامان
(شهرستان پاوه، استان کرمانشاه)

ناصر امینی‌خواه (۱) و فرزاد مافی (۲) فرهاد فتاحی (۳)
(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه رازی،

naseraminikhah@gmail.com

(۲) استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

(۳) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه رازی

چکیده

اهمیت زاگرس مرکزی از لحاظ قابلیت وجود محوطه‌های دوران پارینه‌سنگی بر کسی پوشیده نیست، اما با توجه به تمرکز اغلب پژوهش‌های باستان‌شناختی عصر سنگ در مناطق مرکزی آن (به ویژه بیستون تا کرمانشاه)، از وجود محوطه‌های عصر سنگ در نیمه غربی آن نسبتاً بی‌اطلاعیم. هر چند باستان‌شناسان ایرانی در چند سال اخیر بررسی‌هایی در این منطقه انجام داده‌اند، اما به غیر از مطالعات اخیر در محدوده سد داریان، مطالعات باستان‌شناسی جامعی در شمال غرب زاگرس مرکزی و به ویژه منطقه هورامان با هدف شناسایی محوطه‌های دوره پارینه‌سنگی به انجام نرسیده و هیچ تصویری از وضعیت منطقه در دوره پارینه‌سنگی در دست نیست. طی انجام پژوهش باستان‌شناسی اخیر در منطقه هورامان استان کرمانشاه که در راستای ثبت این منطقه در فهرست میراث جهانی یونسکو به انجام رسید، محوطه‌هایی چند از ادوار مختلف شناسایی شد. محوطه گویزیه (Gwêzila) در روستای زردوئی از جمله محوطه‌های نویافته مربوط به دوره پارینه‌سنگی است که طی پژوهش مذکور کشف گردید. از این محوطه باز که در دامنه ناهمواری‌های موسوم به دَرَوَن (Darwan) قرار گرفته و حدود یک دهم هکتار وسعت دارد، مجموعه مصنوعات سنگی شامل پوینت‌های موستری، تراشه لوالوا، سنگ مادر، خراشنده و تراشه‌های اولیه گردآوری شد که بر اساس مطالعات فن‌گونه‌شناختی متعلق به دوره پارینه‌سنگی میانی است. اهمیت این مجموعه از این رو است که جزء معدود محوطه‌های باز دوره پارینه‌سنگی در شمال غرب زاگرس مرکزی است. با توجه به اهمیت محوطه‌های واقع در حد فاصل اقلیم کردستان عراق تا منطقه کرمانشاه، مطالعه محوطه‌های واقع در منطقه هورامان می‌تواند درک روشن‌تری از وضعیت صنایع‌سنگی مناطق کوهستانی و مرتفع این منطقه و الگوهای بهره‌برداری آن‌ها از طبیعت را در اختیار قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: زاگرس مرکزی، هورامان، پاوه، گویزیه، پارینه‌سنگی میانی.



فصل سوم کاوش باستان‌شناختی غار کلدرد: اهداف و دستاوردها

بهروز بازگیر (۱) الهام بهاروندی (۲)

(۱) دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی، عضو شورای پژوهشی موسسه کاتالان دیرین‌بوم‌شناسی و

تکامل اجتماعی بشر

behrouz.urv@gmail.com

(۲) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه ابهر

elhambaharvand8@gmail.com

چکیده

مقاله پیش رو مجموعه مطالعات فشرده‌ای از اهداف فصل سوم کاوش باستان‌شناختی غار کلدرد و دستاوردهای آن تا به امروز را دربرمی‌گیرد. دستیابی به تاریخ‌نگاری پارینه‌سنگی میانه و مواد فرهنگی به دست آمده بر اساس آزمایش ترمولومینسانس، جستجو برای کشف فسیل گونه‌های انسانی به منظور انجام آنالیز دی ان ای برای پی بردن به منشا و خاستگاه انسان‌های هوشمند و درک مسیر مهاجرتی این گونه، درک بیشتر کاربری ابزارهای سنگی بر اساس آزمایش «آثار استفاده»، انجام آزمایش «ریزبرجای مانده» برای کشف بقایای ریز میکروسکوپی بر جای مانده روی مواد فرهنگی حاصل از کاوش و همچنین آگاهی از وضعیت پوشش گیاهی، جانوری و آب و هوای منطقه بر اساس مطالعات پالئو اینوایرُنمنت با شناسایی دانه‌های گیاهی، گونه‌های جانوری به ویژه پستانداران کوچک از مهم‌ترین اهداف این فصل از کاوش بود. در این نوشتار به هر کدام از دستاوردهای حاصل از اهداف ذکرشده پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: انسان هوشمند، انسان نئاندرتال، گاه‌نگاری، آثار استفاده، ریز بر جای مانده، بقایای جانوری و بقایای گیاهی.



شواهدی از دوره نوسنگی در تل قلعه مرو دشت

فضل الله حبیبی

کارشناس باستان‌شناسی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، دانشجوی دکتری دانشگاه سیستان و

بلوچستان

f1985habibi@gmail.com

چکیده

دوره نوسنگی یک بازه زمانی حیاتی در توسعه فرهنگی و تکنولوژی بود که شاهد گذار از یک روش زندگی بر اساس شکار و جستجوی غذا به یک روش اساسی مبتنی بر کشاورزی و دامداری بود. دوره نوسنگی با سفال در فارس با فرهنگ‌های موشکی، جری و شمش‌آباد شناخته شده است. رابطه گاه‌نگاری میان دو فاز فرهنگی موشکی و جری همواره مورد بحث است. اخیراً دوره فرهنگی جدیدی در گاه‌نگاری فارس بین موشکی و جری اضافه شده که به دوره بشی معروف است. از طرفی کاوش‌های تپه رحمت‌آباد سفال بشی را جزئی از فرهنگ موشکی به شمار می‌آورد. پژوهش‌های جدید باستان‌شناسی در حوضه رود کر شناخت ما در مورد ماهیت استقرارهای دوره نوسنگی را دستخوش تغییرات کرده است. تل قلعه در شرق رودخانه پلوار یکی از مهم‌ترین محوطه‌های باستانی در دشت مرو دشت است که در سال ۱۳۹۹ مورد بررسی روشمند باستان‌شناختی قرار گرفت. طی این بررسی یافته‌های سفالی و ابزارسنگی مربوط به دوره نوسنگی (فرهنگ موشکی و بشی) در شرق محوطه شناسایی شد. یافته‌های دوره نوسنگی در تل قلعه نشان‌دهنده شاخصه‌های سفالی فرهنگ دوره موشکی و فازی هست که به نام بشی شناخته می‌شود. با بررسی سفال‌های به دست آمده می‌توان گاه‌نگاری نسبی سفال‌ها را مشخص کرد و ارتباط سبکی سفال دوره موشکی و بشی را سنجید. همچنین تحلیل مکانی بخش استقرارهای دوره نوسنگی در محوطه تل قلعه و ارتباط مکانی آن با سایر محوطه‌های هم‌زمان در حوضه رود کر را مورد تحقیق قرار داد.

واژه‌های کلیدی: حوضه رود کر، نوسنگی، تل قلعه، موشکی، بشی، سفال.



تطبیق نقش مایه بز روی سفالینه‌های تل باکون الف و مهرهای فرهنگ عبید
از منظر نمادشناسانه

مرضیه درخشان

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه بیرجند

چکیده

طبیعت، دین و مذهب و همچنین آیین‌های ملی و اساطیری از جمله عواملی هستند که منجر به شکل‌گیری نقش‌مایه‌های حیوانی روی آثار هنری و تاریخی می‌شوند. یکی از نقوش حیوانی که همواره مورد توجه بشر بوده، نقش بز است. نقش‌مایه‌های حیوانی معمولاً با نشان دادن حیواناتی نظیر بز، گوسفند، اسب و غیره روی سفالینه‌ها و سایر آثار هنری آشکار شده‌اند. ظروف سفالین باکون الف و نیز مهرهای فرهنگ عبید از جمله آثاری هستند که معرف این نقوش حیوانی و همچنین نقش بز هستند. این نقش‌مایه‌ها که تحت تاثیر محیط و باورهای آیینی شکل پذیرفته‌اند، در ساختارهای طبیعی و انتزاعی شکل یافته‌اند. لذا پژوهش حاضر تلاش دارد تا با روش توصیفی تحلیلی، ضمن آن که به مقایسه نقش بز در سفالینه‌های تل باکون الف و فرهنگ عبید می‌پردازد، دلایلی را در خصوص علل حضور نقش بز روی این آثار از منظر نمادشناسی ارائه نماید.

واژه‌های کلیدی: نقش بز، نمادپردازی، تل باکون الف، فرهنگ عبید.



بررسی باستان‌شناختی استقرارهای پیش از تاریخی بزنگان، بغبغو و فیروزه در امتداد شرقی هزار مسجد دشت سرخس

مهدی دهمرده پهلوان (۱) داود بهروزی فر (۲)

- ۱- دکتری باستان‌شناسی پیش از تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران
- ۲- دکتری باستان‌شناسی تاریخی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

چکیده

با وجود قابلیت‌های خراسان از لحاظ طبیعی و تاریخی، مطالعات باستان‌شناختی در این حوزه جغرافیایی وسیع؛ اندک و پراکنده بوده‌است. دشت سرخس در شمال شرق ایران به دلیل دارا بودن پتانسیل‌های طبیعی از جمله خاک مناسب و اوضاع جوی نسبتاً مساعد و وجود کوهپایه‌ها، زیستگاه مناسبی برای شکل‌گیری اجتماعات مختلف انسانی بوده‌است و به همین دلیل از بهترین مناطق جهت انجام فعالیت‌های علمی باستان‌شناسی است. جستار پیش‌رو با هدف تحلیل باستان‌شناختی استقرارهای پیش از تاریخی امتداد شرقی هزار مسجد دشت سرخس بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی از جمله سفال و دیگر مواد فرهنگی با روش بررسی پیمایشی و بهره‌گیری از عکس‌های ماهواره‌ای انجام شده‌است. مهم‌ترین یافته‌های بررسی امتداد شرقی هزارمسجد، شناسایی و کشف آثاری غنی از دوران پیش از تاریخ بود که این استقرارها دارای سفال‌های بومی محلی است که در کنار فرهنگ منطقه‌ای، به طور محسوس و معناداری در ارتباط با فرهنگ‌های جنوب غرب ترکمنستان است. داده‌های سطحی حاصل از بررسی دشت سرخس حکایت از آن دارد که این منطقه در دوران پیش از تاریخ، زیستگاه اجتماعات مختلف انسانی بوده‌است و با توجه به پتانسیل‌های طبیعی موجود در منطقه و کشف تعداد قابل توجهی آثار فرهنگی می‌تواند نقطه عطفی برای این باستان‌شناسی پیش از تاریخ شمال شرق فلات ایران باشد. شرایط زیست محیطی مناسب، وجود استقرارهای وسیع، همجواری با سرزمین ترکمنستان این منطقه را دروازه روابط فرهنگی ایران و آسیای مرکزی ساخته‌است و وجود هم‌سانی‌های فرهنگی و ارتباطاتی که در فرهنگ‌های مادی جوامع این منطقه مشاهده می‌شود همواره توجه باستان‌شناسانی که در این محدوده به پژوهش پرداخته‌اند را به خود جلب کرده‌است.

واژه‌های کلیدی: پیش از تاریخ، دشت سرخس، استقرار، سفال.



محوطه‌های دالمایی و محوطه‌های در ارتباط با دالما

رقیه رحیمی سرخنی

استاد یار دانشکده میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری دانشگاه مازندران

r.sorkhani@umz.ac.ir

چکیده

سنت سفالی دالما در غرب ایران در هزاره پنجم و چهارم ق م کشف می‌شود. یکی از ویژگی‌های مهم این سنت سفالی پراکنش وسیع آن در سرتاسر غرب ایران و خارج از مرزهای کنونی ایران امروز است. در این مقاله تلاش شده الگوی پراکنشی از محوطه‌های دالمایی و در ارتباط با دالما ارائه شود و با نگاهی منتقدانه به این مساله پرداخته شود که آیا صرف اینکه محوطه‌ای که در آن سفال پرداخت شده سطحی دالمایی به دست آمده به آن می‌توان محوطه دالمایی گفت. یا دالما باید تعریف خاصی داشته باشد؟ آیا ما تلاش کرده ایم تعریف خاصی از این فرهنگ ارائه دهیم یا فقط این پدیده در حد سنت سفالی باقی مانده است. سپس تلاش می‌شود تا توضیحی برای این دو نوع از محوطه‌های دالمایی و در ارتباط با دالما ارائه شود.

واژه‌های کلیدی: دالما، سنت، غرب ایران، در ارتباط با دالما، پراکنش.



باستان‌شناسی دین و آیین، مروری بر گورستان‌های منطقه مرکزی ایران

شهریار ریزانه

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه کاشان

shahriyarrizaneh@gmail.com

چکیده

باستان‌شناسی دین و آیین را می‌توان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های موجود در مطالعات باستان‌شناسی دانست. بی‌شک یکی از راهگشاترین و باارزش‌ترین منابع اطلاعاتی قابل دسترس باستان‌شناسان در مورد فرهنگ و باور بشر در ادوار پیش از تاریخ، تدفین‌های فراوان و توجه به آیین‌های خاکسپاری و اشیای مربوط به این تدفین‌ها در گورها و گورستان‌ها است. در سال‌های اخیر در منطقه مرکزی ایران چندین گورستان مهم متعلق به هزاره دوم و اول پیش از میلاد شناسایی و حفاری شده که از آن جمله می‌توان به گورستان‌های پردیس در دشت ورامین، صرم در دشت قم و گورستان استرک در دشت کاشان اشاره نمود. از این محوطه‌ها داده‌ها و اطلاعات باارزشی به دست آمده، اما تاکنون در مورد این گورستان‌ها و ارتباط احتمالی آن‌ها با یکدیگر تحلیل‌های اجتماعی و فرهنگی جامعی صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد که در این میان الگوهای تدفینی مشترکی مانند جهت تدفین، حالت تدفین و نذورات تدفینی دیده می‌شود که نیازمند بررسی دقیق‌تر و ظریف است. پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی گورستان‌های هزاره دوم و اوایل هزاره اول پیش از میلاد در منطقه مرکزی ایران به این الگوهای مشترک تدفینی بپردازد، آن‌ها را دسته‌بندی کند و با تجزیه و تحلیل دقیق این اشتراکات، نور تازه‌ای به روابط فرهنگی و اجتماعی منطقه مرکزی ایران در هزاره دوم و نخست پیش از میلاد بیفکند.

واژه‌های کلیدی: گورستان‌ها، سنت‌های تدفین، هزاره دوم و اول پیش از میلاد، منطقه مرکزی ایران، عصر مفرغ و آهن.



سومین گونه آجرهای منقوش عصر آهن فلات ایران:
بررسی و مطالعه آجرهای منقوش محوطه باباجان موجود در موزه ملی ایران

سعدی سعیدیان (۱) مریم پناهی (۲)
(۱) استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان
saedi.saeedyan@gmail.com
(۲) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، موزه ملی ایران
nahid_ghafoori@yahoo.com

چکیده

تپه باباجان دلفان واقع در شمال استان لرستان از مشهورترین استقرارگاه‌های عصر آهن منطقه زاگرس مرکزی به شمار می‌آید که طی چهار فصل به سرپرستی کلر گافمید در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی مورد کاوش قرار گرفته است. در لایه سوم باباجان که به نیمه نخست هزاره اول پ.م تاریخ‌گذاری شده، سازه‌ای جالب‌توجه موسوم به «اتاق منقوش» شناسایی شده که تعداد زیادی آجر منقوش هندسی از کاوش آن به دست آمده است. پس از آجرهای لعابدار منقوش مانایی (حسنلو، قلاچی، ربط) و آجرهای منقوش منطقه فلات مرکزی (سیلک، قلی درویش، شمشیرگاه) آجرهای باباجان را می‌توان سومین سبک آجرسازی منقوش در عصر آهن فلات ایران دانست. علی‌رغم اهمیت این مواد فرهنگی در شناخت تزیینات معماری عصر آهن و بر خلاف آجرهای منقوش فلات مرکزی و آجرهای مانایی که موضوع پژوهش‌های متعدد بوده‌اند، تا کنون پژوهش مستقلی درباره آجرهای باباجان انجام نشده است. در واقع این آجرها پس از کشف به موزه ایران باستان منتقل شده و از آن زمان تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. مقاله حاضر کوششی است برای پر کردن خلا اطلاعاتی در باب آجرهای منقوش باباجان. در این پژوهش سعی شده تا ضمن توصیف و گونه‌شناسی آجرهای موجود در موزه ملی، کارکرد، محل و نحوه نصب آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد. همچنین آجرهای باباجان با آجرهای منقوش فلات مرکزی و آجرهای مانایی مقایسه شده و تاثیرپذیری این آجرها از هنر مناطق هم‌جوار در عصر آهن مورد مطالعه قرار گرفته است. نتیجه پژوهش از وجود سبکی بومی و مستقل در آجرسازی لرستان در هزاره اول پ.م حکایت دارد.

واژه‌های کلیدی: آجر منقوش، باباجان، عصر آهن، مانا، فلات مرکزی.



گزارش بررسی باستان‌شناسی شهرستان اهر

رضا سلمان‌پور (۱) سیده زهرا ابطحی فروشانی (۲)

(۱) دانشجوی دکتری باستان‌شناسی

rz.salmanpoor@ut.ac.ir

(۲) دانشجوی دکتری باستان‌شناسی

z.abtahi_frooshani@yahoo.com

چکیده

شهرستان اهر که بخش عظیمی از منطقه جغرافیایی قره‌داغ را به خود اختصاص داده، به دلیل برخوردار بودن از پتانسیل‌های طبیعی از جمله کوه‌ها، رودها و چشمه‌های فراوان، خاک مناسب و اوضاع جوی مساعد از دوران نوسنگی تا کنون زیستگاه مناسبی برای شکل‌گیری اجتماعات مختلف انسانی بوده است. فصل اول بررسی باستان‌شناسی شهرستان اهر در سال ۱۳۹۱ طی ۷۵ روز کار میدانی فشرده انجام گرفت که طی آن بیش از ۶۱۰ اثر باستانی شناسایی و یافته‌های فرهنگی حاصل از آن‌ها (بقایای معماری و سفال) مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفت. بیشترین آثار باستانی کشف‌شده از این منطقه وسیع به ترتیب شامل قبرستان‌ها، کورگان‌ها، قلعه‌ها، استقرارگاه‌ها (تپه‌ها و محوطه‌ها)، امام‌زاده‌ها، مساجد، خانه‌های تاریخی، کاروان‌سراها و آسیاب‌ها است. از مهم‌ترین نتایج بررسی حاضر شناسایی و کشف غارها و پناهگاه‌ها و محوطه‌های منتسب به دوران پارینه‌سنگی و محوطه‌ها و استقرارگاه‌های غنی نوسنگی است که سرآغاز فصل جدیدی در مطالعات باستان‌شناسی شمال غرب کشور است. لازم به ذکر است با وجود دامنه نفوذ فرهنگ کورارس در ماورای قفقاز و شمال غرب و مرکز ایران، بر اساس مطالعات صورت‌گرفته در منطقه هیچ‌گونه محوطه‌ای با فرهنگ مذکور در حوزه جغرافیایی مورد مطالعه شناسایی نشد. از دیگر نتایج مهم حاصل از این بررسی شناسایی تعداد زیادی قلعه، محوطه و قبرستان عظیم از عصر مفرغ تا هزاره اول پ.م. به ویژه دوره اورارتویی نسبت به دیگر ادوار تاریخی در منطقه است.

واژه‌های کلیدی: شهرستان اهر، بررسی باستان‌شناسی، نوسنگی، پارینه‌سنگی، اورارتویی.



محوطه‌ها و مواد فرهنگی دوره مس‌وسنگ شهرستان چگنی، استان لرستان

مهتاب شاهرودی

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه

m.shahverdi1376@gmail.com

چکیده

محدوده شهرستان چگنی در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۲ با هدف شناسایی محوطه‌های باستانی طی دو فصل بررسی و محوطه‌های دوره مس‌وسنگ در این بررسی شناسایی شده‌است. این پژوهش در پی سنجش و مقایسه سفال‌های دوره مس‌وسنگ شهرستان چگنی با دیگر مناطق، ارزیابی همگونی‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای احتمالی، ارزیابی گاهنگاری منطقه بر پایه بررسی توالی یافته‌های حاصل از بررسی و مطالعه الگوی استقرار به کمک مشاهدات قوم‌باستان‌شناختی است. با توجه به شناسایی محوطه‌هایی از دوره‌های مختلف فرهنگی به نظر می‌رسد این بخش از حوزه فرهنگی زاگرس مرکزی می‌توانسته نقشی میانجی و ارتباطی بین مناطق غرب (کوه‌دشت، طرحان و کرمانشاه) و شرق (خرم‌آباد و بروجرد) داشته‌باشد. با بررسی ویژگی‌های کالبدی و موقعیت محوطه‌ها در چشم‌انداز جغرافیایی، می‌توان عوامل تاثیرگذار بر الگوهای استقرار محوطه‌های دوره مس‌وسنگ را شناسایی و به میزان اشتراک و افتراق این منطقه با نواحی اطراف پرداخت. همچنین مکان‌گزینی محوطه‌ها در منطقه چگنی تحت تاثیر و در ارتباط با وضعیت باروری زمین و دسترسی مطلوب به منابع آب به عنوان دو عنصر تاثیرگذار در معیشت مردمان منطقه بوده‌است. نگارنده تلاش خواهد کرد که در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: ۱. مواد فرهنگی دوره مس‌وسنگ منطقه چگنی چه ویژگی‌هایی دارد و تاثیر کدام سنت‌های تولید مواد فرهنگی در این منطقه دیده می‌شود؟ ۲. عوامل تاثیرگذار در روند شکل‌گیری محوطه‌های مس‌وسنگ شهرستان چگنی چه بوده است؟

واژه‌های کلیدی: لرستان، شهرستان چگنی، دوره مس‌وسنگ، سفال، برهمکنش‌های فرهنگی، الگوی استقرار.



مقایسه نقوش اشیای سنگ صابونی ایران و بین‌النهرین
در راستای بررسی نظریه اشاعه‌گری فرهنگی

مهلا صباغ زاده

(دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه زاهدان)

mahla.sabaghzadeh97@gmail.com

چکیده

از آغاز شهرنشینی در هزاره سوم پ.م و شکل‌گیری ابزارهای اقتصادی جهت مبادله کالا تجارت در محدوده‌ای گسترده شکل گرفت و این امر موجبات اشاعه فرهنگ به تمدن‌های دور و نزدیک بوده است. این مقاله پژوهشی در رابطه با بررسی نقوش اشیای سنگ صابونی جیرفت در ایران و مقایسه و تطبیق آن با اشیای مشابه در تمدن بین‌النهرین است که سعی شده به شیوه تحلیلی توصیفی الگوی اشاعه فرهنگ را در تجارت‌های فرامنطقه‌ای بررسی نموده و به اثبات این فرضیه پردازد. طی بررسی موتیف‌های جیرفت و تطابق آن با بین‌النهرین تغییرات اندکی در سبک نقوش مشاهده شد که این تغییرات در نتیجه تفاوت‌های مذهبی و کارکردی ظروف بوده است. با وجود این، شباهت‌هایی نیز در نقوش پرکننده و فرم ظروف به چشم می‌خورد که نشانگر پابندی صنعتگران صادرکننده این ظروف به سنت‌های محلی منطقه جیرفت است. این موتیف‌ها شامل تصاویری اسطوره‌ای است که در اکثر موارد شامل مبارزه قهرمان با حیواناتی همچون مار است. نتیجه آن که مار در هر دو منطقه مورد بحث نشانی اهریمنی بوده است.

واژه‌های کلیدی: اشاعه فرهنگی، سنگ صابون، جیرفت، بین‌النهرین، تجارت، فرامنطقه‌ای.



شرق زاگرس مرکزی در هزاره چهارم پ.م، بررسی گونه‌شناختی
و طبقه‌بندی سفال دوره گودین VI3 در محوطه پیش از تاریخی تاق‌بستان کرمانشاه

ماندانا صدفی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه

mandanasadafi@gmail.com

چکیده

دوره مس‌وسنگ جدید در شرق زاگرس مرکزی با عنوان دوره گودین VIII (۴۱۰۰/۴۰۰۰-۴۲۰۰ پ.م)، VII (۳۹۰۰-۴۰۰۰ پ.م) و VI (۳۹۰۰-۳۰۰۰ پ.م) شناخته می‌شود که اواخر این دوره هم‌افق با مرحله پیدایش نخستین شهرها و حکومت‌های آغازین است. از این‌رو شناسایی انواع محوطه‌ها و مواد فرهنگی این دوره می‌تواند به بازسازی روشن‌تر چشم‌انداز فرهنگی آن منجر شود. در بازنگری تامس کاپلر یانگ دوره VI به سه مرحله VI3-2-1 تقسیم شده است. گودین VI3 به عنوان فرهنگ بومی، VI2 به عنوان فرهنگ بومی و غیر بومی (اوروک) و مرحله VI1 به عنوان فرهنگ غیربومی (اوروک) شناخته می‌شود. مراحل دو و یک این دوره نسبت به مرحله گودین VI3 بهتر شناخته شده است. طی کاوش محوطه پیش از تاریخی تاق‌بستان در سال ۱۳۹۴ به سرپرستی سجاد علی‌بیگی، زیر بقایای گورستان دوره اشکانی بقایای مربوط به استقرار از هزاره چهارم پ.م به دست آمد که براساس مطالعات میدانی و بررسی‌های اولیه این استقرار هم‌زمان با گودین VI3 تاریخ‌گذاری شد. با توجه به این که در خصوص فرهنگ سفالی دوره گودین VI3 و پراکنش سنت سفالی این دوره در زاگرس مرکزی اطلاعات کمی در دست است، یکی از اهداف این پژوهش مطالعه دقیق‌تر مواد فرهنگی این محوطه بود. بر اساس طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال و مقایسه آن‌ها با محوطه‌های ایران، آناتولی، سوریه و شمال میان‌رودان مشخص شد که محوطه تاق‌بستان در بازه زمانی مس‌وسنگ جدید قرار می‌گیرد و مواد فرهنگی آن مرتبط با فرهنگ اوروک قدیم قلمداد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: زاگرس مرکزی، تاق‌بستان، هزاره چهارم پ.م، مس‌وسنگ جدید، گودین VI3، گونه‌شناسی و طبقه‌بندی سفال.



فرهنگ بلخی مروی در بلوچستان

حامد طهماسبی زاوه

دانش آموخته دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان

hamed.tahmasebizave@yahoo.com

چکیده

یکی از مسائل مهم در زمینه شناخت فرهنگ بلخی مروی، شناسایی حوزه جغرافیایی گسترش یا ترسیم مرزهای این فرهنگ است. در این زمینه، بررسی میزان نفوذ این فرهنگ در جنوب شرق ایران (بلوچستان) از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی طی دهه اخیر، منجر به شناسایی داده‌ها، آثار و گورهایی با گورنهاددهای فرهنگ بلخی مروی در بلوچستان شده است. برای بررسی ارتباطات، تأثیر و تأثرات میان فرهنگ بلخی مروی و بلوچستان ایران می‌بایست به آثار و یافته‌های حاصل از بررسی‌ها و کاوش‌های انجام‌شده در تپه بمپور، خوراب و دامن توجه نمود. در منطقه بلوچستان ایران تنها همین سه استقرار کاوش شده هم‌پوشانی زمانی با گاه‌نگاری فرهنگ بلخی مروی دارند. به منظور درک روابط میان این دو منطقه و بررسی احتمالی وجود استقرارهای این فرهنگ و گسترش آن در بلوچستان، این نوشتار به بررسی ارتباطات تجاری، فرهنگی و تأثیر فرهنگ بلخی مروی بر منطقه بلوچستان اختصاص یافته است. علاوه بر این مهم، این نوشتار به بررسی ارتباطات تجاری و فرهنگی میان فرهنگ بلخی مروی و بلوچستان و تبیین چرایی کشف یافته‌های این فرهنگ در منطقه بلوچستان اختصاص یافته است.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ بلخی مروی، بلوچستان، روابط تجاری، تأثیرات فرهنگی.



تحلیل ساختاری نقوش سفال‌های دوره مس‌سنگی محوطه جم محلات

سمیرا عبدالی (۱)، سیده لیلا بنی‌جمالی (۲) جواد علایی مقدم (۳)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه بیرجند

samiraabdali24@gmail.com

(۲) دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

leylabanijamali@yahoo.com

(۳) استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه زابل

javadalaei@uoz.ac.ir

چکیده

محوطه باستانی جم محلات یکی از محوطه‌های بزرگ با چندین دوره استقرار است که با داشتن وسعتی در حدود سه هکتار در دوره مس‌سنگی به‌عنوان بزرگ‌ترین استقرار این دوران در منطقه محسوب می‌شود. در دهه گذشته در این محوطه چندین فصل مطالعات باستان‌شناسی شامل تعیین حریم، بررسی روشمند و کاوش به منظور لایه‌نگاری به انجام رسید و در نتیجه آن تعداد قابل توجهی از سفال‌های ساده و منقوش دوران مس‌سنگی به‌دست آمد که از حیث تراکم و تنوع غیرقابل‌مقایسه با دیگر محوطه‌های مس‌سنگی این منطقه است. در این راستا ابتدا تمامی سفال‌های منقوش به‌دست‌آمده ثبت و طراحی شده و سپس تمامی نقوش بر اساس نوع طرح تفکیک و طبقه‌بندی گردید. در ادامه ضمن مطالعات آماری و زیباشناختی نقوش، جداول و نمودارهای متعددی که در بردارنده داده‌های دسته‌بندی شده جهت تحلیل‌های ساختاری نقوش بودند، تهیه و تنظیم شد و در نهایت اقدام به مقایسه گونه‌شناختی این نقوش با نقوش سفال‌های مکان‌های دیگر در دو سطح مناطق هم‌جواری و مناطق غیرهم‌جواری گردید. نتایج حاکی از آن است که این نقوش در سه دسته هندسی، گیاهی و حیوانی قابل تقسیم‌بندی هستند و هیچ‌گونه نقوش انسانی در سفالینه‌ها وجود ندارد. نقوش هندسی که ۹۷ درصد کل نقوش را شامل می‌شود از تنوع بسیار بالایی در عین تکرار نقوش برخوردار است که در طراحی آن‌ها نوعی هماهنگی وجود دارد. بیشتر نقوش شناسایی شده قابل قیاس با نقوش محوطه‌های فلات مرکزی بوده و تنها درصد کمی از نقوش مشابه نقوش سفال‌های مس‌سنگی زاگرس است.

واژه‌های کلیدی: محلات، محوطه جم، دوره مس‌سنگی، نقوش سفال، تحلیل ساختاری و آماری



نگاهی به حوزه پراکنش و منشا سفال سبک «جارمو/ سراب» در غرب ایران و بین‌النهرین

سجاد علی بیگی

(گروه باستان‌شناسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران)

چکیده

برای نخستین بار طی کاوش‌های باستان‌شناختی دانشگاه شیکاگو در محوطه نوسنگی قلات چرمو (جارمو) گونه‌های سفالی به دست آمد که بعدها به سفال سبک جارمو شهرت یافت. چندی بعد نمونه‌های مشابهی با این نوع سفال‌ها از محوطه تمرخان در شرق عراق گزارش شد. این دو محوطه تنها محوطه‌های دارای این نوع سفال در عراق/ بین‌النهرین هستند و تاکنون از هیچ محوطه دیگری در این منطقه این نوع سفال گزارش نشده است، اما در عوض بر اساس نتایج پژوهش‌های قدیمی و تازه، استقراهای نوسنگی منطقه شمال و شرق عراق یا سفال حسونای قدیم داشته یا سفال ساده‌نخودی رنگی که یک سنت محلی را نشان می‌دهد. کمبود چشمگیر محوطه‌های دارای سفال سبک جارمو و شمار بیشتر محوطه‌های دارای سفال نخودی ساده دوره نوسنگی در این منطقه، نشان می‌دهد که سفال سبک جارمو در این منطقه چندان رایج نبوده است. حدود یک دهه پس از کاوش‌های جارمو و در بررسی‌ها و کاوش‌های دانشگاه شیکاگو در کرمانشاه، این نوع سفال این بار از تپه سراب گزارش شد که به سفال سبک جارموسراب مشهور گردید. سه سال بعد و در حدود ۱۰۰ کیلومتری جنوب تپه سراب، نهشته‌های مهمی حاوی انواع سفال‌های سبک جارموسراب در تپه گوران کاوش شد که می‌توان بر اساس آن روند تغییرات سفالگری در منطقه را به‌خوبی مطالعه کرد. بررسی‌های لوئیس لوین در ماهی‌دشت چند محوطه با سفال نوع جارموسراب را آشکار کرد و در بررسی‌های هیئت‌های ایرانی در کرمانشاه، اسلام‌آباد غرب و سرپل‌زهاب نیز شماری محوطه با این نوع سفال گزارش شد. بررسی فرم، شکل، نقوش و همچنین ویژگی‌های فنی سفال محوطه‌های پیش‌گفته، همانندی‌های نزدیکی میان مواد سفالی منطقه هلیلان، کرمانشاه، سرپل‌زهاب و شرق و شمال شرق عراق را نشان می‌دهد که حاکی از این است که این نواحی سنت سفالی مشابه و یکپارچه‌ای در دوره نوسنگی داشته‌اند. کمبود چشمگیر محوطه‌های دارای این نوع سفال در عراق و فراوانی قابل توجه محوطه‌های دارای این نوع سفال در منطقه زاگرس مرکزی نشان می‌دهد که این نوع سفال احتمالاً ریشه در منطقه هلیلان کرمانشاه دارد که احتمالاً بعدها از طریق گذرگاه



هشتمین همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان

سرپل‌زهاب به شرق و شمال شرق عراق گسترش یافته باشد. به این موضوع باید میزان قابل توجه نهشته‌های حاوی این سفال در منطقه زاگرس مرکزی و روند تدریجی تغییرات سبکی این سفال از گونه بچه قورباغه‌ای تا سفال استاندارد زاگرس را افزود. بررسی‌های سبک‌شناختی حاکی از شکل‌گیری، توسعه و تکامل این نوع سفال در منطقه زاگرس مرکزی است و تپه گوران به عنوان محوطه کلیدی توسعه سفالگری در جنوب زاگرس مرکزی به احتمال یکی از خاستگاه‌های تولید و توسعه سفال سبک جارموسراب بوده است.

واژه‌های کلیدی: زاگرس مرکزی، سفال استاندارد زاگرس، جارمو، سراب، گوران.



برهمکنش‌های فرهنگی سرزمین‌های مرزی هندوایرانی:
بررسی گستره پراکنش سفال خاکستری منقوش مکران

شکیبا علی دوست (۱) نصیر اسکندری (۲)

(۱) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

shakiba.alidoost@gmail.com

(۲) استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

nasir.eskandari@yahoo.com

چکیده

عصر مفرغ یک دوره بسیار مهم در باستان‌شناسی جنوب شرق ایران به شمار می‌رود. در اواخر هزاره چهارم پ.م ارتباطات و تعاملات درون و فرامنطقه‌ای گسترده‌ای در جنوب شرق ایران وجود داشته‌است. از مصادیق این برهمکنش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای یک گونه سفالی خاکستری ظریف منقوش است که در یک گستره بسیار زیاد از منطقه کچ مکران (Kech-Makran) پاکستان در شرق، حوزه هلمند (جنوب افغانستان و سیستان ایران) در شمال تا منطقه کرمان در غرب رایج بوده‌است. این سفال خاکستری ظریف منقوش حدوداً از اواخر هزاره چهارم تا اوایل هزاره سوم پ.م (۳۳۰۰ تا ۲۸۰۰ پ.م) مورد استفاده بوده و به نام سفال خاکستری امیر (Emir Grey Ware) و همچنین سفال نوع شاهی تمپ متاخر (Late Shahi Tump) شناخته می‌شود. این سفال را نخستین بار استاین در سال ۱۹۲۸ میلادی در محوطه شاهی تمپ شناسایی کرد. یکی از مهم‌ترین پژوهش‌ها روی سفال خاکستری منقوش مکران را ریتارایت در دهه ۱۹۸۰ میلادی انجام داد که براساس نتایج مطالعات باستان‌سنجی به این نتیجه رسید که سفال خاکستری سرزمین‌های هندوایرانی در منطقه مکران بلوچستان تولید می‌شده‌است. موتین، لمبرگ کارلوسکی، مینک و توزی در یک پژوهش گسترده تعداد ۶۷ نمونه سفال خاکستری ظریف منقوش نوع شاهی تمپ متأخر را مورد مطالعه قرار دادند. بر اساس این مطالعه مشخص شد که بلوچستان مرکزی به‌ویژه کچ مکران پاکستان محل تولید این ظروف بوده و به عنوان یک کالای شان‌زا در یک گستره وسیع در جنوب شرق ایران و جنوب غرب پاکستان در یک شبکه تجاری گسترده مورد تبادل قرار گرفته‌است. در این مقاله شبکه تولید، توزیع و تجارت این سفال در جنوب شرق ایران و جنوب غرب پاکستان در اواخر هزاره چهارم پ.م مورد تحلیل قرار گرفته‌است.

واژه‌های کلیدی: برهمکنش‌های فرهنگی، سفال خاکستری، مکران، سرزمین‌های هندوایرانی.



مروری بر نظریات آنتونیو ساگونا در باب فرهنگ کورارس

محمدحسن قان‌دی‌ان (۱) محسن سعیدی (۲)

(۱) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی،

mh.ghaediyan@gmail.com

(۲) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی،

saeedimohsen80@gmail.com

چکیده

افق فرهنگی کورارس مسلماً بادوام‌ترین و از نظر جغرافیایی گسترده‌ترین مجموعه فرهنگی باستانی پیش از تاریخ خاور نزدیک است که در اواسط هزاره چهارم پ.م (حدود ۳۵۰۰ ق.م) در قفقاز و حوزه دریاچه ارومیه گسترده شد و تا آناتولی و لوانت هم گسترش یافت. فرهنگ باستان‌شناسی کورارس نمایانگر بقایای جوامع روستایی کشاورز و دام‌پرور است که مدرک قابل اتکایی دال بر وجود طبقات اجتماعی در آن‌ها دیده نشده است. بر اساس فرهنگ مادی و مجموعه باستان‌شناختی آن، فرهنگ کورارس معرف حضور و توسعه یک قوم واحد در پایان هزاره‌ی چهارم پ.م است. باستان‌شناسان زیادی راجع به فرهنگ کورارس صاحب‌نظر هستند. یکی از این صاحب‌نظران آنتونیو ساگونا (۱۹۵۶-۲۰۱۷ م) است. او استاد دانشگاه ملبورن استرالیا بود و رساله دکترایش باستان‌شناسی فرهنگ اوایل عصر برنز در منطقه قفقاز بود که در سال ۱۹۸۴ میلادی آن را به پایان رساند. این نوشتار به بیان نظریات وی راجع به این فرهنگ و ارزیابی آن‌ها می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: باستان‌شناسی قفقاز، کورارس، آنتونیو ساگونا، ماورای قفقاز.



گاهنگاری مطلق تپه سیلک جنوبی و سکوی خشتی آن، با استفاده از روش OSL لومینسانس برانگیخته نوری^۱

حسن فاضلی نشلی، دانشگاه تهران

سپیده جمشیدی، دانشگاه تهران

سحر یزدانی، دانشگاه تهران

جبرئیل نوکنده، دانشگاه تهران

چکیده

در اسفند ماه ۱۳۹۶ طی پروژه‌ای به منظور تاریخ‌گذاری مطلق توالی گاه‌نگاری محوطه سیلک با تیمی متشکل از باستان‌شناسان و زمین‌شناسان، نمونه‌برداری OSL از محوطه سیلک به انجام رسید. طی این نمونه‌برداری یک نمونه زغال، چهار نمونه خشت و سه نمونه به کمک لوله OSL برداشت شد. در نتیجه این پروژه علاوه بر تاریخ‌گذاری سیلک، سکوی خشتی معروف سیلک جنوبی نیز مورد بررسی قرار گرفت و دو نمونه تاریخ‌گذاری مطلق و نمونه‌ای که از سکوی جنوبی گرفته شد نشان می‌دهد که این محوطه دارای تاریخی بین ۸۹۱ تا ۷۶۶ قبل از میلاد است. تاریخ بخش جنوبی دیواره سازه بزرگ سیلک هم تاریخی بین 300 ± 680 را نشان می‌دهد که به خوبی بیانگر این است که تپه سیلک کاشان در تاریخی بین ۹۰۰ قبل از میلاد تا دوره هخامنشی مسکون بوده و این زیگورات مربوط به هزاره اول قبل از میلاد است.

واژه‌های کلیدی: گاه‌نگاری مطلق، سکوی خشتی، OSL، سیلک جنوبی.

۱. این پروژه با همکاری صندوق حمایت از پژوهشگران با شماره طرح ۹۵۸۴۸۹۷۱ به‌انجام رسیده‌است.



تحلیلی بر معماری محوطه‌های دوره آغاز ایلامی در نیمه دوم هزاره چهارم ق.م
در حوزه جنوب غرب و فلات مرکزی ایران

فریده فروزان

دانش آموخته دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران

frida_forouzan2@yahoo.com

چکیده

یکی از عوامل مهم و چشمگیری که معیشت مردمان دوره آغاز ایلامی را از دیگر دوره‌های پیش از تاریخ مستثنی می‌سازد، همانا معماری خاص و منحصر بفرد در این بازه زمانی می‌باشد. تعیین نوع استقرار بشر از ابتدا تاکنون رابطه بسیار قوی و مستقیمی با شرایط اقلیمی و ژئومورفولوژی دارد. در این دوره نوع معیشت مردمان و معماری و نحوه اسکان و استقرار بصورت عمیقی درهم تنیده است. آنچه در دوره آغاز ایلامی بسیار حائز اهمیت است، وجود شاخصه‌های فن مدیریت اداری و مجزا شدن طبقات اجتماعی می‌باشد، و این درحالیست که هنوز به شهرنشینی دست نیافته‌اند. مدارک زیادی مبنی بر تمایزات طبقاتی در استقرارگاه‌های این دوره خاص موجود می‌باشند. از قبیل مهرها، اثر مهرها و گلنیشته‌های خاص که تنها در خود سکونتگاه‌های منحصر بفرد این دوره یافت می‌شوند و هیچ یک از آن‌ها را نمی‌توان در اطراف استقرارگاه‌های عظیم و به یادمانی دوره آغاز ایلامی یافت کرد، که این مورد خاص خود دلیلی مبرهن بر نوع معیشت مردمان دوره آغاز ایلامی است.

واژه‌های کلیدی: دوره آغاز ایلامی، معماری، فن مدیریت اداری، نوع معیشت.



تجارت لاجورد در هزاره چهارم پیش از میلاد و نقش آن در توسعه شهرنشینی در ایران

سمانه کاظمی نیا

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا همدان

samane30kazemini@gmail.com

چکیده

انقلاب شهرنشینی بی‌شک یک دگرگونی فرهنگی و اجتماعی بود که لزوماً ارتباط چندانی با شیوه‌های بهره‌برداری از محیط نداشت، بلکه زمینه این تحول را یک رشته نهادهای تازه با ابعاد بسیار گسترده و شبکه‌ای از روابط پیچیده اجتماعی تشکیل می‌داد. ساکنان شهر بیشتر درگیر کارهایی سوای تولید غذا بودند و تغذیه آن‌ها متکی بر مازاد محصول غذایی تولیدکنندگان کشاورز بود. پژوهشگران بسیاری به بررسی روند شکل‌گیری شهرنشینی و عوامل مؤثر در ایجاد شهرها پرداخته‌اند و معیارهای متعددی را به عنوان شاخص‌های شهر و شهرنشینی ارائه نموده‌اند که یکی از این معیارها پیدایش و گسترش تجارت اشیای تجملی با مناطق دوردست است. سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی از جمله اقلامی هستند که همواره مورد توجه بوده‌اند و از مهم‌ترین کالاهای تجاری محسوب می‌شوند. در این میان سنگ لاجورد نمونه‌ای از کالاهای سنگی است که به دلیل ویژگی‌های منحصر به فردش از هزاره چهارم پ.م مورد توجه جوامع رو به رشد قرار گرفته و در تجارت و داد و ستد دنیای باستان نقش مهمی را برعهده داشته‌است. از این رو در مقاله حاضر تلاش شده با روش استنادی و مقایسه‌ای، با جزئیات و گستره وسیع‌تری به بررسی تجارت لاجورد، علل محبوبیت آن در هزاره چهارم پ.م و نقشش در شکل‌گیری و توسعه جوامع آغاز شهرنشینی بپردازیم.

واژه‌های کلیدی: شهرنشینی، تجارت، لاجورد، هزاره چهارم پ.م.



دشت سیستان در عصر مفرغ، نگاهی به محوطه‌های اقماری شهر سوخته

زینب محبوب (۱)، حسین علی کاوش (۲)، سید مهدی میری (۳) رضا ناصری (۴)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

zeynab.mahjoob91@gmail.com

(۲) استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه زابل

h.kavosh@uoz.ac.ir

(۳) استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه زابل

mehdi.miri@uoz.ac.ir

(۴) استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه زابل

rezanaseri@uoz.ac.ir

چکیده

دشت سیستان به برکت رودخانه هیرمند و دریاچه هامون محل بالندگی تمدن و شهری‌گری در هزاره سوم پیش از میلاد بوده است. محوطه شهر سوخته با بیش از ۱۵۰ هکتار وسعت و حدود ۹۰۰ محوطه اقماری که عمدتاً هم‌زمان با گسترش شهر سوخته در پیرامون آن شکل گرفته‌اند، نیز حکایت از رونق این دشت در دوره مفرغ دارد. کاوش‌های انجام‌شده در پیش از انقلاب توسط هیئت ایتالیایی به سرپرستی ماریتسیو توزی و هم‌چنین کاوش‌های بعد از انقلاب به سرپرستی سید منصور سیدسجادی تا حدودی زوایای این شهر هزاره سومی را روشن کرده است. با وجود این، مطالعات انجام‌شده در محوطه‌های اقماری این شهر نسبت به تعداد آن‌ها ناچیز است. در واقع عدم توجه به محوطه‌های پیرامونی شهر سوخته از نواقص پژوهش‌های باستان‌شناسی در این منطقه به‌شمار می‌آید. از طرف دیگر تپه طالب‌خان، تپه صادق، تپه دشت، تپه یلدا و تپه‌ی گرازبانی چند نمونه از محوطه‌های بی‌شمار دشت جنوبی سیستان است که تا به امروز گروه باستان‌شناسی دانشگاه زابل و دانشگاه سیستان و بلوچستان حفاری‌هایی در آن‌ها با هدف آموزش دانشجویان باستان‌شناسی انجام داده‌اند. پژوهش حاضر بر اساس آخرین پژوهش‌ها و کاوش‌های انجام‌شده به ارائه گاه‌نگاری نسبی این محوطه‌ها می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: دشت سیستان، عصر مفرغ، شهر سوخته، محوطه‌های اقماری، گاه‌نگاری.



تپه قلا سومار، طولانی ترین توالی استقراری در حاشیه غربی کوهستان زاگرس

سامان مصطفی پور

دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه

soranmostafapur@gmail.com

چکیده

پژوهش‌های باستان‌شناسی اندکی در مناطق مرزی غرب کشور به‌انجام رسیده‌است. این در حالی است که این مناطق به صورت کمربند حائل و ارتباطی بین دشت‌های پست بین‌النهرین و مناطق مرتفع زاگرس بوده و همواره در دوران‌های مختلف اهمیت زیادی داشته‌اند. سال ۱۳۹۴ هیئتی در قالب «پروژه باستان‌شناسی طرح انتقال آب گرمسیری» به سرپرستی حجت دارابی راهی منطقه شد که طی این بررسی بیش از ۵۰ محوطه مربوط به دوره‌های مختلف شناسایی شد. مهم‌ترین محوطه شناسایی شده تپه قلا است که اهمیت آن به خاطر داشتن بقایای استقراری از دوره نوسنگی تا دوران اسلامی است. تپه قلا در حاشیه رودخانه گنگیر با ارتفاع ۳۰ متر اصلی‌ترین محوطه در دشت سومار به حساب می‌آید. از تپه قلا مجموعه مهم سفالی از اواخر هزاره ششم پیش از میلاد تا دوران اسلامی به‌دست‌آمد. در میان این مجموعه سفال‌های فرهنگ عبید به دلیل فراوانی و تنوع بیشتر از هر گونه مواد فرهنگی دیگری در این محوطه جلب توجه می‌کنند. موقعیت جغرافیایی محوطه شناسایی شده در دشت سومار، مجاورت با دالان‌های ارتباطی با بین‌النهرین و ارتباط آن با محوطه‌های هم‌زمان می‌تواند نشانگر ارتباط فرهنگی و تجاری این مناطق با یکدیگر باشد. به‌رغم شناخت ما از گونه‌های مختلف سفالی در دوره‌های مختلف در زاگرس مرکزی، آگاهی ما از مواد فرهنگی حاشیه غربی زاگرس با توجه به اندک بودن بررسی‌ها و کاوش‌ها بسیار ناچیز است. با توجه به موقعیت راهبردی دشت سومار، کاوش لایه‌شناختی این محوطه برای بررسی توالی استقراری در این محدوده می‌تواند اطلاعات مهمی را به دانش ما درباره این محدوده جغرافیایی بیفزاید.

واژه‌های کلیدی: کوهپایه‌های غربی زاگرس، سومار، تپه قلا، دوره عبید.



طبقه‌بندی پیکرک‌های عصر آهن کرانه‌های جنوبی دریای کاسپی

فاطمه مهدی‌خانی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی

fatemeh.mehdikhani64@gmail.com

چکیده

یکی از یافته‌های شاخص عصر آهن ایران پیکرک‌های سفالی است که تنوع زیادی در بین آن‌ها دیده می‌شود و به انواع مختلف از نظر ساختاری تقسیم می‌شوند، به طوری که می‌توان آن‌ها را بر مبنای شکل به قسمت‌های مختلف طبقه‌بندی کرد. در این پژوهش تعداد ۱۰۳ پیکرک سفالی معرفی شده در گزارش‌های باستان‌شناسی مورد مطالعه و طبقه‌بندی قرار گرفته است. شیوه طبقه‌بندی بر مبنای شباهت میان نمونه‌ها است. پراکندگی این گونه‌ها نشانگر نظم خاص و رابطه مشخص میان پیکرک‌ها و مناطق جغرافیایی مختلف است. هدف مقاله بازشناسی کاربرد و استفاده از این پیکرک‌ها و مقایسه آن‌ها با محوطه‌های بزرگ عصر آهن است که می‌توان گفت تابع پراکندگی مکانی است، به طوری که در نواحی مختلف سبک‌های مختلف دیده شده است.

واژه‌های کلیدی: جنوب دریای کاسپی، عصر آهن، پیکرک، طبقه‌بندی.



شناسایی و مطالعه محوطه‌های باستانی عصر مفرغ
حوزه رودخانه چهل چای مینودشت گلستان

الهام وثوق بابایی (۱) پریسا نکویی (۲)

(۱) دکتری باستان‌شناسی

elham.vosouq@alumni.ut.ac.ir

(۲) دکتری باستان‌شناسی

nekouei.parisa@gmail.com

چکیده

مینو دشت در حاشیه شرقی دشت گرگان، در شمال شرق ایران و در استان گلستان واقع شده است. پروژه بررسی باستان‌شناسی حوزه رودخانه چهل چای مینودشت با هدف شناسایی محوطه‌های باستانی در پاییز ۱۳۹۵ تعریف و اجرا شد. بررسی مزبور به صورت پیمایشی و فشرده در محدوده شهرستان مینودشت انجام و ۱۱۰ محوطه باستانی شناسایی شد که از آن میان، ۱۵ محوطه شواهد و مدارک مربوط به استقرارگاه‌های دوره مفرغ داشت. هدف از این پژوهش، معرفی و بررسی محوطه‌های دوره مفرغ است که با استناد به داده‌های باستان‌شناختی به ویژه قطعات سفالی و تطبیق شباهت‌های موجود آن‌ها با سفال‌های محوطه‌های شاخص عصر مفرغ در حوزه دشت گرگان چون تورنگ تپه، شاه تپه، نرگس تپه و تپه بازگیر انجام شده است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد فرهنگ عصر مفرغ و سنت سفال خاکستری در حوزه رودخانه چهل چای به دلیل چشم‌انداز طبیعی دشت و دره‌های میان کوهی، زمینه‌ای مناسب برای شکل‌گیری محوطه‌های عصر مفرغ فراهم آورده است. این استقرارها عموماً در قسمت دشت و در فاصله کمی نسبت به رودخانه چهل چای واقع شده‌اند و در بیشتر محوطه‌های عصر مفرغ مینودشت، توالی فرهنگی از دوره مس سنگ تا دوره آهن دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مینودشت، دشت گرگان، دوره مفرغ، بررسی باستان‌شناسی.



مدیریت منابع انسانی و نیروی کار در پایان هزاره چهارم پیش از میلاد
بر اساس گل‌نبشته‌های آغازیلامی

سحر یزدانی (۱) حسن افشاری (۲)

(۱) دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران،

yazdani.sahar@ut.ac.ir

(۲) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران،

hassanafshari@ut.ac.ir

چکیده

مدیریت و سازمان‌دهی نیروی کار در انتهای هزاره چهارم پ.م در مقطعی که منتسب به آغاز شهرنشینی و تشکیل دولت‌های اولیه است مبحثی پیچیده و پراهمیت به‌شمار می‌آید. در کنار شواهد مدیریتی و اداری مرسوم در اکثر محوطه‌های منتسب به دوره آغازیلامی در ربع پایانی هزاره چهارم پ.م این گل‌نبشته‌های آغازیلامی هستند که شواهد وجود و حضور نیروی کار بسیار زیادی را برای ما آشکار می‌سازند که یکی از ارکان اصلی در ساختار جوامع این دوره هستند. در این نوشتار با معرفی نشانه‌های معنای‌گزار مرتبط با نیروی کار، ناظران و سازمان یا نهادهای مدیریتی و بررسی چند نمونه از متون مرتبط (فارغ از نوع فعالیت انجام‌شده توسط کارگران)، نیاز این جوامع به مدیران و ناظرانی برای سازمان‌دهی و نظارت بر فعالیت نیروی کار و در نهایت پرداخت جیره را در دو تا سه سطح می‌توان مشاهده کرد. در این متون نمود حضور چنین سطوحی را می‌توان در غالب معنای‌گزارهای ناظر یا سرپرست کارگران در طول زنجیره‌های اسمی و نیز استفاده از نشانه N1 بر لبه عرضی گل‌نبشته‌ها و در نهایت مهر شدن متن به دست مدیر بالاترته‌تری را پیشنهاد کرد و در نتیجه چنین استنباط می‌گردد که در پایان هزاره چهارم پ.م فن مدیریت پیچیده‌ای که در زمینه سازمان‌دهی نیروی کار شکل گرفته و مجموع این فعالیت‌ها در الواح گوناگون ثبت و ضبط گردیده و این تلاش باعث تکامل نگارش در فلات ایران شده است.

واژه‌های کلیدی: نیروی کار، آغازیلامی، گل‌نبشته، هزاره چهارم پ.م



دوره تاریخی

بررسی و توصیف غار دست‌کند چشمه سهراب، شهرستان هرسین در استان کرمانشاه

حسن افشاری (۱) پگاه کریم پوراسکندری (۲)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران،

hassanafshari@ut.ac.ir

(۲) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مرمت ابنیه و بافت‌های تاریخی دانشگاه شهید بهشتی،

pegah.karimpoor.sk@gmail.com

چکیده

انسان‌ها همواره برای سکونت نیازمند ساخت سرپناه بوده‌اند که یکی از بهترین نمونه‌های معماری که وابستگی زیادی به طبیعت و اقلیم دارد، معماری دست‌کند است. در این معماری انسان‌ها با مثبت و منفی قراردادن سطح سنگ، پناهگاهی برای خود می‌سازند. به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دست‌کندها می‌توان به دژهای سنگی اشاره کرد. غار یا دژ (؟) چشمه سهراب محوطه‌ای است با معماری دست‌کند که در روستای چشمه سهراب و در کنار مسیر رودخانه سنقرود و در فاصله‌ای نزدیک به محوطه بیستون قرار گرفته که از لحاظ سوق‌الجیشی در گذشته اهمیت بالایی داشته‌است. این دژ در ارتفاع بالای ۳۰۰ متر از نواحی اطراف و مسیر صعب‌العبور واقع شده که برای رسیدن به آن باید دشواری‌های گوناگونی را طی کرد. این نوشتار با بررسی منطقه‌ای و کتابخانه‌ای سعی بر توصیف و شناخت بیشتر این محوطه دارد که به توصیف کامل معماری دست‌کند و شیوه استقرار، آب‌رسانی و دیده‌بانی می‌پردازد و با توجه به مدارک باستان‌شناسی یافت‌شده در آن، مانند نقاشی‌های صخره‌ای رسم‌شده بر دیواره‌های پناهگاه، می‌توان در نظر گرفت که احتمالاً در دوران تاریخی اشکانی و ساسانی سکونت در آن جریان داشته و یکی از پایگاه‌های نظامی دوران تاریخی بوده‌است.

واژه‌های کلیدی: بیستون، دست‌کند، چشمه سهراب، رنگین‌نگاره، مرآوزا.



سیستم آبرسانی ساسانی قصرشیرین

شهرام پارسه

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوره تاریخی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

parseh.shahram@yahoo.com

چکیده

آب و مسائل مربوط به آن از دیرباز در تمامی وجوه زندگی انسان نقش مهمی داشته و اثرات آن تا حدی بوده که وارد مذاهب و اساطیر نیز شده‌است. این موضوع در ایران به دلیل کمبود میانگین بارش و شرایط خاص جغرافیایی، اهمیت بیشتری پیدا کرده، به نحوی که ایرانیان باستان برای جبران مشکلات کم‌آبی، دست به ساخت سازه‌هایی همچون سد و بند، قنات، کانال‌های آب و چرخ آبی زده‌اند و از این میان برخی از آن‌ها همچون قنات برای اولین بار در جهان به ابتکار ایرانیان ابداع شده‌است. اهمیت آب در ایران محدود به دوره خاصی نیست، اما در دوره ساسانی از جایگاه ویژه‌ای بهره‌مند است. گواه سخن این است که در این دوره، علاوه بر ساخت پل و بند در کنار شهرها، برای آنها، ایزدبانوی آب، پرستشگاه ساخته و جشن گرفته و حتی در نقش برجسته‌های شاهان به تصویر کشیده می‌شود. برای مثال شهر قصرشیرین در غرب استان کرمانشاه یکی از شهرهای مهم به‌جای مانده از دوره ساسانی و اوایل دوران اسلامی است که علاوه بر آثار معماری مهم عمارت خسرو و آتشکده چهارقاپی، برخوردار از سیستم آبرسانی مربوط به دوره ساسانی است. این کانال مصنوعی ساخته‌شده از سنگ به طول چندین کیلومتر آب رودخانه لوند را به عمارت خسرو، بان‌قلعه و ... منتقل می‌کرده‌است. در این نوشتار نویسنده سعی دارد با مطالعه منابع مکتوب و آثار به‌جای مانده، به معرفی سیستم آبرسانی قصرشیرین و نقش آن در مجموعه تاریخی منطقه می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: قصرشیرین، سیستم آبرسانی، ساسانیان، منابع آب.



مطالعه تطبیقی نقش نیزه سه سر روی سکه های الیمایی با «پارته»
 سلاح صید ماهی در منطقه رودخانه مارون و جراحی

مهرداد تک (۱)، محمدامین فولادی (۲) و حدیث زمانی (۳)
 (۱) دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه یاسوج،

iranmehrddad1368@gmail.com

(۲) دانشجوی کارشناسی باستان شناسی، دانشگاه بیرجند،

mohammadaminfooladi1996@gmail.com

(۳) دانشجوی کارشناسی باستان شناسی، دانشگاه بیرجند،

zamanihadis1999@gmail.com

چکیده

یکی از راه های شناخت پیشینه فرهنگی، مطالعات قوم باستان شناختی مناطق مختلف و مطابقت با داده های باستانی است. از مناطق مهم در این مطالعات رودخانه مارون و جراحی در خوزستان است. مردمان این مناطق برای گذران معیشت به صید ماهی با ابزاری به نام «پارته» اشتغال دارند که شکل آن به صورت نیزه سه سر است. از آنجا که این منطقه در دوره باستان تحت سیطره سلوکیان و سپس الیمایی ها بوده و همچنین نقوشی شبیه به سلاح پارته بر سکه های سلوکی و الیمایی قابل رویت است، این سوال مطرح می گردد که طراحی چنین ابزار بومی از کدام دوران تاریخی به ما رسیده است؟ ما در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی ابتدا تمامی نقوش باستانی شبیه به سلاح پارته روی سکه ها را شناسایی و دلیل این طراحی را بررسی می کنیم. در این راستا تنها نقوش شبیه به سلاح مورد مطالعه، نقش لنگری وارونه است که با بررسی و مطابقت نقاشی به دست آمده از کوه خواجه (نقش سه ایزد) و نقوش برجسته یونانی می توان دریافت که این نماد متعلق به «پورثیدون»، خدای آب های یونان، است که نمونه آن را روی سکه های ارد اول اشکانی می توان مشاهده کرد. بنابراین این نقش مرتبط با خدای آبها و دریاها است. از آنجا که مقرر حکومت الیمایی ها در ارتباط با رودخانه هایی چون کرخه، دز، مارون، جراحی و سواحل خلیج فارس بوده، بنابراین نقوش ایجاد شده بر اساس باورهای مذهبی و در ارتباط با موقعیت جغرافیایی است. احتمالاً طراحی سلاح «پارته» بر اساس ریشه های اعتقادی و تاثیرات فرهنگی شکل گرفته است.

واژه های کلیدی: الیمایی، یونان، نقوش نیزه سه سر، پارته.



سنگ‌نگاره مرد سوار بر اسب حاجی آباد، نویافته‌ای از دوران تاریخی (پساحخامنشی)
در حسین کوه

ابوذر توکل (۱)، یونس زارع (۲) فضل‌الله حبیبی (۳)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، کارشناس باستان‌شناسی پایگاه میراث جهانی
تخت جمشید

abozar_tavakol@yahoo.com

(۲) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، کارشناس باستان‌شناسی پایگاه میراث جهانی
تخت جمشید

yoni_apadana@yahoo.com

(۳) دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، کارشناس باستان‌شناسی پایگاه میراث جهانی تخت
جمشید

fazlalahhabibi@gmail.com

چکیده

اهمیت سنگ‌نگاره‌ها در پژوهش‌های باستان‌شناسی همواره قابل توجه بوده است. در این راستا در حسین کوه (کوه نقش‌رستم) یک سنگ‌نگاره در حوالی غار حاجی آباد (روبروی دهکده حاجی آباد) شناسایی شد. سنگ‌نگاره مورد نظر به شیوه کوبشی ایجاد شده و مردی را سوار بر اسب نشان می‌دهد که چارچوب اصلی پژوهش حاضر را تشکیل داده است. با وجود این، پرسش‌هایی در رابطه با سنگ‌نگاره نام‌برده نیز در این نوشتار مطرح است.

نخست بحث تعلق تاریخی سنگ‌نگاره پیش‌گفته مدنظر بوده که به سبب همسانی‌هایی که با دیگر آثار شناسایی شده انجام شد، سنگ‌نگاره حاجی آباد نیز به گمان بسیار متعلق به دوره پساحخامنشی پارس (فرترکه‌ها) است. دوم این که سر مرد سوار بر اسب بسیار ابتدایی نقش شده که همین موضوع ما را با شک و تردیدهای بسیاری در قبال کهن یا نو بودن آن مواجه ساخته بود، اما با توجه به شیوه پوشش سر (کلاه) و مقایسه آن با سکه‌های شاهکان محلی پارس، این پوشش بر سر برخی از آن‌ها نیز در دوران پساحخامنشی دیده می‌شود و به تفصیل در این نوشتار به آن پرداخته شد. در نتیجه، پژوهش پیش‌رو تلاش دارد تا با توجه به جایگاه سنگ‌نگاره سواره و نیز هم‌سنجی آن با سایر گواهی‌های باستان‌شناختی مربوط به دوران مد نظر به تاریخ‌گذاری آن



بپردازد. شیوه پژوهش در این نوشتار نیز از نوع تحقیقات میدانی اسنادی است که در روش میدانی به بررسی باستان‌شناسی جایگاه سنگ‌نگاره موردنظر و مستندنگاری آن و در روش اسنادی نیز با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به تفسیر و تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره نام‌برده پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: مرودشت، حسین‌کوه، غار حاجی‌آباد، دوره پساخامنشی (فترکه‌ها)، سنگ‌نگاره.



نقش شاهنشاهی ماد در آثار معماری دوره هخامنشی

فرزانه جوانمردی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

javanmardi.farzaneh@yahoo.com

چکیده

معماری و تزیینات سازه‌های باستانی همیشه از جذابیت‌های گردشگری و پژوهشی در تاریخ و فرهنگ ایران بوده، به طوری که حجم قابل‌توجهی از دستاوردهای عکاسان، جهانگردان و تاریخ‌نویسان قدیم و جدید در شرح و نشر تاریخ معماری ایران باستان به‌صورت ویژه آثار معماری و تزیینی هخامنشیان بوده‌است. میراث معماری هخامنشی که خود وامدار سبک و سیاق‌هایی از پیشینیان خویش و بیگانه بوده که ارتباط جدی با شاهنشاهی ماد دارد. با وجود این، بررسی معماری دوره ماد با دشواری‌هایی همراه است. از طرفی این کاستی در عدم شهود آشکار و ملموس گستره آثار مادی در مقابل سازه‌های پارسی است و از طرف دیگر در برابر طول مدت زمامداری‌شان پیشرفت شایانی چون هخامنشیان نکردند. اکتشافات ناقص و ناتمام بیشتر از آن جهت بوده‌است که مدها از ابتدای قدرت تا براندازی هیچ‌وقت آسوده‌خاطر نبوده و پیوسته گرفتار حملات و زد و خورد با آشوریان، کیمیری‌ها، سکاها و لیدی‌ها بودند و نتوانستند مانند هخامنشیان یک دفعه بر مهاجمین پیروز شوند، اما بی‌شک مدها همچون اسلاف خویش از آثار معماری قابل‌بحثی برخوردار بوده‌اند. آثار به‌دست آمده از کاوش‌های اخیر باستان‌شناسی در محوطه‌هایی چون تپه هگمتانه، زیویه، گودین‌تپه، نوشیجان و ... و همچنین معماری صخره‌ای که از دوره ماد به‌جامانده، گواه این حقیقت است. به هر روی هر آنچه امروز ما به عنوان معماری مادی که جسته و گریخته از محوطه‌های مادی می‌شناسیم، در تاریخ معماری هخامنشیان مؤثر بوده و می‌توان اقتباس‌های مستقیم و غیرمستقیم را مشاهده نمود که در این پژوهش بیشتر بدان می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: معماری، تزیینات، مدها، هخامنشیان، اقتباس‌های فرهنگی.



معماری دست‌کند در کرانه شمالی خلیج فارس
مطالعه موردی: ساختارهای مسکونی قلعه لشتان بندرلنگه

مینا جوانی (۱) پیمان پاسالاری (۲)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی

javani.mina96@gmail.com

(۲) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی

peymanpasalari@yahoo.com

چکیده

پهنه فرهنگی خلیج فارس از دیرباز مورد توجه مردمان و حکام مختلفی بوده است. این گستره فرهنگی تاریخی پیشینه و همچنین آثار متعدد فراوانی در حوزه خود دارد که مورد مطالعه پژوهشگران متعددی نیز قرار گرفته است. هر دوره تاریخی در ایران پیش از اسلام و پس از اسلام با خصایص و ویژگی‌های خاص معماری منحصر به خود شناخته شده هستند و بر مبنای همین سبک معماری می‌توان به جنبه‌های مختلف هنری، مذهبی، اعتقادی و اقتصادی و غیره زیستی آن دوره پی‌برد. آثار و شواهد متعددی از معماری دست‌کند در کرانه و پس‌کرانه شمالی خلیج فارس به دست آمده، لیکن با وجود پژوهش‌های متعدد برخی از این آثار هنوز ناشناخته باقی مانده‌اند. معماری‌های دست‌کند یا سنگی معمولاً در دل صخره‌ها، کوه‌ها و بسترهای سنگی به صورت کنده ایجاد می‌شده‌اند و این نوع معماری را می‌توان یکی از نخستین شیوه‌های زیستی بشر تلقی کرد که انسان برای حیات خود بدان وابسته بوده است. قلعه لشتان بندرلنگه یکی از قلاع تاریخی مهم در کرانه شمالی خلیج فارس است که با برخوردار بودن از معماری دست‌کند متنوع مسکونی، تدفینی و آیینی هنوز به درستی معرفی نشده است. در این پژوهش سعی بر آن است تا با توجه به آثار دست‌کند به معرفی ساختارهای مسکونی این قلعه و مطالعه آن از دیدگاه باستان‌شناسی و مقایسه آن با منابع تاریخی نوشتاری پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: لشتان، دست‌کند، بندرلنگه، خلیج فارس، معماری.



پُشت گُشتاسبان

رضا حیدری

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

heydari.reza@ymail.com

چکیده

بی‌تردید مطالعه منابع تاریخی به منظور شناخت جغرافیای تاریخی مناطق مختلف یکی از موضوعات با اهمیت و مورد علاقه پژوهشگران تاریخ ایران است. شناخت پُشت گُشتاسبان نخست به بهبود اطلاعات ما از جغرافیای تاریخی خراسان بزرگ و بعد آتشکده آذربُزین مهر که در این ناحیه قرار دارد، کمک خواهد کرد. با وجود اهمیت بالای پُشت گُشتاسبان در زمینه مطالعه آتشکده آذربُزین مهر، به موضوعی کمتر توجه شده در متون پژوهشگران تبدیل شده و بدین صورت حداقل در موضوع آذربُزین مهر استنادها تنها به واژه ریوند و مکان‌یابی آن معطوف بوده‌است. در حالی که پُشت گُشتاسبان در این امر موضوعیت دارد و مسیر پژوهش‌ها را تبیین خواهد کرد. متون کهن مذهبی و جغرافیایی دوران تاریخی و اسلامی ایران، پُشت گُشتاسبان خراسان را محل آتشکده آذربُزین مهر می‌دانند. برخی از پژوهشگران حوالی نیشابور و سبزوار را به عنوان محل پُشت گُشتاسبان در نظر گرفته‌اند. این نوشتار، به روش کتابخانه‌ای با رویکردی تحلیلی به استناد متون دوران تاریخی و اسلامی با اصلاح برخی مکان‌یابی‌ها سعی در ارائه پیشنهادی بر مکان پُشت گُشتاسبان به عنوان جایگاه آذربُزین مهر در خراسان داشته‌است. در بررسی آذربُزین مهر کلیدواژه‌ای مانند پُشت گُشتاسبان وجود دارد که بر اساس بررسی‌های پیش رو مکان جغرافیایی آن در جنوب غربی خراسان است که بعدها در اوایل دوران اسلامی پُشت‌العرب یا بُشت‌العرب (بُست‌العرب) و بعدتر پُشت و ترشیز نامیده شده‌است.

واژه‌های کلیدی: خراسان، آذربُزین مهر، پُشت گُشتاسبان، پُشت، جغرافیای تاریخی.



بررسی سیر تغییر و تحول آتشدان در دوران تاریخی با تکیه به نتایج حاصل از مطالعات سکه‌شناسی، نقوش برجسته و یافته‌های حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی

ندا خراسانی (۱) جواد علایی مقدم (۲)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه شهرکرد

khorasani.neda71@gmail.com

(۲) استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه زابل

javadalaei@uoz.ac.ir

چکیده

ایران یکی از تاریخی‌ترین نقاط زمین است که از زمان بسیار دور مرکز توجه بشر قرار داشته و در طول هزاران سال تمدن‌ها و حکومت‌های بزرگ در آن شکل گرفته‌اند که در بردارنده فرهنگ خاص و منحصر به فرد است. این فرهنگ در طول هزاران سال نموده‌ها و نمادهای مختلفی ایجاد نمود که معرف آن است. به عنوان یکی از این موارد می‌توان به آتشدان اشاره نمود که یکی از نمادهای اصلی مذهبی و فرهنگی ایران باستان است. آتش نقش بسزایی در پیشرفت و تداوم زندگی بشری ایفا کرده و به تدریج در باورهای دینی ملل باستان، به ویژه مشرق زمین، جایگاه ویژه‌ای یافته است. از ویژگی‌های بارز کیش زرتشت در دوران ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی مقدس شمردن آتش و به وجود آمدن آتشدان‌هایی است که ارتباط تنگاتنگی با آداب مذهب زرتشت دارند. نکته قابل توجه در مورد این نماد فرهنگ و مذهب ایران باستان بررسی سیر تحول آتشدان و انواع آن در طول دوران تاریخی است. در این راستا نگارندگان در این پژوهش به مطالعه نقش آتشدان در سکه‌ها و نقوش برجسته‌های ایلامی، مادی، هخامنشی، اشکانی و ساسانی یافته‌های حاصل از فعالیت‌های باستان‌شناسی پرداخته تا ضمن بررسی کامل آتشدان‌های دوران تاریخی به سیر تحول آن‌ها در طول زمان و طبقه‌بندی و گونه‌شناسی آن‌ها بپردازند. نتایج بیانگر آن است که آتشدان‌های دوران تاریخی در دو دسته کلی مستقل و غیرمستقل تقسیم می‌شوند که هر یک شامل زیرگونه‌های متعددی است. این آتشدان‌ها گاه در بردارنده عناصر تزئینی و الحاقی مختلفی است که نوع آتش مقدس در آن را نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: دوران تاریخی، آتشدان، سکه‌شناسی، نقوش برجسته، گونه‌شناسی.



شیر گاوشکن، صورتی فلکی یا نقشی سکایی؟

خلیل خلیلی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی

khalil.khlili@live.com

چکیده

قبایل کوچرو سکایی در شمال امپراتوری هخامنشی همواره به عنوان یکی از موانع بزرگ این امپراتوری در جهت گسترش قلمرو به سوی شمال محسوب می‌شد. ارتباط جهان سکایی با هخامنشیان به پیش از به قدرت رسیدن هخامنشیان در دوره بیست و هشت ساله تسلط سکایان بر امپراتوری ماد بازمی‌گشت و در دوره هخامنشی با نبردهای کوروش دوم و داریوش اول با ماساژت‌ها و سکا‌های شمال دریای سیاه ادامه یافت. زبان و خاستگاه مشترک هخامنشیان و سکاها تبادل فرهنگی میان این دو قوم را آسان‌تر می‌کرد. سکاها و هخامنشیان علاقه فراوانی به استفاده از موتیف‌های حیوانی در اشیای زندگی روزمره و ابزارآلات جنگی داشتند که می‌تواند ریشه در فرهنگ پیش از مهاجرت آنان به فلات ایران داشته باشد. نقش شیر گاوشکن در کاخ آپادانا را معمولا به برج حمل و برج صورت تشبیه می‌کنند. این نقش پیش از این که گویای صورت فلکی باشد، بیشتر تداوی کننده نقوش سکایی است. در این پژوهش سعی بر آن است تا با مقایسه نقش شیر گاوشکن با تعدادی از آثار سکایی که از یافته‌های باستان‌شناسی در آلتایی مغولستان و ناحیه شمال دریای سیاه به دست آمده، اشتراک‌های این نقش هخامنشی را با نمونه‌های سکایی به دست آورده و دلایل خود را بر سکایی بودن این طرح بیان کند. این پژوهش بر اساس هدف از نوع تحقیقات بنیادی و بر اساس ماهیت و روش از نوع تحقیقات تطبیقی تاریخی است. چگونگی گردآوری اطلاعات در این پژوهش به روش اسنادی (کتابخانه‌ای) است که بر اساس آن کلیه منابع و شواهد تاریخی مورد مطالعه و فیش‌برداری قرار خواهند گرفت.

واژه‌های کلیدی: شیر گاوشکن، سکایی، هخامنشی.



بررسی جغرافیای تاریخی ایالت کرمان در دوران هخامنشی با تکیه بر متون تاریخی و داده‌های باستان‌شناسانه

الما رحیمی

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه نیشابور

elmarahimi22@gmail.com

چکیده

واحد سیاسی اداری موسوم به کرمان امروزی از جمله مناطق تحت حاکمیت هخامنشیان بوده که کمتر پژوهشی در خصوص نمود تاریخی و باستان‌شناسانه موجودیت و حدود و ثغور جغرافیای سیاسی اداری آن در روزگار هخامنشی صورت پذیرفته است. پژوهش پیش‌رو با هدف شناسایی حدود جغرافیای سیاسی اداری کرمان در روزگار هخامنشی موسوم به «بوتیا» و بعدها «کارمانیا» بر اساس اندک داده‌های حاصل از متون تاریخی و همچنین معدود پژوهش‌های باستان‌شناختی صورت گرفته به سرانجام رسیده است. آنچه ضرورت انجام این پژوهش را توجیه نموده، کنکاش حداکثری و یافت حداقلی داده‌هایی در این زمینه بوده است. این پژوهش تلاش نموده تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد که حدود جغرافیای اداری سیاسی کرمان روزگار هخامنشی از منظر متون تاریخی و داده‌های باستان‌شناختی چگونه قابل بازیابی است؟ دیگر آن که استان کرمان امروزی چه میزان با ایالت کارمانیای روزگار هخامنشی قابل تطبیق است؟ این مقاله از طریق مطالعات استنادی به بررسی متون تاریخی و همچنین گزارش‌های منتشرشده کاوش‌های باستان‌شناسی به گردآوری داده پرداخته و سرانجام این داده‌ها را به کمک تحلیل توصیف تاریخی مورد بررسی قرار داده است. در واقع در این پژوهش متون تاریخی به مثابه یک داده در نظر گرفته شد؛ سپس نتایج حاصل از معدود کاوش‌های باستان‌شناختی در حوزه کرمان کنونی برای تأیید یا رد مطالب متون تاریخی مورد استفاده واقع شد. نتیجه آن که با توجه به موجودیت نام بوتیا و یا کارمانیا در کتیبه‌های هخامنشی، تبعید احتمالی نبونید، شاه بابل، به دستور کوروش به کرمان و همچنین یافته‌های حاصل از محوطه‌هایی چون تپه یحیی، شهداد، مهدی‌آباد ریگان و دیگر محوطه‌ها، کرمان از جایگاهی باثبات در ساختار سیاسی اداری شاهنشاهی هخامنشی برخوردار بوده و از طرفی کاوش‌های بیشتری برای تعیین میزان همسانی جغرافیایی ایالت کرمان امروزی با کارمانیای روزگار هخامنشی مورد نیاز است.

واژه‌های کلیدی: کرمان، هخامنشی، جغرافیای سیاسی اداری، متون تاریخی، داده‌های باستان‌شناختی.



معرفی اولین برج خاموشان شناسایی شده در استان خراسان جنوبی

رقیه زعفرانلو

کارشناس باستان‌شناسی اداره کل میراث فرهنگی خراسان جنوبی

zafaranlor@yahoo.com

چکیده

هرچند تاکنون بررسی‌های باستان‌شناسی در همه شهرستان‌های استان خراسان جنوبی انجام شده، اما در جریان هیچ یک از این بررسی‌ها اثری در ارتباط با برج‌های خاموشی شناخته نشده است. شناسایی اثر مورد نظر نگارندگان پیرو درخواستی بود که شورای اسلامی روستای یوسف‌آباد بزم برای بررسی بافت تاریخی روستا مطرح کرده بود. پرس‌وجوی بیشتر در مورد آثار قدیمی پیرامون روستا باعث شد نگارندگان نسبت به محلی که از سوی یکی از مطلعین روستا محل سوزاندن اجساد مردگان در هزاران سال پیش معرفی شد، کنجکاو شده و مراجعه به آنجا منجر به شناسایی این اثر تاریخی آیینی ناشناخته و منحصر به فرد در استان خراسان جنوبی شد. روستای یوسف‌آباد بزم (Bam) از توابع بخش دستگردان شهرستان طبس گلشن است. تپه پشته عبدالآباد تپه‌های طبیعی و کم‌ارتفاع است که سنگ‌ریزه‌های سیاه‌رنگ تمامی سطح آن را پوشانده و به همین دلیل به «پشته سیاه» نیز مشهور است. این تپه در حاشیه جنوب غربی روستای یوسف‌آباد بزم واقع شده و کشیدگی‌ای شمالی جنوبی دارد و تقریباً به شکل یک لوزی نامنظم است. چند قطعه کوچک سفال‌های اشکانی و ساسانی نیز در سطح تپه دیده شد. عوارض ایجاد شده بر راس تپه حکایت از وجود یک دخمه یا برج خاموشان در گذشته‌های دور دارد که در این مقاله معرفی شده است.

واژه‌های کلیدی: خراسان جنوبی، طبس گلشن، دخمه برج خاموشان، تدفین دوره‌های تاریخی.



بررسی و مطالعه باستان‌شناختی راه‌های سنگفرش نویافته بخش شمالی
کوره آرگان (رستاق بلادشاپور)

حسین سپیدنامه (۱) احمد صالحی کاخکی (۲)

(۱) دانشجوی دکتری گروه باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان

h.sapidnameh@au.ac.ir

(۲) دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان، نویسنده مسئول

salehi.k.a@au.ac.ir

چکیده

راه‌های سنگفرش از مهم‌ترین شواهد باستان‌شناختی برای پی بردن به مسیر راه‌های باستانی و از فاکتورهای مهم برای مطالعه الگوهای استقرار در دوران تاریخی اسلامی است که مطالعه آن‌ها این امکان را فراهم می‌سازد تا نقش این راه‌ها در ارتباطات تجاری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، جایگاه سوق‌الجیشی سیاسی‌اداری و همچنین اشارات منابع تاریخی در خصوص منزلگاه‌های بین‌راهی یک منطقه مورد ارزیابی قرار گیرد.

از مهم‌ترین اهداف این پژوهش بررسی و مطالعه باستان‌شناختی راه‌های سنگفرش نویافته رستاق تاریخی بلادشاپور در ناحیه کوهستانی شمال کوره آرگان به منظور پی بردن به مسیرهای ارتباطی تاریخی منطقه، پیشینه تاریخی این راه‌ها و همچنین شناخت و طبقه‌بندی آن‌ها در این ناحیه است.

بنابراین، این مقاله در پی پاسخ به این پرسش‌ها است که: ۱- راه‌های سنگفرش موجود چه کمکی در شناخت مسیرهای تاریخی منطقه کوهستانی بلادشاپور می‌کند؟ ۲- پیشینه تاریخی راه‌های سنگفرش بلادشاپور به چه دوره تاریخی برمی‌گردد؟ روش پژوهش توصیفی تحلیلی است و نگارندگان ضمن بررسی و شناسایی و گاه‌نگاری راه‌های سنگفرش نویافته منطقه، به مطالعه تطبیقی آن‌ها با راه‌های سنگفرش شناسایی‌شده پیشین در این منطقه و نواحی هم‌جوار چون خوزستان، فارس و چهارمحال و بختیاری خواهند پرداخت.

در نتیجه بررسی‌های انجام‌شده، بقایای سه راه سنگفرش در نواحی رستاق بلادشاپور مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت. بر اساس شواهد باستان‌شناختی، مانند سفال‌های یافت‌شده از مسیر این راه‌ها و محوطه‌های مرتبط با آن‌ها، پیشینه ایجاد این راه‌ها در منطقه بلادشاپور به دوره ساسانی



برمی‌گردد که عمدتاً در ارتباط با مسیر ارجان و بنادر ساحلی مهربان و جنابه به فلات مرکزی ایران و همچنین قلاع دفاعی این مناطق شکل گرفته‌اند. موقعیت جغرافیایی راه‌های سنگفرش، عرض جاده و همچنین شیوه تثبیت و نحوه چیدمان سنگ‌های به‌کاررفته در طبقه‌بندی این راه‌ها تأثیر زیادی دارند.

واژه‌های کلیدی: کوره ارجان، رستاق بلادشاپور، راه سنگفرش.



ارزیابی شیوه‌ها و سنت‌های تدفینی ساسانی بر اساس متون پهلوی و شاهنامه فردوسی
مهناز سیاحی (۱) میلاد باغ‌شیکھی (۲)

(۱) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

gmail.com@mahnaz.sayyahi1376

(۲) دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

milad.baghsheikhi@gmail.com

چکیده

با رسمی شدن دین زرتشتی در دوره ساسانی، شاهد قدرت گرفتن موبدان زرتشتی و تلاش آن‌ها برای رعایت شیوه تدفین مطابق با متون دینی هستیم. از جمله متون دینی وندیداد است که در فرگردهای مختلف آن به نحوه تدفین و نوع آن اشاره کرده‌است. همچنین کتاب شاهنامه از جمله متون حماسی و ادبی ایرانیان است، اما جدای از متن ادبی آن، دربردارنده مطالب تاریخی جزئی مهمی است که به محققان کمک می‌کند تا از آن به عنوان یک منبع تاریخی در دوره‌های مختلف ایران باستان بهره ببرند. بر اساس شواهد باستان‌شناختی، در سرتاسر امپراتوری ساسانی شاهد تنوع الگوهای متفاوت تدفینی هستیم. بنابراین در پژوهش حاضر سعی داریم تا به بررسی تدفین ساسانی بر مبنای متون دینی، شاهنامه و سنجش آن بر اساس مطالعات باستان‌شناختی بپردازیم. پژوهش پیش رو قصد دارد به شیوه کتابخانه‌ای و بر مبنای متون دست اول تاریخی و مطالعات باستان‌شناسی به این پرسش پاسخ دهد که در متون دینی پهلوی ساسانی و شاهنامه فردوسی کدام یک از الگوهای رایج تدفینی اشاره شده‌است؟ نتایج پژوهش نشان داد که با وجود تنوع شیوه‌های تدفینی، در متون دینی زرتشتی خاک به عنوان یکی از عناصر مقدس شناخته و هرگز نباید آلوده می‌شد. بنابراین تنها الگوی رایج و مورد تأیید دین زرتشتی در متون دینی قرار دادن اجساد در برج‌های خاموشی بود، اما به نظر می‌رسد که چنین امری در عمل به صورت همگانی رخ نداده و در بخش کوتاه ساسانی شاهنامه حکیم طوس از جمله الگوهای رایج تدفینی را دخمه‌گذاری دانسته و در اواخر دوره ساسانی به تدفین تابوتی اشاره کرده‌است.

واژه‌های کلیدی: شیوه تدفین، متون پهلوی، شاهنامه فردوسی، ساسانی، مطالعات باستان‌شناسی.



هلنیستی یا هخامنشی؟

شناسایی و بحث درباره چند شیء شاخص یافت‌شده از گورستان درونی یونان

سید اباذر شبیری

پژوهشگر پسادکتری بخش مطالعات تاریخی، مرکز تحقیقات علمی یونان

abazar.parse@gmail.com

چکیده

با وجود تقریباً دو سده تبادل و نفوذ سیاسی و فرهنگی پارسیان (هخامنشیان ۳۳۰-۵۵۰ پ.م) در یونان، شناسایی و گاه‌نگاری مواد فرهنگی دوره هخامنشی یافت‌شده در خاک یونان یکی از مسائل چالش‌برانگیز و بنیادین در مطالعات دوره کلاسیک یونان به‌شمار می‌رود. به دلیل پیچیدگی و آمیختگی (مشابهت؟) سبک‌های هنری، شناخت و تفسیر آثار هخامنشی در میان انبوه اشیای نسبت‌داده‌شده به دوره کلاسیک و هلنی دشوار است. اشیای فرهنگی هخامنشی، با وجود شباهت‌های کلی، ویژگی‌های سبکی و هنری مشخصی دارند. برای مثال در سال ۱۹۶۹ م. چند شیء شاخص فرهنگی تاریخی، شامل سه پیاله سیمین و یک لیوان شیشه‌ای هخامنشی، از گورستان غارت‌شده درونی از منطقه مقدونیه (در شمال یونان) یافت شد. تمامی داده‌های این گورستان بعدها، با توجه به دیگر اشیای یافت‌شده از آنجا، به دوره‌های کلاسیک و هلنیستی تاریخ‌گذاری شده‌اند. یافت شدن این اشیای در قلب خاک یونان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نوشتار زیر علاوه بر بررسی اهمیت تاریخی و فرهنگی اشیای هخامنشی به‌دست‌آمده از گورستان درونی، به بررسی سبک‌های هنری و تکنیک ساخت به‌کاررفته در این اشیای پرداخته‌است. از دیگر موضوعات بحث‌شده در این نوشتار چگونگی شناخت داده‌های باستان‌شناختی به‌خصوص مواد فرهنگی شاخص هخامنشی در یونان است.

واژه‌های کلیدی: هخامنشیان، یونان، مقدونیه، گورستان درونی، گاه‌نگاری.



بازخوانش معماری دفاعی در تبیین الگوی طراحی مجتمع زیستی ماندگار

زهرا صدوقی (۱) محمدصادق طلوع‌دل (۲)

(۱) دانشجوی دکتری مهندسی معماری، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران

z.sadoughi@sru.ac.ir

(۲) دانشیار گروه معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید

رجایی، تهران

چکیده

در منطقه سمنان قلعه‌ای باستانی با معماری دستکند در ارتفاعات کوهستانی است. ضرورت این پژوهش، استخراج الگوهای بومی طبیعت‌گرا به منظور پیوند معماری سنتی و معاصر و هویت‌بخشی به شیوه‌های معماری دفاعی است. روش تحقیق حاضر کیفی و بر مبنای تحلیل محتوای اسنادی است. پس از جمع‌آوری مستندات و انجام مطالعات، مقایسه تطبیقی ساختار معماری سه قلعه هم‌عصر با قلعه گبری صورت گرفته است. همچنین در تطبیق معماری قلعه گبری با خانه ترمیتاری که با الهام از لانه موربانه و با هدف حفاظت از ساکنین در مقابل شرایط آب و هوایی خشن منطقه در سال ۲۰۱۴ طراحی و ساخته شده، از نظر ساختار معماری مطابقت‌هایی به دست آمد. این مهم بیانگر آن است که ساختار معماری دفاعی قلعه گبری نیز برگرفته از طبیعت است. نتایج تحقیق بیانگر نوزده عامل مؤثر در طراحی مجتمع زیستی دفاعی است که ۴۷ درصد عوامل مربوط به ویژگی‌های کالبدی، ۲۱ درصد عوامل معنایی و ۳۲ درصد به صورت عوامل عملکردی است. از بین پنج نمونه مورد مطالعه، قلعه گبری با انطباق کامل، الگوهای طراحی یک مجتمع زیستی ماندگار را داراست. الگوهای معماری دفاعی، قابلیت بازخوانی و تبیین مؤلفه‌های حفاظت‌کننده از حیات بشری به کمک کالبد معماری در سه وجه جهت‌گیری اصولی، مرکزگرایی و محوریت عمودی، در رعایت هم‌خوانی با مؤلفه‌های اصلی معماری و هم‌سازگاری با محیط زیست به گونه‌ای امنیت‌آفرین دارد.

واژه‌های کلیدی: قلعه گبری، لانه موربانه، خانه ترمیتاری، مجتمع زیستی ماندگار، معماری دفاعی.



بررسی جنبش‌های اجتماعی عصر ساسانی با تاکید بر سیاست‌های کرتیر

سکینه طهماسبی (۱) سمیرا عبدالی (۲)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه شهرکرد

samira.0024@yahoo.com

(۲) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه بیرجند

samiraabdali24@gmail.com

چکیده

موقعیتی که دین و اصحاب دین در زمان ساسانیان به دست آورده بودند، قابل تأمل و تعمق است. در این باره از اتحاد و دوستی صمیمی میان دین و پادشاهی از همان لحظه اول روی کار آمدن ساسانیان سخن به میان می‌آید. در دوره ساسانی مغان (روحانیون) جنبه قدسی خویش را شامل حال حکومت دنیوی نموده بودند و در همه شئون مملکت و کلیه احوال زندگی هر ایرانی دخالت می‌کردند. در این روزگار رهبری مذهبی کشور به روحانی برجسته‌ای رسید که در طول سده سوم میلادی در بسیاری از جریان‌های سیاسی و دینی کشور دخالت عمده‌ای داشت. کرتیر در این زمان نه تنها فرمان‌روایی مذهبی کشور را در اختیار گرفت، بلکه حتی به عنوان عامل اصلی سیاست‌گذاری‌های دولت نظر خود را در سیاست دینی به شاهنشاه تحمیل کرد. در این پژوهش که بر اساس رویکرد تحلیلی توصیفی است، بنا به اهمیتی که کرتیر در تثبیت آیین زرتشت به عنوان دین رسمی شاهنشاهی، تحکیم قدرت سیاسی و مذهبی روحانیان زرتشتی و نیز در تثبیت پایه‌های حکومت ساسانی در سده سوم میلادی داشت، سعی شده تا اندیشه‌های دینی سیاسی کرتیر مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. در کل می‌توان به این نتیجه رسید که کرتیر با تصفیه افکار دگراندیشی در مذهب زرتشتی و تعیین اصول عقیدتی و مذهبی به ایجاد ساختار روحانیت زرتشتی دست زد و روش او به عنوان یک الگو در تمام دوره ساسانیان درآمد.

واژه‌های کلیدی: کرتیر، ساسانیان، جنبش، سیاست.



مقایسه‌ای بر عناصر طاق و گنبد در امپراتوری پارتی و روم باستان

آتنا عبدلی مسینان (۱) محمد اقبال چهری (۲)

(۱) دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

ati.abdoli@yahoo.com

(۲) استادیار باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

eghbal1262@yahoo.com

چکیده

پارتیان و رومیان باستان به طور تقریبی هم‌پوشانی زمانی دارند و به دلیل سال‌ها نبرد و درگیری با یکدیگر در تعامل بوده‌اند و بی‌شک در زمینه‌های مختلف از جمله هنر و معماری و به تبع آن ساخت طاق و گنبد از یکدیگر تأثیراتی پذیرفته‌اند. در ایران استفاده از عناصر طاق و گنبد برای پوشش سقف پیشینه‌ای دیرین دارد که در این بین می‌توان به کهن‌ترین نمونه‌های موجود روی اثر مهرهایی مربوط به هزاره چهارم پ.م از محوطه‌های چغامیش و شوش اشاره کرد. به دنبال سقوط امپراتوری هخامنشی و تأثیرات هلنیسم بر دنیای باستان، معماری ایران از دوره پارتی به بعد دچار تحولاتی بنیادی شد که معماران با استفاده از مصالحی چون خشت، آجر و ملات گچ اقدام به طاق‌زنی و ساخت گنبد روی فضاهای معماری کردند که نمونه‌هایی از آن در کاخ آشور، کوه خواجه و سایر بناهای این دوره قابل مشاهده است. همچنین در معماری روم باستان با کشف بتن، طاق‌ها و گنبدهای باشکوهی بر فراز بناهای عمومی و خصوصی نمایان شد که نقطه اوجی برای هنر معماری آن‌ها محسوب می‌شود. نمونه این عناصر را می‌توان در بناهای باشکوهی چون معبد پانتئون و بنای کولوسئوم مشاهده کرد. در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و توصیفی تحلیلی پس از بررسی پیشینه طاق و گنبد به توصیف انواع فرم‌های طاق و گنبد در معماری پارتی و روم باستان و سپس به مقایسه سبک و نوع ساختار آن‌ها و تقدم و تأخر زمانی‌شان با هدف پیگیری تأثیرات متقابل پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: معماری، طاق و گنبد، پارتی، روم باستان.



بازخوانی و بازشناسی سکه‌های خاراسن به دست‌آمده از کاوش‌های فرانسویان
در محوطه سرمسجد خوزستان با تکیه بر جلد ۴۴ مجموعه P.D.M

مه‌دی عسکرزاده

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان

mahdiaskarzadeh901@gmail.com

چکیده

طی کاوش‌های باستان‌شناسی فرانسویان در محوطه‌های بردنشانده و سرمسجد خوزستان از سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۲ میلادی آثار متعددی، به ویژه هزاران قطعه سکه باستانی، کشف و شناسایی شده است. نتایج کار و گزارش‌های کاوش‌های باستان‌شناسان فرانسوی از محوطه‌های نام‌برده در جلد ۴۴ و ۴۵ مجموعه P.D.M، به عنوان یکی از مهم‌ترین سال‌نامه‌های باستان‌شناسی ایران با همکاری پژوهشگران مطرح و نامی با نظارت آقای رومن گیرشمن، به ترتیب در سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۷۹ تدوین و نشر یافته است، اما جلد ۴۴ این مجموعه منحصر به معرفی سکه‌های کشف‌شده (سهم فرانسه) در این مناطق اختصاص داده شده است. تمامی سکه‌های کشف‌شده حکومت خاراسن از جنس برنز و در واحد وزنی تترا درهم بوده که طی کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه سرمسجد (مسجد سلیمان) در سال ۱۹۶۹ میلادی به دست‌آمده‌اند. با توجه به مقتضیات زمانی و دانش سکه‌شناسی، برخی از اطلاعات سکه‌شناسی خاراسن که در مجموعه P.D.M بررسی و منتشر شده، نیازمند بازخوانی و بازشناسی است؛ زیرا نتایج و گزارش‌های باستان‌شناسی اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در شناخت تاریخ و فرهنگ مناطق حفاری شده دارند. بنابراین نباید به عنوان اسناد قدیمی و متروک به آن‌ها نگریست، بلکه برخی از اطلاعات قدیمی این متون باید مورد بازنگری یا سازمان‌دهی بهتر قرار گیرند تا مکمل نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی و تحقیقات آتی در مناطق حفاری شده باشند. بنابراین نگارنده در پژوهش حاضر درصدد است با تکیه بر مطالعات نومیسماتیک خاراسن و با رویکرد سکه‌شناختی و باستان‌شناختی به بازخوانی و بازشناسی مجدد سکه‌های خاراسن کشف شده در محوطه سرمسجد خوزستان بپردازد.

واژه‌های کلیدی: سکه‌شناسی، خاراسن، کاوش‌های فرانسویان، محوطه سرمسجد، خوزستان.



بازتاب آیین بودیسم و اوشو/ شیوایی روی سکه‌های کانیشکا، مقتدرترین شاه کوشانی

باقر فاضلی

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

b.fazeli@ut.ac.ir

چکیده

بر اساس اطلاعات و داده‌های باستان‌شناسی به‌دست‌آمده، سکه‌های کوشانی یکی از زیباترین و متنوع‌ترین مسکوکات جهان باستان در مشرق زمین به شمار می‌رود. کانیشکا به عنوان مهم‌ترین و مقتدرترین امپراتور کوشانیان، بیشترین توجه را در طیف تاریخ فرهنگی، سیاسی، مذهبی و اقتصاد این سلسله قرار داد. یکی از بارزترین و برجسته‌ترین نوآوری‌هایی که در دوره این شاه کوشانی صورت گرفت، رسمیت بخشیدن به ادیان هندی مانند بودیسم و شیواگری بود. با توجه به جمعیت‌های زیاد با فرهنگ‌های متنوع در قلمروی کوشانیان، بیش از ۳۰ نوع ایزد و الهه بر پشت مسکوکات طلا و مسین کانیشکا ضرب گردید. این سکه‌ها تنوع و گوناگونی زیادی داشتند که به وضوح طیف گسترده‌ای از خدایان و ایزدان یونانی، اساطیر ایرانی و هندی را نشان می‌داد و به لحاظ فرهنگی، جنبه‌های مختلف را در یک قلمرو وسیع فراهم آورده بود. به دلیل عدم وجود منابع مکتوب کافی، سکه‌ها عامل اصلی در شناخت تاریخ سیاسی و دینی این دوره به‌شمار می‌رود. لذا تحقیق پیش‌رو با تاکید بر تحلیل تصاویر سکه‌های بودا و شیوا به شناخت و اهمیت دین بودیسم و شیوایی در زمان کانیشکا، مقتدرترین شاه کوشانی، پرداخته تا باب نوینی برای درک بهتر محققین، باستان‌شناسان و علاقه‌مندان حوزه کوشان‌شناسی فراهم گردد.

واژه‌های کلیدی: بودا، اوشو/ شیوا، دین، سکه، کانیشکا، کوشانیان، افغانستان، آسیای



تل پرگو پارسیان، استقراری از دوران اشکانی و ساسانی

بهنام قنبری، حامد ذیفر، حمزه کریمی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، از دانشگاه ابرهر

aryanbehnam@gmail.com

چکیده

منطقه پارسیان در غرب استان هرمزگان، در همسایگی دو استان فارس در شمال و استان بوشهر در غرب و کرانه شمالی خلیج فارس واقع شده است.

این منطقه به وسعت ۱۷۰۰ کیلومتر مربع شامل دو بخش مرکزی پارسیان و کوشکنار است. در این میان محوطه مهم تل پرگو بزرگ یا چاه دروازه در سه کیلومتری شهرستان پارسیان و در ششصد متری شرق روستای بمپری در موقعیت ۲۷ ۱۱ ۹۳۴ درجه طول و ۰۵۲ ۰۰ ۷۹۱ درجه عرض جغرافیایی قرار دارد. این تپه بزرگ به ابعاد ۱۵۰ × ۲۰۰ متر و ارتفاع ۱۰ متر از سطح زمین‌های اطراف و با وسعتی نزدیک به چهار هکتار یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین محوطه‌های باستانی منطقه است.

این محوطه متشکل از دو برجستگی پشت‌پشته‌ای شکل کنار هم است. سازه‌های معماری سنگی با ملاط گچ و آهک در بخش‌های مختلف آن دیده می‌شود. همچنین پراکندگی سفال در سطح محوطه متنوع و چشمگیر است. در نتیجه کاوش در ۳۲ گمانه ایجادشده در این محوطه، مواد فرهنگی گوناگونی از قبیل سفال، اشیای فلزی و شواهد معماری به دست آمد که براساس مطالعات اولیه می‌توان آن‌ها را در دوران تاریخی (اشکانی و ساسانی) طبقه‌بندی نمود. شواهد بسیار ضعیفی از سفال‌های دوران اسلامی نیز دیده می‌شود. از مواد فرهنگی شاخص یافت‌شده در این تپه می‌توان به اشیای سفالی با شکل خاص (احتمالاً پایه سفالی) به شکل نعلبکی اشاره نمود. فراوانی زیاد این اشیاء در سطح محوطه به نوعی می‌تواند در ارتباط با اقتصاد یا معیشت ساکنان این تپه بوده باشد. نمونه مشابه چنین اشیایی با شکل مشابه از گاوبندی، بوشهر، گناوه و سیراف گزارش شده است.

قطعات سفالی به دست‌آمده از گمانه‌ها و سطح محوطه اکثراً از نوع سفال ساده با فرم‌های شاخص دوران تاریخی هستند. عناصر تزئینی به کاررفته بیشتر به شکل خطوط کنده موازی و نوارهای برجسته طنابی است و در موارد بسیار کمی نیز از نقش خطی سیاه روی بدنه خارجی



ظرف استفاده شده است. سفال‌های به‌دست‌آمده از این محوطه در بسیاری از محوطه‌های دوران تاریخی (اشکانی و ساسانی) جنوب و جنوب شرق ایران مانند بلوچستان، کیش، هرمزگان، بوشهر و تا حدودی در فارس و حتی خارج از ایران در کشورهای حاشیه خلیج فارس تا شمال عمان دیده‌می‌شود. بر اساس تمام اطلاعات موجود، تل پرگو شهرستان پارسیان را می‌توان یکی از مراکز مهم استقرار در حاشیه شمالی خلیج فارس معرفی کرد.

واژه‌های کلیدی: تل پرگو، پارسیان، پایه سفالی، سفال دوران تاریخی، خلیج فارس.



دخمه‌ها و بناهای وابسته به آن
مطالعه موردی: دخمه گلستان و مانکجی یزد و اله‌آباد زارچ

فاطمه کریمی

دانشجوی دکتری تخصصی باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران

fatima.karimy69@gmail.com

چکیده

یزد یکی از کانون‌های مهم زرتشتی‌گری در ایران است. به دلیل حضور و تجمع زرتشتیان آثار معماری زیادی از آن‌ها در این شهر باقی مانده است. دخمه‌ها و بناهای وابسته به آن‌ها از جمله بناهای مذهبی مرتبط با ایشان است که معماری آیینی دارد و متأثر از این باور است که امر خاک‌سپاری مردگان گناهی است زاده اهریمن. دو دخمه در صفاییه یزد (حوزه شهری) به نام‌های دخمه مانکجی و گلستان و یک دخمه در اله‌آباد زارچ (حوزه روستایی) قرار دارد که تاکنون درباره معماری سازه‌های مرتبط با آن‌ها (خیله‌ها) پژوهشی صورت نگرفته است. این پژوهش سعی دارد با بررسی بهتر بناهای اطراف دخمه و مقایسه این سازه‌ها در دو حوزه، به شناخت بهتر این بناها، پلان و کاربرد آن‌ها دست‌پیدا کند و به این پرسش پاسخ دهد که سازه‌های مرتبط با دخمه در دو حوزه شهری و روستایی چه تفاوت و شباهت‌هایی دارد؟ این مطالعه نشان می‌دهد احتمالاً دخمه‌ها و خیله‌های مرتبط با آن‌ها در دو حوزه شهری و روستایی از نظر پلان و کاربری و ساختار معماری بایکدیگر متفاوت‌اند.

واژه‌های کلیدی: دخمه، خیله‌ها، دخمه‌های یزد، دخمه گلستان، دخمه اله‌آباد، دخمه مانکجی، زرتشتیان.



راه باستانی سرتنگه، شهرستان سوادکوه، استان مازندران، ایران

محمد کشاورز دیوکلائی

کارشناس ارشد باستان‌شناسی

mohamadkeshavarzdivkola@gmail.com

چکیده

توجه به راه‌های باستانی یکی از دغدغه‌های علم باستان‌شناسی است؛ به این دلیل که هر راهی سرآغاز و سرانجام دو نقطه است و مطمئناً دو آبادی را به هم متصل می‌کند و یا اگر هم راهی طولانی مانند راه‌های بیابانی و یا کوهستانی در ایران بوده، در مسیر طی شدن آثار و ابنیه‌ای را در خود حفظ کرده که بسته به کاربری این مسیر، بناها و آثار نیز متفاوت بوده‌اند. قرارگیری راه‌های باستانی چون سرتنگه در سه‌راه خطیرکوه در شهرستان سوادکوه به سمت چاشم و شهرستان شهمیرزاد، در دل کوه‌های بلند و رفیع، نشان از یک راه استراتژیک و نظامی دارد که دو تنگه باستانی دوآب و چاشم را به هم پیوند می‌دهد. مسیر حرکت این راه باستانی از شمال شرق به سوی جنوب غربی منطقه در جریان است. با مستندنگاری و مطالعات میدانی در حوزه باستان‌شناسی و معماری می‌توانیم موجبات شناخت و ثبت این راه را فراهم آوریم. راه باستانی سرتنگه در موازات رودخانه معروف تلار است که به دریای مازندران سرازیر می‌شود. راه باستانی سرتنگه از معدود راه‌های باقی‌مانده در مازندران است که حدود پنجاه متر از آن قابل رؤیت است و در سه مقطع در مجموع حدود صد و هفتاد متر در مسیری حدود ده کیلومتر دیده می‌شود. در این مقاله با نگاهی تحلیلی و پژوهش میدانی به شناخت و ارزش این راه باستانی می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: راه باستانی، استحکامات کوهستانی، سرتنگه، سوادکوه.



معاهدات و مناسبات سیاسی اشکانیان و رومیان

کتایون کیان پور (۱) اسماعیل همتی (۲)

(۱) دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی‌سینا همدان

katauon.kianpoor96@gmail.com

(۲) استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی‌سینا همدان

e.hemati@basu.ac.ir

چکیده

پس از شکست جانشینان سولوکوس در ایران سلسله اشکانیان روی کار آمد. هم‌دوره با این سلسله ما شاهد قدرت‌گیری امپراتوری‌ها در اطراف مرزهای پارت هستیم که در کشمکش با یکدیگر قرار دارند. از مهم‌ترین و همچنین قدرتمندترین امپراتوری‌های آن زمان می‌توان به روم اشاره کرد که دائماً در حال تقابل و تعامل با دولت پارت بود و این امر گاه به صورت جنگ و گاه به شکل قراردادهای و معاهدات صلح صورت گرفته است. با بررسی متون تاریخی مشاهده می‌شود که علت بیشتر کشمکش‌ها و جدل‌ها به دلیل سلطه بر منطقه ارمنستان است. هرچند برخی از امپراتوران رومی مسئله ارمنستان را دست‌آویزی برای کشورگشایی‌های خود قرار داده بودند، برخی از این امپراتوران نیز همچون هادریان و آگوستوس طالب صلح بوده‌اند. در این پژوهش سعی شده تا با بررسی دوره‌های تاریخی یک طرح کلی از معاهدات دو امپراتوری قدرتمند آن زمان تهیه و تأثیر سلطه بر ارمنستان را در روابط آن دوره بررسی کرده و نیز با در نظر گرفتن مفاد معاهدات مورد بحث به یک الگوی کلی از قدرت‌گیری‌های سیاسی آن زمان دست یابیم. نتیجه پژوهش نشان داد که معاهدات به صورت عهدنامه‌های صلح زودگذر یا درازمدت به امضای طرفین رسیده است و علاوه بر منازعه بر سر ارمنستان و بین‌النهرین، قدرت‌گیری حکومت‌های مجاور همچون پنتوس و جنگ با روم از علل دیگر این معاهدات بوده است. با توجه به مفاد قراردادهای منفعت پارت و روم را می‌توان به صورت برابر در نظر گرفت. پژوهش حاضر ماهیتی بنیادی و تحلیلی داشته و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و بررسی متون تاریخی انجام گرفته است.

واژه‌های کلیدی: پارت، امپراتوری روم، عهدنامه، قرارداد صلح.



بررسی خوراک باستانی به جامانده از فرهنگ کهن ایرانی

نسا گنجی (۱) ساحره یوسفیان (۲)

(۱) دانش آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز

nessaganji@gmail.com

(۲) دانش آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز

sahereh.irani@gmail.com

چکیده

سنت و روش خورش را می‌توان یکی از نشانه‌های بارز فرهنگی ملل کهن دانست. ایرانیان از گذشته در متون اندرزگونه غیردینی خود، به درست و نیک بودن غذاها توجه داشته‌اند. از جمله متونی که در آن‌ها به خوراک‌های باستانی، مواد و نحوه طبخ آن‌ها اشاره شده، می‌توان به رساله خسرو و ریدگ، کارنامه اردشیر بابکان و درخت آسوریک اشاره کرد. در هر سه متن، به نوعی حلوا به نام «افروشک» اشاره شده که به اشکال گوناگون از شیر بز و گوسفند تهیه می‌گردد. در مناظره بز و درخت آسوریک با جزییات بیشتری به طبخ و تهیه افروشک پرداخته می‌شود. پژوهشگران درخت آسوریک را متنی به‌جامانده از دوره اشکانی و مربوط به طبقه‌ای خاص از مردم دامدار دانسته‌اند. با کمک پژوهش‌های زبان‌شناسی، مردم‌شناسی و مطالعات اسنادی کتابخانه‌ای، شواهدی نو از طبخ و استعمال این خوراک باستانی در میان مردم بومی و عشایر کوه‌نشین در مناطقی از البرز برای اولین بار ارائه می‌گردد. افروشک با نام امروزی «آروشه» یا «آرشه» به‌دست عشایر سنگسر و دامداران مناطق دماوند، فیروزکوه، چاشم و دامغان تهیه می‌شود. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در مورد سختی روش تهیه و پخت و گران بودن آروشه دو فرضیه تهیه غذا به وسیله گروه دامدار و استعمال آن در بین درباریان و اشراف تایید می‌گردد. این محبوبیت به گونه‌ای بوده که در متون شاهانه نیز از افروشک نام برده شده است.

واژه‌های کلیدی: خوراک باستانی، افروشک، درخت آسوریک، رساله خسرو و ریدگ، کارنامه اردشیر بابکا.



بررسی ویژگی‌های شهرهای یونان در دوره کلاسیک با استناد بر یافته‌های باستان‌شناسی

فاطمه محمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی همدان
fatemehmohammady28@gmail.com

چکیده

فضاهای شهری تجلی‌گاه فرهنگ، تمدن و پیشرفت علمی و تکنولوژیکی یک جامعه به شمار می‌آیند. این فضاها باعث برقراری روابط اجتماعی فرهنگی بین شهروندان می‌شوند و میزان این تعاملات در شهرهای مختلف متفاوت است، اما شهرهای یونان با محدوده‌های مشخص، شکل شهری فشرده و زندگی اجتماعی حداقل به ظاهر منسجم، در این حیطة از موفقیت زیادی برخوردار بوده‌اند. این پژوهش ماهیتی بنیادی داشته و از نوع تاریخی و توصیفی تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از مقالات و متون تاریخی و شبکه اینترنت بوده است که نتیجه آن بدین شرح است: سیستم شهری در دوره کلاسیک نسبت به دوره قبل از خود بسیار پیشرفت کرده و ساختمان‌های عمومی شاخص، نمونه بارز این پیشرفت بوده‌اند. مهم‌ترین دولت‌شهر یونان در این دوره آتن و مهم‌ترین بخش شهر نیز در ابتدا آکروپولیس بوده، اما در پی کم‌اهمیت‌تر شدن مفهوم مذهب و پیشرفت فردگرایی و اهمیت یافتن مکان‌های تجمع، آگورا و بناهای مرتبط با آن دارای ارزش یکسان و در نهایت در دوران کلاسیک متأخر اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. همه این تغییرات و پیشرفت‌ها ناشی از نظام دموکراتیک و بر اساس رای شهروندان حاکم بر دولت‌شهرهای کلاسیک است و این نظام با سبک معماری شهری و ساخت فضاهای عمومی در یک رابطه تنگاتنگ بوده و آن‌ها برهم‌تأثیر مستقیم داشته‌اند. یعنی در واقع سیستم شهرسازی و تمرکز بر بناهای عمومی دولت‌شهری چون آتن ناشی از تفکر مردم‌سالاری و نقش شهروندان به‌عنوان وجه مشخصه دولت (به جای هرگونه حکومت دیکتاتوری سلطنتی یا مذهبی) بوده و امتداد یافتن این موضوع نیز ناشی از توجه خاص به ساخت بناهای عمومی چون آگورا بوده است.

واژه‌های کلیدی: یونان کلاسیک، شهرسازی، دولت‌شهر، آتن، آگورا.



بررسی قلعه‌های استان گیلان با نگاهی بر قلعه کوتی روستای شفیع آباد
منطقه اشکور شهرستان رودسر

مه‌دی مرادی‌نسب (۱) سکینه حسین‌زاده شوکی (۲) رویا حیدری اصل (۳) شهرام رامین (۴)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

m.moradinasab@yahoo.com

(۲) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

s.hosseinzadeh1639@gmail.com

(۳) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

royaheydariasl@gmail.com

(۴) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و

گردشگری استان گیلان

m.moradinasab1739@gmail.com

چکیده

استان گیلان به‌عنوان یکی از مناطق تاریخی و باستانی برخوردار از محوطه‌ها، بناها و سازه‌های معماری گوناگون از کهن‌ترین ادوار تا دوران معاصر است که هر یک عظمت و ویژگی‌های منحصر به فردی دارند. از جمله این بناها و محوطه‌های تاریخی می‌توان به قلعه‌ها و بناهایی با کاربرد نظامی و دفاعی در این استان اشاره نمود که خود شاهدی بزرگ بر اهمیت این منطقه در دوره‌های مختلف تاریخی است. قلعه‌ها و بناهای نظامی در استان گیلان که محدوده زمانی از دوره اشکانی تا دوره صفویه را دربرمی‌گیرند، با توجه به محل ساخت و هدف سازنده، شکل و ساختار متفاوتی دارند. این قلعه‌ها را بر اساس محل ساخت، می‌توان به سه دسته عمده قلعه‌های جلگه‌ای، قلعه‌های کوهپایه‌ای و قلعه‌های کوهستانی تقسیم نمود. هر یک از این دسته‌ها نیز با توجه به هدف ساخت به دسته‌های کوچک‌تری با کاربرد مختلف تقسیم می‌شود که مطالعه و بررسی هر یک در روشن ساختن زوایای تاریک تاریخ و معماری منطقه نقش بسزایی دارد. در این پژوهش نگارندگان با بررسی قلعه‌های استان گیلان (مطالعه موردی قلعه کوتی روستای شفیع آباد منطقه اشکور شهرستان رودسر) به ویژگی‌های معماری و سبک‌شناسی این نوع بناها پرداخته‌اند.

واژه‌های کلیدی: قلعه، قلعه‌های استان گیلان، قلعه کوتی روستای شفیع آباد، اشکور، شهرستان

رودسر.



معرفی و مطالعه گل‌مهرهای ساسانی موزه رضا عباسی تهران

حمیدرضا مظاهری چم‌چنگی (۱) نگین میری (۲)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی (دوران تاریخی) دانشگاه شهید بهشتی تهران

gmail.com@hamidreza.mazaheri1994

(۲) استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

n_miri@sbu.ac.ir

چکیده

در چشم‌انداز پژوهش‌های باستان‌شناسی دوره ساسانی، گل‌مهرها از جمله مدارکی هستند که با دربرداشتن اطلاعاتی همچون نام صاحب مهر و یا منصب اداری وی و نیز نام‌جای‌های مرتبط با حوزه جغرافیایی آن واحد اداری، سهم بارزی در شناخت ساختار اداری و اقتصادی و نیز مطالعات جغرافیای تاریخی این دوره دارند. به جز مجموعه گل‌مهرهای مکشوفه در محوطه‌هایی چون شوش، تورنگ تپه، قصر ابونصر، تل قلعه سیف‌آباد (همگی در ایران)، دوین (ارمنستان) و تل ابوشعف (عراق)، نمونه‌های فراوان دیگری از این آثار در موزه‌ها و سایر مجموعه‌ها پراکنده‌اند که غالباً فاقد بافت باستان‌شناختی‌اند، اما هم‌چنان واجد ارزش مطالعاتی‌اند. در مجموعه موزه رضا عباسی تهران تعداد نُه گل‌مهر ساسانی وجود دارد که در زمان پهلوی دوم از مجموعه‌داران و بازارهای عتیقه‌خرداری و به این موزه داده‌شد. این نمونه‌ها فاقد اطلاعات مربوط به بافت و مکان کشف هستند. در این پژوهش مجموعه گل‌مهرهای موزه رضا عباسی از حیث ویژگی‌های ظاهری، نقش‌ها و نیز کتیبه‌ها (هفت مورد) مورد مطالعه قرار گرفته و معرفی شده‌اند. مقایسه این گل‌مهرها با آثار مشابه (مهرها و اثرمهرهای ساسانی منتشر شده) نشان می‌دهد این گل‌مهرها حدوداً به بازه زمانی بین سده‌های پنجم تا هفتم میلادی تعلق داشته و دربردارنده اثر مهرهای شخصی و اداری هستند و علاوه بر نقش نیم‌تنه انسانی، نقوش جانوری و مونوگرام‌ها، حاوی عبارات دعایی (مانند *Abēstān ō yazdān*)، نام افراد (مانند *Dādgušnasp*)، نام‌جای‌ها (از جمله *Ray* و *Māh-kust-ī- Nēmāwand*) و مناصب اداری (مانند *šahrab*) هستند.

واژه‌های کلیدی: مُهر، اثرمُهر، گل‌مُهر، ساسانی، موزه رضا عباسی.



بررسی و مطالعه کم و کیف حضور اورارتوها در غرب و جنوب کوه سهند در شرق دریاچه اورمیه

حسین ناصری صومعه (۱) قادر ابراهیمی (۲)

(۱) دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس تهران

Hoseinnaseri16@gmail.com

(۲) دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه محقق اردبیلی

چکیده

بیش از یک سده از آغاز پژوهش‌های اورارتوشناسی در آذربایجان می‌گذرد و تاکنون محوطه‌ها و کتیبه‌های زیادی از این دوره در این منطقه کشف شده‌است. وجود کتیبه‌ها، به ویژه استل‌های مرسوم در پادشاهی اورارتو، نشان می‌دهد که همواره نیمه غربی دریاچه اورمیه جزو سرزمین اصلی اورارتوها بوده و با توجه به موقعیت ژئوپولیتیکی از جهت اتصال پایتخت (توشپا/وان) به معبد خالدی (موساسیر)، نقش مهمی را در این پادشاهی ایفا می‌کرده‌است. پس از تحکیم پادشاهی اورارتویی در سده نهم پ.م و بسط امپراتوری اورارتو جنوب دریاچه اورمیه و همچنین مناطق شرقی این حوضه همواره مورد هجوم دولت اورارتو قرار داشته و تلاش برای تسلط بر این منطقه، یکی از سیاست‌های خارجی اورارتوها بوده‌است. با وجود این، متأسفانه تمرکز عمده پژوهشگران اورارتوپژوه مربوط به حوضه دریاچه اورمیه و نیمه غربی آن بوده و پژوهش‌های ناچیزی اعم از فعالیت‌های میدانی و پژوهشی در شرق آن انجام شده‌است. مطالعات باستان‌شناختی در بخش شرقی به‌خصوص دامنه‌های غربی و جنوبی سهند اطلاعات تازه‌ای از دوره تسلط اورارتویی بر این نواحی دارد و کشف کتیبه جوان قلعه عجب‌شیر و همچنین دژهای دفاعی مانند گویچه‌قلعه، جوان قلعه و داش قلعه و همچنین گوردخمه‌هایی از دوره اورارتو در این منطقه، گواه بر حضور مؤثر و هدفمند اورارتوها در این منطقه است. در پژوهش حاضر که به روش توصیفی تحلیلی و متکی بر فعالیت‌های میدانی نگارندگان بوده، تلاش شده تا با بررسی و مطالعه شواهد باستان‌شناختی باقی مانده اورارتوها در مناطق غربی و جنوبی سهند در شرق دریاچه اورمیه، کم و کیف حضور این پادشاهی در مناطق مذکور بررسی گردد. این مطالعات نشان می‌دهد حضور اورارتوها در منطقه نه جنبه استقراری، بلکه جنبه استراتژیک نظامی دفاعی داشته و با ایجاد قلاع نظامی سعی در مدیریت مسیرهای ارتباطی منطقه، جهت توسعه ارضی حاکمیتی، حفاظت از پادشاهی از لایه‌های بیرونی اراضی پادشاهی و جلوگیری از اتحاد اقوام و حکام محلی را داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: اورارتو، شرق دریاچه اورمیه، غرب و جنوب سهند.



گونه‌شناسی و معرفی سفالینه‌های دوران تاریخی محوطه بی‌بی‌دوست سیستان

یاسمن نصیری‌پور (۱) محمد کیخا (۲)

(۱) کارشناسی ارشد باستان‌شناسی،

nasiripour2016@gmail.com

(۲) کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

mohammad.keikha1367@gmail.com

چکیده

محوطه بی‌بی‌دوست در اطراف شهر کوچک بنجار از توابع بخش مرکزی شهرستان زابل در شمال استان سیستان و بلوچستان در امتداد رودخانه نیاتک به صورت طولی در جهت شمال به جنوب واقع شده است. با صدور مجوز از پژوهشکده باستان‌شناسی کشور در خرداد ماه سال ۱۳۹۵، این محوطه مورد بررسی و گمانه‌زنی جهت تعیین عرصه و پیشنهاد حریم به سرپرستی نویسنده اول قرار گرفت. در خلال انجام این پروژه و بررسی سطحی صورت‌گرفته بر محوطه تعداد ۲۰۰۰ قطعه ظرف سفالی ثبت و ضبط گردید که از این تعداد ۹۵ قطعه آن مربوط به دوران تاریخی است. در این پژوهش کوشش بر آن است با مطالعه نمونه‌های ظروف سفالی تاریخی جمع‌آوری شده از سطح محوطه نسبت به گونه‌شناسی و تاریخ‌گذاری نسبی آن‌ها اقدام گردد. نتایج حاصل از مطالعات انجام‌شده از تکنیک ساخت ظروف سفالی با کیفیت بالا در دوران تاریخی، در شمال دشت سیستان خبر می‌دهد. همچنین نتایج مطالعات به وضوح ارتباط فرهنگی این منطقه را با حوزه‌های بلوچستان ایران و پاکستان، افغانستان، خراسان بزرگ، کرمان و حوزه خلیج فارس نشان می‌دهد. تحقیق حاضر بر آن است تا با انجام مطالعه علمی و روشمند، زمینه را جهت روشن نمودن بخشی از دوران تاریخی سرزمین سیستان فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی: سیستان، محوطه بی‌بی‌دوست، سفال، اشکانی، ساسانی، گونه‌شناسی، مقایسه گونه‌شناختی.



بررسی و ارزیابی محوطه دشت حلقه مینودشت بر پایه بررسی میدانی باستان‌شناختی

الهام وثوق بابایی (۱) جواد علایی مقدم (۲)

(۱) دکتری باستان‌شناسی، مربی موسسه تحصیلات تکمیلی گلستان

elham.vosouq@alumni.ut.ac.ir

(۲) استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه زابل

javadalaye@yahoo.com

چکیده

دشت بزرگ گرگان یکی از مناطق ایران زمین است که پیوسته مورد توجه بشر قرار داشت و از زمان تشکیل حکومت‌های بزرگ، به ویژه در دوران اشکانی و ساسانی، به عنوان یکی از ایالت‌های مهم محسوب می‌شد. اهمیت استراتژیک و همچنین شرایط مساعد محیطی باعث شد ساخت و سازهای گسترده‌ای در این منطقه ایجاد شود که شامل دیوار بزرگ گرگان، قلعه‌ها و پادگان‌های نظامی، شهرها و روستاهای متعدد می‌شود. در بررسی باستان‌شناختی که نگارندگان در سال ۱۳۹۵ خورشیدی در بخشی از دشت گرگان (منطقه مینودشت) انجام دادند، تعداد زیادی از بقایای این قلعه‌ها و شهرهای باستانی متعلق به دوران اشکانی و ساسانی شناسایی شد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به محوطه بزرگ دشت حلقه اشاره نمود. دشت حلقه بقایایی از یک شهر محصور با وسعت بالغ بر ۳۳۸ هکتار است که پیرامون آن را حصار مستحکم و خندقی با عرض ۳۵ متر فراگرفته است. این محوطه مهم را در سال ۱۳۵۰ خورشیدی دکتر کیانی مورد کاوش قرار داد و بقایایی از معماری قلعه شهر به دست آمد، لیکن پس از آن مطالعات در آن متوقف گردید. در این مقاله که از یک سو تکیه بر مطالعات میدانی و از سوی دیگر بر اساس مطالعات اسنادی دارد، به بررسی و ارزیابی محوطه دشت حلقه به عنوان شهری از دوران تاریخی و مسایلی همچون بررسی کالبدی شهر، بقایای معماری، گاه‌نگاری و بررسی جایگاه آن در ساختار استقراری پرداخته می‌شود. از جمله نتایج این مطالعه می‌توان به شناسایی شواهدی از استقرار دوران پیش از تاریخ در این محوطه اشاره نمود.

واژه‌های کلیدی: دشت گرگان، بررسی باستان‌شناختی، مینودشت، دشت حلقه، مطالعات تطبیقی.



معرفی تدفین‌های سنگچین در ارتفاعات دره‌بوانات استان فارس

زینب هادی دستجردی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی از دانشگاه تهران

Zeinab.hadi@ut.ac.ir

چکیده

از نظر تقسیمات سیاسی کنونی دره بوانات در شهرستان بوانات در شمال شرق استان فارس واقع شده‌است. طی بررسی صورت‌گرفته در این منطقه تعدادی قبر یا سازه‌سنگچین موسوم به «خرفت‌خانه» در ارتفاعات دره، خصوصا ارتفاعات رشته‌کوه شمالی، شناسایی شد. مجموعاً ۲۶ گور سنگچین در قالب ۷ گورستان شناسایی شد که میانگین ارتفاع ۷ گورستان ۲۵۰۸ متر از سطح دریا است. این نوع تدفین در جنوب شرق، جنوب و جنوب غرب ایران نیز یافت شده و همچنین در حوزه جنوبی خلیج فارس و مناطق هم‌جوار ایران نیز مشاهده شده‌است. در این پژوهش سعی بر آن است که به معرفی و مقایسه این گورها با سایر گورهای منطقه فرهنگی پرداخته‌شود. گورهای مذکور پشته‌های سنگی بوده که در ساخت آن‌ها از سنگ کوه‌ها بهره‌برداری نموده‌اند و برای برپایی آن‌ها از هیچ ملاتی استفاده نشده‌است. سفال‌های یافت‌شده از این گورستان‌ها با محوطه‌های اشکانی منطقه قابل مقایسه هستند و احتمالاً سازه‌های مذکور نشان‌دهنده سنت خاک‌سپاری مردگان در دوره‌های اشکانی ساسانی هستند.

واژه‌های کلیدی: تدفین سنگچین، خرفت‌خانه، دره‌بوانات، اشکانی ساسانی، فارس.



بازسازی چهره «وهبرز»، شاه پارس در اواخر سده سوم پیش از میلاد براساس ویژگی‌های هنری واقع‌گرا و مطالعات سکه‌شناسی

امین هاشمی‌پور (۱) ندا انصاری (۲)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه مارلیک نوشهر

hashemipouramin@gmail.com

(۲) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی همدان

neda.ansari55@gmail.com

چکیده

هنرهای تجسمی ایران در طول حیات تاریخی هنری خود عمدتاً با مفهوم هنر انتزاعی عجین است، اما این میل به انتزاع در هنر ایرانی در برخی برهه‌های زمانی به سبب تعاملات فرهنگی با سایر ملل به واقع‌گرایی گرایش می‌یابد. یکی از این دوره‌ها دوره فراهخامنشی با زمامداری وهبرز فرترکه در پارس است که به تأسی از هنر هلنیستی که در دوره سلوکی وارد مناطق داخلی ایران شده بود، چهره خود را به صورت نیمرخ واقع‌گرا بر سکه‌هایش نقش کرد. واقع‌گرایی هنری در چهره‌پردازی در عین حال که امکان شناسایی چهره نقش‌بسته بر سکه این شاه را فارغ از نوشته یا تاج‌شناسی ایجاد می‌نماید، این فرصت را نیز مهیا می‌کند تا چهره وی را بر اساس ادراکات هنرمند هلنیست دوره سلوکی بازسازی کنیم. فرایند بازسازی چهره تمامرخ، بر اساس تصویر نیمرخ با مطالعه جزئیات چهره و کپی‌برداری از تصویر نیمرخ سکه و مدل‌سازی آن در ابعاد واقعی و اعمال برجسته‌سازی تا دستیابی به یک نیمرخ تمام‌برجسته میسر است و سپس با قرینه‌سازی نیمرخ حاصل شده می‌توان به تصویر تمامرخ واقع‌گرایانه کامل دست‌یافت و چهره این شاه را به طور کامل بازسازی نمود. در این مقاله ضمن بررسی ویژگی‌های هنری به کار رفته در شمایل‌نگاری چهره وهبرز فرترکه تلاش می‌گردد به تصویر دقیق‌تری از برخی جزئیات همچون تیارا و نحوه بستن آن، خصوصیات چهره، نحوه آرایش موها، سبیل و زیورآلات دست‌یابیم و با تأکید بر ویژگی‌های واقع‌گرایانه هنر به کار رفته در تصویرپردازی چهره نیمرخ روی سکه این شاه، اقدام به بازسازی تمامرخ چهره وهبرز فرترکه به صورت واقع‌گرایانه نماییم.

واژه‌های کلیدی: بازسازی چهره، وهبرز، شاه پارس (فرترکه)، سکه، واقع‌گرایی، هنر هلنیستی.



دوره اسلامی

بررسی سبک معماری ساسانی رومی در آثار باستانی امویان شام

افشین آریان پور

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

afshin.aryanpur.iran@gmail.com

چکیده

کشورگشایی قبایل عرب حجازی در دوران نبوی و خلافت راشدین منجر به سقوط حکومت خراج‌گزار لخمی در حیره و در نهایت سقوط شاهنشاهی ساسانی و گشوده شدن مرزهای ایران و همچنین سقوط ایالت‌های سوریه و پترای عربی و گشوده شدن مرزهای سرزمین شام و سقوط حکومت غسانیان (اعراب مسیحی خراج‌گزار روم در اردن) گردید. در سال‌های آغازین حکومت خلفای عرب راشدی از بناهای برجای مانده از دوره ساسانی در میان‌رودان به عنوان دارالحکومه استفاده کردند. پس از تسخیر سرزمین‌های جدید و آغاز خلافت امویان در سال ۶۶۱ میلادی، تعدادی از هنرمندان و معماران ایرانی و رومی از سرزمین‌های ایران، میان‌رودان، آسیای میانه و شام برای ساخت بناهای حکومتی مانند کاخ، دژ، کوشک و کاروانسرا به این سرزمین رفتند. آثار باستانی برجای مانده از امویان در سوریه، اردن، لبنان و کرانه باختری رود اردن عظمت و شکوه معماری دوره اموی را نشان می‌دهند. با بررسی آثار باستانی کاوش شده در سوریه و اردن می‌توان شیوه معماری سبک پارتی را در بناهای دوران ولید بن عبدالملک (ولید یکم) و ولید بن یزید (ولید دوم) مشاهده کرد. مطالعات پیشین معماری توسط باستان‌شناسان فرانسوی، آلمانی و انگلیسی در بررسی شیوه تاق‌زنی و گنبدسازی و سبک گچبری به تأثیر معماری ایرانی‌ساسانی اشاره دارد. در این مقاله معماری کاخ عمان، قصر الحیر شرقی، قُصیر العَمره و قصر الازرق بررسی خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: معماری ساسانی، تزیینات رومی، خلافت امویان، سرزمین شام، سبک پارتی، قُصیر العَمره، قصر الحیر شرقی، کاخ عمان



منظر تاریخی ضلع جنوبی میدان کهنه اصفهان، پژوهشی
بر فعالیت‌های ساختمانی مقبره هارون ولایت و مسجد امام حسن

ایمان آقاجانی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه بامبرگ

im_aghajani@yahoo.com

چکیده

اصفهان در دوره شاه عباس بزرگ صفوی به عنوان پایتخت ایران برگزیده شد. با این تحول گسترش اصفهان از سمت جنوب آغاز گردید. در همین راستا شاه عباس دستور طراحی و اجرای میدان شاهی جدیدی را صادر کرد. پس از بنیاد میدان جدید، یعنی «میدان نقش جهان»، میدان مرکزی قدیمی «میدان کهنه» کم‌کم رونق و اهمیت خود را از دست داد. از زمان صفوی تا به امروز، به ویژه در دوره قاجار، ساخت و سازهای فراوانی در اطراف این میدان به صورت پراکنده انجام شده است. در ضلع جنوبی میدان کهنه بناهای هارون ولایت و مدرسه حاج حسن که در سمت جنوب آن مسجد و مناره علی قرار گرفته، واقع شده‌اند. بر اساس کتیبه سردر صحن امامزاده هارون ولایت که در ضلع جنوبی صحن بزرگ هارون ولایت واقع شده، این بنا در سال ۹۱۸ ه.ق در زمان سلطنت شاه اسماعیل اول صفوی ساخته شده و به عنوان اولین بنای باقی‌مانده از اصفهان دوره صفوی شناخته می‌شود. همچنین مناره سلجوقی مسجد علی به عنوان یکی دیگر از بناهای شاخص ضلع جنوبی این میدان شناخته می‌شود. هدف این پژوهش واکاوی موشکافانه منظر تاریخی ضلع جنوبی میدان کهنه اصفهان، پیش از ساخت میدان نقش جهان، با تکیه بر شواهد باستان‌شناختی (فرم معماری و تزیینات) و منابع تاریخی مکتوب است. این پژوهش در راستای تعیین گاه‌نگاری برای ساخت و توسعه معماری بناهای ضلع جنوبی میدان کهنه، صحن بزرگ هارون ولایت و مدرسه امام حسن صورت گرفته و اطلاعات جدیدی در مورد تاریخ‌گذاری و حامیان این بناها ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: اصفهان، معماری، دوره سلجوقی، دوره صفوی، دوره قاجار، میدان کهنه، هارون ولایت



بررسی نقش مسیر تجاری در شکوفایی مدرسه گیائیه خرگرد، خراسان رضوی

معصومه آخ لویه

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

masoomeh.avakh@yahoo.com

چکیده

بررسی شاخصه‌های فرهنگ‌ساز در دوران اسلامی امر مهمی در شناخت بهتر یافته‌های روزگار خود است؛ زیرا این شاخصه‌های همواره تحت تاثیر افکار سیاسی حاکمان خود بوده و نهادهای آموزشی مهم‌ترین عامل در شناخت بهتر این امر سیاسی است. مدرسه گیائیه خرگرد نیز یکی از بهترین نمونه‌های مورد بررسی شرق سرزمین ایران امروزی است که در استان خراسان رضوی واقع شده است. این بنا در سال ۸۴۶-۸۴۸ هجری قمری به دستور غیاث‌الدین پیر احمد خوافی، وزیر سلطان شاهرخ تیموری، و به معماری استاد قوام‌الدین شیرازی ساخته شده است. در این بنا جدا از حمایت‌های امرای تیموری و گرایش‌های مذهبی که در مدیریت آن دخیل بوده، احتمالاً عوامل تاثیرگذار دیگری وجود داشته که مهم‌ترین آن عامل سوق‌الجیشی می‌تواند باشد. در این نوشتار تلاش شده با توجه به در نظر گرفتن منابع مکتوب، مطالعات میدانی، داده‌های باستان‌شناختی و بررسی منظر به بررسی مسیر راه‌های تجاری و ارتباطی و تاثیر آن بر چگونگی شکل‌گیری و مدیریت مدرسه گیائیه پرداخته است. در نتیجه چنین استنباط می‌گردد که با توجه به شرایط سوق‌الجیشی قرارگیری این بنا عوامل مهمی در شکوفایی آن دخیل بوده که از اساسی‌ترین آن احتمالاً قرارگیری در مسیر راه تجاری بوده که باعث گردیده در زمان پویایی بیش از بقیه مدارس موردتوجه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: مدارس تیموری، گیائیه خرگرد، راه تجاری، باستان‌شناسی منظر



مطالعه نقش‌مایه‌های پوشاک اقوام شمال شرق ایران
نمونه موردی قوم کرمانج خراسان شمالی

راضیه ابراهیمی (۱) زینت عابدی (۲)

(۱) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران

raziyeh.ebrahimi70@gmail.com

(۲) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران

zinatabedi95@gmail.com

چکیده

در خاورمیانه اقوام مختلفی با گویش، زبان، فرهنگ و لباس‌های گوناگون در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. یکی از اقوام ساکن در خاورمیانه کردها هستند. کردهای ایران اغلب در آذربایجان غربی و شمال خراسان ساکن هستند که در این پژوهش پوشاک و نقش‌مایه‌های کردهای شمال خراسان که آن‌ها را کرمانج می‌نامند، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. نقش‌مایه پوشاک کرمانج‌ها از بُعد معنایی و اعتقادی در فرهنگ و باور و سنت بافنده آن جایگاه ویژه‌ای داشته و نیز از بُعد بصری و زیبایی‌شناسی اهمیت بسیاری دارد. به عبارتی پوشاک با فرهنگ رابطه دوسویه و مستقیم دارد و از پوشش هر منطقه می‌توان به مذهب، اعتقادات، سلیقه اشخاص و ... پی برد. کرمانج‌ها از جمله اقوامی هستند که سعی در حفظ و نگهداری فرهنگ خود کرده است. لباس‌های آن‌ها نام‌های مختلفی دارد که هم برای مردان و هم زنان کاربرد دارد. نگارندگان در این پژوهش ضمن بررسی پوشاک قوم کرمانج بر حسب تنوع، مبانی زیبایی‌شناسی و نقش‌مایه‌های به کار رفته در طرح، رنگ، بافت و جنس به مواد و شکل بر اساس ساختار و صورت لباس نیز با توجه به داده‌های توصیفی تحلیلی و شیوه اسنادی و نیز با الهام از طبیعت محدوده مورد مطالعه به پژوهش و بررسی پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: خراسان شمالی، کرمانج، نقش‌مایه، پوشاک، زیبایی‌شناسی.



پراکندگی و تولید انواع سفال قالبی در دشت جیرفت در دوران اسلامی^۱

مهسا افضل‌ی‌نیز (۱)، سارا سقایی (نگارنده مسئول) (۲) سعید امیرحاجلو (۳)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی

(۲) دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی

sara.saghaee@gmail.com

(۳) استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

حوزه فرهنگی هلیل‌رود در دوران اسلامی با موقعیت راهبردی در مسیر هرمز کرمان، به عنوان انبار کالاهای داخلی و خارجی، نقش سیاسی و اقتصادی مهمی در جنوب شرق ایران داشته‌است. یکی از مواد فرهنگی در محوطه‌های دوران اسلامی در دشت جیرفت سفال‌گونه قالبی است. پرسش‌ها این است که سفال‌های قالبی دشت جیرفت به چه گونه‌های فرعی تقسیم می‌شوند و گاه‌نگاری آن‌ها چگونه است؟ همسانی و تفاوت‌های سفال‌های قالبی محوطه‌های دشت جیرفت با مناطق هم‌جوار چگونه است و مراکز عمده تولید آن در دشت جیرفت کدام است؟ اهداف مقاله طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های قالبی دشت جیرفت، تبیین وجوه اشتراک و افتراق سفال‌های قالبی دشت جیرفت با مناطق هم‌جوار، گاه‌نگاری نسبی و شناخت مراکز تولید سفال‌های قالبی در دشت جیرفت است. روش گردآوری داده‌ها میدانی و اسنادی و روش پژوهش، توصیفی تحلیلی است. نتایج نشان می‌دهد سفال‌های قالبی دشت جیرفت به گونه‌های سفال با تزیین «قالبی»، «قالبی و نقش‌کنده» و «قالبی و نقش‌افزوده» تقسیم می‌شوند و انواع نقوش گیاهی، هندسی، حیوانی، پرنده و کتیبه‌ای دارند.

سفال قالبی دشت جیرفت با نمونه‌های حوزه سیستان و بلوچستان (گورستان مرادآباد در بخش مرکزی ایرانشهر، محوطه ملکی باغ در بخش آشار شهرستان زابلی یا مهرستان جدید، محوطه دب‌دریگان در خاش و محوطه مگیری در شهرستان دلگان)، شهر دوران اسلامی سیرجان، شهر

(۱) نمونه‌برداری قطعات سفال قالبی از محوطه‌های دوران اسلامی در دشت جیرفت، پیرو مجوز شماره ۴۵۳۱ به تاریخ ۱۳۹۶/۲/۱۸ و موافقت دکتر نادر علی‌دادی سلیمانی رییس پایگاه باستان‌شناسی شهرستان جیرفت در تیرماه ۱۳۹۶ به منظور تکمیل بانک سفال پایگاه باستان‌شناسی جیرفت به سرپرستی نگارنده اول صورت گرفته و نمونه‌های گردآوری شده در حال حاضر در پایگاه باستان‌شناسی جیرفت نگهداری می‌شوند.



هشتمین همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان

قدیم نرماشیر، شهر دوران اسلامی استخر، قصر ابونصر، میناب، دره صوغان، نیشابور، خمین، ری، دره‌شهر (سیمره)، سمیران و منوجان قابل مقایسه است. بر اساس مطالعات مقایسه‌ای و مطالعه روند تاریخی حیات در شهرهای دشت جیرفت، سفال‌های قالبی دشت جیرفت به بازه زمانی سده پنجم تا اوایل سده هفتم هـ.ق تعلق دارند.

واژه‌های کلیدی: گونه‌شناسی سفال، سفال قالبی، باستان‌شناسی دوران اسلامی، حوزه فرهنگی هلیل‌رود، دشت جیرفت، سده‌های میانی دوران اسلامی.



بررسی و پژوهش پرچم و بیرق‌های دوره ایلخانی
با تکیه بر پرچم‌های مسجد گنبد آزادان اصفهان

محمد مهدی امینی (۱)، مهسا رضانی (۲) محمد مهدی محمدی (۳)

(۱) دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی شهر ری

aminiqomi1365@gmail.com

(۲) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران

mramezani62@yahoo.com

(۳) دانش‌آموخته کارشناسی باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی شهر ری

mahdi_mohammadi3@yahoo.com

چکیده

پرچم از دیرباز در روند پرشتاب پیچیدگی تمدن، نماد اعلام مناسبات نمادین مدنی و معرفی حدود «قلمرو» فرهنگی و جغرافیایی یک «دولت» حتی محلی بوده است. ایلخانان از آغاز استقرار در متصرفات خود با نظر به پیوستگی دین و دولت در دوران پیشامدرن، بر «بیرق»‌های خود از نقوش حیوانی و به ویژه نقش اژدها که نماد سرزمین شمالی امپراتوری چین و دین اسطوره‌ای شمنی بود، بهره می‌گرفتند. با گروش ایلخانان به دین مبین اسلام، به تدریج نقوش حیوانی و شمایل کلی پرچم به نمادهای اسلیمی، آیات قرآنی و برخی احادیث نبوی آراسته شد. مسجد گنبد آزادان اصفهان بر دیواره‌های خود یکی از بهترین نگاره‌های چنین پرچمی را که به دوران تشریف مغولان به اسلام و بهره‌گیری از نمادهای اسلامی بر پرچم بازمی‌گردد بر دیواره‌های خود دارد. مقاله حاضر به معرفی تفصیلی این نگاره ارزشمند و کمترشناخته‌شده اختصاص دارد و پژوهشی در راستای شناسایی بهتر پرچم‌های دوره ایلخانی است.

واژه‌های کلیدی: پرچم، ایلخانیان، نگاره، مسجد گنبد آزادان.



بناب در حریم بناهای آیینی،
شناسایی و مستندنگاری چهل و یک مسجد ستوندار بناب

محمد بلوری

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران
mohamad.boluri@ut.ac.ir

چکیده

بناب یکی از شهرهای محدوده جنوبی آذربایجان است، که در ساحل جنوب شرقی دریاچه ارومیه قرار دارد. بناب از گذشته در محل تلاقی انشعابات راه‌های کاروان‌رو در آذربایجان قدیم و بین‌النهرین قرار داشته است. از آن جایی که بناهای آیینی پیش‌از‌تاریخ و در دوران تاریخی و اسلامی، جانمایی بارزی در شهر داشته‌اند، لذا برخی مبانی، نظام‌های فضایی و باورها بدون دگرگونی یا اندک تغییر در کالبد بناهای آیینی ادوار اسلامی تأثیرگذار بوده‌اند. در شهر بناب مساجد ستون‌دار از دوران اسلامی باقی مانده که می‌تواند کهن‌الگویی از دوران پیش‌از‌تاریخ داشته‌باشد و چیدمان و موقعیت قرارگیری این مساجد رابطه معناداری با کلیت و استخوان‌بندی شهر بناب دارد. لذا در این مقاله با رویکرد تحقیق ترکیبی، از روش تاریخی تفسیری و توصیفی تحلیلی و ... با گردآوری اطلاعات از طریق برداشت میدانی و مستندنگاری کالبد مساجد و آوانگاشت اسامی و برخی رسوم رایج و نیز متون و اسناد مصور معاصر، فرضیه‌هایی مطرح می‌گردد. از آن جایی که تحقیق مستقلی درباره ارتباط مساجد و شهر تاریخی بناب تاکنون صورت‌نگرفته، ضرورت دارد تا دست‌آوردهای تحقیق در طرح‌های جامع بناب در اولویت قرار گیرد. گردآوری اطلاعات تئوری بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای، مشاهده مستقیم و مصاحبه نامحسوس استوار است. چهل و یک مسجد ستوندار بناب به شکل‌هایی ساده با خاک، آب و آتش پیوند برقرار نموده و از درون هسته‌های تاریخی شهر تا دشت پیرامون را به یکدیگر مرتبط نموده است.

واژه‌های کلیدی: بناب، چهل و یک مسجد، مساجد ستوندار، کهن‌الگو، استخوان‌بندی، مستندنگاری، بناهای آیینی.



خوانش شمایل نگاری نقش مایه خورشید بر سکه های ایلخانی از دیدگاه اروین پانوفسکی

شهره بیروتی

دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، گروه پژوهش هنر

shohrehbirouti@yahoo.com

چکیده

خوانش تصویر از منظر اروین پانوفسکی، سه گام را در بر می گیرد: گام نخست، توصیف پیش شمایل نگارانه قلمداد می گردد که در آن، عنصر بصری، جدا از علم و آگاهی افراد و بر اساس دانش عمومی و تجارب روزمره از نقطه نظر عناصر تجسمی همچون رنگ، خط، ترکیب بندی و توصیف می گردد. گام دوم، تحلیل شمایل نگارانه است که در آن معانی ثانویه، قراردادی و مکنون در عناصر بصری با شناسایی قراردادهای فرهنگی، اجتماعی و مذهبی دوره تاریخی مورد نظر بررسی می گردد. گام سوم، تفسیر شمایل شناسانه است که در آن داده های مختلف تجزیه و تحلیل گردیده و ارزش های نمادین هر نقش مایه با کشف محتوای ذاتی آن، مورد مذاقه قرار می گیرد. پژوهش حاضر با رویکردی متفاوت از شیوه های مرسوم سکه شناسی، در پی پاسخ به این پرسش است که از منظر شمایل نگاری اروین پانوفسکی، نقش مایه خورشید در سکه های ایلخانی چگونه تحلیل و تفسیر می شوند؟ فرضیه آن است که صرف نظر از منظر زیبایی شناسانه، این نقش مایه بر مفاهیم فراتری دلالت می نماید که همسو با باورها و اعتقادات مذهبی متنوع ایلخانیان است. ماحصل پژوهش، به روش تحلیلی تاریخی، با استناد به مطالعات کتابخانه ای، بررسی میدانی و گزینش هدفمند سکه ها نشان می دهد نقش مایه خورشید با معانی قراردادی خاص در ادیان شمنی، بودایی، یهودی، مسیحی و اسلام قرابت داشته است. تحلیل شمایل نگارانه و تفسیر شمایل شناسانه از منظر گفتمان مذهب و فرهنگ، در دوره های حاکمان ایلخانی، مورد مقایسه تحلیلی و تطبیقی قرار گرفتند و مشاهده شده که در دوران حاکمیت یاسا و اسلامی، تحت تاثیر سیاست های دینی همچون تسامح و تساهل و یا بی سیاستی، ضرب نقش مایه ها با شعائر مذهبی ادیان متعدد صورت گرفته است.

واژه های کلیدی: خورشید، اروین پانوفسکی، ایلخانی، سکه، شمایل نگاری.



مطالعه پیشینه تاریخی قنات و قنات‌سازی در شهرستان نجف‌آباد

عارفه چاوشی (۱) میترا شاطر (۲)

(۱) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه شهرکرد،

arefeh.chavoshii@gmail.com

(۲) استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه شهرکرد،

mshateri@yahoo.com

چکیده

هسته‌های اصلی نخستین تمدن‌های بشری در کنار منابع آبی شکل گرفته‌اند. پژوهشگران معتقدند که بهره‌برداری از قنات ابتدا در فلات مرکزی ایران صورت گرفته‌است. اصفهان به عنوان پل ارتباطی شرق و غرب ایران در میانه فلات قرار گرفته‌است. در نواحی کویری اصفهان از جمله شهرستان نجف‌آباد (۲۵ کیلومتری غرب اصفهان) با توجه به آب و هوای معتدل، بارندگی اندک، اراضی شنی و شن رسی و ناچیز بودن رطوبت و عدم مرغوبیت خاک، کشاورزی همواره با مشکلاتی روبه‌رو بوده‌است. این روند با احداث قنات نه‌تنها تغییر یافت بلکه انتقال منابع مکفی آب منجر به رشد و آبادانی این منطقه شد. پژوهش حاضر با هدف مطالعه پیشینه قنات و قنات‌سازی در شهرستان نجف‌آباد، می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ دهد که قنات‌های نجف‌آباد هرکدام به تفکیک، متعلق به چه بازه زمانی بوده و با چه شاخصه‌های متفاوتی ایجاد شده و این ویژگی‌ها در محل قرارگیری مادرچاه، میله‌چاه، سرچشمه و مبدا قنات چگونه نمود یافته‌است؟ روش گردآوری پژوهش پیش‌رو به شیوه تاریخی در قالب مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی انجام شده و روش تحقیق نیز توصیفی تحلیلی است. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که قدیمی‌ترین قنات‌های این شهر قدمتی چند صد ساله دارند؛ فاصله میله‌چاه‌ها با همدیگر حدوداً ۵۰ متر است و محل قرارگیری مادرچاه، سرچشمه و مظهر هر یک از قنات‌ها، با همدیگر متفاوت است و در زمین‌های اطراف نجف‌آباد قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: نجف‌آباد، قنات، منابع آبی، سفره‌های آب زیرزمینی.



پیشینه تاریخی شهر نجف آباد به استناد متون و مکتوبات تاریخ

عارفه چاوشی (۱) عباسعلی احمدی (۲)

(۱) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه شهرکرد،

arefeh.chavoshii@gmail.com

(۲) استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه شهرکرد،

چکیده

شهر نجف آباد در ۲۵ کیلومتری غرب اصفهان و یک شهر جدید مربوط به دوره صفویان با آب و هوایی معتدل است. این شهر از نظر سابقه تاریخی در شهرسازی، معماری و ویژگی‌های طبیعی در طول زمان ارزشمند بوده و از شایستگی توجه و تحقیق برخوردار است. پژوهش حاضر با هدف مطالعه پیشینه تاریخی شهر نجف‌آباد در متون و اسناد تاریخی، می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ دهد که احداث شهر نجف‌آباد متعلق به چه بازه زمانی بوده و بنا به چه دلایلی شهر نجف آباد شکل گرفت است؟ پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی تاریخی در قالب مطالعات کتابخانه‌ای با تاکید بر تحلیل محتوای اسناد تاریخی انجام شده است. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که نجف‌آباد در دوره شاه عباس اول صفوی در سال ۱۰۲۲ ه.ق با هم‌فکری شیخ بهایی، بنا به دلایل اقتصادی، تفریحی، امنیتی (جلوگیری از هجوم احتمالی طوایف ساکن غرب اصفهان) و سکونتگاهی برای کارگران و صنعتگران احداث شده و این منطقه از دوران صفوی به بعد به دلایلی همچون قنوات، باغات پرمحصول (انار و بادام)، عصارخانه‌ها و حرفه‌های متعدد مردمان این دیار از رونق و شکوفایی بسیاری برخوردار شد.

واژه‌های کلیدی: اصفهان، نجف‌آباد، صفوی، شاه عباس، قنوات.



تأثیر تفکرات شهرسازی ایران بر امپراتوری عثمانی در قرن دهم هجری قمری

ستوده حریت

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه کاشان

sotoodeh.horriat@gmail.com

چکیده

پس از حمله اقوام مغول به کشور ایران، بسیاری از شهرهای آباد به کلی ویران شدند، اما در نهایت با روی کار آمدن وزرای ایرانی به دربار و مسلمان شدن حکام مغول، شهرسازی در ایران جانی دوباره یافت. پادشاهان ایلخانی با پدیده وقف در دین اسلام آشنا شدند و با تأثیر از مزار ائمه شیعیان، بناهایی تحت عنوان شهر «ابواب البری» بنا کردند. آن‌ها با ساخت آرامگاه‌های خود در مرکز این شهرها به دو هدف اصلی که اولی ساخت بناهای عام‌المنفعه و طلب دعای خیر از مردم و دومی برپایی مقبره‌ای باشکوه و ماندگار برای خود بود، رسیدند. نمونه‌ای از این مجموعه‌ها «ربع رشیدی» است که توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله، وزیر سلطان محمد غازان خان در تبریز، در سال ۶۹۹ ه.ق، بنا شد. این‌گونه شهرها آغاز ابتدایی‌ترین مجموعه‌های عام‌المنفعه و یا ابواب البر در جهان بود و پس از چندی در کشورهای دیگر نیز نفوذ کرد. در سال‌های ۴۲-۹۴۰ ه.ق. سلیمان قانونی، سلطان عثمانی، به ایران لشکرکشی کرد. طی این لشکرکشی‌ها، به دستور سلطان سلیمان نویسندگان و نقاشانی برای ثبت اطلاعات و اتفاقات با نظامیان همراه شدند. پس از اتمام لشکرکشی‌ها و مشاهدات سلطان سلیمان عثمانی از ایران، او در ساخت مجموعه‌ای مانند ربع رشیدی، غازانیه و غیره مبادرت ورزید و بر این اساس سلیمانیه را برپا نمود. در این پژوهش بر اساس روش توصیفی‌تحلیلی، به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان این دو مجموعه (ربع رشیدی و سلیمانیه)، نقاط مشترک ساختارها و کارکردهای شهرسازی بین این دو دشمن هم‌جوار (ایران و عثمانی) پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: شهر ابواب البر، ایران، ایلخانیان، عثمانیان.



مطالعه قلعه‌های روستایی خان‌های دوره قاجاری در منطقه دینور
و مقایسه آن‌ها با قلاع قاجاری منطقه غرب کشور

فتانه رحیمی (۱) محمد اقبال چهری (۲)

(۱) دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

parisarahimi.a@gmail.com

(۲) استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

eghbal1262@yahoo.com

چکیده

قلعه‌های روستاهای قاجاری منطقه دینور در استان کرمانشاه در زمره آثاری است که بازمانده‌ای از تحولات سیاسی و اجتماعی و معماری این دوره را منعکس می‌سازد. در این دوره قلعه‌هایی در بافت برخی روستاهای منطقه برجای مانده که می‌توان آن‌ها را به عنوان قلعه‌های سکونتی متعلق به خان در هر روستا دانست که نقشه و اجزای یکسانی دارند. هدف از این پژوهش، بررسی و مطالعه تطبیقی برخی از قلعه‌های روستایی بر جای مانده در منطقه دینور مانند قلعه‌های قاجاری روستای کرج و بزرود و مقایسه آن‌ها با سایر قلعه‌های منطقه است. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با انجام مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفته تا به مطالعه الگوی رایج معماری برای ساخت قلعه‌های روستاهای قاجاری در منطقه بپردازد. پرسش‌های اصلی در این مقاله عبارت‌اند از: ۱. قلعه‌های روستایی متعلق به دوره قاجار در منطقه مذکور از چه نوع ساختار فضایی و پلانی تبعیت می‌کنند و نمونه‌های مشابه با آن در چه مناطق دیگری قابل مشاهده است؟ ۲. قلعه‌های روستایی در این منطقه چه ارتباطی با شرایط اجتماعی و اقتصادی دوره قاجار دارد؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این گونه قلعه‌های روستایی منطقه به عنوان خانه‌های اربابی به خان‌های هر روستا یا منطقه تعلق داشته که بنا به دلایل اجتماعی و اقتصادی چون امور کشاورزی و مالیاتی با نقشه‌ای مربع و چهار برج مدور در زوایای بنا احداث شده‌اند. بر اساس مطالعات مقدماتی می‌توان گفت که نمونه‌های مشابه با این نوع بناها در دوره قاجاری از مناطق مختلف استان‌های کرمانشاه، ایلام، لرستان و دهلران قابل مشاهده است.

واژه‌های کلیدی: قلعه‌های روستایی، خان، دوره قاجار، منطقه دینور.



بررسی و تحلیل دگردیسی‌های مذهبی و فرهنگی ایلخانان بر اساس داده‌های باستان‌شناختی

فرزانه رحیمی

پژوهشگر آزاد

rahimifarzane14@yahoo.com

چکیده

ایرانی‌گرایی حاکمان به منظور باز یافتن مشروعیت و مقبولیت مردمی ازدست‌رفته، به یک هدف فرهنگی برای ایلخانان تبدیل شد. نقوشی با مضامین ایرانی و اسطوره‌های ملی بر سفالینه‌ها بی‌گمان می‌توانسته موجب مشروعیت قدرت ایلخانان شمرده‌شود. بر همین اساس تکرار این که تصویرگری برخی از نقوش ویژه عصر ساسانی در این دوره را می‌توان در جهت ایرانی‌گری و به عنوان یکی از راهکردهای فرهنگی ایلخانان برای اعلام مشروع بودن حکومت خود تلقی نمود و از سوی دیگر روی برخی از کاشی‌های این دوره، نوشته‌ها و اشعار گوناگونی حک شده که اشعار موجود بر کاشی‌ها خود به دو گونه هستند: نخست رباعیات، دوم اشعار حماسی که بیشتر این اشعار از شاهنامه فردوسی هستند. داستان‌های حماسی شاهنامه دربرگیرنده دلاوری جنگاوران و پهلوانان اسطوره‌ای ایران باستان است که همواره در طول تاریخ مایه برتری ایرانیان بوده و هر جا که این ملت احتیاج به تجدید قوا داشته، این داستان‌ها پیش‌قدم بوده‌اند. استفاده از این اشعار گاهی در راستای پیوند هنر ایلخانی و ایرانی و برای نمایش فرهنگ ایرانی جهت کسب مشروعیت به نمایش گذاشته شده‌است. در این تحقیق سعی شده با روش تحلیلی توصیفی به بررسی انتخاب چنین مضامینی پرداخته‌شود و به این پرسش‌ها که چه دیدگاه و نگرشی در این انتخاب دخیل بوده و آیا بین داستان‌های شاهنامه و اسطوره‌های مغولی تشابهات فرهنگی و مذهبی وجود دارد، پاسخ دهیم. در این تحقیق از داده‌های کتابخانه‌ای و ابزار موزه‌ای و اطلاعات سایت‌های معتبر اینترنتی استفاده شده‌است تا پاسخ مناسب و علمی ارائه شود.

واژه‌های کلیدی: ایلخانان، اسطوره‌های مغولی، شاهنامه فردوسی، داده‌های باستان‌شناختی، مذهبی فرهنگی.



مطالعه، حفاظت و مرمت کاروانسرای تی تی سیاهکل

مهسا رضانی

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه بابلسر

mramezani62@yahoo.com

چکیده

احداث کاروانسراها در ایران از تاریخچه‌ای کهن برخوردار است. با توجه به اهمیت تجارت و لزوم تامین امنیت جانی و مالی کاروانیان، ایرانیان از گذشته‌های دور بر آن شدند تا در مسیر حرکت کاروان‌ها به احداث و توسعه بناهایی تحت عنوان کاروانسرا اقدام کنند. به رغم احداث کاروانسراها در اغلب ادوار تاریخی، کاروانسراسازی در دوره صفویه به طور چشمگیری افزایش یافت که در پی وحدت سیاسی و مذهبی حکومت صفویه و ارتباط این سلسله با کشورهای اروپایی گسترش یافت. شهرستان سیاهکل واقع در استان گیلان به دلیل موقعیت استراتژیک و راهبردی از شهرهای مورد توجه صفویان بود. کاروانسرای تی تی واقع در سیاهکل از معدود محل‌های اقامت بین‌شهری است که طرح ویژه بنا آن را از نمونه‌های مشابه دیگر متمایز می‌کند. هم‌جواری و موقعیت جغرافیایی کاروانسرا که در نزدیکی شهر است، موجب شده این بنا با معماری خاص برای اقامت مسافران طراحی و ساخته شود. لذا در این پژوهش با استناد به اطلاعات به‌دست‌آمده از سوی اداره میراث فرهنگی و گردشگری شهرستان رشت، تحقیقات میدانی و منابع مکتوب به مطالعه همه‌جانبه بنا در جهت شناساندن ارزش‌های فرهنگی، تاریخی، هنری و ساختاری پرداخته و در ادامه در پی تجزیه و تحلیل آسیب‌های بنا طرح مرمت و راهکارهای حفاظتی برای کلیه عناصر بنا ارائه شده تا از خطر فرسایش هرچه بیشتر آن جلوگیری کرده و به افزایش عمر این بنا کمک شود. با این که ساختمان این کاروانسرا پابرجاست، اما قطعاً نیاز به مرمت و ایمن‌سازی دارد و برای حفاظت و نگهداری بقای آن به عنوان میراثی گرانبها باید همت گماشت.

واژه‌های کلیدی: کاروانسرا، دوره صفوی، راه‌های تجاری، شهرستان سیاهکل.



مطالعه و بررسی باستان‌شناختی محوطه آبادر نیر استان اردبیل

سعید ستارنژاد (۱)، علی مه‌ری روینده زاق (۲) ماهان یونس‌پور (۳)
 (۱) نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

saeid.sattarnejad@yahoo.com

(۲) کارشناس باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

ali.pmechri@yahoo.com

(۳) دانشجوی کارشناسی باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

mahan.younespour@gmail.com

چکیده

محوطه آبادر از توابع شهرستان نیر در استان اردبیل واقع شده است. تاکنون این محوطه به صورت جامع مورد بررسی قرار نگرفته و در مطالعات پیشین، پژوهشگران عموماً به فضاهای دست‌کند این مجموعه اشاره کرده و کمتر به سایر شواهد باستان‌شناختی موجود در محوطه پرداخته‌اند. همین عوامل باعث شده تا در تبیین ماهیت کاربری فضاهای دست‌کند مجموعه و خود محوطه فرضیات ضد و نقیض مطرح شده است. ضعف‌ها و کاستی‌های مطالعات پیشین لزوم پژوهش در این مجموعه را ایجاب می‌کند. در این پژوهش نگارندگان با بررسی سطحی محوطه و با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر هستند: ۱- براساس داده‌های سطحی، مهم‌ترین دوره‌های استقرار در محوطه آبادر نیر کدام است؟ ۲- ماهیت کاربری فضاهای دست‌کند این محوطه چیست؟ براساس داده‌های سطحی، در این محوطه شواهدی از دوران تاریخی تا اسلامی (قرون میانی) وجود دارد که مهم‌ترین دوره استقرار متعلق به سده‌های میانی اسلامی است. همچنین نتایج دیگر این پژوهش نشان می‌دهد، محوطه آبادر یک روستای دست‌کند دست‌ساز بوده که فضاهای معماری آن متناسب با اقلیم و نیازهای ساکنانش در اشکال و ابعاد متنوع ایجاد شده است. در دوران اسلامی (قرون میانی) گورستانی با اشکال متنوعی از گورهای صندوقی، گهواره‌ای و ساده در مجاورت آن شکل گرفته است. هم‌اکنون این محوطه به طور کامل تخریب شده و تنها شواهد سطحی از آن قابل مشاهده است.

واژه‌های کلیدی: آبادر نیر، بررسی باستان‌شناختی، روستای دست‌کند، دست‌ساز، دوران اسلامی.



بررسی تسخیر نیشابور به دست لیلی بن نعمان (۳۰۸-۳۰۹ ه.ق.)
بر اساس مکتوبات و مسکوکات

محمد امین سعادت مهر

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران

ma.saadatmehr@gmail.com

چکیده

لیلی بن نعمان یکی از سرداران بزرگ علویان طبرستان بود که توانست در عصر آشوب‌ها، دوران ابتدایی حکومت امیر نصر بن احمد سامانی (۳۰۱-۳۳۱ ه.ق.)، نیشابور - دومین رکن اصلی حکومت سامانیان - را به سال ۳۰۹ ه.ق تسخیر سازد و در آنجا به ضرب سکه بپردازد. در قرون اولیه دوران اسلامی عبارات نگاشته‌شده بر مسکوکات علاوه بر نام صاحب سکه و خاندان حکومتی، آیاتی از قرآن دارد که طبق اعتقادات حاکمان و مردمان منطقه بر مسکوکات نقش می‌شدند و نیز القاب و عناوینی از صاحبان سکه را یادک می‌کشیدند. لذا با احتساب این عبارات می‌توان به اندیشه غالب حاکمان و مردمان و نیز جایگاه اجتماعی صاحب سکه و یا جایگاهی که مقصود وی در میان مردمان و مقامات بالاتر بوده‌است، پی‌برد. سوالات اصلی این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. ویژگی‌های کلی طرح درهم لیلی بن نعمان (ضرب‌شده در نیشابور به سال ۳۰۹ ه.ق.) چگونه بوده‌است؟ ۲. چگونه می‌توان با استفاده از نگاشته‌های نقر شده بر درهم لیلی بن نعمان نظیر آیات، القاب و ... وقایع آن عصر را بازسازی نمود؟ این مقاله بر آن است تا علاوه بر معرفی این سکه شاخص، با رویکرد باستان‌شناسی ادراکی و رهیافت تاریخی به بازسازی و مشخص ساختن علل برخی از حوادث با همراهی داده‌های سکه‌شناختی در کنار متون تاریخی بپردازد. در نتیجه با تلفیق و مقایسه کتب تاریخی و استفاده از علم سکه‌شناسی با توجه به مغایرت آیات نگاشته‌شده بر مسکوکات لیلی بن نعمان (قرآن، یونس: ۳۵، روم: ۳-۴) با آیات مورد پسند علویان طبرستان (قرآن، مائده: ۵۵)، جایگاه وی خلاف نگاشته‌های تاریخی که وی را فردی وابسته معرفی می‌کرد، به عنوان فردی مستقل در نزد علویان طبرستان آشکار گشت و سیاست‌گذاری‌های او نظیر خواندن خطبه در نیشابور به نام داعی علوی، حسن بن قاسم (۳۰۴-۳۱۶ ه.ق.) و نقر نگاشته‌ای چون «الموید لدین الله، المنتصر لآل رسول الله، لیلی بن نعمان» بر مسکوکات، برای کسب مقبولیت و مشروعیت در میان مردم مشخص گردید.

واژه‌های کلیدی: لیلی بن نعمان، سامانیان، علویان طبرستان، سکه‌شناسی، نیشابور.



بازشناسی ساختار معماری و عناصر تزئینی کاخ خورنق
بر اساس نگاره‌های بهزاد و ترکمانان

مه‌دیس فرامرزی (۱) حسن هاشمی زرج‌آبادی (۲)
(۱) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران
mahdisfaramarzi95mo@gmail.com
(۲) دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران
h.hashemi@umz.ac.ir

چکیده

کاخ باستانی خورنق نمادی از شکوه رمزگونه هنر ساسانی‌عربی لخمیان حیره در شبه‌جزیره عربستان بود که به دستور یزدگرد سوم و نعمان بن منذر، در سال ۴۱۸ میلادی به دست معمار رومی، سنمار، برای بهرام سوم ساسانی ساخته شد. در کاوش‌هایی که در سال ۱۹۴۵ میلادی در تل خورنق، محلی نزدیک به شهر کوفه کنونی، انجام شد، بقایای کمی از کاخ خورنق به دست آمد. نقشه مربع‌شکل کاخ به همراه مصالح و مواد به دست آمده، نشان از واقعی بودن اثر می‌داد. خشت خام، آجر، قلوه‌سنگ و گچ از مصالح اصلی برای ساخت و تزیینات بنا بوده است. یکی از دو نگاره‌ای که ساخت خورنق را به تصویر می‌کشد، نگاره منسوب به کمال‌الدین بهزاد در ظفرنامه تیموری است که نقاش بر اساس داده‌های تاریخی نحوه کار بنایان، مصالح و روش ساخت بنا را کشیده است. نگاره دوم که چند سال پس از بهزاد به سبک ترکمنی، به دست نقاش گمنام ترکمانان در خمسه نظامی نقش شده، بعد تزئینی کاخ خورنق را به نمایش می‌گذارد. در این پژوهش با روش توصیفی تطبیقی با استفاده از مطالعات اسنادی کتابخانه‌ای و یافته‌های حاصل از پژوهش‌های باستان‌شناسی و مینیاتورهای فوق‌الذکر نحوه ساخت و تزیین کاخ خورنق بررسی گردید. در نگاره بهزاد نحوه ساخت بنا، ملاط‌ها و عمل استادان بنا و مصالح، به شکلی واقع‌گرایانه به تصویر کشیده شده و در نگاره ترکمانان تزیینات درونی بنا و نحوه نگارگری استاد و شاگرد با تکیه بر متون، نشان داده شده است.

واژه‌های کلیدی: خورنق، ترکمانان، کمال‌الدین بهزاد، منذر، بهرام گور.



واکاوی پیشینه و معماری کاروانسرای زعفرانیه

محمد فیض آبادی (۱)، علیرضا یزدانی سنگری (۲) علی رستمی (۳)

(۱) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران،

mohammadfeiz@ut.ac.ir

(۲) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران،

yazdani77@ut.ac.ir

(۳) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران،

rostami97@ut.ac.ir

چکیده

منزلگاه زعفرانیه در روستایی به همین نام و در فاصله ۳۶ کیلومتری شرق سبزوار قرار دارد که از توابع بخش مرکزی شهرستان سبزوار استان خراسان محسوب می‌شود. پلان بنای مذکور مستطیل‌شکل است و به شیوه چهارایوانی ساخته شده که بخش‌های مختلفی از جمله برج‌های مدور و نیمه‌مدور، ایوانچه، حجره و اسطبل دارد. این کاروانسرا در طول تاریخ از دید جهانگردانی چون حکیم الممالک، سیف‌الدوله، هوتوم شنیدلر، ناصرالدین‌شاه، خانیکوف و افرادی دیگر پنهان مانده و مورد شرح و توصیف قرار گرفته‌است. هدف اصلی این پژوهش تاریخ‌گذاری کاروانسرای زعفرانیه است که به اشتباه به دوره قاجار منسوب است و هدف دیگر نیز تبیین موقعیت استراتژیک این کاروانسرا نسبت به کاروانسراهای دیگر در بزرگراه خراسان است. روش به‌کار رفته در این پژوهش مبتنی بر توصیف و تحلیل است و از منابع کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی به منظور دستیابی به تحلیل‌ها و نتایج مطلوب استفاده شده‌است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد پایه‌ریزی این بنا در دوره سلجوقیان صورت گرفته و احتمالاً در نزدیکی یک کاروانسرای قدیمی ساخته شده و همچنین جایگاه راهبردی این بنا و برخی عناصر معماری آن نقش بسزایی برای کاروان‌ها داشته‌است.

واژه‌های کلیدی: کاروانسرا، زعفرانیه، سلجوقی، سبزوار، خراسان، صفویه، قاجاریه.



حمام‌های روستایی دشت سلطانیه، استان زنجان، ایران

مهسا فیضی

دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی گرایش اسلامی، دانشگاه تهران دانشگاه لیون ۲

چکیده

دشت سلطانیه بخشی از جلگه همواری است که از نزدیک تاکستان تا به میانه امتداد دارد. شرایط زیست‌محیطی مناسب همچون منابع آبی غنی، مخروط افکنه‌های گسترده، شیب اندک و خاک مناسب سبب شکل‌گیری حیاتی پایدار در منطقه است. گواه این امر یافته‌های باستان‌شناختی که از دوران پارینه‌سنگی تا به دوره قاجار در بخش‌های مختلف دشت پراکنده شده‌اند. یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های منطقه، بقایای ساختمان حمام‌های است که در بیشتر روستاها دیده می‌شود. پژوهش‌های پیشین اغلب متمرکز بر شهر سلطانیه بودند و دیگر آثار دشت از جمله حمام‌ها ناشناخته مانده‌اند. نظر به اهمیت آن‌ها در حیات اجتماعی روستاها، در این پژوهش برآنیم به کمک منابع مکتوب، بررسی باستان‌شناختی و پردازش آن‌ها در سیستم اطلاعات جغرافیایی بدین پرسش‌ها پاسخ دهیم که حمام‌های دشت به کدام یک از منابع آبی دشت وابسته بوده‌اند، ساختار معماری آن‌ها چگونه است و چه نقشی در حیات اجتماعی منطقه ایفا کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد آب بیشتر حمام‌ها از چشمه‌های دائمی و تعداد کمی از چاه آمده‌است. ساختار معماری همه حمام‌ها از یک الگو پیروی می‌کند، سه فضای اصلی سربینه، گرم‌خانه و تون است و هر یک کارکردی متفاوت داشتند. بنا بدون هیچ تزئیناتی است، سقف فضاهای اصلی گنبدی و طاق‌بندی بزرگ داخل بنا اجرا شده‌است. آب و هوای سرد و طولانی بودن فصل سرما، سبب گردید که این حمام‌ها به کانون گردهمایی افراد بدل شود. شیوه استفاده و نگهداری آن‌ها به دو روش و متناسب با ساختار اقتصادی و اجتماعی هر روستا است.

واژه‌های کلیدی: دشت سلطانیه، روستا، حمام، چشمه.



کاوش باستان‌شناسی در قلعه سانسیز طارم

حمزه کریمی (۱)، بهنام قنبری (۲)، حمید عزیزی (۳) جواد بهاری (۴)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی از دانشگاه ابهر

hamzehkarimi64@gmail.com

(۲) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی از دانشگاه ابهر

(۳) دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی از دانشگاه تهران

(۴) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی از دانشگاه ابهر

چکیده

قلعه سانسیز» مشهور به گور قلعه در استان زنجان، دهستان دستجرده از توابع بخش چورزق شهرستان طارم و در ۱۳۰۰ متری شمال روستای سانسیز، در بالای یک تپه طبیعی نسبتاً بزرگ و مرتفع و در حاشیه جنوبی رودخانه قزل‌اوزن و ساحل شرقی رودخانه قلات در ارتفاع ۴۴۵ متر بالاتر از سطح آب‌های آزاد و در مختصات مکانی E:4852.347_N:3655.653 قرار گرفته‌است. برنامه کاوش در قلعه سانسیز (گور قلعه سانسیز) طارم، با هدف کسب اطلاعات از توالی زمانی استفاده از قلعه در دوره‌های مختلف تاریخی و اسلامی و همچنین آگاهی از نوع معماری به‌کاررفته در قلعه به انجام رسید. کاوش با ایجاد یک ترانشه (Tr.I) در ابعاد ۸ × ۱۳ متر در بخش جنوبی سطح قلعه که در آن بقایای برج و دیوارهای سنگی و فضاهای معماری کمترین میزان آسیب را داشتند، انجام شد. در پایان کاوش ۱۹ کانتکست متفاوت به‌ثبت‌رسید. این کانتکست‌ها شامل لایه‌های آواری، دیوارهای سنگی، کف‌فرش آجری، کف گچ‌اندود و سازه‌های خشتی بودند. در کاوش این فصل یکی از برج‌های بخش جنوبی قلعه و فضاهای مرتبط با آن کاوش و خاک‌برداری شد. بر اساس یافته‌های موجود، مشخص شد قلعه چهار برج در گوشه‌ها به همراه فضاهای کاربردی در داخل قلعه داشته‌است. برای ساخت پیکره اصلی و اجزای قلعه از مصالح سنگ (که از بستر رودخانه قزل‌اوزن آورده شده) و ساروج استفاده شده‌است. از گچ به عنوان اندود بدنه داخلی دیوارها و پوشش کف استفاده شده‌است. همچنین در برخی قسمت‌ها برای زیرسازی کف از آجرفرش استفاده شده و روی آن با گچ اندود شده‌است. با توجه به فراوانی آجر در سطح احتمال می‌رود در پوشش سقف‌ها نیز از آجر استفاده شده‌باشد. بر اساس سفالینه‌های کشف‌شده، به عنوان مهم‌ترین یافته‌های فرهنگی، و مقایسه آن‌ها چنین استنباط می‌شود که در اوایل سده



چهارم ه.ق «خاندان کنگریان» در منطقه طارم شکل گرفته و سپس با گسترش قدرت خود، برخی مناطق هم‌جوار را نیز تحت تسلط خودشان درمی‌آورند. همچنین متون تاریخی به صراحت صحبت از وجود دژهایی و یا ساخت دژهای جدید در آن زمان در طارم نموده‌اند. امروزه محل دژ شمیران (سمیران) که با فاصله نه‌چندان دوری از قلعه سانسیز قرار دارد، به‌خوبی نشانگر تحولات و ارتباط این قلاع در قرون سوم و چهارم ه.ق تا قرون میانه دوران اسلامی در منطقه طارم است. وجود خمره‌های بزرگ ذخیره‌سازی که در داخل آن‌ها گردو به‌دست آمد، نشان از وجود فضاهای ذخیره‌سازی در این قلعه بوده‌است. در نهایت، موقعیت استراتژیک، ارتفاع زیاد قلعه و شیب تند دسترسی به آن، دیوارهای قطور و مرتفع سنگی نشان از وجود یک قلعه مهم و پراهمیت در قرون اولیه تا میانی دوران اسلامی در این منطقه بوده که امروزه قلعه سانسیز نامیده شده‌است.

واژه‌های کلیدی: قلعه سانسیز، طارم، کاوش، سفال، کنگریان.



تحلیل و تاملی باستان‌شناختی درباره سنت آرامگاه‌سازی سلاجقه در شمال غرب ایران

حمید کریمی (۱) مجید منتظرظهوری (۲)

۱- کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران

۲- استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

majidzohouri@ut.ac.ir

چکیده

معماری اسلامی یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین زمینه‌های مطالعه فرهنگ و تمدن اسلامی می‌باشد. بناهای آرامگاهی به عنوان یادمان‌های فرهنگی یکی از بهترین نمونه‌های اعتقادات و باور دینی مسلمانان در هر دوره از تمدن اسلامی است. با مطالعه مقابر و آرامگاه‌ها به عنوان بخشی از گستره‌ی بزرگ هنر و معماری اسلامی به بهترین شکل می‌توان نوع جهان‌بینی دینی و تغییر در هنر و معماری اسلامی را که به تبعیت از آن بروز یافته را بررسی نمود. در دوران سلجوقی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌های اسلامی ساخت بناهای آرامگاهی نیز همگام با سایر زمینه‌های مادی و معنوی اسلامی دچار تحولات و تغییرات بسیاری گردید. در این دوره ساخت مقابر و آرامگاه‌ها از نظر کمیت و کیفیت توسعه فراوانی یافت. در این دوره ساخت این نوع از بناها نه تنها از نظر تعداد افزایش می‌یابد بلکه از لحاظ فرم بنا و نیز تزئینات وابسته به آن نیز با تنوع و گوناگون و چشمگیری همراه می‌شود. این تغییرات در شمال غرب ایران به عنوان کانون تحولات منطقه به خوبی مشاهده می‌شود. این ناحیه در دوران سلجوقیان نه تنها در عرصه سیاست تأثیرات مهمی بر پیکره سیاست گذاشت بلکه در زمینه هنر و معماری نیز مبدا تحولات عدیده‌ای بود. منطقه شمال غرب ایران (آذربایجان) به دلیل دارا بودن ۷ بنای آرامگاهی پابرجا از مهم‌ترین نقاط مطالعه هنر معماری آرامگاهی در ایران دوره سلجوقی می‌باشد. در این مقاله با روش مطالعه توصیفی تحلیلی علاوه بر بناهای شاخص شناخته‌شده، دو بنای نویافته و یک بنای کمتر شناخته‌شده نیز مورد بررسی و توصیف قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: سلجوقیان، بناهای آرامگاهی، تزئینات معماری، آذربایجان.



نظام آبرسانی رودخانه زاینده‌رود و مناسبات اقتصادی و اجتماعی آن
در اصفهان عصر صفوی

ژاله کمالی‌زاد (۱) پریشاد میزبانی (۲)

(۱) پژوهشگر پسادکتری دانشگاه تهران

jalehkamalizad@gmail.com

(۲) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه شهرکرد

parishad.mb@gmail.com

چکیده

اگرچه مدیریت منابع آب رودخانه زاینده‌رود در اصفهان پیشینه‌ای طولانی دارد، اما در نیمه نخست قرن یازدهم ه.ق با به قدرت رسیدن شاه عباس اول و گزینش اصفهان به عنوان پایتخت صفویان، توسعه این نظام آبرسانی چه از نظر تامین آب مورد نیاز فضا‌های شهری جدید در اصفهان و چه به عنوان رکن مهمی از اقتصاد زراعی صفویان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. از مهم‌ترین اقدامات در این زمینه بازبینی و تدوین اصول تقسیم و توزیع آب رودخانه زاینده‌رود بود که در سندی حقوقی به نام «طومار منتسب به شیخ بهایی» گنجانده شد و بر مبنای این سند، اراضی حوضه آبخور زاینده‌رود که در شش بلوک گسترده شده بودند، سهام آب معینی از رودخانه دریافت می‌کردند. در مقاله حاضر کوشش می‌شود با استناد به منابع مکتوب و داده‌های حاصل از نخستین فصل بررسی باستان‌شناختی که در فروردین ۱۴۰۰ و با هدف مطالعه نظام آبرسانی مذکور و سازه‌های آبی مرتبط با آن صورت گرفت، به شناخت و درک بهتری از مدیریت آب زاینده‌رود و تأثیرات اقتصادی و اجتماعی آن در اصفهان عصر صفوی نائل آییم.

واژه‌های کلیدی: اصفهان، زاینده‌رود، مدیریت آب، طومار شیخ بهایی، دوره صفوی.



تصویرگری نقوش انسانی سفال‌های کوباچه با تاکید بر تصویرسازی زنان

ساناز مالک اژدری (۱) میترا شاطری (۲)

(۱) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گرایش دوران اسلامی، دانشگاه دولتی شهرکرد

sanazmalekazhdary@gmail.com

(۲) هیئت علمی و استادیار دانشگاه دولتی شهرکرد

shateri.mitra@lit.sku.ac.ir

چکیده

عصر صفوی میراث‌دار هنر قبل از خود یعنی تیموریان بوده است. این امر به خصوص در وادی نگارگری به شکلی بارزتر نمودیافته و یکی از اعصار طلایی ایران در زمینه هنرهای همچون معماری، خوش‌نویسی، نگارگری و به خصوص سفالگری به‌شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که نوعی از سفال موسوم به «کوباچه» در این عصر رایج می‌شود که به لحاظ تکنیک نگارگری نقوش روی آن و زیبایی ظروف در نوع خود شاخص است. در ارتباط با مراکز تولید اولیه این‌گونه سفالی برخی از پژوهشگران مراکزی همچون قفقاز و در ایران به ویژه تبریز را پیشنهاد می‌دهند. این پژوهش با در نظر گرفتن اهدافی چون بررسی وجوه ارتباط بین نگارگری عصر صفوی و نقوش روی سفال کوباچه و همچنین مطالعه و شناخت سفال‌کاشی گونه کوباچه درصدد پاسخگویی به سؤالاتی است که تحت عنوان ارتباط اشتراکی سفال کوباچه و نگارگری دوره صفوی و ویژگی‌های این‌گونه سفالی مطرح شده است. با مطالعات صورت گرفته مشخص شد که شکل رایج سفال کوباچه بیشتر شامل بشقاب‌های پایه‌دار و کاشی‌ها است که حاوی تک‌چهره‌هایی از مردان و به ویژه زنان است و در دو حالت دیده می‌شوند؛ یا سرها رو به پایین متمایل و حالتی از غمگینی را نمایانده‌اند و یا به حالت نیم‌رخ نمایش داده می‌شوند. این مشخصه‌ها درحالی است که یا گل، انار و در مواردی فنجانی در دست دارند و فضای خالی از طرح را با نقوش گیاهی پوشش داده‌اند. در کاشی‌های این‌گونه سفالی نگارگری‌هایی دیده می‌شود که بیشتر نقش زنان در حال رقص، موجودات افسانه‌ای و مردان نشسته در باغ را نمایش می‌دهند که اشتراک‌هایی با نگارگری نسخ خطی این دوره دارند.

واژه‌های کلیدی: صفوی، نگارگری، نقوش انسانی، کوباچه.



جایگاه نطنز در راه‌های ارتباطی و تجارت در دوران اسلامی

سیده سارا محمدی (۱) حسن کریمیان (۲)

(۱) دکتری باستان‌شناسی، اداره کل میراث فرهنگی استان اصفهان

smohammadi66@alumni.ut.ac.ir

(۲) استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

hkarimi@ut.ac.ir

چکیده

آن‌گونه که از متون تاریخی برمی‌آید، شهر نطنز به دلیل شرایط مطلوب زیست اقلیمی و جایگاه آن در شبکه ارتباطی جنوب به فلات مرکزی و به ویژه دو شهر استراتژیک کاشان و اصفهان در ادوار گوناگون تاریخی یکی از منزلگاه‌های مهم شاهراه ری-اصفهان بوده‌است. شواهد معماری بازمانده از ادوار مختلف اسلامی در این شهر نیز موید استمرار رونق آن پس از سقوط ساسانیان تا روزگار حاضر است. وجود منازل و اقامتگاه‌های متعدد در این شهر (نظیر کاروانسراهای کوهاب، غفاری، علی اکبر در محور بازار مرکزی شهر)، نیز بر اهمیت ارتباطی آن در ادوار تاریخی حکایت دارد. با اتکا به این شواهد تردیدی نمی‌ماند که شهر نطنز، به ویژه در دوره‌های صفوی و قاجار، یکی از مراکز عبور و تلاقی کاروان‌ها و دادوستد در فلات مرکزی ایران بوده‌است. علی‌رغم اهمیت و جایگاه ارتباطی، تجاری و فرهنگی شهر نطنز، جلوه‌های درخشان آثار تاریخی شهرهای کاشان و اصفهان موجب غفلت جهانگردان و مورخان دوره‌های مختلف از آثار این شهر شده‌است. غفلتی که پژوهش‌های باستان‌شناسی، شهرسازی، معماری و تاریخی را نیز متأثر از خود ساخته‌است. نگارندگان تلاش نمودند با اتکا به منابع مکتوب، نقش و جایگاه شهر نطنز، به عنوان منطقه‌ای ارزشمند در ارتباطات منطقه‌ای، را مشخص و به این پرسش پاسخ گفته‌شود که این شهر در شبکه ارتباطات فلات مرکزی ایران از چه جایگاهی برخوردار بوده و چگونه ایفای نقش می‌نموده‌است؟ در پاسخ به این پرسش کلیه شواهد مرتبط مستندسازی و در انطباق با مستندات تاریخی مورد تحلیل قرار گرفتند.

واژه‌های کلیدی: نطنز، تجارت، متون تاریخی.



بررسی روشمند محوطه دوران اسلامی جیزد شهرستان رشتخوار

پرستو مسجدی خاک (۱)، امیر ابراهیمی (۲) مصطفی خزائی کوهپیر (۳)

(۱) استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه نیشابور،

parastomasjedi@yahoo.com

(۲) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه نیشابور

(۳) دکترای باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشگر آزاد

چکیده

شهر باستانی جیزد در متون تاریخی قرون میانه اسلام از قصبات ولایت خواف به‌شمار می‌رفته است. شهر جیزد در ۶۲ کیلومتری شهر تربت حیدریه و ۱۲ کیلومتری شهر رشت‌خوار قرار دارد. رشت‌خوار تا قرن نهم هجری قمری به نام ولایت‌زاوه معروف بوده است. اهمیت شهر جیزد در قرون پنجم تا هشتم هجری قمری بوده است. زوزن و خواف در سده‌های نخستین هجری از مراکز علمی بزرگ و پررونق به‌شمار می‌آمده‌اند. قرارگیری زوزن و خواف در موقعیت ارتباطی بین حوزه‌های هرات، قهستان و نیشابور اهمیت این دو شهر را در دوره اسلامی بازگو می‌کند. هدف از این پژوهش گردآوری نظام‌مند داده‌ها جهت جمع‌بندی اطلاعات و تاریخ‌گذاری و تحلیل بخش‌های مختلف محوطه جیزد است. روش گردآوری داده‌ها بررسی میدانی به کمک مطالعه روشمند و تقسیم‌بندی محوطه به بخش‌های مختلف و گردآوری و ثبت اطلاعات سفالی بوده است. سوالات این پژوهش عبارت‌اند از: کدام‌گونه‌های سفالی در محوطه وجود دارد؟ بازه زمانی سکونت در محوطه بر اساس گونه‌شناسی سفال شامل چه ادواری است؟ پراکنش سفال در سطح محوطه چه الگویی را نشان می‌دهد؟

واژه‌های کلیدی: خراسان، خواف، محوطه جیزد، بررسی روشمند.



معماری بادگیرهای محله بستکيه دبی در کرانه جنوبی خلیج فارس

نسیم مشایخی سردویی (۱) محمد محمدی زاده (۲) پیمان پاسالاری (۳) فریدون فراهانی (۴)

(۱) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی

nasimmashayekhi77@yahoo.com

(۲) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی

m.mohammadizadeh.kelk@gmail.com

(۳) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی

peymanpasalari@yahoo.com

(۴) دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی

fereydoun_farahani@yahoo.com

چکیده

بادگیرها را می‌توان از مهم‌ترین ابداعات بشری دانست که در ایران نمونه‌های بارز این عنصر ساختاری را می‌توان در اغلب بافت‌های تاریخی کشور همچون یزد، بندر خمیر، بندر لنگه، لافت و غیره مشاهده کرد. این عنصر مهم ساختاری نقش بسیار مهمی را در هدایت جریان هوا و همچنین تهویه ایفا می‌کرده است. محله بستکيه دبی یکی از محلات مهم تاریخی دبی در کرانه جنوبی خلیج فارس است که در جریان مهاجرت بستکيه‌های جنوب ایران (غرب هرمزگان) به این کشور در اواخر دوره قاجار و پهلوی اول شکل گرفت. معماران این خطه نیز به مانند تاجران بستکيه به این مناطق سفر کرده و آثار بی‌شماری را در محلاتی همچون بستکيه، الراس، شندغه، محله کوخردی‌ها در شارجه و غیره خلق کردند که تا کنون نیز پابرجا بوده و شواهدی از هنر معماری جنوب ایران در این خطه است. در این پژوهش سعی بر آن است تا با توجه به سبک معماری بستکيه در جنوب ایران به مطالعه و معرفی بادگیرهای بستکيه دبی و شکل و فرم کلی ساختاری آن‌ها پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: بادگیر، بستکيه، دبی، بستک، خلیج فارس، معماری.



خروج از آفریقا در قرآن

محمد مظاهری

دانشجوی کارشناسی ارشد

sarv1292@yahoo.com

چکیده

کتاب‌های مقدس به ویژه قرآن یکی از منابع و مراجع اساسی و همیشگی بشر برای یافتن پاسخ به پرسش‌های کلیدی بوده و هست. پرسش‌های بزرگی همچون «از کجا آمده‌ام؟». این پژوهش نیز به جستجوی یکی از همین سؤالات کلیدی در قرآن پرداخته است. از نظر باستان‌شناسان یکی از مهم‌ترین نقاط عطف در تاریخ خلقت انسان خروج از آفریقا و در نتیجه آن تنوع و تکامل گونه‌های انسان است. در قرآن به پدیده‌های بسیاری از جمله موضوع خلقت انسان و نقطه آغاز و در ادامه هبوط آدم از بهشت بسیار پرداخته شده، اما این که آیا می‌توان ردی از مرحله سرنوشت‌ساز خروج انسان از آفریقا را نیز در این کتاب مقدس پیدا کرد، این پژوهش را شکل داد. پس از جستجو در آیات قرآن و مطالعه تفاسیر مختلف، به نظر می‌رسد در آیه بیستم سوره روم اشاره خداوند به مهاجرت بزرگ انسان از آفریقا را می‌توان مشاهده کرد. آیه‌ای که خطاب به انسان می‌گوید: «آن گاه که به ناگاه بشر شدید، منتشر شدید». در این پژوهش پس از بیان پیشینه‌ای از مطالعات پژوهشگران درباره خلقت و تکامل انسان از نظر قرآن، به مرحله‌ای و تدریجی بودن خلقت از دیدگاه علم و قرآن می‌پردازیم و سپس با کنار هم قرار دادن تفاسیر و بررسی واژه‌شناسی آیه مورد نظر در سوره روم، به نتیجه احتمالی اشاره قرآن به خروج از آفریقا می‌رسیم.

واژه‌های کلیدی: باستان‌شناسی، قرآن، انسان، خروج از آفریقا.



کاوش باستان‌شناختی مجموعه دستکند زیرزمینی پاچیان کاشان

علی مولودی

دانش آموخته دکتری باستان‌شناسی

alimoloodi68@gmail.com

چکیده

کاشان از آغاز دوران اسلامی از جمله شهرهای بزرگ ایران به‌شمار می‌آمده و از جهت موقعیت جغرافیایی در گذرگاه مهم‌ترین راه‌های شمالی جنوبی و شرقی غربی قرار داشته است. موقعیت گذرگاهی کاشان از همان ابتدا به‌همان اندازه که موجب اهمیت و گسترش این شهر شده، آن را به گذرگاه آمدوشد و تاخت‌وتاز لشکریان مختلف بدل کرده است. به همین سبب «مسئله امنیت» در کاشان به یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی تبدیل شد. ساخت حصار سترگ پیرامون شهر در دوره سلجوقی در پیوند با همین دغدغه و نیاز حیاتی و اساسی است. در گزارش‌های تاریخی نیز به لشکرکشی‌های ویرانگر و مرگباری از دوره سلجوقی تا یورش مغول اشاره شده است. مردمان کاشان و قریه‌ها و آبادی‌های اطراف آن به هوشمندی از مهارت خود در گسترش قنات‌ها بهره‌بردند و برای رفع دغدغه امنیت به همان راهکار دغدغه بقا و آبادانی دست یازیدند و از دست‌کندهای زیرزمینی در شرایط بغرنج به‌عنوان پناهگاه و مأمن بهره جستند. منابع تاریخی، شواهد باستان‌شناسی و روایات شفاهی همگی گواه آن است که در منطقه فرهنگی کاشان شبکه‌هایی گسترده از دست‌کندهای زیرزمینی زیر بافت تاریخی و حتی بیرون از محدوده شهری وجود دارد که با وجود تخریب‌های گسترده در سده اخیر به دلیل توسعه مدرن شهری، همچنان می‌توان به کاوش‌های باستان‌شناسی چشم امید داشت تا برگ‌هایی گم‌شده از تاریخ کاشان را روایت کند. پیرو گزارشی مبنی بر کشف فضاهایی دست‌کند در یکی از خانه‌های تاریخی محله پاچیان کاشان (موزه درحال تأسیس مطبوعات)، کاوش در این مجموعه دست‌کند در زمستان ۱۳۹۹ انجام شد. اهمیت مجموعه دستکند پاچیان از آن جهت است که با وجود آن که در شهرهای اطراف کاشان چون نوش‌آباد و سفیدشهر مجموعه‌های بزرگ و ارزنده‌ای از دست‌کندهای زیرزمینی کشف شده، اما تاکنون در محدوده شهر کاشان هیچ معماری دست‌کندی مورد کاوش باستان‌شناسان قرار نگرفته است. این کاوش منجر به کشف محدوده‌ای شامل سه فضای مجزا با راهروهای ارتباطی، اتاقک‌های متعدد، انبارک و یک حلقه چاه شد. فضای کشف‌شده از این



مجموعه حدود چهل متر مربع وسعت دارد و در عمق هشت متری از حیاط مرکزی خانه یادشده است. با تحلیل فضایی این مجموعه معماری دست‌کند می‌توان کاربری آن را پناهگاهی و متناسب برای اسکان کوتاه‌مدت چند خانوار دانست. مهم‌ترین یافته‌هایی که می‌توان به هنگامه استفاده از این مجموعه دست‌کند منتسب کرد، متعلق به لایه تاریخی تقریباً یک‌دستی هستند که دقیقاً روی کف فضای یکم شکل گرفته و بر اساس مقایسه نسبی یافته‌های فرهنگی آن می‌توان گفت، این مجموعه دست‌کند در بازه زمانی سده‌های ششم تا هشتم ه.ق مورد استفاده قرار گرفته و احتمالاً از سده هشتم ه.ق به تدریج متروک شده است. پس از متروک شدن از هواکش فضای دوم به عنوان چاه دورریز استفاده شده که یافته‌های متعدد درون این چاه را می‌توان متعلق به بازه زمانی سده‌های هشتم تا دهم ه.ق دانست. همچنان مجهولاتی اساسی همچون کشف نشدن ورودی مجموعه وجود دارد که ادامه کاوش‌ها در فصلهای بعدی می‌تواند در این زمینه راه‌گشا باشد.

واژه‌های کلیدی: دست‌کند زیرزمینی، کاشان، سده‌های ششم تا هشتم ه.ق، سردابه، پاقپان.



معرفی، توصیف و پژوهشی در گورستان‌های سنگ‌شیر (شیرسنگی)
منطقه پیش‌کوه و پشت‌کوه موگویی شهرستان فریدونشهر

همایون مومنی (۱) کیوان نصیری (۲)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران

Homayon6690@gmail.com

(۲) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی خمین

K1.nasiri.2729138@gmail.com

چکیده

شیر از دیرباز همواره نمادی از قدرتمندی، شجاعت و جنگاوری بوده و این سمبل در میان اقوام بختیاری ایران‌زمین در قالب نمایش قبور بزرگان تجسمی در هیبت یک تندیس بر فراز شخص متوفی جلوه می‌یابد که این فرد می‌بایست از بزرگان و سران ایل بختیاری بوده تا شایستگی قرارگیری سنگ‌شیر روی قبر خود را داشته‌باشد. عمده سنگ‌شیرها یا در گویش محلی «بردشیر»های ایران در استان‌های خوزستان، چهارمحال و بختیاری و لرستان تمرکز داشته و استان اصفهان با محوریت شهرستان فریدون‌شهر نیز با دارا بودن حدود ۸۰ سنگ‌شیر تاریخی در اکثر روستاهای منطقه پیش‌کوه و پشت‌کوه موگویی منطقه‌ای مغفول مانده از این منظر مطالعاتی است. عمده این سنگ‌شیرها در چهار روستای بهرام‌آباد، مصیر، طُرزه و دهنو است که در این پژوهش به این روستاها بیشتر پرداخته می‌شود. هدف اصلی در واقع روشن ساختن ماهیت وجودی و خصوصیات منحصر به فرد یا مشترک با سنگ‌شیرهای مناطق دیگر است و تلاشی برای پاسخگویی به سوالاتی همچون سبک ساخت و قدمت صورت می‌پذیرد. روش پژوهش قیاس بوده و روش گردآوری داده‌ها مبتنی بر شیوه میدانی است. تنوع در ابعاد، سبک، القای حس تندیس، حتی در روستاهای نزدیک به هم وجودی محسوس داشته و طول دوران به کارگیری این سنگ‌شیر نیز از صفویه تا پهلوی بوده که به نظر می‌رسد برخی از این سنگ‌ها جز قدیمی‌ترین سنگ‌قبرها از این نوع در کشور هستند.

واژه‌های کلیدی: بختیاری، سنگ‌شیر، شیرسنگی، فریدون‌شهر، پیش‌کوه موگویی، پشت‌کوه موگویی.



پژوهشی در جامعه مسیحی شهرستان بوبین و میاندشت بر اساس قبور آرامنه
مطالعه موردی: گورستان تاریخی آرامنه روستای هادان

همایون مومنی (۱) علمدار علیان (۲)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران

Homayon6690@gmail.com

(۲) دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان و مسئول اداره باستان‌شناسی

اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان اصفهان

alian.alamdar@gmail.com

چکیده

در دوره صفویه بنا بر دلایل متعدد سیاسی، امنیتی و اقتصادی قسمت اعظمی از آرامنه به سمت ایران کوچانده شدند که منطقه موسوم به فریدن بزرگ مقصد اصلی این جمعیت در داخل فلات مرکزی ایران است. شهرستان بوبین میاندشت یکی از چهار شهرستان منطقه موسوم به فریدن بزرگ است که روستاهای متعدد ارمنی‌نشین دارد. یکی از این مناطق روستای هادان است. این روستا گورستانی منحصر به فرد دارد که از لحاظ فراوانی سنگ‌های سفیدرنگ و حفر حجاری شده صاحبان قبور و در انتها کیفیت قابل توجه صورت‌نگاری و حجاری اشخاص قابل توجه است. هدف این پژوهش بررسی باستان‌شناختی جامعه مذکور بر اساس نقوش سنگ قبور این جمعیت مسیحی مغفول مانده است. روش پژوهش تلفیقی از قیاس و استنتاج است و روش گردآوری اطلاعات تا حد بسیار زیادی میدانی و اندکی کتابخانه‌ای است. پرسش‌های این پژوهش در واقع معطوف به چپستی اطلاعاتی است که از این گورستان و نقوش آن در مطالعه جامعه این روستا می‌توان به دست آورد. عمده قبور متعلق به دوره قاجار و نمایانگر پوشش سنتی آرامنه از پنام در زنان تا ردا و بالاپوش در مردان است و بیشترین مشاغل صاحبان قبور کشاورزی، دامپروری و نظامی‌گری است. مؤلفه‌های حجاری شده معماری روی سنگ قبور از جمله طاق تویزه، ستون، سرستون‌ها، چهارطاقی‌ها و طاق نصرت‌ها تلفیقی از هنر بیزانسی، مسیحی، رومی، یونانی، ایرانی و اسلامی است. همچنین غنی‌ترین تزئینات قبور متعلق به شخصیت‌های مذهبی است که در اصل کشیش یا اسقف بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: فریدن بزرگ، بوبین و میاندشت، روستای هادان، مسیحیت، گورستان آرامنه



مطالعات باستان‌شناختی مسجد جامع ارومیه: دست‌آوردها و چشم‌انداز

حامید نورسی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

چکیده

مسجد جامع ارومیه به عنوان یکی از شاخص‌ترین و قدیمی‌ترین بناهای شهر ارومیه و منطقه شمال غرب ایران شناخته می‌شود، اما همواره دوران ساخت، پلان و فرم اولیه آن محل شک و گمان بوده است. به عقیده بسیاری از محققان گنبدخانه این مسجد به عنوان عنصر اولیه و اصلی، در ابتدا یک آتشکده ساسانی بوده که در دوران اسلامی به مسجد تبدیل شده است. سوای آثار و شواهد معماری و این که تا چه میزانی می‌توان این شک و گمان را به اثبات رسانید، در کاوش‌های باستان‌شناختی که در محدوده مسجد جامع ارومیه انجام گرفته، آثار و شواهدی به دست آمده که بر اساس آن نیاز است در مورد دوره ساخت، نقشه و پلان اولیه ارائه شده برای این مسجد تردید نمود و فرضیات جدیدی را مدنظر قرار داد. بر همین اساس مسئله اصلی این نوشتار، ضمن اشاره به نظرات ارائه شده، مطالعه یافته‌های فرهنگی به دست آمده در کاوش‌های باستان‌شناختی مسجد جامع ارومیه است تا ضمن مطالعه و معرفی شواهد، اهمیت این مسجد در مطالعات باستان‌شناسی شمال غرب ایران را مورد مطالعه قرار دهیم. بر این اساس پرسش‌هایی مطرح است: ۱- دست‌آوردهای مطالعات باستان‌شناختی مسجد جامع ارومیه نشانگر چه فرضیات جدیدی است؟ ۲- با توجه به فعالیت‌های باستان‌شناختی انجام گرفته، چه چشم‌اندازی را در مطالعات آینده مسجد جامع ارومیه می‌توان ترسیم نمود؟ بر اساس نتایج حاصل از این نوشتار، مطالعات باستان‌شناختی صورت گرفته در محدوده مسجد جامع ارومیه، نشانگر تفاوت در سازمان فضایی، فرم و نقشه نسبت به آنچه تاکنون مطرح شده است. همچنین با توجه به وجود قابلیت‌های سازمان فضایی و کالبدی در محدوده مسجد جامع ارومیه، در صورت ادامه روند مطالعات باستان‌شناختی، می‌توان مسیری را ترسیم نمود تا با استفاده از آن به سؤالات باقی مانده، پاسخ روشنی داد. روش تحقیق حاضر تاریخی، توصیفی تحلیلی است و جمع‌آوری اطلاعات شامل یافته‌های حاصل از کاوش باستان‌شناختی و مستندنگاری مواد فرهنگی است که با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای مورد توصیف و مطالعه قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: مسجد جامع ارومیه، شمال غرب، مطالعات باستان‌شناسی، سازمان فضایی.



مطالعه و بررسی ویژگی‌های کالبدی و عناصر تزئینی مدرسه سپهداری اراک

سید امین هاشمی‌پور (۱) ندا انصاری (۲)

(۱) کارشناس ارشد باستان‌شناسی،

Hashemipouramin@gmail.com

(۲) کارشناس ارشد باستان‌شناسی

چکیده

دوره قاجار در تاریخ ایران به عنوان دوره‌ای بسیار بااهمیت محسوب می‌شود؛ چرا که تحولات روی داده در این دوره ورای جنبه‌های سیاسی و اجتماعی، بر هنر و معماری ایران تأثیراتی جدی نهاد. تحولات هنر و معماری این دوره بر خلاف دوره‌های پیشین که تقریباً ضرب‌آهنگی یک‌نواخت داشتند، بسیار شتابان بوده‌است. هنر و معماری اوایل دوره قاجار هم‌چنان تحت تأثیر سبک اصفهانی است، اما از اواسط این دوره با افزایش تعاملات با غرب روندی تلفیقی با سایر سبک‌های غربی درپیش می‌گیرد. با وجود این، معماری سنتی ایران مولفه‌های اصلی خود را تا اواخر دوره قاجار هم‌چنان حفظ و یکی از مهم‌ترین میراث‌های خود یعنی مدارس سنتی را که به عنوان مراکز بااهمیت و حیاتی در بافت شهری محسوب می‌شدند، به آیندگان عرضه می‌کند. یکی از این بناها که اوایل دوره قاجار در اراک ساخته و کمتر مورد بررسی و شناخت واقع شده، مدرسه سپهداری اراک است که به عنوان یکی از آخرین نمونه‌های سبک اصفهانی، تمامی ویژگی‌های این سبک را دارد و با الگویی درونگرا، پلانی چهارایوانی و فضاهایی همچون حجره‌ها، گنبدخانه، سقاخانه، آب‌انبار و همچنین انواع تزئینات آجرکاری و کاشی‌کاری در تبعیت از این سبک است که در ادوار بعدی دستخوش تحولات معماری اواخر دوره قاجار و پهلوی قرار گرفته و با حفظ حیات خود تا به امروز الحاقات و تصرفاتی در آن روی داده‌است. این پژوهش بر آن است تا ضمن معرفی دقیق بنا و مطالعات سبک‌شناسانه و تجزیه و تحلیل عناصر تزئینی آن به ارائه تصویری دقیق‌تر از تحولات معماری در این بنا بپردازد.

واژه‌های کلیدی: قاجار، اراک (سلطان‌آباد)، مدرسه سپهداری، سبک اصفهانی.



علوم باستان شناسی

کودکان و نادیده انگاشتن آن‌ها در مطالعات باستان‌شناختی ایران

عادل آل حسن (۱) احمد سهرابی نیا (۲)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی،

adel.alehassan@gmail.com

(۲) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی،

ahmadsohrabi3311@gmail.com

چکیده

باستان‌شناسی دوران کودکی، یک گرایش پژوهشی نسبتاً جدید در مطالعات باستان‌شناختی محسوب می‌شود که از دهه ۱۹۶۰ میلادی به همراه تغییر و تحولاتی در رویکردهای باستان‌شناسی سنتی شروع شده و در دهه ۱۹۸۰ میلادی خصوصاً بعد از انتشار مقاله تاثیرگذار لی لی همر تحت عنوان یک کودک متولد شده است و کتاب افراد و فرآیندهای نامرئی: جنسیت و دوران کودکی در باستان‌شناسی اروپا نوشته جنی مور و الینور اسکات به اوج خود رسیده است. اگرچه پژوهش‌های باستان‌شناسانه با محوریت کودکان در بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکایی انجام شده، اما قشر کودکان و دوران کودکی در مطالعات باستان‌شناختی کشور ما نادیده انگاشته شده و تا به حال رویکردی پژوهشی نسبت به آن‌ها اتخاذ نشده است. مقاله حاضر با روشی مردم‌نگارانه کتابخانه‌ای و با استفاده از مدارک باستان‌شناختی نشان خواهد داد که کودکان مانند بزرگسالان در کنش‌های اقتصادی و اجتماعی نقش‌هایی بر عهده دارند. از همین روی باید در مطالعات جوامع گذشته بر اساس یافته‌ها و مدارک حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی، رویکردهایی نسبت به آن‌ها اتخاذ نمود و ساده‌انگارانه از این قشر خاموش عبور نکرد.

واژه‌های کلیدی: نظریه و روش، مردم‌نگاری، کودک، باستان‌شناسی دوران کودکی.



اهمیت و ضرورت رسوب‌زدایی اصولی بقایای انسانی و جانوری،
بررسی موردی گورستان شهنه پشته مازندران

شمیم امیری (۱)، الهام فرنام (۲) حسن فاضلی نشلی (۳)
(۱) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان،

shamim1370.aa@gmail.com

(۲) دانشجوی دکتری باستان‌شناسی پیش از تاریخ، دانشگاه تهران

elhamfarnam@yahoo.com

(۳) استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

hfazelin@ut.ac.ir

چکیده

محوطه باستانی شهنه پشته واقع در بخش مرکزی استان مازندران گورستانی متعلق به هزاره نخست پ.م است. برخی از بقایای انسانی و جانوری برداشت شده از این محوطه رسوبات سخت و نمکی داشتند؛ به گونه‌ای که تشخیص ریخت‌شناسی و مستندنگاری درست بقایا ممکن نبود. برداشت غیراصولی و عجولانه رسوبات سخت نمکی تهدیدی جدی برای بقایای انسانی بود. به منظور رسوب‌زدایی اصولی و غیرمخرب این بقایا در ابتدا تست شناسایی رسوبات نمکی انجام شد. قسمتی از رسوبات سطح استخوان به وسیله تیغ تراشیده شد. پس از اسیدی کردن رسوبات با اسیدهای مختلف، نوع رسوب مشخص گردید. پس از آن برای اطمینان از مواد تشکیل‌دهنده رسوبات، از آنالیز XRF نیز استفاده شد. در ادامه برای جداسازی رسوبات از سطح استخوان‌ها، مقداری محلول یک به یک متانول و آب مقطر تهیه و پس از آغشته نمودن سطح بقایا با این محلول، به مدت ۲۴ ساعت استخوان‌ها در سلفون پیچیده شد. سپس رسوبات از سطح استخوان‌ها به وسیله قلم چوبی، قلم‌های دندان پزشکی و فرز با دور متوسط بدون آسیب رساندن به سطح استخوان‌ها به آرامی تراشیده شد. در این پژوهش پس از فرایند تشخیص جنس رسوب راهکاری به منظور رسوب‌زدایی بدون آسیب استخوان‌ها جهت مستندنگاری صحیح و دقیق ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: رسوب‌زدایی، رسوبات نمکی، بقایای انسانی، بقایای جانوری، شهنه پشته.



استخوان‌های بلند در بقایای انسانی و روش‌های تخمین قد
مواد پژوهش: بقایای انسانی عصر آهن گورستان شرقی قره تپه سگزآباد

یاسمن به‌سرشت (۱)، الهام فرنام (۲) مصطفی ده‌پهلوان (۳)

(۱) دانشجوی کارشناسی باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

yasamanbehseresht@yahoo.com

(۲) دانشجوی دکتری باستان‌شناسی پیش از تاریخ دانشگاه تهران، مسئول بخش انسان

شناسی آزمایشگاه زیستی، موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

elhamfarnam@yahoo.com

(۳) استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

mdehpahlavan@ut.ac.ir

چکیده

یکی از مهم‌ترین یافته‌های گورستان‌های کاوش‌شده بقایای انسانی است که برای بررسی‌های انسان‌شناختی نظیر تخمین سن، جنس، قد و نژاد مردمان گذشته استفاده می‌شود. تخمین قد بیانگر میزان تاثیر عوامل مختلف از قبیل سن، جنس، نژاد و همچنین تغذیه و آب و هوای محیط زیست بر ابعاد فیزیکی بدن است. تخمین قد هر فرد از طریق طول استخوان‌های بلند سابقه‌دیرینه‌ای در انسان‌شناسی جسمانی دارد، اما باید با توجه به جنس، محیط و نژاد انجام شود. برای تخمین قد از روش‌های تشریحی و محاسبات عددی استفاده می‌شود. در روش محاسبات عددی از طول استخوان‌های بلند یعنی استخوان بازو، ران و درشت‌نی (و اگر این استخوان‌ها در دسترس نباشند، زند زیرین و زبرین و نازک‌نی) می‌توان دامنه خوبی برای قد مورد انتظار فرد فراهم نمود. سپس این برآیند را می‌توان به میانگین قد بقایای اسکلتی گروه‌های جمعیتی خاصی تعمیم داد. اخیراً پژوهش‌هایی جهت تخمین قد در کشورهای مختلف انجام شده و بررسی‌هایی نیز در ایران روی جمعیت‌های مدرن انجام شده است. فلات ایران در برهه‌های مختلف بستر رویدادهای مختلفی بوده است. بنابراین در هر زمان و مکان، مردمی با تنوع قومی و فرهنگی در زیست‌بومی متفاوت با الگوی معیشتی متفاوت می‌زیسته‌اند. در این پژوهش سعی شده تا با تخمین قد بقایای انسانی این گورستان از طریق استخوان‌های مختلف و نیز فرمول‌های موجود برای جمعیت‌های مختلف به تخمین میانگین قد این بقایای انسانی دست یابیم.

واژه‌های کلیدی: تخمین قد، بقایای انسانی، عصر آهن، سگزآباد.



اهمیت استفاده از نقشه‌های لندفرم در مطالعات الگوی استقراری

شهرام پارسه

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوره تاریخی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

parseh.shahram@yahoo.com

چکیده

لندفرم در تعریف اولیه به بخشی از سطح زمین گفته می‌شود که ریخت یکسانی دارد و به دلیل ویژگی‌های توپوگرافیک مختص به خود، از دیگر لندفرم‌ها قابل تمایز است. سطح زمین از عوارض پیوسته طبیعی و ساختاریافته‌ای از لندفرم‌ها تشکیل شده که نتیجه عملکرد مجموعه فرایندهای ژئومورفولوژیکی، زمین‌شناسی، هیدرولوژیکی، اکولوژیکی و فرایندهای تشکیل خاک است و این فرایندها در بستر زمان در ایجاد لندفرم‌ها نقش داشته‌اند. محققان برحسب تخصص خود و هدفی که از طبقه‌بندی عوارض سطح زمین داشته‌اند، تعاریف متفاوتی از لندفرم ارائه کرده‌اند، اما وجه مشترک همه این تعاریف آن است که لندفرم یک عارضه فیزیکی از سطح زمین است که خصوصیات ظاهری خاص داشته و شکل آن را می‌توان تشخیص داد. لندفرم‌ها سطوح پوسته زمین را می‌پوشانند و در نتیجه بستری جهت فعالیت‌های فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی روی سطح زمین محسوب می‌شوند و نقش مهمی در حیات انسان‌ها دارند؛ زیرا ارزش اطلاعاتی بسیار زیادی برای برنامه‌ریزی محیطی، مهندسی عمران، کشاورزی، حفاظت منابع طبیعی و پیش‌بینی و پیشگیری از بلایای طبیعی احتمالی دارند. به زبان ساده مطالعات لندفرم نشان می‌دهد، هرمنطقه مناسب چه نوع کاربری است. در مطالعات تحلیل الگوی استقرار باستان‌شناسی معمولاً نقش چند عامل محیطی مانند ارتفاع از سطح دریا، شیب، جهت شیب، کاربری اراضی و فاصله از رودخانه را در پراکندگی محوطه‌های تاریخی مورد مطالعه قرار می‌دهند که به تنهایی نمی‌توانند در تحلیل الگوی استقرار موثر باشند و همین امر شناسایی لندفرم در مطالعات باستان‌شناسی را ایجاب می‌کند.

واژه‌های کلیدی: الگوی استقرار، سنجش از دور، GIS، لندفرم.



نقش باستان‌شناسی مردمی و ارتقای سطح آگاهی و فرهنگ کودکان روستا
در حفاظت از محوطه‌های باستانی مطالعه موردی: روستای کفرود استان اصفهان

منا جم‌دیان (۱) علی شجاعی اصفهانی (۲)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان

mona.jmd95@gmail.com

(۲) استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان

aliesfahani28@gmail.com

چکیده

تخریب میراث فرهنگی و محوطه‌های باستانی بر اثر حفاری‌های غیرمجاز از معضلات مهم میراث فرهنگی است، به طوری که کمتر محوطه باستانی را می‌توان سراغ گرفت که از تعرض در امان مانده باشد. حفاری‌های غیرمجاز نتیجه عدم آگاهی و شناخت جوامع محلی از اهمیت حفظ و نگهداری از میراث فرهنگی است. یکی از راهکارهای مؤثر در راستای فرهنگ‌سازی جوامع محلی، برقراری ارتباط میان کودک، باستان‌شناسی و میراث فرهنگی است. ارتباطی که منجر به ارتقای سطح آگاهی و ایجاد دغدغه در ذهن کودک نسبت به حفاظت از میراث فرهنگی می‌شود و در نهایت احساس تعلق و مسئولیت در قبال میراث و حفاظت از آن را به دنبال دارد. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر آگاهی‌بخشی و مشارکت فعال کودکان جامعه محلی در حفاظت از محوطه‌های باستانی و کاهش حفاری‌های غیرمجاز صورت‌پذیرفته است. با بررسی تجربیات کشورهای دیگر و نمونه‌های اندک داخلی و همچنین مصاحبه با افراد متخصص، یک فرایند عملی برای مشارکت دانش‌آموزان (گروه سنی ۷ تا ۱۲ سال) روستای کفرود ورزنه، در کنار محوطه باستان‌شناسی فعال در منطقه شرق اصفهان طراحی، تدوین و اجرا شد. جمع‌آوری و بررسی داده‌ها و بازخورد فعالیت‌ها نشان داد که توسعه و تداوم این تعاملات و آموزش‌های غیرمستقیم و خلاق، می‌تواند به ارتقای سطح فرهنگی و افزایش شناخت گروه سنی هدف از میراث فرهنگی سرزمین‌شان کمک کرده و آنان را نسبت به حفظ محوطه‌های باستانی، حساس کند تا از طریق تأثیر بر خانواده، میزان حفاری‌های غیرمجاز و تخریب محوطه‌های باستانی را کاهش دهد.

واژه‌های کلیدی: تخریب محوطه‌های باستانی، کودک، آموزش‌های غیرمستقیم.



در ضرورت ترجمه، نظریه و آموزش در باستان‌شناسی

جواد حسین‌زاده

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه کاشان

javadhoseinzadeh@gmail.com

چکیده

اگر به تاریخ شکل‌گیری باستان‌شناسی در دنیای غرب که خاستگاه این رشته است بنگریم، خواهیم دید که مراحل توسعه آن از سده نوزدهم از تدقیق روش‌های میدانی، به ویژه کاوش، آغاز شده و سپس رفته‌رفته و تحت‌تأثیر انسان‌شناسی، هم‌بنیان‌های نظری خود را شکل داد و آن را تقویت کرد، و هم در نهایت به تدوین نظریه‌های مختص خود اقدام کرد که این روند تا کنون نیز ادامه دارد. اما با وجود اینکه طی دست‌کم دو دهه گذشته باستان‌شناسی ایران تلاش تقریباً موفقی نموده تا در حوزه فعالیت‌های میدانی و فنی، پایه‌های توسعه و پیشرفت‌های فناوریانه و روش‌شناختی جهان، به‌جورود اما در حوزه مبانی نظری و نظریه‌ها، قطعاً درجا زده و حتی نتوانسته به‌طور ژرف و عمیق تاریخ‌اندیشه‌ها و نظریه‌های باستان‌شناسی جهان را مرور کرده و آن‌ها را به ادبیات باستان‌شناسی وارد کند. این در حالی است که رشته‌های هم‌جوار آن مانند انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی به‌خوبی این کار را کرده و اکنون از مواهب آن که همانا پویایی حوزه‌های پژوهشی‌شان است بهره‌مند شده‌اند. به نظر فقر نظر یکی از اصلی‌ترین دلایل رخوت و رکود باستان‌شناسی ایران است و هراندازه هم که باستان‌شناسی ایران از نظر روش‌ها و فنون میدانی توسعه یافته و به‌جورود، اما فقدان و فقر نظر و نیز عدم انتقال مفاهیم و مبانی نظری جدید، همچنان باعث ایستایی و رخوت باستان‌شناسی ایران شده و در این صورت ما همچنان به همان مفاهیم کهنه و مندرس مشغول خواهیم ماند. حال با توجه به آنکه هنوز آب‌شخور مفاهیم و رویکردهای نظری باستان‌شناسی ایران، تا اندازه زیادی حاصل تاملات فکری برآمده از جریان جهانی دانش باستان‌شناسی است، از این‌رو ترجمه و برگردان متون مرتبط با حوزه مبانی نظری و رویکردهای نظری باستان‌شناسی از ضروریات اولیه بوده و انتقال مفاهیم این حوزه‌ها، نیروی محرکه مورد نیاز جهت تحرک باستان‌شناسی ایران خواهد بود. از این‌رو در این نوشتار بر آن خواهیم بود تا به بررسی دقیق‌تر و جزئی‌تر وضعیت باستان‌شناسی ایران پرداخته، و ضرورت نهضت ترجمه و انتقال مفاهیم و رویکردهای نظری را تبیین نماییم.

واژه‌های کلیدی: باستان‌شناسی، نظریه، آموزش، ترجمه، ایران



فرایند ایجاد موزه‌های فضای باز در محوطه‌های باستان‌شناسی، اهداف، روش‌ها و تجربیات ملی
مطالعه موردی: موزه فضای باز باستان‌شناسی عصر آهن تبریز

سکینه حسین‌زاده شوکی (۱)، مهدی مرادی‌نسب (۲) شهرام رامین (۳)
(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی
s.hosseinzadeh1639@gmail.com

(۲) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی
m.moradinasab@yahoo.com

(۳) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و
گردشگری استان گیلان،
m.moradinasab1739@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی فرایند ایجاد موزه‌های فضای باز در محوطه‌های باستان‌شناسی، ارزیابی و شناسایی سابقه، اهداف و روش‌های ایجاد این نوع موزه‌ها پرداخته و در نهایت مروری انتقادی بر تجربیات ملی در این حوزه دارد. بنابراین مسئله مهم در این پژوهش در وهله اول بررسی چيستی و چگونگی موزه‌های فضای باز باستان‌شناسی و سپس مرور پیشینه ایجاد موزه‌های فضای باز باستان‌شناسی، نحوه شکل‌گیری، تعاریف، تنوع، اهداف و ویژگی‌های آن‌ها است. در ادامه این مبحث یک نمونه از محوطه‌های باستانی ایران (عصر آهن تبریز) به عنوان موزه فضای باز باستان‌شناسی معرفی می‌شود.

این نمونه پس از معرفی پیشینه و اهمیت و جایگاه باستان‌شناختی باتوجه‌به شاخص‌های مطرح شده، مورد سنجش قرار گرفته و فرایند تاسیس و تداوم فعالیت آن به طور دقیق و با در نظر گرفتن اهداف و روش‌های پیش‌گفته ارزیابی شده است. در نهایت با مروری بر پیشینه و اهداف و روش‌های ایجاد موزه‌های فضای باز باستان‌شناسی در دنیا و ارزیابی تجربیات ملی در این زمینه به این نتیجه می‌رسیم که به دلیل نبود دانش نظری کافی در خصوص انتخاب محوطه‌ها، روند ایجاد موزه فضای باز باستان‌شناسی در آن‌ها و عدم توانایی در حفظ کارکرد و نگهداری پایدار و طولانی‌مدت، این محوطه در نیل به اهداف مورد نظر اولیه خود نسبتاً ناموفق بوده است. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت اکثر موزه‌های فضای باز باستان‌شناسی در ایران در بحث



هشتمین همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان

آموزش موفق بوده، اما در زمینه جذب گردشگر و توسعه پایدار، حفاظت و پژوهش نتوانسته‌اند به قطب‌های موفق‌تری تبدیل شوند.

واژه‌های کلیدی: موزه، موزه فضای باز باستان‌شناسی، سایت موزه، عصر آهن تبریز، محوطه‌های باستان‌شناسی



مقدمه ای بر رویکرد پدیدارشناسی در باستان‌شناسی چشم‌انداز

رضا حیدری

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

heydari.reza@ymail.com

چکیده

نوشته حاضر از گونه مقالات مروری تحلیلی با بهره‌گیری از منابع معتبر به رشته تحریر درآمده است. این نوشتار، پدیدارشناسی را در چارچوب کلی خود به عنوان یک طرز فکر و تجربه‌ای باز و همواره نوشونده که نتایج متفاوتی دارد، در مسیر کمک به باستان‌شناسی چشم‌انداز مورد بررسی قرار داده است. ادmond هوسرل پدیدارشناسی را با تأکید بر وجوه التفاتی ذهن و با هدف منظم‌ساختن فلسفه و فلسفه شناخت به طور اخص به کار برد. پدیدارشناسی نظامی است که در پی توصیف چگونگی بنای جهان و تجربه آن از طریق آگاهی است. به این ترتیب بازگشت به خود اشیا از شعارهای پدیدارشناسی است. نکته‌ای که این مفهوم را به باستان‌شناسی وارد می‌کند، این موضوع است که در باستان‌شناسی، پدیدارشناسی به استفاده تجارب حسی برای مشاهده و تفسیر یک محوطه باستان‌شناختی یا چشم‌انداز فرهنگی می‌پردازد و پژوهش در این زمینه منوط به حضور باستان‌شناس در آن چشم‌انداز است. برخی پدیدارشناسی را «تکنیک» خوب دیدن می‌دانند؛ روشی که می‌تواند برای کشف بیشتر و بیشتر درباره مردمان گذشته و فهم نحوه ارتباط آن‌ها با چشم‌انداز و ایجاد چشم‌انداز فرهنگی به کار رود. آن‌چنان که چکیده راهکارهای پدیدارشناسی برای باستان‌شناسی شامل «شناخت»، «حضور»، «ثبت» و «فهم زیست جهان» در چشم‌انداز است. این نوشتار با دیدگاه تاثیر مثبت این رویکرد در باستان‌شناسی، مطالعه مختصر تفکر پدیدارشناسانه در باب باستان‌شناسی و راهکارها و رویکردها را مورد بررسی قرار خواهد داد.

واژه‌های کلیدی: پدیدارشناسی، باستان‌شناسی چشم‌انداز، چشم‌انداز فرهنگی، شناخت.



ضرورت به‌کارگیری و شناخت علم باستان‌گیاه‌شناسی در ایران

نرجس خان‌فینی

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه کاشان

narjes.khani4811@gmail.com

چکیده

باستان‌شناسی در گذشته تنها بر مبنای یافتن اشیاء بود، اما با شکل‌گیری باستان‌شناسی نوین برای بازسازی هر چه بهتر روزگاران پیشین به‌کارگیری علوم میان‌رشته‌ای بسیار مورد اهمیت قرار گرفت که یکی از مهم‌ترین آن‌ها علم باستان‌گیاه‌شناسی است. امروزه باستان‌گیاه‌شناسی در سراسر جهان تبدیل به رشته‌ای شده که در بسیاری از کشورها مورد مطالعه، پژوهش و تفسیر قرار می‌گیرد. در ایران نیز به علت عدم توجه به آن در سال‌های گذشته نام آن هنوز برای بسیاری از افراد ناشناخته است، اما خوشبختانه اخیراً توجه زیادی به آن شده و پژوهش‌هایی در این حوزه صورت گرفته که اطلاعات بسیار مفیدی به ما ارائه داده است. اهمیت این علم در پاسخ به سؤالاتی است مانند بومی یا وارداتی بودن گیاه، استفاده از گیاه در محوطه به چه منظوری بوده است (سوخت، غذا، مصالح ساختمانی، دارو، علوفه حیوانات، رنگ و ساخت اشیاء مانند حصیر و سبد)، چه موقع مردم گیاهان را اهلی کردند و کدام گیاه را اهلی کردند، استراتژی‌های امرار معاش چه بوده، اقتصاد گیاهان جوامع گذشته چه بوده، روش‌های فراهم‌آوری غلات، نقش انسان در محیط، نقش محیطی در توسعه فرهنگی انسان چه بوده است، کدام گیاه را از بین برده و کدام را بیشتر کشت می‌کردند. برای درک این علم در ابتدا لازم است افراد با گیاه و مبنای اولیه آن آشنا شوند. هدف از نوشتن این مقاله، آشنایی با گیاه، گیاه‌شناسی، باستان‌گیاه‌شناسی، دیرین‌گیاه‌شناسی، شرایط حفظ بقایای گیاهی در محوطه‌های باستانی، انواع محوطه‌هایی که در آن‌ها بقایای گیاهی یافت می‌شوند و گرده‌شناسی بوده است.

واژه‌های کلیدی: گیاه، باستان‌گیاه‌شناسی، دیرین‌گیاه‌شناسی، بقایای گیاهی.



باستان‌شناسی چشم‌انداز و اهمیت آن در پژوهش‌های باستان‌شناختی

اکرم زمانی نوری (۱) حمیدرضا ولی‌پور (۲)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی باستان‌شناسی

azamaninorie@yahoo.com

(۲) استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

h_valipour@sbu.ac.ir

چکیده

باستان‌شناسی چشم‌انداز که به عنوان باستان‌شناسی منظر، زمین‌سیما و پهن‌دشت نیز شناخته می‌شود، یکی از رویکردهای میان‌رشته‌ای به منظور شناخت ارتباط بین جوامع باستانی و محیط طبیعی است. توجه به ارتباط متقابل میان انسان و محیط‌زیست و نتایج حاصل از آن از مهم‌ترین اهداف این رویکرد است. پیش از رویکرد باستان‌شناسی چشم‌انداز به مسئله محیط طبیعی و نقش آن در فرهنگ و تغییرات فرهنگی در رهیافت بوم‌شناسی فرهنگی، باستان‌شناسی محیطی و سایر پژوهش‌های باستان‌شناختی پرداخته شده‌است، اما آنچه باستان‌شناسی چشم‌انداز را از سایر رویکردها متمایز می‌کند، توجه به نقش و عاملیت انسان (فرهنگ) در کنار نقش محیط طبیعی در تغییر و تحولات فرهنگی و همچنین شناسایی و بررسی ارتباط بین تمامی عوارض فرهنگی به ویژه عوارض خارج از محوطه‌ها و استقرارهای باستانی است. این رویکرد با به‌کارگیری سنجش‌ازدور (تصاویر هوایی و ماهواره‌ای)، سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، متون تاریخی و سایر روش‌ها به شناسایی آثار و عوارض فرهنگی به ویژه عوارضی همچون راه‌ها، جاده‌ها، مسیرهای ارتباطی، کانال‌های آبیاری و سپس بررسی و تحلیل ارتباط بین هر یک از آن‌ها می‌پردازد. بنابراین با توجه به ماهیت و اهداف باستان‌شناسی چشم‌انداز می‌توان از آن به عنوان یک روش بررسی در پژوهش‌های باستان‌شناختی استفاده کرد، چرا که با یک نگاه منطقه‌ای و کلی به بررسی کنش و واکنش میان فرهنگ و طبیعت می‌پردازد و مکمل بررسی‌های پیمایشی باستان‌شناختی است. در این مقاله تلاش شده‌است ضمن معرفی باستان‌شناسی چشم‌انداز، اهداف و روش‌های مطالعاتی این رویکرد، به اهمیت و نقش آن در پژوهش‌های باستان‌شناختی و شناخت جوامع باستانی پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: باستان‌شناسی چشم‌انداز، میان‌رشته‌ای، بررسی باستان‌شناختی.



مروری بر ویژگی‌های کلیدی مقایسه‌ای آناتومی اسکلت اندام حرکتی خلفی نشخوارکننده‌ها،
تکسمیان و گوشت‌خواران برای انجام تفکیک اولیه نمونه‌ها در باستان‌جانورشناسی

امید زهتاب‌ور (۱) و مرجان ملابیرامی (۲)

(۱) استادیار دانشکده دامپزشکی، دانشگاه تهران

ozehtabvar2@yahoo.com

(۲) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه جانورشناسی موسسه باستان‌شناسی

دانشگاه تهران

m.beirami.mmb@gmail.com

چکیده

آناتومی یا کالبدشناسی دانش مطالعه ویژگی‌های ساختاری بدن انسان و حیوانات است. اسکلت به مجموعه استخوان‌های بدن گفته می‌شود که در آناتومی مقایسه‌ای به بررسی ویژگی‌های ساختاری و مقایسه آن‌ها در حیوانات مختلف پرداخته می‌شود. ویژگی‌های مورد مطالعه در آناتومی مقایسه‌ای جانوران برای تشخیص رده‌بندی و گونه‌شناسی نمونه استخوان‌ها در باستان‌جانورشناسی کاربرد دارد و نقطه مشترک این دو علم است.

در واقع اطلاعات حاصل از مطالعات آناتومیک روی نمونه‌های امروزی برای تشخیص‌های مورد نیاز روی نمونه‌های جانوری باستانی، مورد مطالعه در باستان‌جانورشناسی کاربردی است. بنابراین برای افرادی که در زمینه جانورباستان‌شناسی فعالیت می‌کنند، آشنایی با ویژگی‌های مقایسه‌ای آناتومی اسکلت جانوران مورد نیاز است. بر همین اساس در این مقاله به مرور ویژگی‌های کلیدی آناتومیک برای تشخیص نمونه‌های استخوان‌های اندام حرکتی قدامی نشخوارکنندگان، تکسمیان و گوشت‌خواران پرداخته‌ایم. لازم به ذکر است که در مراحل ابتدایی تشخیص نمونه‌های باستانی جانوری، جداسازی نمونه‌های زیرراسته نشخوارکنندگان (Ruminantia/Suborder)، راسته تکسمیان (Perissodactyla/Order) و راسته گوشت‌خواران (Carnivora/Order) از یکدیگر حائز اهمیت است. این گروه‌ها معمولاً بیشترین تعداد نمونه‌ها را شامل می‌شوند و این مرحله با استفاده از اطلاعات آناتومیک موجود انجام می‌شود.

البته در نمونه‌ها معمولاً موارد دیگری مثل پرنده‌گان، جوندگان و خزندگان و... هم یافت می‌شود که در این مقاله به آن‌ها اشاره‌ای نمی‌شود. یکی از بخش‌های مهم اسکلت که نمونه‌های زیادی



هم از آن یافت می‌شود، اندام حرکتی قدامی است. تشخیص‌های دقیق‌تر بین گونه‌ای در هر کدام از گروه‌های اشاره‌شده، بر اساس تصاویر موجود در اطلس‌ها، مقالات و انطباق با نمونه‌های موزه‌ای انجام می‌شود که در این مقاله به مواردی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره شده است.

واژه‌های کلیدی: آناتومی، باستان‌جانورشناسی، اسکلت، اندام حرکتی قدامی.



مطالعه و بررسی شواهد معماری نویافته در سفیدکوه مکران
بر پایه مطالعات قوم‌باستان‌شناختی و مقایسه تطبیقی آن‌ها
با محوطه‌های پیش‌ازتاریخی مناطق هم‌جوار^۱

زهرا سلیمانی فرد

کارشناسی ارشد باستان‌شناسی گرایش پیش‌ازتاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
z.soleymani.f@gmail.com

چکیده

یکی از متداول‌ترین روش‌ها در مطالعات قوم‌باستان‌شناختی و باستان‌شناختی انجام مقایسه‌های نسبی و تطبیقی شواهد و نمونه‌ها با یکدیگر است. از این رو، در مقاله پیش‌رو سعی در انجام مقایسه‌هایی روی نمونه‌های معماری به‌دست‌آمده در منطقه سفیدکوه از مطالعات قوم‌باستان‌شناسی و باستان‌شناختی با نمونه‌های تاریخ‌نگاری شده در منطقه عمان و حاشیه خلیج فارس می‌گردد. این مقایسه به دلیل شباهت فرهنگی، اقلیمی و باستانی با یکدیگر و همین‌طور نزدیکی به یکدیگر به منظور شناخت شباهت و تفاوت‌هایی در ریشه‌های فرهنگی و معماری و تداوم آن از دوره پیش‌ازتاریخ (نوسنگی) تا به امروز در منطقه است. منطقه سفیدکوه رشته‌کوهی صعب‌العبور و متراکم است که از جنوب استان کرمان شروع شده و با گذشتن از بخشی از شمال استان هرمزگان در جنوب‌غربی استان سیستان و بلوچستان (منطقه نیک‌شهر) پایان می‌یابد. طی مطالعات صورت‌گرفته از سوی واحدی از سال ۱۳۹۴ تاکنون، منطقه سفیدکوه مکران مأمّن و سکونتگاه اقوام بلوچی بوده که الگوهای زیستی و فرهنگی آنان با کمترین تغییرات مشابه با جوامع پیش‌ازتاریخی است. اجتماعات مذکور از الگوهای معیشتی گسترده‌ای جهت تامین منابع غذایی خود بهره‌برداری می‌کنند و الگوی معماری مدور را به صورت مسکونی و نیز برای اماکن کاربردی، مذهبی و تخصصی و همچنین در موارد اندک از الگوی معماری زاویه‌دار (بیضی و راست‌گوشه) در همان اهداف استفاده می‌کنند. نحوه الگوی استقراری آنان مبتنی بر استفاده از منابع آبی (نظیر چشمه‌ها و آبگیرهای فصلی) و زمین‌های مسطح اطراف آن است که از مهم‌ترین عوامل در جهت ساخت و ساز و گسترش جوامع موجود در منطقه به حساب می‌آید

۱. مقاله فوق‌ماخوذ از پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد نگارنده است که با همین عنوان در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز نوشته شده است.



که از نظامی بر پایه الگوی نیمه کوچرو تبعیت می‌نماید. به صورت کلی، الگوهای سیاسی و اجتماعی آنان نیز بر پایه نظامی ساده و نیمه پیچیده یا به صورت دقیق‌تر نیمه‌خان‌سالار و یا بزرگ‌مرد است که این الگوهای رفتاری و اجتماعی بر پایه پیوندهای خونی استوار است. طبق بررسی‌های باستان‌شناختی صورت‌گرفته در منطقه مذکور شواهدی از محوطه‌های استقرار تک‌دوره در مساحت‌های مشابه با استقرارهای فعلی و یا گسترده‌تر شناسایی شد که برخی مواقع برخوردار از نمونه‌های سفالی بوده‌است. همچنین محوطه‌هایی با گورهای خریشته‌ای (مستطیل، بیضی و دایره) شناسایی شد که احتمالاً متعلق به هزاره‌های اول و دوم پیش از میلاد هستند. با توجه به مطالعات گسترده صورت‌گرفته در زمینه مطالعات مردم‌شناختی، باستان‌شناختی و قوم‌باستان‌شناختی می‌توان اذعان داشت که ریشه‌های فرهنگی دوره نوسنگی با کمترین تغییرات در ساختارهایی نظیر معماری و الگوی استقراری در جوامع فعلی سفیدکوه که تداوم استقراری آنان با توجه به انجام آزمایش‌های گاه‌نگاری مطلق و نسبی به دوران پیش از تاریخ می‌رسد، بسیار نزدیک با محوطه‌های حاشیه خلیج فارس و محوطه‌های مکشوف در کشور عمان نظیر جبل الکلویا، راس الخبیه سلطان عمان، مروح، ابو دحیبی، ال بو حیب، ام الزمول، سبیه و نظایر آن که مربوط به دوران نوسنگی بوده است. این استدلال بر پایه مقایسه‌های صورت‌گرفته روی ابعاد، اندازه، فرم، شکل و مصالح و همین‌طور پلان استقراری و نیز نزدیکی فواصل مکانی محوطه‌های مورد بحث دور از ذهن نبوده و قابل استناد است.

واژه‌های کلیدی: نوسنگی، سفیدکوه مکران، عمان، خلیج فارس، سیستان و بلوچستان، معماری نیافته..



باستان‌شناسی ناظر بر جهان‌شناسی کهن (حوزه باستان‌شناسی ایران)

سهیل شوشتری حاجی‌زاده
 دانشجوی کارشناسی، دانشگاه هنر شیراز
 soheilshoshtari@gmail.com

چکیده

بازسازی و احیای الگوهای کهن و جوه تاریخ‌مند انسان که از انتزاعی‌ترین اقدامات تا واقعی‌ترین رفتارها را در برمی‌گیرد، مسئله‌ای است که باستان‌شناسی و دیرین‌شناسی - به اعتبار لایه‌ای عمیق‌تر از هیکل مفهومی باستان‌شناسی - آن را در جهت شناخت بهتر ادوار گذشته انسانی به کار بسته‌اند. بازنشاسی نظام‌ها و ساختارهای فکری و علمی دیرینه، بازسازی آن‌ها و تفحص در بافت‌های شناختی کهن، همچنین واکاوی در ساحات مختلف این معارف و بسط مولفه‌های ریز و درشت آن با یافته‌های باستان‌شناختی موضوعاتی است مهم در جهت تحکیم مبانی نظری که به کارگیری آن می‌تواند حتی الامکان از تضعیف مباحث تحلیلی و تفسیری جلوگیری کند. آنچه در این تحقیق مورد بحث است، کلیتاً ناظر بر کاستی‌های معرفتی است و تلاشی در راستای تقویت محدوده‌ای از قلمروی شناختی و ارائه و یادآوری مقوله جهان‌شناسی کهن - اعم از جهان‌شناسی‌های کهن ایران و اسلام - در فضای باستان‌شناسی است. باز شدن این باب تاملی (در حوزه باستان‌شناسی ایران) می‌تواند ما را در رسیدن به مقاصدی چون گسترش و تعمیق مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی (معطوف به فرهنگ تمدنی ایران و اسلام) و تعیین حدود واکاوی‌های نظری باستان‌شناسی یاری رساند و نیز نقش این رویکرد در تزریق داده‌های نو به حوزه‌های مختلف مطالعات علم از جمله تاریخ علم، فلسفه علم، باستان‌شناسی علم و ... حایز اهمیت است.

واژه‌های کلیدی: احیای الگوهای کهن، باستان‌شناسی و دیرین‌شناسی، جهان‌شناسی کهن، بافت‌های شناختی، مطالعات علم.



باستان‌شناسی تجربی: مبانی نظری باستان‌گیاه‌شناسی و زغالی کردن غلات

زینب عرب مرکده

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه کاشان

zeinabarabmarkade@gmail.com

چکیده

باستان‌گیاه‌شناسی یکی از علوم میان‌رشته‌ای در رشته باستان‌شناسی است که به مطالعه بقایای گیاهی در محوطه‌های باستانی می‌پردازد. مطالعات گیاه‌شناسی به حل مسائل باستان‌شناسانه کمک‌های شایانی کرده‌است. این مطالعات مبتنی هستند بر شناخت گونه‌های گیاهی و به ویژه فرایندهای پس از انباشت در بافت باستان‌شناختی و تغییراتی که انسان روی بقایای باستان‌شناختی پدید می‌آورد. زغال شدن یکی از حالت‌های مهم حفظ بقایای گیاهی پس‌انباشت است که تأثیرات زیادی روی ریخت، شکل و تشخیص گیاه می‌گذارد و از این رو در باستان‌گیاه‌شناسی اهمیت زیادی دارد. به همین دلیل یکی از کارهایی که در باستان‌شناسی تجربی انجام می‌شود، زغالی کردن نمونه‌های مدرن گیاهی است تا باستان‌گیاه‌شناس تغییراتی را که روی گیاه به وجود می‌آید، مشاهده کرده و بر اساس این تغییرات بتواند نمونه‌های باستانی را به خوبی تشخیص داده و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. غلات، مانند گندم و جو، از اولین گیاهانی بودند که اهلی شدند و مورد استفاده‌های گوناگون مردمان باستان قرار گرفتند. بنابراین، انجام مطالعات مختلف روی این دسته از گیاهان می‌تواند اطلاعات ارزشمند بسیاری از اهلی کردن و کشاورزی در سراسر خاور نزدیک به ما بدهد. امروزه در دنیا مجموعه‌های مقایسه‌ای مدرن نمونه‌های باستان‌شناسانه و همین‌طور آزمایش‌های مختلف زغالی کردن زیادی برای به دست آوردن وزن غلات، اندازه غلات و دیگر ویژگی‌های مهم غلات به ابتکار متخصصان این حوزه به‌وجود آمده‌است. مقاله پیش رو مروری است بر مبانی نظری باستان‌گیاه‌شناسی و تاریخ پژوهش زغالی کردن غلات و این که چرا ایجاد مجموعه‌های مدرن برای مطالعات باستان‌گیاه‌شناسان مفید و ضروری است.

واژه‌های کلیدی: باستان‌گیاه‌شناسی، زغالی کردن، غلات، مبانی نظری، باستان‌شناسی تجربی.



باستان‌شناسان جوان و باستان‌شناسی ایران (مقاله‌ای تحلیلی انتقادی
در بابت وضعیت و مشکلات باستان‌شناسان جوان در ایران و ارائه راه‌حل)

جواد علایی مقدم

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه زابل

javadalaei@uoz.ac.ir

چکیده

باستان‌شناسی یکی از علوم خاص بشر است که در راستای شناخت انسان در زمان‌های مختلف فعالیت می‌نماید. هویت و هدف باستان‌شناسی بر اساس دیدگاه‌های مختلف تعریف و چگونگی کار باستان‌شناسی تعریف می‌شود. در دهه‌های گذشته و با رونق باستان‌شناسی و مباحث مختلف آن، این علم جایگاه ویژه‌ای در جهان یافت و به تبعیت از آن باستان‌شناس به عنوان یک متخصص در جامعه علمی به فعالیت پرداخت. در ایران نیز به عنوان یکی از کهن‌ترین نقاط جهان که مملو از آثار باستانی از ادوار مختلف است، در قرن اخیر باستان‌شناسی جایگاه ویژه‌ای یافت و پس از فراز و فرودهای بسیار، امروزه به عنوان یک رشته دانشگاهی معتبر در تعداد زیادی از دانشگاه‌های ایران تدریس می‌شود، اما متأسفانه با وجود رشد قابل توجه علم باستان‌شناسی و شاخه‌های مختلف آن، جایگاه این علم در ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه دچار چالش شده و امروزه یکی از رشته‌های علمی با بازدهی اندک در زمینه کارآفرینی به‌شمار می‌آید. این مساله بیشترین تاثیر منفی را در نسل جوان باستان‌شناس گذاشته، به طوری که تداوم آن در آینده‌ای نزدیک صدمات زیادی به پیکره باستان‌شناسی و آثار باستانی ایران وارد می‌آورد. در این راستا نگارنده ضمن بررسی وضعیت باستان‌شناسی ایران در چند دهه گذشته در سطوح مختلف آموزشی و پژوهشی و مراکز مرتبط با آن، به آسیب‌شناسی وضعیت این علم پرداخته و در نهایت با شناسایی و معرفی مشکلات نسل جوان باستان‌شناس کشور -چه در زمینه تحصیل و چه در زمینه اشتغال و چه در زمینه انتشار ایده- به ارائه پیشنهادها علمی و عملی در زمینه مرتفع نمودن این مشکلات می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: باستان‌شناسی ایران، باستان‌شناسان جوان، میراث فرهنگی، اشتغال‌زایی، بازنگری علمی.



مفهوم منظر در باستان‌شناسی
نمونه مورد مطالعه: بنای چغازنبیل در استان خوزستان

ثنا قاسمی

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران
sana.ghasemi@ut.ac.ir

چکیده

امروزه با پیشرفت تکنولوژی، علوم مختلفی با باستان‌شناسی ادغام شده که یکی از آنها باستان‌شناسی منظر است که با توجه به چشم‌انداز هر محوطه باستانی سعی بر شناخت بیشتر گذشته آن دارد. دخالت انسان در تغییر محیط اطرافش به صورت مستقیم و غیرمستقیم یا عامدانه و غیرعمد باعث تغییر منظر طبیعی به فرهنگی می‌گردد. مشخص است منظر موضوعی چندبعدی و متعلق به چند زمان است. در واقع فرهنگ را از منظر جغرافیا به نمایش می‌گذارد. در این مختصر به بررسی دورانتاش به عنوان شهری عیلامی پرداخته شده است. این مهم که چه چیزی منجر به مکان‌گزینی و تشکیل شهر مورد نظر گردیده، مورد پژوهش قرار گرفته و همچنین باید به این نکته توجه داشت که شکل‌گیری شهر چه منظر فرهنگی را باعث گردید؛ به گونه‌ای که به عنوان یک نمونه موردی مفهوم منظر در باستان‌شناسی را نشان دهد. در نتیجه احتمالاً محوطه زیگورات چغازنبیل نشانگر وجود قومی کهن در این سرزمین است که از طریق آن می‌توان قوم مذکور را از نظر مذهب، زندگی و رفتارهایشان با طبیعت اطراف مورد مطالعه قرار داد. از طرف دیگر برخی از مسائل مربوط به مکان‌یابی و مکان‌گزینی این محوطه را می‌توان از مطالعه جغرافیای طبیعی و فرهنگی منطقه به دست آورد.

واژه‌های کلیدی: منظر، چغازنبیل، منظر فرهنگی، ایلام، دورانتاش.



بررسی، آنالیز و گونه‌شناسی بقایای جانوری از محوطه تپه آشنا، اصفهان

نادیا کاظمی (۱)، مرجان ملابیرامی (۲)، اسداله امیررضا میرزاآقاجانی ملک‌میان (۳)

امید زهتاب‌ور (۴)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی،

nad.kazemi68@gmail.com

(۲) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه جانورشناسی مؤسسه باستان‌شناسی

دانشگاه تهران،

m.beirami.mmb@gmail.com

(۳) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، کارشناس پژوهشی مؤسسه باستان‌شناسی،

amirzaaghajani@yahoo.com

(۴) استادیار دانشکده دامپزشکی، دانشگاه تهران،

ozehtabvar2@yahoo.com

چکیده

باستان‌جانورشناسی یکی از شاخه‌های زیست‌بوم‌شناسی است که به بررسی و تجزیه و تحلیل بقایای جانوری در محوطه‌های باستانی می‌پردازد. از این طریق می‌توان به تعامل انسان، جانوران و زیست‌بوم دست یافت. بررسی بقایا و یافته‌های استخوان‌های جانوری و طبقه‌بندی آنان در گونه‌های مختلف، امکان شناسایی شرایط آب‌وهوایی، الگوها و تنوع جانوری، اقتصاد معیشتی، نوع رژیم غذایی و ... را برای باستان‌شناسان فراهم می‌سازد. کاوش‌های باستان‌شناسی در تپه آشنا در تابستان ۱۳۸۴ انجام شد. در این کاوش ۳۶ لایه باستانی شناسایی شد که شامل پنج دوره فرهنگی از دوره نوسنگی تا دوران اسلامی است. بقایای استخوان‌های جانوری به دست‌آمده از این محوطه بیش از ۷۰۰ قطعه استخوان است. آنالیز و گونه‌شناسی بقایای استخوان‌های جانوری تپه آشنا در بخش باستان‌جانورشناسی مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران انجام گرفت که این گونه‌ها شامل گاو اهلی، گوسفند، بز، غزال، اسب، الاغ، سگ، گرگ، شتر، گربه جنگلی، خرس و تعدادی بقایای استخوان از رسته جوندگان هستند. در این پژوهش قصد داریم به پرسش‌های مطرح شده در خصوص تاثیرات و تعاملات بین جانوران با محیط پیرامون آن‌ها شامل انسان، محیط، اقتصاد معیشتی، پوشش گیاهی و غیره پاسخ دهیم.

واژه‌های کلیدی: بقایای جانوری، استخوان، تپه آشنا، گونه‌شناسی، باستان‌جانورشناسی.



نقش رسانه‌های مجازی در حفاظت از میراث فرهنگی

بابک کوفگر (۱) مصطفی ده‌پهلوان (۲)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

babak.koofgar@ut.ac.ir

(۲) استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

mdehpahlavan@ut.ac.ir

چکیده

امروزه رسانه‌های مجازی با تبادل هزاران متن کوتاه و بلند و انواع تصاویر در گروه‌های مجازی اساس و ساختار ذهنیت عموم مردم را شکل می‌دهند. یکی از حوزه‌هایی که بدون نظارت و تولید محتوای درست و علمی رهاشده، میراث فرهنگی است. میراث ارزشمندی که به دست فرزندان همین دیار دچار چپاول و ویرانی شده‌است. در این پژوهش نخست به بررسی آماری و طبقه‌بندی صفحه‌های فعال در اینستاگرام به عنوان پرکارترین رسانه مجازی حال حاضر ایران پرداخته شده‌است. گروهی از آنان محل نگهداری آثار تاریخی را موزه‌ها می‌دانند و در مقابل گروه دیگر از این آثار به عنوان گنج و دینه یاد می‌کنند و راه دست‌یابی به آن‌ها را حفاری قاچاق و مقصد نهایی را فروش در بازار غیرقانونی عتیقه معرفی می‌کنند. ذهنیت عموم مردم درباره مفاهیم یادشده نه بر اساس اصول علمی و اخلاقی دانشگاهی روزآمد، بلکه بر اساس تعاریف جعلی و طمع‌ورزانه کلاهبرداران در حال شکل‌گیری است. قالب ذهنی عموم مردم در فضای مجازی بی‌اعتمادی به نهادهای دولتی و دانشگاهی و اعتماد به سودجویان و کلاهبرداران و سوداگران گنج و دینه است. در صورت تداوم وضع موجود و عدم ورود جدی و نظام‌مند نهادها و مجامع علمی حوزه میراث فرهنگی به عرصه رسانه‌های مجازی، تخریب گسترده محوطه‌های تاریخی در ایران به عبرتی برای جهانیان بدل خواهد شد. در این پژوهش، آسیب‌شناسی جنبه‌های متنوع تخریب و تجاوز به میراث فرهنگی و راهکارهای علمی و اجرایی مختلفی ارائه شده که بنیان اصلی آن‌ها را آموزش و آگاه‌سازی میراثی تشکیل می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: رسانه‌های مجازی، بحران میراث فرهنگی، اینستاگرام، گنج، دینه.



بررسی نقش مطالعات تطبیقی در پیشبرد تفسیرهای مرتبط با انتشارگرایی
مطالعه موردی: اسپیرال‌های یونان، ایران و بین‌النهرین

کتایون کیان‌پور

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا همدان

katauon.kianpoor96@gmail.com

چکیده

اسپیرال‌ها که در ایران با عنوان آویزهای مارپیچی شناخته شده‌اند و طی کاوش‌های باستان‌شناسی از محوطه مادی نوشیجان ایران در عصر آهن به دست آمده‌اند، در نقاط مختلفی همچون تمدن‌های اژه‌ای، یونان و بین‌النهرین نیز به دست آمده‌اند که نشان از مراودات و برهمکنش‌های فرهنگی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بین تمدن‌های همجوار است. این اشیاء ادوار مختلفی را در بر گرفته و مختص به یک تاریخ مشخص نیستند و بازه زمانی هزاره سوم پیش از میلاد تا عصر آهن را شامل می‌شوند. کاربری این اشیاء در برخی محوطه‌های یونانی متفاوت از کاربری آن در نوشیجان است. به همین منظور در پژوهش حاضر کوشیده‌ایم تا با بررسی گونه‌شناسی، کاربری و قدمت اسپیرال‌های مناطق ذکر شده پی به الگوی انتشارگرایی آن برده تا نتیجه‌ای مشخص از درون‌گرایی یا وارداتی بودن این اشیاء به دست آوریم و تداوم سبک آن‌ها در تمدن‌های مختلف را مشخص نماییم. نحوه گردآوری مطالب در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی تحلیلی بوده است.

واژه‌های کلیدی: اسپیرال، انتشارگرایی، ایران، یونان، بین‌النهرین، تداوم سبک.



امکان‌سنجی توسعه گردشگری بر اساس پتانسیل غار باستانی سجیران
در منطقه اشکور شهرستان رودسر

مه‌دی مرادی‌نسب (۱) سکینه حسین‌زاده شوکی (۲)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

m.moradinasab@yahoo.com

(۲) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

s.hosseinzadeh1639@gmail.com

چکیده

منطقه اشکور برخوردار از جاذبه‌های فراوان طبیعی و تاریخی و بستر شکل‌گیری فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌هایی است که رابطه تنگاتنگی با موقعیت، شرایط محیطی و اقلیمی منطقه دارد. در این میان جاذبه‌های مرتبط با فرایندهای زمین‌ساختی و ساختارهای ویژه زمین‌شناسی همچون غارها بخشی از منابع عظیم طبیعی موجود در منطقه اشکور هستند که در صورت معرفی و شناسانده شدن می‌توانند منجر به ایجاد جریان‌های فعالی از گردشگری در منطقه شوند. هدف این تحقیق بررسی قابلیت‌ها و محدودیت‌های گردشگری مبتنی بر غار باستانی سجیران منطقه اشکور در محدوده شهرستان رودسر و ارائه پیشنهادها و راهکارهایی با تکیه بر تجزیه و تحلیل و تعمیم یافته‌های حاصل از مطالعه غار باستانی سجیران است. این تحقیق که با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی موضوع می‌پردازد، در پی یافتن پاسخ این سوال است که آیا غار باستانی سجیران می‌تواند به عنوان مقصد جدید گردشگری به علاقه‌مندان و گردشگران معرفی گردد یا نه؟ نتیجه این تحقیق نشان داد غار مورد مطالعه در عین حال که واجد ویژگی‌های زمین‌شناختی و محیطی است، سطوح متفاوتی از جاذبه‌های ساختاری، بصری و محیطی دارد که هرگونه برنامه‌ریزی گردشگری ماجراجویانه، ورزشی، علمی، طبیعت‌گردی را امکان‌پذیر می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: اشکور، غار باستانی سجیران، ژئوتوریسم، غار، گردشگری، باستان‌شناسی.



گردشگری، زبان باستان‌شناسان در جلوگیری از وندالیسم

علیرضا مس‌فروش

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان

alireza.mesforoush@gmail.com

چکیده

پدیده وندالیسم به عنوان یک ناهنجاری فرهنگی اجتماعی تعریف شده و توجه چندانی نسبت به مطالعه این پدیده نشده است. به طور قطع دیدن صحنه‌های تخریب اشیا و آثار فرهنگی سبب ایجاد حس انزجار در مردم و به خصوص در گردشگران ملی و بین‌المللی خواهد شد که از تبعات آن کاهش میزان گردشگری خواهد بود. علاوه بر آن، این موضوع یکی از دغدغه‌های باستان‌شناسان نیز بوده و در پی راه‌حلی برای جلوگیری از آن هستند. نیک می‌دانیم گردشگری حوزه‌های مشترکی با علم باستان‌شناسی دارد و در خیلی از موارد همچون بازویی پرتوان سبب رشد و توسعه این علم شده است. بنابراین به نظر می‌رسد برای از بین بردن این معضل اجتماعی نیز گردشگری بتواند مفید واقع شود. مهم‌ترین پرسش‌هایی که این پژوهش به دنبال پاسخ مناسبی برای آن‌ها است عبارت‌اند: چه عواملی سبب ایجاد چنین رفتارهای خصمانه‌ای می‌شود؟ راه‌حل‌های مناسب برای جلوگیری از آن چیست؟ روش تحقیق در پژوهش حاضر نظری بوده و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است. همچنین این مقاله سعی دارد تا به تشریح این پدیده پرداخته، علل به وجود آمدن آن را واکاوی کند و سپس در چارچوب علمی و منطقی برای رفع آن، از دو منظر کوتاه‌مدت و بلندمدت، راهکارهای عملیاتی مناسبی ارائه دهد. به طور قطع جلوگیری از ایجاد این پدیده موجب رشد و توسعه گردشگری در کشور خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: گردشگری، باستان‌شناسی، وندالیسم.



اهمیت و جایگاه مهرها و اثرمهرها در باستان‌شناسی

حمیدرضا مظاهری چم‌چنگی (۱) نگین میری (۲)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی (دوران تاریخی) دانشگاه شهید بهشتی تهران

hamidreza.mazaheri1994@gmail.com

(۲) استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی،

n_miri@sbu.ac.ir

چکیده

در چشم‌انداز پژوهش‌های باستان‌شناسی، مهرها و اثرمهرها از جمله آثاری هستند که سهم بارزی در شناسایی بسیاری از مسائل اداری، تجاری، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و حتی مذهبی ادوار کهن دارند و تحقیق و بررسی در مورد آن‌ها می‌تواند پاسخگوی بسیاری از پرسش‌های تاریخی و ابهام‌های باقی‌مانده از روزگاران قدیم باشد. اثرمهرها و مضمون آن‌ها به عنوان نتیجه به جای مانده از مهرها، پرسش‌هایی را در مورد محتوای مدارک از دست رفته که روزی گل‌مهرها به آن‌ها الصاق می‌شده‌اند، صاحبان مهرها، موقعیت و مقام شخص مهرکننده، نوع مهرها و اثرمهرها و گاه‌نگاری آن‌ها ارائه می‌دهند. مهرها و اثرمهرها جایگاه ویژه‌ای در باستان‌شناسی دارند و به عنوان اسناد دسته اول در مطالعه تاریخ و هنر مورد استفاده قرار می‌گیرند. با مطالعه روی مهرها و اثرمهرها می‌توان با اوضاع داخلی جامعه در زمان‌های دور آشنا شد و می‌توان با بررسی معانی نام‌های موجود روی آن‌ها به تبارشناسی، اسامی شخصی، اسم مکان‌ها، نهادهای مذهبی، واحدهای حکومتی، اقتصادی، شناخت تقسیمات اداری کشور و مناصب و مقامات پی‌برد. در این پژوهش تلاش شده که به نقش این مواد فرهنگی در باستان‌شناسی پرداخته‌شود تا بتوانیم اطلاعات حائز اهمیتی از جنبه‌های مختلف تاریخ را به دست آوریم. نتایج حاصل از انجام این پژوهش می‌تواند در شناخت ما از فرهنگ و هنر دوره‌های گذشته بیش از پیش مؤثر افتد و گامی مهم در شناسایی و کارکرد مهرها و اثرمهرها باشد.

واژه‌های کلیدی: مهر، اثرمهر، گل‌مهر، باستان‌شناسی.



بقایای استخوانی لاک لاک‌پشت مهمیزدار در گورستان عصر آهن ۲ و ۳ قره تپه سگزآباد

مرجان ملایرامی (۱)، امید زهتاب ور (۲) مصطفی ده‌پهلوان (۳)

(۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه جانورشناسی موسسه باستان‌شناسی

دانشگاه تهران

(۲) استادیار گروه علوم پایه دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

(۳) استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

چکیده

یکی از محوطه‌های مهم باستانی ایران گورستان عصر آهن ۲ و ۳ قره تپه سگزآباد در دشت قزوین است. سه فصل کاوش در ترانشه ۱۲ نتایج بسیار مهمی از الگوهای تدفینی عصر آهن به همراه داشته است. در بررسی‌های انجام‌گرفته در این ترانشه گورهای متعددی کشف شده که حاوی بقایای استخوان‌های انسانی و جانوری، تعداد قابل توجهی ظروف سفالی و اشیای مفرغی، مهر، مهره و زیورآلات است. در گور ۵۱ ترانشه ۱۲ (بافت ۱۲۱۱۰ از بخش B) در عمق ۲۵۵ تا ۲۷۵ سانتی‌متری، بقایای جانوری در کنار استخوان‌های انسانی شناسایی شد. این بقایای جانوری شامل نشخوارکننده کوچک و لاک‌پشت بود. بر اساس انطباق انجام‌شده با نمونه لاک‌پشت‌های موجود در بخش آناتومی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران مشخص شد که این استخوان‌ها مربوط به کاراپاس و پلسترون لاک‌پشت مهمیزدار (*Testudo graeca*) است. این گونه از لاک‌پشت‌ها خشکیزی بوده و توانایی حفر زمین دارند ولی نه تا عمق زیاد. بنابراین به نظر می‌رسد یکی از فرضیاتی که در مورد مشاهده این نمونه در این گور می‌توان در نظر گرفت، این است که در زمان تدفین، این لاک‌پشت هم دفن شده است. در کاوش داخل لاک و اطراف آن اثری از استخوان‌های لاک‌پشت یافت نشد. باید توجه داشت بخش عمده اسکلت اندام‌های حرکتی و گردن لاک‌پشت‌های این گونه، داخل فضای لاک جای دارد و در صورت مرگ و برجا بودن اندام آن باید شواهدی از استخوان‌های دیگر این گونه به دست می‌آید. با این حال می‌توان گفت احتمالاً لاک‌پشت به صورت زنده و کامل دفن نشده و لاک این حیوان جدا شده و در فرآیند تدفین داخل گور قرار داده شده است.

واژه‌های کلیدی: سگزآباد، لاک‌پشت مهمیزدار، باستان‌شناسی، کاراپاس، پلسترون.



اقتصاد معیشتی، میراث باستانی، چالش‌ها و فرصت‌ها

مصطفی نبوی (۱) حمیده بنیادی (۲)

(۱) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

mostafa.nabavi@ut.ac.ir

(۲) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

hamide.bonyadi@ut.ac.ir

چکیده

میراث فرهنگی هرکشوری هویت آن جامعه است و افراد آن جامعه در صورت داشتن آگاهی و شناخت از پیشینه خود، رفتارهای درستی در قبال یادگارهای باستانی و فرهنگی کشور خواهند داشت، اما پرسش اصلی این است که داشتن شناخت به تنهایی برای ارج نهادن به میراث فرهنگی و باستانی کافی است؟ از سویی، اقتصاد و معیشت جوامع بستر اصلی تعیین رفتارهای اعضای جامعه در قبال مسائل روزمره را شکل می‌دهد و جهت فلش ارزش‌گذاری و ارزش‌پذیری برای المان‌های همسان وجوه زندگی روزمره اعضای جامعه منطقا و مطلقا به سمت اقتصاد فردی و اجتماعی است؛ بدین گونه که هرچه سطح رفاه فرد و خانواده در جامعه‌ای بالاتر باشد، رفتارهای آن جامعه معقول‌تر و هدفمندتر است. در این نوشتار سعی شده با توجه به آیتم‌های اقتصادی یک جامعه و نوسان‌های آن، رفتار اعضای آن جامعه در قبال آثار باستانی و میراث فرهنگی سنجیده شود و نهایتا به یک تابع مناسب برای ارتباط بین معیشت و بحران‌ها و آسیب‌های آثار باستانی و میراث فرهنگی دست‌یافت. در راستای این هدف از منابع مکتوب و میدانی استفاده شده است. داشتن رفاه نسبی از سوی اعضای جامعه از نظر تئوری و عملی باعث توجه به میراث فرهنگی و باستانی می‌شود و عکس این موضوع نیز صادق است. در صورتی که جامعه‌ای از فقر نسبی رنج ببرد، افراد جامعه به رفتارهای نامعقول روی می‌آورند که از اثرات آن عدم استفاده از پتانسیل اقتصادی میراث باستانی است.

واژه‌های کلیدی: میراث فرهنگی، اقتصاد، درآمدزایی، آثار باستانی، معیشت.



باستان‌شناسی و نقش آن در توسعه گردشگری
مطالعه موردی: سایت موزه آتشگاه باکو

نیکنام نجیب

دانشجوی کارشناسی باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

niknamnajib72@gmail.com

چکیده

گردشگری انواع مختلفی دارد که یکی از اصلی‌ترین گونه‌های آن، گردشگری فرهنگی است. در گردشگری فرهنگی، سیاحتگر علاوه بر دیدن جلوه‌های فرهنگی یک منطقه اعم از مراسم، رفتارها، آثار و بناهای تاریخی با فرهنگ و آداب و رسوم آن منطقه در گذشته و حال آشنا می‌شود. کشف بقایا و آثار گذشتگان و مطالعه درباره جوامع گذشته از اهداف اصلی علم باستان‌شناسی است. چنین مواردی می‌تواند برای مردم نیز جالب باشد و حس کنجکاوی را در آن‌ها برانگیزد. در نتیجه یکی از عوامل اصلی جذب گردشگر به یک منطقه را می‌توان وجود بقایای گذشتگان و آثار باستانی برشمرد. در همین راستا امروزه تلاش‌هایی برای مردمی کردن باستان‌شناسی و پیوند آن با گردشگری صورت گرفته و گرایش جدید و میان‌رشته‌ای تحت عنوان «آرختوریسم» به وجود آمده که نمونه‌ای از گردشگری فرهنگی است. هدف از این مقاله بررسی ارتباط گردشگری و باستان‌شناسی یا به عبارت دیگر آرختوریسم و تاثیر آن در پیشرفت جوامع است. در پایان نیز راهکارهایی برای رشد و توسعه این نوع از گردشگری ارائه شده و سایت موزه آتشگاه باکو در کشور جمهوری آذربایجان به عنوان نمونه‌ای موفق در این عرصه مورد بررسی قرار گرفته است. روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و میدانی است و اهمیت پژوهش از آن جهت است که در کشور ما به رغم وجود آثار تاریخی فراوان، به این جنبه از باستان‌شناسی و گردشگری توجه خاصی نشده، اما در صورت مدیریت و ارائه راهکارهای مناسب در این زمینه با نتایج فوق‌العاده مثبتی مواجه خواهیم شد.

واژه‌های کلیدی: گردشگری، باستان‌شناسی، آرختوریسم، سایت موزه، آتش‌گاه باکو.



تجربه زیسته انسان در سایه‌سار باستان‌شناسی: دیدگاه باستان‌شناختی در منازعات زیست‌محیطی

ساره نعمت الهی نیا

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

elahinia.sare@gmail.com

چکیده

اکنون که «تنوع زیستی درخطر» دغدغه انسان کنونی، فارغ از مکان و جغرافیا، گردیده، سوال آنجا است که نقش علوم انسانی در پرداختن به زوایای چنین دگرگونی بزرگی در تاریخ معاصر نوع بشر چیست؟ شاید بتوان کم‌وبیش نقش‌های جامعه‌شناسی و یا انسان‌شناسی فرهنگی را دانه‌به‌دانه برشمرد، اما باستان‌شناسی چه در چننه دارد و چگونه می‌تواند توان خویش را در بازاندیشی اصول و جهان‌بینی انسان کنونی به چالش کشد؟

باستان‌شناسی اگرچه ویتترین زیبای شاهکارهای هنری گذشتگان ماست، اما در عمر کوتاه خود شواهدی از خطاهای ریز و درشت بشر در گرداگرد جهان را به پیش چشم ما آورده‌است، خطاهایی زیستی، فرهنگی، اجتماعی و استراتژیک. سال‌ها تلاش بشر در تاب‌آوری و سازگاری با زیست‌محیط پیرامونش در قالب هم‌تطوری فرهنگی‌ژنی گرد آمده تا دانش بوم‌شناسی سنتی‌ای از یکان یکان آزمون و خطاهای نوع انسان پدید آید؛ دانش و تجربه‌هایی از دگرگونی اکوسیستم‌ها و پیامدهای فاجعه‌بارش بر جمعیت‌های انسانی، اکوسیستم‌های مواجهه با خطر دگرگونی‌های اقلیمی، جابه‌جایی‌های جمعیتی و کوچ، تغییر در تنوع منابع غذایی و الگوی کشت و مهم‌تر از همه برای ما ساکنان کنونی فلات ایران، بیابان‌زایی. باستان‌شناسی نه‌تنها شواهد مستدلی از پیامدهای مداخله نوع بشر در زیست‌بومش را در بایگانی‌های دور و درازش کنار هم نهاده، بلکه قدرتی بی‌پایان از چنین اطلاعاتی در اختیار دارد. قدرتی که لاجرم مسئولیتی دشوار را بر گردن نخبگان باستان‌شناس می‌نهد تا چراغ روشن راهی باشند برای عامه مردم و آگاه‌سازی آن مردمان از دانش بوم‌شناسی سنتی خویش. این مهم به باستان‌شناسان توانی بی‌بدیل می‌دهد تا با تکیه بر کارآزمودگی دانش باستان‌شناسی در این حیطه، سیاست‌گذاری‌های کلان را شکل دهند و پرچم‌دار حل منازعات زیست‌محیطی باشند. پیوندهای ناگسستنی امروز و دیروز به ویژه در چالش‌های زیست‌محیطی زاویه دیدی یگانه برای درک برهمکنش‌های پیچیده یک زیست‌بوم را



هشتمین همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان

در اختیار باستان‌شناسان می‌نهد. راهکارهای پیش روی باستان‌شناسان برای بهره‌مندی از تجربه زیسته بشر و ایجاد گفتمانی برای حل اختلاف میان طبیعت و گونه انسان چیست؟

واژه‌های کلیدی: باستان‌شناسی زیست‌محیطی، زیست‌بوم، اکوسیستم، بوم‌شناسی سنتی، چالش‌های زیست‌محیطی، دگرگونی‌های اقلیمی.

مطالعات قوم‌باستان‌شناختی جوامع هورنشین
شناخت و بررسی دلایل تداوم استقراری آنان با تغییرات اقلیمی و زیست محیطی

حسین واحدی (۱) زهرا سلیمانی فرد (۲)

(۱) کارشناس ارشد باستان‌شناسی گرایش پیش‌ازتاریخ، دانشگاه شهرکرد

hossein.vahedi20@gmail.com

(۲) کارشناسی ارشد باستان‌شناسی گرایش پیش‌ازتاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

z.soleymani.f@gmail.com

چکیده

انسان همواره در طول سالیان متمادی در حال تغییر و تحولات بنیادین در الگوهای فرهنگی و زیستی بوده است. از این حیث گاه اجتماعات انسانی با الگوهای فرهنگی خود به دلایل مختلف در موج تغییر و تحولات نوین قرار نمی‌گیرند و به حفظ سنت و فرهنگ گذشته خود می‌پردازند. مطالعات قوم‌باستان‌شناختی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مطالعاتی است که با بررسی و شناسایی فرهنگ‌های گذشته و امروزی اجتماعات انسانی و با بررسی یافته‌ها و نتایج مطالعات باستان‌شناختی فرهنگ‌های باستانی مناطق هم‌جوار سعی در بسط و ربط دادن شواهد و مواد داده‌ها با یکدیگر به منظور ارائه مدل‌های کاربردی و بنیادین و روشن ساختن تداوم فرهنگ زیستی اجتماعات انسانی در طول زمان دارد. منطقه بین‌النهرین همواره یکی از مهم‌ترین مناطق در استقرارهای انسانی در طول تاریخ بشری بوده که بستر شکل‌گیری اولین فرهنگ‌های بومی و دولت‌شهرهایی است که گسترده شده‌اند. جنوب بین‌النهرین در طول زمان خاستگاه اجتماعات انسانی متمرکز در پهنه‌های حاصل‌خیز و مناطق باتلاقی بوده که به دلیل پس‌روی سطح آب خلیج فارس در دوران‌های بعدی نسبتاً خالی از سکنه می‌شود. منطقه هورنشین جنوب شرقی عراق که امروزه دو استان میسان و بصره را شامل می‌شود، مأمّن و خاستگاه اجتماعات انسانی با الگو و سبک زندگی تالاب‌نشین یا به عبارتی هورنشینانی است که الگوی معیشتی آنان بر پایه ماهی‌گیری، تجارت درون‌گروهی و خرد، دامداری بر پایه بز و گاو‌میش، تولیدگری صنایع دستی شامل حصیربافی و ساخت قایق‌های حصیری و شکار است. الگوی معماری آنان نیز برگرفته از مصالح بوم‌آورد و الگوی راست‌گوشه و زاویه‌دار بوده که در طول زمان فرم و الگوی ساخت و کاربرد خود را حفظ نموده است. شواهد الگوی معماری این اجتماعات انسانی به دوره اوروک و سومر



بازمی‌گردد که نقش آن روی مهرهای اوروکی و شوش ۱ تا ۳، چغامیش و یا به‌دست‌آمده از سایر محوطه‌های بین‌النهرین و نیز ظروف سنگ‌صابونی چیرفت دیده می‌شود. در اصطلاح به معماری خاص منطقه کپر گفته می‌شود، اما به دلیل تنوع معماری مذکور در فرم و شکل و کاربرد به هر کدام از آنان واژه‌ای اطلاق می‌گردد، اما در اصل به سازه‌های اصلی هر خانوار «موضیف» یا «موضیفا» گفته شده که نشان‌دهنده قدرت، شأن و شوکت خانواده‌هایی است که روابط آنان بر پایه روابط خونی و اجتماعی است و حتی تقسیمات فضایی داخل هر محله نیز بر این اصل استوار است. الگوی استقراری جوامع مذکور به صورت مکان‌مرکزی و بر پایه منابع طبیعی و مصرفی پیرامون خود بوده که در صورت خشکسالی یا ترسالی به ترک دهکده و ساخت دهکده‌ای دیگر روی تالاب در قلمروی سیاسی خود می‌پردازند. هر دهکده متشکل از ۱۰ تا ۵۰ خانوار است که بسته به آن استقرارهای کوچک و نسبتاً بزرگ اقماری دیگری که کاربردهای مختلفی دارند، به استقرار فعلی مرتبط هستند. دهکده‌ها را خان یا بزرگانی اداره می‌کنند که از طوایف بزرگ و قدرتمند منطقه هستند. پژوهش پیش رو روی تالاب‌های شادگان، هورالعظیم و غیره در مناطق مرزی است که دهکده‌هایی نظیر صراخیه، دِهوه حنابه، دِهوه خودش، رگبه و ... دارند که از سال ۱۳۹۶ به شناخت و بررسی منطقه مرزی و استقرارهای انسانی هورنشین استان خوزستان (ایران) و استان میسان و بصره (عراق) پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: الگوی فرهنگی، بین‌النهرین، قوم‌باستان‌شناختی، هورنشین، تغییرات اقلیمی.



معرفی اجمالی نتایج فصل اول و دوم بررسی باستان‌شناختی با محوریت مطالعات قوم‌باستان‌شناسی در منطقه سفیدکوه مکران (استان سیستان و بلوچستان)

حسین واحدی (۱) زهرا سلیمانی فرد (۲)

با همکاری (آزمین شیخی، سجاد سمیعی)

(۱) کارشناس ارشد باستان‌شناسی گرایش پیش‌ازتاریخ، دانشگاه شهرکرد

hossein.vahedi20@gmail.com

(۲) کارشناسی ارشد باستان‌شناسی گرایش پیش‌ازتاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

z.soleymani.f@gmail.com

چکیده

مطالعات باستان‌شناختی همواره می‌تواند به شناخت هر چه بهتر الگوهای زیستی و فرهنگی جوامع باستان از جمله جوامع پیش‌ازتاریخی کمک کند. این امر از طریق مقایسه‌ها و به‌کارگیری علوم میان‌رشته‌ای تخصصی مانند قوم‌باستان‌شناسی و با استفاده از تئوری‌هایی نظیر تئوری حد وسط امکان‌پذیر است. در واقع هدف از این پروژه انجام مطالعات باستان‌شناختی با محوریت مطالعات قوم‌باستان‌شناسی در راستای شناخت، معرفی و ریشه‌یابی الگوهای زیستی و فرهنگی جوامع معاصر ساکن در ارتفاعات صعب‌العبور و مطالعه‌نشده بلوچستان و مقایسه با نتایج به‌دست‌آمده باستان‌شناختی از جوامع پیش‌ازتاریخی در آن منطقه است. منطقه بلوچستان ایران با برخوردار بودن از کوهستان‌های صعب‌العبور و نیز آب‌وهوای حاره‌ای مرطوب و صحرای خشک، مشهور به هندوستان کوچک بوده که از اقلیم متفاوتی برخوردار است. همین شرایط خاص محیطی در بیشتر نقاط این منطقه باعث عدم تغییرات در فرهنگ غالب و روند زندگی مردمان آن گردیده است. طی بررسی‌های باستان‌شناختی در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ با مجوزهای پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و پژوهشکده باستان‌شناسی به شماره‌های ۹۸۱۰۱۳۸۸ و ۹۹۱۰۴۶۰ در سه محدوده مشخص‌شده در بخش‌های جنوبی و جنوب شرقی رشته‌کوه سفیدکوه در محدوده‌ای به وسعت حدودی ۱۰۰ کیلومتر مربع در نقاط کوهستانی و دره‌ای با روش بررسی سیستماتیک و به صورت پیمایش گزینشی، ۲۱ محوطه تاریخی باستانی اعم از گورستان، محوطه‌های باستانی در دره‌های کم‌عرض میان‌کوهی و دره‌ها و تراس‌های رودخانه‌های فصلی شناسایی و مستندنگاری گردید که یافته‌هایی نظیر قطعات سفالی منقوش، ساده و با فرم‌هایی نظیر کاسه، کوزه و



بشقاب و همین‌طور نمونه‌های شیشه‌ای به‌دست آمد که مورد بررسی و مطالعات تطبیقی و آزمایشگاهی قرار گرفت. شواهد و یافته‌های سفالی به‌دست‌آمده حاکی از استمرار و تداوم استقراری از دوران پیش‌ازتاریخ تا دوران تاریخی و اسلامی در منطقه است. طبق بررسی و انجام مطالعات تطبیقی روی سفال‌های به‌دست‌آمده از فصل اول و دوم، سه‌گونه سفالی پیش‌فرض برای مجموعه شناسایی‌شده در نظر گرفته شد که بیشترین و برجسته‌ترین شواهد مربوط به سفال‌های لوندو بود. نمونه‌های شیشه به‌دست‌آمده نیز مربوط به قرون میانی و متاخر دوران اسلامی است و نمونه شواهد معماری به‌دست‌آمده اعم از گورستان‌ها و آثار برج‌مانده بر سطح محوطه‌ها نیز دو جهت متفاوت تاریخی و فرهنگی را آشکار می‌سازد. نمونه گورستان‌های به‌دست‌آمده به دلیل فرم و شکل طبق مقایسه‌های صورت‌گرفته روی نمونه‌های شناسایی‌شده در مناطق هم‌جوار مربوط به دوران پیش‌ازتاریخ، تاریخی و اسلامی است، اما آثار برج‌مانده در محوطه‌های باستانی مورد بررسی نیز طبق نمونه سفال‌های شناسایی‌شده در محوطه منتسب به دوره داده فرهنگی مطالعه شده است، اما با توجه به مدل فرهنگی و الگوهای زیستی جوامع مسکون امروزی در منطقه و نیز شواهد معماری به‌دست‌آمده از محوطه‌های مورد بررسی می‌توان الگوهای فرهنگی اجتماعات منطقه سفیدکوه را مشابه با دوران نوسنگی دانست یا حداقل این که ریشه‌های فرهنگی این اجتماعات را در دوره نوسنگی جست که طبق مطالعات باستان‌شناختی صورت‌گرفته در مناطق پیرامونی نظیر عمان محوطه‌هایی با شواهد و نتایج آزمایشگاهی مطلق منتسب به دوره نوسنگی شناسایی گردیده که با توجه به شباهت فرهنگی، مکانی و نیز نزدیکی دو منطقه به یکدیگر و ایزوله ماندن اجتماعات و الگوهای زیستی و فرهنگی تا به امروز در منطقه این موضوع دور از ذهن نیست.

واژه‌های کلیدی: نوسنگی، جنوب شرق ایران، سیستان و بلوچستان، قوم‌باستان‌شناسی، الگوی زیستی، دهکده.



مرزدار کردن باستان‌شناسی با خط‌کش کودکانه

مهسا وهابی (۱) حمیده بنیادی (۲)

(۱) دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

mahsa.vahabi91@gmail.com

(۲) دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

hamide.bonyadi@ut.ac.ir

چکیده

نگاه دقیق به مسئله مرزدار کردن رشته باستان‌شناسی با قرار گرفتن کلمه کودک یا کودکانه در کنار این واژه خود توانایی آن را دارد که ظرف و مظلوفی نو از مبحث پیش رو بیافریند. مفهوم خط‌کش کودکانه در این نوشتار اشاره‌ای مستقیم به رویکرد باستان‌شناسی کودک است که طی دو دهه اخیر در ایران مورد تأکید بسیاری بوده و ادبیات علمی آن در قالب پایان‌نامه‌ها، طرح‌های پژوهشی، مقالات و کارگاه‌های آموزشی در دسترس عموم قرار گرفته است. باستان‌شناسی برخوردار از جذابیتی ماهوی به نام کاویدن است که مقصود از آن نمود بیرونی و درونی دارد. پیوند تجربه با انتزاع باعث ظهور و خلق روحیه کاوشگری و پرسشگری می‌گردد که آغاز اندیشه‌ای نو در ذهن کودک است. کاویدن در باستان‌شناسی آن‌طور است که کلام در ادبیات پتانسیل شعر و شور و جنبشی از روایات را در قالب واژه خلق می‌کند و نمود بصری آن در اجرا دیده می‌شود. در نوشتار پیش رو، نویسندگان با بهره‌گیری از تجارب خود و تلفیق آن با تلاش‌های دیگر فعالان این حوزه، اهمیت ارائه تعریف مشخص و تعیین حدود پیشنهادی این رویکرد میان‌رشته‌ای را بیان کرده و انگشت تأکید بر نقش‌آفرینی آن در انتقال مفاهیم میراثی فرهنگی به عموم جامعه و توانایی بازتعریف موقعیت اجتماعی و شغلی باستان‌شناسی در سطح ملی به واسطه بسترسازی این گرایش را به چالش می‌کشند.

واژه‌های کلیدی: باستان‌شناسی کودک، تعاریف، مرزها و معیارها، رویکردها و امکانات، جایگاه شغلی.



نقش باستان‌شناسی در خوانش شهر

مهسا وهابی (۱) مهشید فرزانه‌فر (۲)

(۱) دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

mahsa.vahabi91@gmail.com

(۲) گروه طراحی محیطی دانشکده معماری و شهرسازی بریتیش کلمبیا

mah1far@yahoo.co.uk

چکیده

شناسایی و واکاوی لایه‌های شهری یکی از اصلی‌ترین اهداف باستان‌شناسی شهری است که منجر به هویت‌بخشی فرهنگی فضاهای شهر و مولدسازی آن‌ها می‌گردد و چشم‌اندازی از چگونگی روند توسعه شهری ارائه می‌کند. منظور از خوانش، بازشناسی بافت‌های مختلف و متنوع شهر به منظور تعریف آن در قالب طرح یا نقشه‌ای گویا برای معرفی و دسترسی آسان به زیرساخت‌ها و پاسخگویی به نیازهای طیف گسترده‌ای از مراجعه‌کنندگان از متخصصان شهری تا شهروندان است. نقطه آغاز این پژوهش با تأکید بر شناسایی کالبدی‌های شهری مفقود رقم خورده و به تبارشناسی هویتی آن‌ها ختم می‌شود. این مهم با تمرکز بر درک ارزش فضاهای شهری و ابنیه تاریخی تهران، به عنوان نمونه مورد مطالعه، صورت پذیرفته است. تلاش ما بر آن بود تا بتوانیم لایه‌های شهر را بازشناسی و مسیری را که از گذشته تا اکنون پیموده، به تصویر درآوریم. ظرفیت‌های رشته باستان‌شناسی امکان تشریح لایه‌نگارانه شهر را فراهم ساخت تا بر اساس آن چشم‌اندازی از الگوی مدیریت شهری طرح شده و امکانی برای ارتقای آثار و محوطه‌های تاریخی به مواریث شهری را ایجاد نماید. نویسندگان با بهره‌گیری از تجارب کاری خویش در این زمینه و تلفیق آن با راهنمایی‌ها، پژوهش‌ها و دستاوردهای دیگر پژوهشگران در حوزه‌های باستان‌شناسی، معماری، شهرسازی، طراحی و مدیریت شهری اقدام به نگارش و ارائه این نوشتار داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: باستان‌شناسی شهری، شهر تهران، مدیریت شهری، هویت و مواریث فرهنگی، خوانش شهر، الگوواره‌ها و طرح‌ها، چشم‌انداز توسعه، توسعه پایدار.



آسیب‌شناسی قوانین داخلی ایران در خصوص مقابله با تخریب آثار باستانی و فرهنگی

سپیده هدایتی‌زاده (۱) سامان فرزین (۲)

(۱) دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند

sepideh.hedayati@birjand.ac.ir

(۲) استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه بیرجند

farzin@birjand.ac.ir

چکیده

میراث فرهنگی هر کشور معرف فرهنگ و پیشینه تاریخی آن ملت و موجب تحکیم هویت اجتماعی و اتحاد ملی است. همین امر بیانگر لزوم حفظ این آثار برای نسل‌های بعد است. علاوه بر این، فارغ از جنبه ملی، میراث فرهنگی بخشی از میراث جهانی است و کشورها مطابق با قوانین سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد (یونسکو) و با پذیرفتن کنوانسیون‌های منعقدشده بین‌المللی، در قبال حفظ این آثار متعهد و مسئول هستند. مواد قانونی ما اغلب نارسایی‌هایی در متن دارند که یا جرایم را به‌وضوح بیان نمی‌دارند و یا موجبات گریز مجرمین از شمول این قوانین را ناخواسته فراهم نموده‌اند. قوانین این حوزه بسیار قدیمی است و عملاً ضمانت اجرایی خود را از دست داده است. مجازات‌هایی که قانون‌گذار برای جرایم علیه میراث فرهنگی در نظر گرفته، در برابر خسارتی که به این آثار وارد می‌شود، در بعضی موارد بسیار ناچیز می‌نماید که خود عامل مهمی در وقوع بزه به‌شمار می‌آید. در این مقاله با استفاده از شیوه توصیفی تحلیلی سعی می‌شود با تمرکز بر مواد قانونی پرکاربرد، قواعد این حوزه را آسیب‌شناسی نماییم و با بررسی نواقص قوانین داخلی مندرج در اسناد، ضمن آشنایی با این خلأهای قانونی، دریابیم چرا علی‌رغم این‌که فصل نهم قانون مجازات اسلامی، به صورت مجزا به موضوع جرایم علیه میراث فرهنگی پرداخته است، باز هم شاهد افزایش تعداد این جرایم هستیم؟ علل ناکارآمدی قوانین کدامند؟ و با اعمال چه تغییراتی می‌توان به قوانین ضمانت اجرا بخشید؟ اهمیت این پژوهش زمانی بر ما آشکار می‌گردد که بر این نکته واقف باشیم که تخریب میراث فرهنگی یعنی خسارت غیر قابل جبران.

واژه‌های کلیدی: تخریب اموال فرهنگی، قوانین حقوق داخلی، جرایم علیه میراث، حفاظت آثار تاریخی



نگاهی بر پدیدارشناسی و جایگاه آن در معرفت‌شناسی باستان‌شناسانه

علیرضا یزدانی سنگری

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

yazdani77@ut.ac.ir

چکیده

قاره اروپا در ابتدای سده بیستم میلادی شاهد ظهور جنبشی مؤثر و مهم در دنیای فلسفه بود. جنبشی نه در مقام یک مکتب بلکه به‌مثابه روش، متد و سبکی پویا و نوشونده که فیلسوفان بزرگی همچون مارتین هایدگر، موریس مرلوپونتی، ژان پل سارتر، امانوئل لویاس و ... از آن سر برآوردند. ادموند هوسرل، ریاضی‌دان، فیلسوف و بنیان‌گذار این جنبش، روش خود را پدیدارشناسی^۲ نامید که مشتق از واژه یونانی φαινόμενον^۱ به معنای چیزی است که خود را می‌نماید یا پدیدار می‌شود. این جنبش نقدی بود بر ثنویت^۱ محصول خردگرایی عصر پساروشنگری که از دکارت نشأت می‌گرفت و هدف اولیه آن آگاهی مستقیم از پدیدارهایی است که در تجربه بی‌واسطه آشکار می‌شوند. به همین خاطر این امکان را به‌وجود می‌آورد که بتوان با استفاده از آن ساختارهای ذاتی و ماهوی پدیدارها را توصیف کرد. پدیدارشناسی با وجود ظهورش در اوایل قرن بیستم، در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی وارد باستان‌شناسی شد و از جمله اولین متفکران این حوزه در باستان‌شناسی می‌توان به کریستوفر تیلی، کریستوفر گاسدن و جولیان توماس اشاره کرد. در این پژوهش به پیشینه، نمای کلی، ظرفیت‌ها و کاستی‌های این رویکرد معرفت‌شناختی در باستان‌شناسی پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: ادموند هوسرل، پدیدارشناسی، خردگرایی، دکارت، کریستوفر تیلی.

۱. Phenomenology

۲. Phenomenon



Prehistoric Period

A Study of the Common Ritual Sanctity in the Rock Paintings of Lashkar Goyeh Meymand in Kerman and the Tekeh Area in North Khorasan

Roghayeh Ahmadipour (1) & Elham Fekri (2)

(1)B.A. Student of Archaeology, University of Tehran

ahmadyprtanya@gmail.com

(2)B.A. Student of Archaeology, University of Tehran

elhamfekri1379@yahoo.com

Abstract

The study of rock art is a nascent science on the plateau of Iran that has been easily considered. This art is a part of the identity of the people of the past who had no political identity and it is the only work that remains as a relic of them, among which the colorful ones have a special place, because due to not accepting a certain number of them, they remain. And due to lack of scientific research, poverty is absolute salivation. These motifs are similar in other cases and in some cases are reduced, the environmental texture is similar, among which we can point to the similarity of the ritual sanctity of the two Larskorguieh areas in Mamand village of Kerman and Tekeh area in Upper Nargeslu village. In this article, by field study and library studies of comparative type, the authors try to study and compare the behavior and factor of indigenous people living in Meymand village of Kerman. Both areas are relatively identical in appearance and have color paintings with part of the body of the signaled rocks (due to slipping to get to the toilet for a long time) as well as the location of Nazri and the toilet can have the ability of indigenous peoples. Which has an economic factor and is probably rooted in the ritual sanctity of the lives of past peoples, which is preserved in some other cases.

Keywords: Art rock, Colored Painting, Tekeh, Eshkoft Lashkar Goyeh.



The Younger Dryas, a Push or a Force: Fertile Crescent

Seyyed Kamal Asadi

(PhD Candidate of Archaeology, University of Mazandaran)

seyyed.kamal.asadi@gmail.com

Abstract

In the Neolithization process, the Younger Dryas period was a sudden event that overshadowed this process. This period has been described as a period of unusual climate change and was first known in the late nineteenth century from pollen evidence of lakes in Sweden and Denmark, indicating that Cryonics plants have reappeared. Subsequent research has shown that these climatic conditions were prevalent throughout the earth, including in the North Atlantic Ocean and North Pacific Ocean, Asia and North America, and the Equator regions. Previously, with the advent of warm and humidity climate in the Epipaleolithic period, plant and animal food sources increased. During this period, humans, who had fewer sustenance concerns, had the opportunity to look more closely at their surroundings and get to know their environment and its plants and animals better. Changes in lifestyle, livelihoods and new architectures and beliefs appear after the end of the Younger Dryas and at the beginning of the Early Neolithic period. The main question here is what is the role of the Younger Dryas in this sudden change? An environmental push or force that led to Neolithization? That is, whether these communities tended to manage the species after the end of the Ice Age, and the Younger Dryas was an accelerating process; or was the Younger Dryas a force and an imposed situation that led to innovation in the subsistence economy?

Keywords: Younger Dryas, Epi-Paleolithic, Neolithization, Domestication, Fertile Crescent, Early Neolithic.



Semantic Analysis of Plant Motifs of Neolithic to Bronze Age Seals

Sharareh Ghasemi (1) and Maryam Saadat (2)

(1)M.A. in Archaeology, Islamic Azad University of Marvdasht

sharareh.ghasemi@hotmail.com

(2)M.A. in Archaeology, Islamic Azad University of Marvdasht

maryam.saadat1982@yahoo.com

Abstract

By analyzing the designs of the seals, we can better identify the material and spiritual aspects of the ancient sites related to them. Seals also represent the social and biological conditions of prehistoric period. Past analyzes in archaeological studies on seals with plant motifs have been without a specific analysis of plant species and have been classified as holy plants. In this study, semantic analysis was performed for these motifs by examining the plant motifs of the seals and by considering the archaeobotanical studies of each region and also by considering the environmental conditions of the area. The results show an agricultural-based economy in ancient sites such as Susa, where seals with more plant motifs are concentrated. It seems that the human role in understanding the environment and using plant elements in seals is more conceivable. The presence of holy plants and the sanctity of plants can often be attributed to the abundance of plants in the region. For example, archaeobotanical studies in the northwestern and southwestern parts of the Iranian plateau also reinforce this hypothesis. The cultivation of fruit trees in the Bronze Age, such as Date Palm in the subtropical regions of the Iranian plateau, also Peach or Pomegranate, which are characteristic of temperate regions in the Iranian plateau, can be further analyzed by citing plant motifs and interdisciplinary studies in archeology.

Keywords: Plant Motifs, Seal, Neolithic, Bronze Age, Archaeobotany.



A Survey on Two-spiral and Four-spiral Pendants; In terms of Efficiency and Dating

Hamed Hajiloeei

(M.A. Student of Archaeology, Bu-Ali University)

hamed_hajiloeei@yahoo.com

Abstract

Two-spiral and four-spiral pendants have been discovered from different parts of the world. Two-spiral specimens have been excavated in the sites of Nushijan, Giyân, layers IIIB and IIIC of the Hisar, layer XI of Gawra, Assyria and the royal cemetery of Ur. Four-spiral specimens are also found in the sites of Nush-i jan, Marlik, Hasanlu, Koltepe, Assyria, Tell Brak, Babylon, Larsa, Mari, Veri (in Azerbaijan), Lechshan (in Armenia), Selenkahiye, Alajahoyuk, Troy, Polichini and Lakitha in Greece. Specimens of both species are also kept in Cincinnati and British museums, the information of their discovery is not accurate. Due to the lack of comparative studies in relation to these objects, the collection of all relevant information and their analysis can provide the basis for such studies. In Nushijan III: The Small Finds, Curtis refers to the contexts in which such pendants were discovered. Huot, Pardo, and Rougeulle also discuss the four-spiral pendants discovered in West Asia in an article. The questions that are on our minds are what were the uses of these pendants? And what is the time frame for their dating? Our hypothesis in answer to the questions posed is that these objects seem to have been used as a means of repelling evil spirits during Pregnancy of mothers and during the second and first millennium BCE. In the opposite study, the author used the library method in gathering the necessary information and using the descriptiveanalytical method in analysis them in detail, we have dealt with their various aspects.

Keywords: Bronze, Iron, Pendant, Spiral.



Survey of the Tholos, Tholoi, Tumulus and Tumuli; In terms of architectural features and efficiency

Hamed Hajilooei

(M.A. Student of Archaeology, Bu-Ali University)

hamed_hajilooei@yahoo.com

Abstract

«Tholos» is a residential or tomb architecture with a rectangular corridor leading to a circular space and «Tholoi» is its plural. Examples of these architectural remains are from Mycenae and Crete in Greece, the cities of Almeria and Seville in Spain, and the European part of Turkey. «Tumulus» is called a tomb inside a hill and «Tumuli» is its plural. Examples of such tombs have been found in Tatarli, Gordion and Kutahya in Anatolia, Amphipolis in Greece, Kapellenberg in Germany and Senegal. The written similarity of these terms has sometimes led to a misunderstanding of their meaning. While these words have their own definition and should be used in their proper place. So far, these types of architecture have not been studied in terms of structure and efficiency in an independent research. Our two questions in the opposite research are, what are the architectural features of Tholos? And what are the architectural features of Tumulus? In this research, by mentioning the features of each one of these types of architecture. We have understood the differences between them and the efficiency of each one. We have mentioned different examples of both types of architecture using the library method. We have achieved the purposes of the research by analysing the collected data in a descriptive-analytical method.

Keywords: Architecture, Tholos, Tholoi, Tumulus and Tumuli



**What has been done and what has to be done:
Statistical assessment of Iranian Paleolithic Research**

Mojgan Jayez

(Assistant Professor of Archaeology, University of Tehran)

mjayez@ut.ac.ir

Abstract

114 years after the first reports on the Iranian Plateau in the Pleistocene Period by Jacques de Morgan, Paleolithic research in Iran has been increasingly and constantly expanding. The history of Iranian Paleolithic archaeology has been the subject of a number of publications in recent years, but no precise statistics has ever been presented regarding the trends, sites and researchers, due to the difficulty of access to the extended resources, many of which have never published properly. This research is a statistic review of Paleolithic archaeology of Iran based on the review of all-range resources (from 1907 to 2018 based on published and non-published resources; from 1907 to 2021 based on published resources) mentioning more than 2000 sites attributed to Paleolithic based on surface material and ~60 by excavations. It has been attempted to assess the Patterns of distribution, abundance, and change in Iranian Paleolithic research over time and whenever possible the causes and explanations have been discussed. Ideally, the extraction of these patterns is expected to contribute to understanding the processes and trends and to predicting and management of the future trajectories of studies in this field.

Keywords: Iran Paleolithic, Paleolithic research, Paleolithic statistics.



Study and Analysis of the Chalcolithic Period of Moghan Plain Based on New Archaeological Findings

Ali Karimikia (1), Reza Rezalou (2), Akbar Abedi (3), Ardeshir Javanmardzadeh (4) Rouhollah Mohammadi (5)

(1) PhD Candidate of Archaeology, Mohagheh Ardebili University

a.karimikiya@gmail.com

(2) Professor of Archaeology, Mohagheh Ardebili University

r_rezaloo@uma.ac.ir

(3) Associate Professor of Archaeology, Mohagheh Ardebili University

akbar.abedi@tabriziau.ac.ir

(4) Assistant Professor of Archaeology, Mohagheh Ardebili University

ajavanmard@uma.ac.ir

(5) PhD Candidate of Archaeology, University of Tehran

mirrouhollah@gmail.com

Abstract

Aras and other rivers in the Moghan region have played an important role in the formation of prehistoric sites. Although the Moghan plain has not received much attention in terms of archeological activities so far, while extensive scientific activities have been carried out in the Urmia Lake basin and the Moghan Plain region has been neglected in this regard. Yatag tepesi site is another prehistoric site of Germe Moghan that has been scientifically researched. The main purpose of this article is to introduce the pottery traditions and to determine the chronological sequence of the study area. In order to achieve more detailed studies of cultural relations with other regions and to determine the chronological table in the study area in the chalcolithic period, the following questions are raised; According to the study of cultural data, including the



pottery data of the study area, which cultural period(s) does it belong to? The main hypothesis in this regard can be said that the area is related to the Middle chalcolithic and late chalcolithic periods. According to the archeological data obtained, with which geographical areas does the study area have more cultural connections Leading writing is done with field method and descriptive-analytical approach. As a final result and considering the specificity of pottery and other cultural data, we can mention the cultural connections with other northwestern regions and its place in the chronological table of northwestern Iran and in terms of historical chronology is equal to 4500-3600/3700 BC.

Keywords: Moghan Plain, Germi, Chalcolithic Period, Northwest of Iran.



Comparative Survey and Morphology of Iranian Vessels based on Archaeological Sources

Mohammadreza Maleki

(M.A. in Archaeology, Tarbiat Modares University)

mohamadrezamaleki89@gmail.com

Abstract

Navigation and especially making vessel is one of the important common components of industry, trade and military influence among societies, the date of its formation is not known, but the oldest archaeological finds in Iran dates back to the fourth millennium BC to a seal effect of Chagha Mish Teppeh. These vessels had a high status, so that in the great historical governments, it was one of the important aspects of the domination of power over smaller western and distant societies. During the Achaemenid period, some societies such as the Assyrians and Phoenicians were considered the pioneer of navigation and the constructing this type of vessel. In this article, by studying these designs and redesigning them according to the concept of balance to their evolution, the important points such as navigation, mechanics, use of wind power and manpower have been examined. In addition to the morphology of vessels in different periods, the authors of this study intend to compare them with other neighboring nations. The research method in this research is the use of library resources for field survey. The authors have only conducted a field survey of some of the Achaemenid works in the Museum of Ancient Iran and some works and collected limited data. The results show that the shape of Iranian vessels was first a simple structure without any additions made of tree trunks and pieces of wood, and then in the historical period, the vessels were advanced with a spindle-shaped appearance that resembles Mesopotamian vessels, has evolved.

Keywords: Navigation, Iranian vessels, Morphology, Vessels of neighboring nations.



The Origin of Clay, Known as Fabric-Pattern Clay in the North East of Iran and Central Asia

Farshid Masihniya (1) Maryam Yavari (2)

(1)M.A. in Archaeology, University of Neyashabour, farshid.masihniya@gmail.com

(2)M.A. in Archaeology, University of Neyashabour

maryam.y5375@gmail.com

Abstract

Fabric-pattern clay is a common type of clay in the Khorasan region and Central Asia, the technique to create which, is based on fabric patterns burnt into the insides of earthenware. Nowadays, this type of earthenware is produced in rural communities of Khorasan and was first discovered and introduced by Ms. Shirazi. Sewing a fabric pattern and filling it with earth, dry plants, overlaying on the fabric pattern during several steps, and then forming and drying the clay overlays are all the steps to produce this earthenware. According to prehistoric archeological studies, cases similar to this earthenware were reportedly found in the Khorasan region and Central Asia, dating back to the Bronze and Iron ages. There have been several studies on the persistence of this technique from prehistoric eras to this day. Given how widespread this type of clay has been from the prehistoric era to the contemporary era in the Khorasan region and Central Asia, the origin of its production and technique yet remains unknown; therefore, in this article, we try to determine the origin of this type of earthenware's production and technique, based on relative dating and comparative research information. The results from this research based on relative dating studies show that this type of clay's technique must have originated from the Khorasan region in Iran and back in Bronze Age.

Keywords: Production Origin, Fabric-Pattern Clay, Khorasan, Central Asia, Bronze.



Painted Pottery Networks during the 5th Millennium BCE in Southern Iran

Takehiro Miki

(Assistant Professor of Archaeology, University of Tokyo)

lambtake@yahoo.co.jp

Abstract

During the 5th millennium BCE in southern Iran, black-on-buff painted pottery spread from the Susiana Plain to the Zagros Mountains. Some researchers argued that the expansion of the painted pottery was due to the specialist potteries migration from the Susiana Plain to the Zagros Mountains. However, others also considered potters' movement due to interregional marriage and exchange of the pottery as another mechanism for expanding the painted pottery. This presentation approaches the expansion process of the black-on-buff pottery using social network analysis to understand this mechanism's dynamics. This paper uses published drawings of exterior-painted black-on-buff ceramics reported in archaeological sites ranging from Deh Loran to Kerman for this analysis. These materials were roughly subdivided into three phases (early, middle, late phases) of the 5th millennium BCE to reveal diachronic changes of network patterns. Two types of pottery attributes, painted motifs (higher-visibility attribute) and horizontal design structures (lower visibility attribute), were used to reconstruct networks based on Brainerd-Robinson coefficient of similarity, thereby allowing for visualization of two different kinds of networks. This paper presents a preliminary result of network analyses and discusses the potentials and limits of this approach.

Keywords: Southern Iran, Chalcolithic, 5th Millennium BCE, Black-on-buff Pottery, Social Network Analysis



Paleolithic Survey in the Ferdows Plain: Preliminary Results

Ali Sadraei

(M.A. in Archaeology, ICAAR)

ali.sadrayi@ronininstitute.org

Abstract

Eastern Iran in prehistoric times has remained unknown. This issue undoubtedly differs for more recent prehistoric periods (Neolithic to Bronze Age) comparing to earlier Paleolithic period, as the foundation of Paleolithic research in the vast region of eastern Iran was established simultaneous with studies on other parts, including the north and west of the Iranian plateau. Although Paleolithic studies in eastern Iran were initially founded simultaneous with other regions, they were not continued, and this is a complex issue in the history of Iranian archeology, study of which goes beyond the scope of this paper. In less than a decade, authors have turned to Paleolithic research in eastern Iran to fill study gaps. Paleolithic investigation of Ferdows plain is one of these studies that was carried out under permission of Archaeological Research Institute in 2020 in the rural district of the central part of Ferdows town. During the mentioned study, which was conducted using a survey method, a significant number (43) of Paleolithic sites were identified for the first time. Most of these sites are open-air. It is assumed that they were probably formed on the shores of lakes and seasonal temporary ponds. The present article intends to provide a brief overview of Paleolithic tool industries in the eastern part of Iran in a broader perspective, in addition to a brief overview of these findings.

Keywords: East of the Iranian Plateau, Paleolithic, Ferdows Plain, Lithic Industries



Raw Material Source Tracing of Lithic Artefact Collection of Pleistocene Sites in Neyshabur Plain

Ali Sadraei

(M.A. in Archaeology, ICAAR)

ali.sadrayi@ronininstitute.org

Abstract

Measuring the availability of lithic raw material in every site can be considered among the most challenging issues in Paleolithic area and especially the studies conducted on lithic collections. This issue, as one of the main variables, has played a critical role in formation, expansion and even the possible functions of Paleolithic sites. Meanwhile, most of the research performed in the east and northeast of the Iranian plateau has focused on the techno-typological studies of collections and practically has not dealt with issues related to the availability of sources of lithic raw material. Archaeological excavations in Neyshabur plain, which were conducted in 2019, led to the identification of four Paleolithic sites in Qezel Tappeh, Aliabad, Dar Behesht and Mushan. Preliminary studies on the collected collections indicate that several sources of raw material were used during the chipping process of artefacts, and this issue and the necessity of source tracing of raw material led the authors to investigate the sources of these findings using petrographic studies. In the current research it is attempted to examine the possible source of lithic raw material resources in the mentioned sites by conducting petrographic studies on five pieces of stone tools and five samples of stone raw material.

Keywords: Neyshabur Plain, Petrographic Studies, Paleolithic, Raw Material Source Tracing.



A Stylistic Study of Gray Pottery in Shahr-I -Sokhta Cemetery

Ala Salamati (1) Morteza Gorgi (2)

(1)B.A. in Archaeology, University of Sistan & Baluchestan,

alasalamati00@gmail.com

(2)PhD Candidate of Archaeology, University of Sistan & Baluchestan

moetezagorgi@pgs.usb.ac.ir

Abstract

During third millennium BC, Gray pottery was one of the most common types of pottery on the Indo-Iranian Borderlands. According to the variables which were firstly proposed by Walter Fairservis and then by Rita Patricia Wright, the two styles of Faiz Mohammad and Emir are distinguishable in these wares. It might be thought that the study of these styles can provide an accurate understanding of the interaction between Indo-Iranian sites in the third millennium BC, while archaeological investigations in Bronze Age in the south east of Iran, namely Shahr-I Sokhta, less considered. In this regard, the gray ceramics of Shahr-I Sokhta, which were obtained during 2002-2000 from cemetery excavation, studied and categorised based on Faiz Mohammad and Emir Styles in this research. For this purpose, it has employed the descriptive-historical method, and based on variables, such as role and form, these wares were classified. The findings confirmed the existence of both styles of Faiz Mohammad and Emir in Shahr-I Sokhta Cemetery. In conclusion, it can to be understand an interaction between this site and other neighbors in Baluchestan of Iran and Pakistan, and especially Quetta region.

Keywords: Gray pottery, Shahr-I Sokhta, Indo-Iranian Borderlands, Faiz Mohammad ware, Emir Ware



Study of Inter and Cross-Regional Cultural Interactions in Southeastern Iran during the Third Millennium BC: Production, Distribution and Iconography of Chlorite Vessels

Mojgan Shafiee

(PhD - Postdoctoral researcher, University of Tehran)

shafie.mozhgan@yahoo.com

Abstract

Southeastern Iran witnessed a flourished cultural period during the third millennium BC. Vessels made of chlorite are one of the characteristic objects in this region during the third millennium BC. They are elaborately engraved. The Bronze Age chlorite objects have been found in a wide area from the Indus Valley, Central Asia, southwestern Iran, the Persian Gulf, southern and northern Mesopotamia. These objects are known as «intercultural style» in Near Eastern archaeology. After extensive illegal excavations in the Halilrud Valley and the discovery of thousands of chlorite objects, it was revealed that their main production center was the Cultural basin of Halilrud. Geological surveys and archaeometric studies have also revealed the existence of chlorite stone sources in this area. Archaeological excavations at Tepe Yahya, Konar Sandal and Hajiabad Varamin in Jiroft have led to the identification of the workshops of chlorite objects productions. This article discusses the inter-regional and cross-regional interactions in southeastern Iran during the third millennium BC focusing on chlorite objects. Also, the cycle of exploitation, production and distribution of these objects is analyzed. By studying the iconography of these vessels, the Halilrud style characteristics are explained and its cultural relations with neighboring areas are discussed.

This study (Project N. 99029756) is funded and supported by “Iran National Science Foundation: INSF”.

Keywords: Chlorite objects, Halilrud, Cultural interactions, Bronze Age.



An Introduction to the Study of Cognitive Behaviors in Prehistoric Archeology Based on New Interdisciplinary Studies

Malihe Shayestefar (M.D.)

maliheshayestefar@gmail.com

Abstract

Cognitive archeology is multidisciplinary knowledge, which is combined with archaeology and cognitive science. Indeed, cognitive archaeology is studies of behaviors and cognitive skills of homo species during the history of human evolution. In previous studies, cognitive archaeology related to ritual, religious, art, and abstract issues. While today, this classification extensively develops to any archaeological discoveries. To more explain, every behaviors which were continuing millions of years are involved in cognition researching. For instance, the producing stone tools such as the chopper tools during 1.5 million years demonstrates that the early homos had obtained the essential cognitive skill for making chopper tools. In addition, Subsistence activities and any actions of manipulating the material world are attributed to cognitive abilities. The results represent that psychology, neuroscience, and archaeology studies are principal bodies of cognitive archaeology researching. Accordingly, homo species abilities such as spatial and social cognition, also working memory would be realized.

Keywords: Cognitive Archaeology, Archaeology, Prehistory, Cognition, Neuroscience, Cognitive Evolution.



A Study of Neolithic period and transition Phase to Chalcolithic Age of Yarim Tape Dargaz

Mohammad Sheikh

(Expert in Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts of Khorasan
Razavi)

meem_sheikh@yahoo.com

Abstract

The present study prepares the statistical population obtained from the systematic study of Yarim, Tape Dargaz to interpret the surface cultural materials attributed to the Neolithic period and the transition phase to Chalcolithic Age as the oldest prehistoric settlement of Dargaz plain.

The results of classification, typology and comparative comparison of pottery finds with significant specimens in neighboring areas show a significant harmony of Yarim Tape Neolithic pottery with the well-known Jytun culture in Turkmenistan. Of course, the scope of these similarities can be traced to the interior Khorasan and southeast of the Caspian Sea. But what the pottery finds from the Neolithic to Chalcolithic Age transition period show is a wider range of regional and trans-regional connections that extend from southern Turkmenistan to the northeast, as well as the center of the plateau, to the Cheshmeh Ali culture. The chronology of southern Turkmenistan is also known as Anau IA.

Keywords: Khorasan, Dargaz Plane, Neolithic Age, Transition Phase, Chalcolithic Age, Djytun Culture.



**A Reflection on the Subject of Perception in Archaeology and
Investigating the Position of Prehistoric Motifs with
a Perceptual/Cognitive Approach**

Fatemeh Zeynali Khaledabadi

(M. A. student of Archaeology)

fatemeh.zeynali@ut.ac.ir

Abstract

All beings have perceptions, but, only man is aware of his perception. Perception is the process of acquiring knowledge through thinking and experience. Archaeologists are always looking for an understanding of the past, And cultural and archaeological materials are the tools of their work for this knowledge. But archeological material alone cannot tell the story of the past. And archaeologists are always trying to establish a connection and concept between the archaeological materials of their builders and their consumers through their perceptual ability. Through new sciences and past professional experiences and conscious thinking, the missing points of history can be identified. Perceptual archaeology, with its own methods, can help archaeologists. All archaeological findings can be examined by perception. In this research, we first introduce the readers to the topic of perceptual archeology, we will then examine prehistoric motifs in a perceptual manner and analyze their application to past peoples.

Keywords: Perceptual Archeology, Perceptual Archeology, Motif



Historical Period

A New Reflection on the Meaning of Patterns on Coins and Embossments of the Semi-Independent Elymais Government

Athar Arabzadeh (1), Ali Jafari (2) Maryam Zohourian (3)

(1)M.A. Student of Archaeology, Univeristy of Birjand,

amandadamirarsalan.com@yahoo.com

(2)M.A. Student of Archaeology, Univeristy of Birjand,

aj.990052@gmail.com

(3)Assistant Professor of Archaeology, University of Birjand,

zohourian@birjand.ac.ir

Abstract

Analysis and semantics of the designs left on the coins and reliefs of the semi-independent Elymais government. The culture and art of a society has a significant relationship with the political, social and economic characteristics that govern it, and by being aware of those characteristics, a clearer and more realistic analysis is possible. In this regard, the rule of the Elymais, which is the continuation of the rule of the Elymais, after the fall of the Achaemenid dynasty, gradually gained independence and until the end of the Parthian dynasty was an important local power in the southern passage of the Iranian plateau to the lower river. The descendants of the Elymais, i.e. the Elymais, as the first historical period of Iran, had a very glorious art that can be seen in reliefs, pottery, glazed bricks, molded bricks and other arts, both in terms of art and beauty. The purpose of this research, which is done in a descriptive-analytical method, is to answer the questions raised in the artistic field of this period, which unfortunately have not been addressed professionally. How long does the Elymais artistic tradition continue? And what can be seen in Elymais art can be considered a continuation of previous



traditions with the same concepts? The presence or absence of some signs in Elymais reliefs and coins can have special meanings for the Parthians? The Elymais tradition continued until the collapse of the Elymais, which was also evident in Parthian art and continued to have its own meanings.

Keywords: Parthian, Elamais, Embossed Role, Coins.



**Winds of Change - Socio-political Inferences through Ceramic
Chronologies in Western India (3rd to 10th centuries C.E.)**

Ritvik Gautam Balvally

**(PhD Candidate of Archaeology, Maharaja Sayajirao University of
Baroda)**

rutvikbalvally@gmail.com

Abstract

The regions of West Asia, Arabia, Eastern Africa, and Roman-Byzantine territories were in connection with China, and India in the 1st millennium C.E. Western India was a hub for Indian Ocean trade especially between 3rd to 10th centuries C. E. and ceramics; glazed and un-glazed were a major part of this exchange. Similarly Indian ceramics made their way to the Persian Gulf sites and also to the Red Sea sites. Port sites in western India were active participants in the trade that existed between India and West Asia in particular. This period in West Asia is separated politically by two major powers; Sasanians and early Islamic caliphates. Ceramic chronologies have helped elucidate the spatial and temporal distribution of this contact with western India. The paper deals with understanding the socio-political implications of this contact and their relation/ effect with the trade through the ceramics. The paper analyses two different zones within western India through socio-economic-political point of view.

Keywords: Sasanian, Early Islamic, Torpedo Jars, Western India, Glazed Ceramics, Samarran, Polity.



Introducing the Cairn Burials Located in the Heights of Bavanat Valley; Fars Province

Zeinab Hadi Dastjerdi

(M.A. in Archaeology, University of Tehran)

Absract:

Based on current political divisions, Bavanat valley located in Bavanat County in the northeastern part of Fars province. According to the archaeological surveys in this region, some cairn burials called «Khereftkhaneh» in Persian were identified from the heights of the valley specifically in the northern mountain range. Regarding the number, 26 cairns in 7 cemeteries identified, and also it is worth mentioning that the average height of the cemeteries is 2508 meters above the sea level. The similar structures were reported from the southeastern, south and southwestern part of Iran as well as the southern part of Persian Gulf and its adjacent areas. The aim of this article is to introduce the mentioned structures along with carry out a comparative study with the similar identified structures. The cairns are some stone mounds which were built by the stones extracted from the mountains without any use of mortar in constructing process. The potteries of these cemeteries are comparable with the Parthian sites of the region. It is likely that the above mentioned structures show the tradition of funeral in the historical period particularly in the Parthian and Sasanian periods.

Keywords: Cairn Burials, Bavanat Valley, Parthian, Sassanid, Fars



Study of Hunting Motifs and Position in Achaemenid Period Based on the Study of Seals and Motifs

Ali Jafari (1) Hosein Koohestani (2)

(1) M.A. Student of Archaeology, University of Birjand, alijafari0965@gmail.com

(2) Assistant Professor, Department of Archaeology, University of Birjand, hkoolestani@birjand.ac.ir

Abstract

In this article, an attempt is made to examine the status of hunting among the Achaemenids by emphasizing the patterns of seals and motifs. Seals are among the most important surviving finds from the Achaemenid period, which alone are the most important and largest known source of Achaemenid illustration. These seals display various motifs of human, animal motifs and mixed and mythological motifs. Recognizing the surviving motifs of seals, like a shining and truthful mirror, reflects the secrets of human life and time. The tradition of hunting has been going on in Iran for a long time and in the Achaemenid period it was pursued with newer goals and motives and became of special importance as one of the ways of providing food as well as recreation and entertainment. Most hunting scenes in the Achaemenid period are engraved on the seals of kings. The hunter-gatherer is one of the ideological features of the Achaemenid dynasty. Hunting scenes have their roots in ancient traditions and were able to find their way to other Achaemenid regions as a style.

Keywords: Hunting, Achaemenid, Seal, Ideological.



Political and Cultural Interactions of the Parthian kingdom and the scythian Communities relying on written sources

Hashem kazemi

(M.A. Student of Archaeology, University of Tehran)

hashem.kazemi0383@gmail.com

Abstract

Scythian communities played a decisive role in the political and cultural structure of Parthian society and government. The degree of interaction and affinity of Scythian communities with the Parthian Empire is such that today some scholars introduce the Parthians as an ethnic group with the Scythian race. Classical manuscripts are our main source for the study of the history and society of the Parthians. these sources only mention the western parts of the arsacid empire and therefore the eastern and northeastern parts of the empire and most importantly the Scythians are hidden from the roman point of view. However, given the limited resources available, the interactions between Scythian and Parthian can be divided into three time periods. The extent and intensity of the interactions between them varied over a period of nearly five centuries due to the eastern origin and westward expansion of parthian. Migrations and evolution in the steppes coincide with the Parthian period, the rise of powerful empires such as Rome and the Eastern origin of the Parthians are the most important factors in quality of these interactions..

Keywords: Parthian Empire, Scythian, Cultural Interaction.



The Role of Architecture, Decorations and Green Space in the Historical Gardens of Birjand in attracting Tourists to this Region (Case study: Akbarieh Garden, Rahimabad Garden and Amirabad Garden in Birjand)

Atefeh Khosravi (1) Saman Farzin (2)

(1)M.A. Student of Archaeology, University of Birjand, sokot2289@gmail.com

(2)Assistant Professor, Department of Archaeology,University of Birjand, farzin@birjand.ac.ir

Abstract

Birjand is one of the cities that has attracted a lot of tourists due to the existence of historical monuments from the Qajar and Pahlavi periods. Gardens are one of the works that make the human soul and body ecstatic. Gardens have created places for peace of mind due to the art of architects, both in design and in landscaping and decorations. Birjand was the seat of their government during the Alam dynasty and this was the reason for building beautiful buildings and gardens in this region. Examples of beautiful architecture and decorations in this area include Akbariyeh, Rahimabad and Amirabad gardens. In the construction of these gardens, the principles of geometry have been observed well, and the observance of the axis of symmetry, the slope of the ground, etc. has created a very beautiful place. Geometric, plant, animal, etc. and the use of symbols have created an extraordinary and eye-catching atmosphere to attract tourists. In the research, by designing a questionnaire, the authors seek to find out how much architecture, decorations and green space in these gardens play a key role in attracting tourists to this area. Now, considering the above, the main question is which feature in these gardens has more effects in introducing these gardens and attracting tourists? The present study is a



descriptive-analytical method based on library and field studies and tries to introduce as many of these gardens as possible in order to boost the tourism industry and increase the number of tourists entering this region.

Keywords: Historical gardens, Birjand tourism, motifs, decorations.



**Greek Silenoi in a Persian Setting:
Louteria from Denavar with Figural Decoration**

Gunvor Lindström

**(PhD in Archaeology, Eurasia Department, German Archaeological
Institute)**

gunvor.lindstroem@dainst.de

Abstract

Among the few large-scale Hellenistic sculptures from Iran are several relief busts of Silenoi and a Maenad, thus representations from the Dionysian sphere. The limestone busts, each measuring roughly 30 cm, were found at the beginning of the 20th century allegedly in Denavar/Kermanshah. They found their way into various museums via the art market: Three of these fragments are on display in the National Museum of Iran; two pieces purchased by Ernst Herzfeld in 1917 are now in Basel, Switzerland; one fragment was given in 1922 by the Persian authorities to Friedrich Sarre, who kept it in his house in Berlin where it was lost or destroyed in 1945; two pieces are at the Walters Art Gallery in Baltimore and one is in a private collection in Vienna. The paper brings these sculptures together, reconstructs the louteria (large vessels on a high stand) to which they belonged and places them in the context of Hellenistic and Parthian art.

Keywords: Hellenistic art, Denavar, sculpture, Greek mythological figures



**Analysis of the Most Important Religious Fluctuations of the Achaemenid
Period Based on the Study of Inscriptions and Tablets
(Case Study of Cyrus the Great, Darius and Ardashir II)**

Golnoosh Mirshahi

Master student of archeology, Faculty of Art, Birjand University

Hosein Koohestani

Department of Archaeology, University of Birjand

Abstract

There are various hypotheses about the religion of the Achaemenid period, but very little data is available. Assumptions about Cyrus the Great are obscure due to the founding of a new government as well as the scarcity of resources. In this research, the authors have tried to clarify his faith by relying on religious historiography and examining the items in the Cyrus cylinder as much as possible. It seems that two factors were prominent: giving priority to Ahura Mazda as the god of gods and religious tolerance as a constant quality throughout the Achaemenid period. During the reigns of Darius and Ardashir II, the attempts to gain legitimacy through religion increased and this need to gain legitimacy made significant changes in the hierarchy of gods. It should be noted that the attempts to gain legitimacy, which seemed to guarantee the survival of the government after the victory of power, even at the height of religious fluctuations in the period of Ardashir II did not cause the gods of different nations to be ignored or eliminated. Therefore, it can be said that the religious pluralism of the Achaemenid period is aligned with the nature of their religious doctrine. This religious pluralism is not uniformed, but it is accompanied by fluctuations that can be



rooted in various factors such as war, weather conditions, the influence of satrapies, and mostly occurred with the arrival of a new king. The present study has investigated the above cases in a descriptive-analytical manner based on library data.

Keywords: Religion, Achaemenid period, Legitimacy, Religious fluctuations, Religious tolerance.



The Re-reading of Defense Architecture in Explaining the Design Model of a Sustainable Biological Complex

Zahra Sadooghi

Mohammad Sadegh Taher Tolou Del

Abstract

In Semnan region, there is an ancient castle with handcrafted architecture in mountainous heights. The necessity of this research is to extract native naturalistic patterns in order to link traditional and contemporary architecture and identify with defense architectural methods. The method of the present research is qualitative and based on documentary content analysis. After collecting documents and conducting studies, a comparative comparison of the architectural structure of the three modern castles with Gabri Castle has been made. Also in matching the architecture of Qala-e-Gabri with the termite house, which was designed and built in 2014 with the inspiration of the termite nest and in order to protect the residents against the harsh weather conditions of the region; Matching was achieved in terms of architectural structure. This important point indicates that the defensive architecture structure of Qala-e-Gabri is also derived from nature. Research results; It represents 19 effective factors in the design of bio-defense complex, of which %47 are related to physical characteristics, %21 are semantic factors and %32 are functional factors. Among the five studied samples, Gabri Castle has the design patterns of a sustainable biological complex with full compliance. Models of defense architecture, the ability to read and explain the components that protect human life with the help of the architectural body in three aspects; principled orientation, centralism and vertical orientation, in compliance with the main components of architecture and compatibility with



the environment in a safe way.

Keywords: Gabri Castle, Termite Nest, Termitari House, Permanent Biological Complex, Defense Architecture.



Study and Classification of Urart Religious Architecture and Its Impression on Median and Achaemenid Religious Buildings

Sepehruz Sadeghi

(M.A. in Archaeology, Marlik University)

s.sadeghi2420@yahoo.com

Abstract

The Urartu government was formed by the unification of the two nation of Euroatry and Nairi in the 9th century BC and soon became one of the great powers in the Middle East. The capital of this state is located in Tuspa (modern Van) and its political borders are based on the classification of works in the five current countries of Turkey (its eastern parts) Iran (Northwest, West Azerbaijan provinces), Armenia (its northern parts, Lake Sevan), the Republic of Azerbaijan (Nakhchivan part) and Iraq (a small part of Iraqi Kurdistan), which eventually invaded the Medes and Scythians to the area of the Urartians they were completely destroyed. In addition to their success in war politics and techniques, the Urartians made significant progress in all fields of art, especially riddles, pottery, and metalwork. One of the arts which discussed in this research is religious architecture. This architecture is also divided into two categories (temples and burial mounds). The data collection method in this research is documentary and the research method is descriptive-analytical based on comparative comparison. The purpose of writing this article was to study religious architecture and their division, as well as to study the roots of these two types of religious architecture and compare them with religious buildings of the Median and Achaemenid eras, which finally led to valuable results. One is to clarify the influence of the Medes and Achaemenids on the religious architecture of the Urartians to build their own religious buildings,



namely temples and burial mounds.

Keywords: Urartu, New Hittite, Religious Architecture, Median, Achaemenid.



Explore and Study of Ketuka Lachchi

Tariq Latif Tamboli

(PhD Candidate of Archaeology, Punyashlok Ahilyadevi Holkar Solapur University)

tariqt71@gmail.com

Abstract

Ketuka Lachchi ($^{\circ}04.8 \text{ '57 } ^{\circ}25 \text{ N}$ and $^{\circ}25.9 \text{ '59 } ^{\circ}84 \text{ E}$), is a small village which located in Maker block of Saran district. It is reached through Patna by Bus or local transport via Gobind Chak. The important landmarks are Parsa and.Sonho for reaching the site. Geomorphology of this area is fertile represents alluvial deposits consisting of silt, clay, and sand. The area is rich in antiquarian remains is distinctive ashy white in color. It is an undulating plain of the Ganga basin. In this particular village, there is a mound that is popularly known as Jyothika Tila, onto which there are scattered remains of potsherds, terracotta toy figurines, brickbats and other artefacts of antiquarian value. During the exploration of the site two periods of occupation noticed through the visible section of the mound. One is Kushana and the other is of the Gupta phase. Red slipped pottery found in abundance over the site. There are few potsherds that are stamped found from this site. Besides this toy cartwheel, sprinkler and few iron slags too also find from this site. This site is dedicated to Kushana studies which encompass a broad span of time and space, from 2nd century B.C.E. to the 4th century C.E. A range of cultural material found from the surface. The small finds artifacts include a range of material types, particularly grinding stone fragments, dabber; terracotta toy figurines, etc.

Keywords: Ketuka Lachchi, Saran, Kushana, Gupta, Potsherds, Figurines.



Classification and Typological Analysis of the Ceramics from Golchehreh Palace in Torbat-e Jam plain

Maryam Zohourian (1) Mahboubeh Rahmat Zadeh (2)

(1)Assistant Professor of Archaeology, University of Birjand,

zohourian@birjand.ac.ir

(2)M.A. Student of Archaeology,

9913501009@birjand.ac.ir

Abstract

Golchehreh Palace is one of the archaeological sites of Greater Khorasan in Jam plain, 2 km southeast of Langar village, which has always been a suitable environment for settlements due to its favorable climatic and communication conditions. The presence of pottery and brick walls in this site points to richness and human settlements in this historical site. So far, this site has just been identified and introduced in the list of historical monuments. Therefore, it is necessary to study this very important site in Torbat-e Jam plain, which has not been addressed so far, and also to determine the date of its settlement. Accordingly, in this research, which is carried out in a descriptive-analytical way, it has been attempted to answer the following research questions: -1 According to the Ceramic chronology, what period does this site belong to? -2 With which regions has it had the most cultural communications? Therefore, after a systematic study of the site, 20 pieces of representative Ceramic were collected, classified and compared with Ceramic samples in neighboring sites in terms of the shape of rim, base, motifs, and type of glaze. The results of this study indicate that ceramic can be dated to Parthian-Sasanian periods to the Islamic period (4th to 8th centuries AH). Also, given the study of forms, motifs and type of glazing technique on pottery, it can be argued that this region has



had the most cultural connection with North Khorasan and Sistan region.

Keywords: Typology, Pottery, Golchehreh Palace, Torbat-e Jam.



An Analysis of the Location Process of Elamite Reliefs from a Landscape Perspective

Maryam Zohourian (1), Mohammad Amin Fooladi (2) Nima Ahmadi Sadi (3)

(1)Assistant Professor, Department of Archaeology, University of Birjand,

zohourian@birjand.ac.ir

(2)B.A. Student of Archaeology, University of Birjand,

mohammadaminfooladi1996@gmail.com

(3)B.A. Student of Archaeology, University of Birjand, nima.

ahmadi.sadi@gmail.com

Abstract

The ancient peoples, both in the prehistoric period and in the historical period in which writing and script appeared, have always tried to create meaningful motifs on various works in order to communicate their concepts, from among which reliefs are considered the most prominent. Meanwhile, the Elamite civilization is the first historical period of Iran, which established an independent and powerful government in southwestern Iran before the arrival of the Aryans, and also created large reliefs on the mountains and rocks to show their ideological and political concepts. Hence, analysis of each of these motifs can provide researchers with valuable information. However, what is important in this research, carried out using a descriptive-analytical method, is to examine the parameters of selecting the type of place or space to create such reliefs. So far, most researchers have only analyzed the content of the motifs and unfortunately have not dealt with the meaning-oriented state of their space or location, which is one of the main reasons for creating these reliefs. Since place



or space acts as a sign and helps to convey meaning, the space and place where the reliefs are created can be a bridge between the environment and human beings to communicate as many concepts as possible. Therefore, one of the achievements of this research, which is based on a landscape perspective, is the analysis of the meaning-oriented design and location process of the Elamite reliefs both subjectively and objectively.

Keywords: Elam, Reliefs, Landscape Perspective, Subjectivism, Objectivism.



Islamic Period

Methodical and Comprehensive Study of Archeology and Documentation of Atashgah site, Isfahan

Hadi Allahyari

(M.A. Student of Archaeology, University of Isfahan)

alahyarihadi8@gmail.com

Abstract

Atashgah site in Isfahan, located on the west side of the city and on the north bank of the Zayandeh Rood River, it has always been of interest to domestic and foreign viewers and tourists, and there are many descriptions of this building in histories, reports and travelogues. Despite the importance of this site, so far, no methodological archaeological study has been done in this area and most studies have been limited to restoration work on the building. In the present article, the author's archaeological researches in this area will be described in this article, we first describe the micro topographic documentation and mapping done with the help of UAVs in the Atashgah. In addition to the topography of the area, in the mapping, the spatial division of the architecture present in the area and the exact plan of the Atashgah are also specified by doing this documentation. In addition, it provides a platform for further archaeological research, it also makes it possible to better understand the architectural plan of the building so that a more accurate comment can be made about its function.

The second stage of the research is a comprehensive methodological archaeological study of the site. After landscaping, the data of each network were collected separately and studied further. At present, studies on about 2,000 pieces of pottery appear to have been collected this area has been used and exploited from historical times (probably Parthian) to the early Islamic centuries. The present research can determine to some extent the dating as



well as the use of this important building in the west of Isfahan.

Keywords: Atashgah, Isfahan, Archaeological Survey, Microtopographic Surveying, Zayandehrood.



A Re-examination of the Stucco Mihrab from the Pir Husayn Khanqah (14-13thcenturies, Hajiqabul, Qubalıbalaoglan, Azerbaijan)

**Ana Marija Grbanovic
(University of Bamberg)**

Abstract

The Shirvanshahi-era Pir Husayn khanqah is a unique case of syncretism of a Caucasian cut-stone-constructed for tiled ensemble, embellished with lustre tiles and carved stucco mihrab pertaining to the Iranian Ilkhanid artistic tradition. Its inscriptions, rich in information on patronage, construction and decoration interventions, attracted attention of Bartolomey, Dorn, Minorsky, Aslanapa, Rahimzadeh and Qiyasi, including a detailed study of lustre tiles by Kratchkovskaya. The dispersal of khanqah's lustre tiles and carved stucco mihrab into museum collections (Baku, Tbilisi, St. Petersburg, etc.) caused their de-contextualization. Dynastic (Shirvanshahiv. Ilkhanid) and territorial (Azerbaijan vs. Iran) divides distort their comprehension in the context of Islamic architecture. Although the khanqah's monumental stucco mihrab (National Literature Museum, Baku) was mentioned by Russian, Armenian and Azerbaijani scholars, it escaped the Iranian scholars' attention. Wilber's and Kratchkovskaya's mentions of the mihrab remain its only Western accounts. This paper proposes an art historical study of the mihrab, which scrutinizes its production, artistic techniques, religious and political function and its aesthetics. The mihrab production required the employment of Ilkhanid stucco craftsmen, similarly to the import of lustre tiles from Tabriz or Kashan. These craftsmen brought the Persian stucco tradition to Caucasus: they re-decorated the khanqah and modified its interior aesthetics. This political activity relates to the cases of Ilkhanid complexes at Natanz, Ardabil or Linjan: it illustrates



knowledge and craftsmen' mobility between the center of the Ilkhanid Empire and its hinterlands. The paper contributes information for better understanding of Ilkhanid architecture and architectural decoration, their function, meaning and aesthetics.

Keyword: Stucco, Mihrab, Pir Husayn Khanqah, Ilkhanid.



A Study in the Christian Community of Buin and Miandasht Based on Armenian Tombs: A Case Study of the Armenian Historical Cemetery in Hadan Village

Homayoun Momeni¹

Alamdard Alian²

Abstract

During the Safavid period, a large number of Armenians migrated to Iran for various political, security, and economic reasons, with the area known as the Great Frieden being the main destination of this population within the central plateau of Iran. The city of Buin Miandasht is one of the four cities of the region called Frieden the Great, which has several Armenian villages, one of which is the village of Hadan. The village of Hadan, which has a unique cemetery in terms of the abundance of white stones and the carved word of the grave owners, and finally the remarkable quality of the portraiture and carving of the people, is remarkable. The purpose of this study is to study the archeology of the mentioned community based on the tombstone designs of this Christian population. The research method is a combination of analogy and inference, and the data collection method is largely field and few libraries. The questions of this research are in fact focused on what information can be obtained from this cemetery and its motifs in its study about the society of this village. Most of the tombs belong to the Qajar period and represent the traditional Armenian dress from the penam in women to the cloak and overcoat in men, and most of the occupations of the gravediggers are agriculture, animal husbandry and militarism. The carved architectural elements on the tombstones, including the divorce of Tuizeh, columns, capitals, quadrangles, and Nusrat arches, are a combination of Byzantine, Christian, and Roman, Greek, Persian, and Islamic

1. Last degree; Graduate of Archeology, Shahid Beheshti University of Tehran, Homayon6690@gmail.com

2. PhD student in Archeology, Bu Ali Sina University of Hamadan and in charge of the Archeology Department of the General Directorate of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts of Isfahan Province, alian.alamdard@gmail.com .



art have been.

Keywords: Frieden the Great, Buin and Miandasht, Hadan village, Christianity, Armenian cemetery.



Introduction, Description and Research in Sangshir (Shirsangi) Cemeteries of Pishkuh and Poshtkuh Mogoei Areas of Fereydunshahr

Homayoun Momeni¹

Keivan Nasiri²

Abstract

The lion has long been a symbol of strength, courage and warfare, and this symbol among the Bakhtiari tribes of Iran-Zamin in the form of a tomb of visual figures in the form of a statue above the deceased appears that this person must be one of the elders and leaders of the Bakhtiari tribe to qualify. Have a lion stone placed on your grave. Most of the lion stones or in the local dialect of Iran Zamin Lion Board is concentrated in the provinces of Khuzestan, Chaharmahal and Bakhtiari and Lorestan, and Isfahan province with the focus on Fereydunshahr city with about 80 historical lion stones in most villages of Pishkuh and Poshtkuh Mogoi are neglected areas. The rest of this perspective is a study. The main lion stones are in the four villages of Bahramabad, Masir, Tarzeh and Dehno, which are mostly discussed in this study. The main purpose is to clarify the existential nature and characteristics unique or common to other rocks of other regions, and an attempt is made to answer questions such as style of construction and antiquity. The research method is analogy and the data collection method is based on field method. Variety in size, style, induction of statue, has been felt even in villages close to each other and the duration of the use of this tombstone has been from Safavid to Pahlavi, which seems to be some of the oldest tombstones of this type. They are in the country.

1: Last degree; Graduate of Archeology, Shahid Beheshti University of Tehran.
Homayon6690@gmail.com

2: Last degree; Graduated in Architecture, Islamic Azad University of Khomein.
K1.nasiri.2729138@gmail.com



Keywords: Bakhtiari, Sang Shir, Sang Sangi, Fereydunshahr, Pishkuh Mogoei, Poshtkuh Mogoei.



**Imamzadeh Ali Ibn Jafar Luster Ware Tiles built by Abu Taher Kashani
Family (Case Study of Samples in the National Museum)**

Fatemeh Shahidifar (1) & Mohammad Karimpour (2)

(1)M.A. in Archaeology, University of Tehran,

f_shahidifar@ut.ac.ir

(2)M.A. in Archaeology, University of Tehran, mohammad.

karimpour@ut.ac.ir

Abstract

The Lustre ware pottery from the 6th to 8th centuries was a popularity, which can be ascribed to the period of ilkhانate. With analysis of Lustre ware in addition to its technical aspects, the tiles can be re - read in terms of motifs and inscriptions. The set of tiles examined by the tomb of Imam zadeh Ali ibn jafar against it was in the beginning of the 8th A.H. The tiles are used in Equilateral arch, the wall, the sacred tomb, the altar, the northern portico, and the entrance port, each of which belongs to different historical periods. The tiles are studied with a different look from its apparent shape. this study tries to understand the social conditions and conditions of that period; one of the ways that helps us to re-read the conditions of the ilkhانate era, is the reading of lustre ware Inscription, which directly and indirectly gives us information about it. Abstract the analysis of lustre ware made in kashan workshops, which is produced in a vast majority, can help us reconstruct the ilkhانate era society.

Keywords: Ilkhanate, Lustre Ware, Kashan, Inscription, Imam Zadeh Ali ibn Jafar.



Archaeological Sciences

Child Education and Social Misbehave (Case study: Children and Conservation of Natural and Cultural Heritage)

Farnoush Bolvardi (1) & Mostafa Dehphlavan (2)

(1)M.A. in Archaeology, University of Tehran,

farnosholvardi@ut.ac.ir

(2)Assistant Professor of Archaeology, University of Tehran,

mdehpahlavan@gmail.com

Abstract

Archaeology is the research and study of cultural materials and remnants of the old societies. It aims to understand mutual experiences in human beings and use them in solving modern day problems. We believe the past, if built on natural and cultural heritage, can lighten our future. Today this heritage is being ruined due to our ignorance and valuable and unrepeatable treasure is getting destroyed by those who only think about their profit. A major group usually overlooked in cultural and natural heritage protection are kids. Childhood has a crucial role in human life as it is the most influential stage in shaping character. Child upbringing consists of providing opportunities filled with knowledge, information, thinking skills, encouragement, questioning, doing basic research and development of child's personal abilities. Kids are interested in archaeology and natural and cultural heritage and can affect how adults perceive these matters. Teaching archaeology and natural and cultural heritage to children not only helps form a well-informed society but also educates their guardians indirectly. This study, making use of child psychology analysis and the basis of natural and cultural heritage conservation, yielded that correct upbringing of children in the sense of conservation is among the best, most influential and most important methods, since revising the perception of society today will



inevitably lead to the natural and cultural heritage conservation, raising the maturity of future generations and guarantee the safeguarding of heritage in every country.

Keywords: Cultural Heritage Conservation, Archaeology, Children, Education.



Effective Factors on Pastoralism Routes in Hamadan Region in Prehistory According to the Ethno Archaeological Approaches

Fatemeh Ershadi

(M.A. in Archaeology)

ershadi.fatemeh@yahoo.com

Abstract

In this research, we try to study all the tribal ways to the components that are important in determining the routes for today's tribes, in order to determine the course of the ancient nomadic people (especially prehistoric people) during the migration. Meanwhile, we determined the priority of the components for the tribes to find these components with the approach of the archaeological people and using ethnographic data. By separating two important routes that belong to the Lak language and Turkic tribesmen complex in the province of Hamedan, we searched for the use of ancient migrants from these paths by finding ancient sites on the paths of the roads. By locating these components into other possible paths from Hamedan to the south, we found that they were used by other nomadic groups, which by comparing the priorities considered by the tribes using these paths to the outcome of the reasons for choosing the route which achieved by tribes. In identifying the reasons for choosing routes by tribes, the author encountered many plains, straits, mountains and rivers that were very influential in determining the quality of arrows; therefore, a summary of the situation, the importance and the manner in which the tribes had to overcome these complications.

Keywords: Migration, Ethno Archaeology, Tribe, Hamedan.



Between the Mountain and the Plain. A Case study of Remote-Sensing Analysis from the Area of Izeh (Khuzistan, Iran)

Francesca Giusto (1) & Enrico Foietta (2)

(1) PhD Candidate of Archaeology, University of Turin, franci.

giusto@tiscali.it

(2) Post-Doctoral Researcher, University of Turin, enrico.

foietta@gmail.com

Abstract

The study area is located in the central-western area of the Zagros, in the upper basin of the Karun. The work presented here focused on the plain of Izeh and the surrounding mountains, in north-eastern Khuzistan. The plain of Izeh is rich in important archaeological occurrence, such as the sites of Kul-e Farah and Shikaft-e Salman, and has been densely settled almost continuously from the prehistoric period to modern times. The adjacent mountains are giving back several testimonies of the human presence in the area as well, such as the sanctuary of Shami. The way of conducting a remote-sensing analysis in archaeology clearly depends on the characteristics of the landscape. Archaeological landscape studies focused in the past mainly on plain areas, while few researches regarded highlands. Our research area is characterized by different natural features, such as mountain slopes, valleys, highlands, and intermontane plains having a spatial close relationship. This study tries to highlight peculiarities and similarities of how the archaeological features are detectable on satellite imagery for different kind of landscapes. New studies on landscape archaeology are stressing the economic, political, strategical and cultural importance of apparently marginal areas too. A 'holistic' study of the territory evaluating the different ecological niches allow to better understand



how man occupied a specific ancient territory and exploited its natural resources. The study is based on the interpretation of different kinds of imagery, such as cartography, satellite images and digital elevation models as well as on published and unpublished surveys and excavation data.

Keywords: Landscape Archaeology, Izeh, Remote-Sensing Analysis, Highlands, Plains.



An Overview on Pottery Classification: Necessities, Lacks, features

Mehdi Kheirmand Parizi (1) & Mohammad Amin Fooladi (2)

(1)B.A. Student of Archaeology, University of Birjand, mahdi.

kh.parizi@gmail.com

(2)B.A. Student of Archaeology, University of Birjand,

mohammadaminfooladi1996@gmail.com

Abstract

Pottery has long been one of the most important findings of archaeological field works. This finds has many features and information, and archaeologists have always tried to use the best and most comprehensive method to organize pottery information. Extend, durability and the ability to date are all of part of the cases that indicate the need to classify pottery and extract the maximum available information, relying on high accuracy to achieve near realistic analysis in archaeological publications. Due to this issue, the lack of a comprehensive method of letter has always caused the interference of taste, scattering of concepts, distortion of reality. What is common form the classification of pottery in today's articles may not cover all aspects of pottery information, deals with some general information, use terms, generally without a precise definition, or use an erroneous method to question the accuracy of the information. Certainly, a proper classification as far as possible, includes all angles, such as form, type, color, design, etc. in a comprehensive, clear and concise way, and its tries to record information very well by accurately and comprehensively describing a collection of pottery and presenting statistical analyze. In this article, the authors will use the method of comparison and analysis and its information has been collected in the form of library studies. The authors will deal with the important position and characteristics of this cultural materials, and then try



to examine the principles and generalities of an acceptable classification by looking at the common classifications.

Keywords: Pottery, Classification, Record, Pottery Types.



Investigation and recognition of applied geometry in historical houses of Khoosf city

Soheila Khosravi Tanak (1) & Hasan Hashemi Zarjabadi (2)

(1) M.A. Student of Archaeology, University of Birjand, skhosravitnk@gmail.com

(2) Associate Professor of Archaeology, University of Mazandaran, Babolsar,

h.hashemi@umz.ac.ir

Abstract

Khoosf is one of the eastern cities of South Khorasan province, which has always been considered by the governments of the time due to its suitable climatic conditions and being on the network of trade routes. The historical context of Khoosf city which belongs to the Qajar period, provides a valuable study example for investigation and studying of residential architecture of this period on the edge of the desert. One of the important elements and decorations used in the historical houses of Khoosf is "Karbandi", in which the architects have used applied geometry with a special measurement. In the present research, the authors try to introduce and recognize the application of geometry in the implementation and construction of karbandi through analytical-descriptive research method and by using collection tools, field observation and documentation. The result of the research indicates that the architects of Khoosf historical houses have used karbandi as a decorative and functional element in covering the entrances, and they are all of the entrances, and they are all of the Akhtari and Rasmi type.

Keywords: Karbandi, Geometry, Khoosf, Historical houses, Module.



Preservation, Restoration and Structural Importance of Historical Pottery

Sima Mehrjouyan

(M. A. Student of Archaeology, University of Birjand) simamehrjoyan@gmail.com

Saman farzin

(Assistant Professor of Archaeology, University of birjand)

Abstract

The development of archaeologists' knowledge in recent decades and the expansion of research in this field with the help of archeology and physical and chemical methods, helps restorers to identify the compounds used in antiquities to provide detailed information on the chemical composition of materials before conservation and restoration measures. Go to get a monument. Technological study of historical artifacts to answer their structural questions, conduct experiments, to identify structural, fuzzy and identify minerals in pottery paste and compare geological features to understand whether they are native or non-native. Therefore, in order to know the simple use of materials, it is necessary to know the characteristics of the materials used in historical works by conducting typological studies (in order to know the macroscopic properties used in historical works such as: dimensions, texture, colors and temper). And technology and pathology with experiments to determine the percentage of moisture, determine the total specific surface area of the soil and determine the mineralogy by XRD method.

The purpose of this study is to investigate the importance of XRD method to identify the crystalline texture in the sample to match the clay paste to understand whether they are native or non-native for appropriate conservation



and restoration measures. The result of this research is to provide a method of preparing a database of historical pottery to select and produce suitable samples for conservation and restoration measures by measuring the visual properties of cultural materials.

Keywords: Archeology, Conservation, Restoration, Typology, Technology.

Some Remarks on the Using of Historical Texts in Paleoethnobotany

Ashkan Pouryan
(PhD in Archaeology)
apooryan@ut.ac.ir

Abstract

Historical texts are a vital source of information for archaeology and paleontology. In this regard, texts are compelling guides to plan research procedures and also powerful tools for interpreting data accumulated through fieldwork. Despite this, the sheer amount of written documents, choosing suitable methods for data extraction, and difficulties in data qualification are always a challenge for both historians and archaeologists. Choosing from a variety of available texts, validating information, collating resources, cross examining data from fieldwork with ones accumulated from texts, and solving intricate problems inherent in ancient styles of writing and description, are some of the major challenges that natural historians face when using historical texts. In this paper, we try to clarify some of these difficulties in the case of botany and especially paleoethnobotany. To achieve this goal, we, at the outset, will look at the varied levels and ways in which botanical information was described in different types of written documents. Then, considering the discursive gap between the ancient texts and modern botany, the methods and skills needed to read written resources and to organize, classify, and analyze information extracted from them, will be put to discussion.

Keywords: Historical texts, Botany, Paleoethnobotany, Plant species.



valuating the Effects of Archeology and Tourism on Culture-Based Development and Interaction (Case Study of East Hormozgan City)

Mohadese Raeesifar (1) and Farid Ahmadzadeh (2)

(1)PhD Candidate of Archaeology, Art University of Isfahan,

mohadese.raeesifar73@gmail.com

(2)PhD in Archaeology, University of Tehran, farid.

bastan123@gmail.com

Abstract

Assessing the effects of archeology and tourism and culture-based development and interaction is one of the most important goals of researchers and scholars in this field because historical sites that have a precious treasure of history and culture of society, important goals in attracting They are considered tourists. Tourism, especially cultural tourism, can bring new windows of knowledge, development and sustainability for communities. This article intends to introduce the sites and historical monuments of Bashagard region, to provide solutions to revitalize these historical sites for tourism development. The effects of archaeological tourism are both positive and negative, both of which should be studied in analyzing its effects on the host community. In fact, the cultural and social effects of tourism are among the most important considerations for tourism development in any region, especially in historical areas. The cultural impact between the host and guest community is very high and has been less explored in scientific circles. This type of tourism, the introduction of which depends on the existence of cultural monuments and attractions, is called cultural-oriented tourism, because there are many ancient and cultural tourism monuments in Bashagard region, therefore, the purpose of this study is to evaluate the effects. The research method is descriptive-analytical and the data



collection in this research is field type and through the visits of the research team. Therefore, it can be said that the development of tourism archeology in the study area has profound effects on socio-cultural changes and development and cultural interaction.

Keywords: Archeology, Tourism, Development, Culture Oriented, Bashagard.



Study and Analysis of Visual Semantic-Semiotic School in Semanalysis and Reading of Ancient Motifs

Maryam Zohourian (1) and Saman Farzin (2)

(1)Assistant Professor of Archaeology, University of Birjand,

zohourian@birjand.ac.ir

(2)Assistant Professor of Archaeology, University of Birjand,

farzin@birjand.ac.ir

Abstract

The motifs remained of the ancient times do not only denote the mere encounter of the viewer with beauty of the work, since depiction of these motifs is derived from the discourse space of those times and carries a different concept. Therefore, in order to analyze the political, religious, and social contexts of each period it is necessary to read the meaning of motifs in their own discourse space rather than the mere symbolism and generalization of a single meaning to the whole ancient times. The school of visual semantics-semiotics is derived from semiotic schools and analyzes and reduces all the elements in an image and then by making connections among the components engages in a kind of reading that leads to the discovery of meaning. The purpose of this descriptive-analytical research is to study the visual semantic-semiotic school and analyze the theories proposed by scholars such as Roland Barthes, Umberto Eco, Greimas and Shairi, so that a methodical framework can be provided to read ancient motifs, as the main subject of visual semiotics is the recognition of hidden structural relationships in the image that leads to the production of meaning, and this in turn can be a useful tool to analyze the discourse space. Given the fact that from the prehistoric period to the Islamic period we see many motifs depicted on vessels, stuccos, rock reliefs, etc. In most of which the absence of



text is seen, in order to understand the meaning and reasons for drawing these motifs, it is necessary to use a method appropriate for this purpose.

Keywords: Semiotics, Visual Semantics, Ancient Motifs, Discourse Space.



Study and Analysis of Visual Semantic-Semiotic School in Semanalysis and Reading of Ancient Motifs

Maryam Zohouriyān (1) and Saman Farzin (2)

(1)Assistant Professor of Archaeology, University of Birjand

zohouriyān@birjand.ac.ir

(2)Assistant Professor of Archaeology, University of Birjand

farzin@birjand.ac.ir

Abstract

The motifs remained of the ancient times do not only denote the mere encounter of the viewer with beauty of the work, since depiction of these motifs is derived from the discourse space of those times and carries a different concept. Therefore, in order to analyze the political, religious, and social contexts of each period it is necessary to read the meaning of motifs in their own discourse space rather than the mere symbolism and generalization of a single meaning to the whole ancient times. The school of visual semantics-semiotics is derived from semiotic schools and analyzes and reduces all the elements in an image and then by making connections among the components engages in a kind of reading that leads to the discovery of meaning. The purpose of this descriptiveanalytical research is to study the visual semantic-semiotic school and analyze the theories proposed by scholars such as Roland Barthes, Umberto Eco, Greimas and Shairi, so that a methodical framework can be provided to read ancient motifs, as the main subject of visual semiotics is the recognition of hidden structural relationships in the image that leads to the production of meaning, and this in turn can be a useful tool to analyze the discourse space. Given the fact that from the prehistoric period to the Islamic period we see many motifs depicted on vessels, stuccos, rock reliefs, etc. In most of which the absence of text is seen, in order to understand the meaning and reasons for drawing these motifs, it is



necessary to use a method appropriate for this purpose.

Keywords: Semiotics, Visual Semantics, Ancient Motifs, Discourse Space.





Collection of abstracts of
**Eighth young archeologists
international conference**

By

Majid Montazer Zohouri

